

حضرت ولی امرالله

طراح

نقشه‌های تبلیغی

اثر

علی نخجوانی

آکوتو، ایتالیا، ۲۰۰۵

دباجه

دوره ثانی، که در ماه فوریه سال ۲۰۰۵، تحت توجّهات مشاورین قاره اروپا و محفل روحانی مّلی ایتالیا در آکوتو تشکیل شد، به موضوع نقشه های تبلیغی حضرت ولی امرالله اختصاص داشت. متجاوز از ۹۰ جوان بهائی از ۲۵ کشور اروپا در این دوره شرکت کردند.

ما در شش جلسه، گاه شماری وقایع را مورد بحث قرار دادیم، و به طور اخصّ به روشی پرداختیم که حضرت ولی امرالله در پرورش تشکیلات امریه به کار می بردند تا نقشه های تبلیغی را تدوین نمایند و به مورد اجرا گذارند، و به این ترتیب برای افتتاح جهاد کبیر تاریخی و بی نظیر ده ساله آن حضرت، که اوج و "اعلی صنّع ید" مبارکش در دوران قیادت پر جلال و شکوه هیکل اطهر بود، خود را آماده سازند.

امید آن که مطالب جمع آوری و عرضه شده در این دوره، در درکی عمیق تر و برداشتی ژرف تر نسبت به نبوغ بارز و متمایز حضرت ولی محبوب امرالله و قیادت و هدایت موهوب به الهامات الهیه ایشان، که بهائیان عالم را برای پیشرفتی مصمّم در مسیری که در آثار حضرت بهاءالله برای آنها پیش بینی شده بود، هدایت فرمودند، ممدّ احوال احبّای الهی باشد.

علی نخجوانی

محتوای این کتاب

۴	۱- دو زمینه اصلی ولایت امرالله
۲۲	۲- الواح نقشه تبلیغی. مکان و زمان صدور و اقالیم مذکور در آنها
۲۷	۱-۲ ضرورت امر تبلیغ
۲۸	۲-۲ روش های تبلیغ و انتشار مؤثر امرالله
۳۰	۳-۲ صفات روحانی نفوسی که تبلیغ می کنند
۳۱	۴-۲ نگرش های مهم فردی احباء
۳۴	۵-۲ امر الهی در عالم
۳۴	۶-۲ فرد در جامعه
۳۶	۷-۲ امکانات بالقوه کشورها و جمعیت های معین
۳۶	۸-۲ حیات بهائی و قوه تأییدات الهی
۴۰	۹-۲ ادعیه
۴۴	۳- ادوار زمانی: از اکوار تا عهد
۵۹	۴- نقشه های قبل از جهاد کبیر روحانی دهساله
۶۰	۱-۴ اولین نقشه هفت ساله (آمریکای شمالی)
۶۴	۲-۴ دومین نقشه هفت ساله (آمریکای شمالی)
۷۳	۳-۴ نقشه های جانبی و فرعی
۷۷	۴-۴ تفصیل نقشه های جانبی و فرعی
۷۷	استرالیا و زلاند نو
۷۸	جزایر بریتانیا
۷۹	مصر و سودان
۷۹	آلمان و اتریش
۸۰	هند، پاکستان و برمه
۸۱	عراق
۸۲	ایران
۸۴	۵-۴ تفصیل نقشه های جانبی
۸۴	کانادا
۸۵	آمریکای مرکزی و جنوبی

- ۸۶ ۴-۶ اظهارات تشویق آمیز حضرت ولی امرالله در پایان نقشه‌ها
- ۸۷ ۴-۷ ضمیمه، بخش یک: اهداف نقشه‌های ملی هم‌زمان
- ۹۰ ۴-۸ ضمیمه، بخش دو: اهداف نقشه‌های ملی جانبی
- ۹۱ **۵- افتتاح جهاد کبیر روحانی دهساله**
- ۹۱ ۵-۱ روشی که حضرت ولی امرالله افتتاح نقشه دهساله را پیش‌بینی می‌فرمودند
- ۹۱ ۵-۲ ماهیت و ابعاد هدایات حضرت ولی امرالله تقریباً تا نیمه راه جهاد
- ۹۹ **۶- جهاد کبیر روحانی دهساله شروع می‌شود**
- ۹۹ ۶-۱ بیست و هفت هدف نقشه دهساله
- ۱۱۱ ۶-۲ نمونه‌هایی از اهداف تکمیلی
- ۱۱۲ ۶-۳ نقشه‌های فرعی ملی و اهداف تبعی افزوده شده به اهداف جهاد
- ۱۱۴ ۶-۴ جهاد روحانی دهساله - پایان پرشکوه و جلال قیادت حضرت ولی امرالله
- ۱۱۶ ۶-۵ پیامهای حضرت ولی امرالله به محافل ملی در شش ماههٔ اخیر حیات عنصری ۱۱۶
- ۱۲۰ ۶-۶ اهمیت نقشه دهساله آنچنان که حضرت ولی امرالله در جریان تکامل امر مبارک و عالم انسانی مشاهده می‌فرمودند.
- ۱۲۸ کتابشناسی
- ۱۳۰ ضمائم از شماره ۱ تا شماره ۵

دو زمینه اصلی ولایت امرالله

برای مرور و بررسی وقایع مرتبط با حیات حضرت ولی امرالله و، به طور اخص، تحولاتی که با مراقبت دقیق ایشان رخ داده و نتیجه ابتکارات ایشان در طی سی و شش سال ولایت امرالله بوده، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. البته، بهترین بررسی این سی و شش سال همانا حکایت عالی و بی نظیری است که امة البهاء روحیه خانم در کتابشان گوهر یکتا مرقوم فرموده‌اند.

حضرت شوقی افندی، در طی اولین سالهای قیادت خود، می‌بایست مقام و موقف خود را در دنیای خارج و نزد اولیاء حکومت در ارض اقدس، و با در نظر گرفتن حملات ناقضین میثاق، تثبیت فرمایند. این ناقضین میثاق امیدوار بودند بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، مدعی تولیت اماکن مقدسه بهائی شوند. حضرت ولی امرالله می‌بایست حق قانونی بهائیان نسبت به مالکیت و تولیت بیت مقدس اعظم در بغداد را نیز در نظر حکومت آن ارض و مآلاً در سطح بین‌المللی، تحت نظارت دقیق مجمع اتفاق ملل، تثبیت فرمایند. بلا تردید ایشان بر این نکته نیز واقف بودند که باید ترجمه‌های معتبری از چندین جلد از آثار حضرت بهاءالله، و نیز میزان کافی از محتوای تاریخ نبیل را به انگلیسی برای دنیای غرب فراهم آورند. بعلاوه، در بهجی، اراضی حول روضه مبارکه می‌بایست از وجود ناقضین میثاق تطهیر می‌شد، و در حیفا ایشان باید اراضی مجاور مقام مقدس حضرت ربّ اعلی را، قطعه‌ای بعد از قطعه دیگر، مجدداً خریداری می‌فرمودند. در جای دیگر در شرق، باید اطمینان می‌یافتند که اماکن مقدسه اصلی در ایران و در ترکیه، و نقاط تاریخی در این کشورها که به وقایع دوران عصر رسولی امر مبارک مربوط می‌شد، در تملک امر در می‌آمد. هیکل مبارک می‌بایست با بیان منظر و دیدگاه حضرت بهاءالله برای تولد مدنیت بهائی که هنوز پای به جهان ننهاده بود و با جواب به نیازهای احباء و عامه ناس به تاریخ معتبر، تحلیلی و تأمل‌انگیز وقایع عصر رسولی و ارتباط آنها با تکامل عصر انتقال، ادبیات امر را از غنای بیشتر برخوردار می‌ساختند.

اما، از کلیه مسئولیت‌های گوناگونی که در مقابل روی آن حضرت قرار داشت، دو زمینه اصلی آن دارای خصیصه تشکیلاتی و، مسلماً، جوهر و اصل اهداف و مقاصد ظهور حضرت بهاءالله بود. این دو زمینه ریشه در سه منشور داشتند، یعنی لوح کرمل نازله از کلک اطهر حضرت بهاءالله، الواح مبارکه وصایا صادره از قلم حضرت عبدالبهاء و الواح نقشه‌های تبلیغی که خطاب به جامعه بهائی آمریکای شمالی از یراعه مرکز میثاق عزّ صدور یافت. دو منشور اول به ایجاد چارچوب نظم جهانی آتی حضرت بهاءالله

مربوط می‌شد، در حالی که سومین مورد صلاهی مرکز میثاق برای انتشار امرالله و هدایت آن به فتح و ظفر روحانی ارض بود. این دو زمینه ارتباط متقابل دقیق و نزدیکی با هم داشتند، زیرا از طرفی انتشار امرالله بدون ساختار کافی اداری برای هماهنگی و هدایت فعالیت‌های گوناگون آن نمی‌توانست تداوم یابد و از طرف دیگر، اگر پیشرفت در میدان تبلیغ به طور مستمر تداوم نمی‌یافت، نفس وجود نظمی اداری را که به نحوی صحیح عمل کند نمی‌شد توجیه کرد.

این دو رشته فعالیت امری می‌بایستی به نحوی منظم و مدوّن پیش برود، به موازات همدیگر عمل کنند و عملیات مربوطه را تقویت نمایند. رشته اوّل عبارت از هدایت عالم بهائی به سطحی از کفایت و قابلیت بود که قادر به تحمل ثقل مؤسسه موعود در رأس نظم اداری، یعنی بیت‌العدل اعظم، گردد. دومین رشته موازی عبارت از تمهید طرق و وسائلی برای اجرای منویات حضرت عبدالبهاء بود که هیکل میثاق در الواح جاودانی نقشه تبلیغی بیان فرموده‌اند.

در این مقدمه‌ای که در معرفی موضوع مطرح می‌شود ابتدا به طور مختصر ملاحظه خواهیم کرد که حضرت ولی امرالله چگونه با صبر و شکیبایی تشکیلات نظم اداری را بنا فرمودند و آنها را به کفایت و قابلیت مجهز کردند که مسئولیت اجرای شرایط مذکور در الواح نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء را به عهده بگیرند.

حضرت ولی امرالله در دیباچه کتاب قرن بدیع نقش حیاتی را که ولایت امرالله از ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۴ در شکل دادن و اجرای تعالیم امر مبارک ایفا نمود توصیف می‌فرمایند. آنچه که ایشان در این باب فرمودند به بهترین وجه در کلام خود ایشان منعکس است:

احکام و تعالیم که در آغاز امر نظر به مصالح و حکم غیبیه الهیه شدید و غلیظ و صعب‌الوصول بود، در اثر ظهور متعاقب الهی تجدید گردید و روح جدید حاصل نمود و از آن پس به وسیله مبین منصوص بسط و انتشار بی‌پایان پذیرفت و عزت و شهرت فراوان به دست آورد و بالاخره تحت انتظام و اصول مخصوص در آمد و بین افراد و مؤسسات بهائی در شرق و غرب به نحو عموم به مورد اجرا گذاشته شد. (قرن بدیع، ص ۳۴)

مراحل چهارگانه مذکور در عبارت فوق به وضوح به حضرت ربّ اعلی، حضرت بهاءالله اشاره دارد که بعد از آن دوره حضرت عبدالبهاء بود و سپس به اقداماتی اشاره دارد که نفس حضرت ولی امرالله انجام دادند.

در بیانی که فوقاً بدان اشاره رفت، مشاهده می‌کنیم که حضرت ولی امرالله آن را نقش ولایت خود نه تنها برای هدایت عالم بهائی جهت اجرای تعالیم، احکام و حدود مذکور در آثار بهائی در سطح جهانی تا بدان حد که کفایت و شرایط جوامع بهائی اجازه می‌داد، بلکه توان بخشیدن به احباء برای اجرای این تعالیم در فعالیت‌های تشکیلات نظم اداری - تشکیلاتی که تازه رسماً تأسیس شده و مقدر بود، در آینده دور، وسائلی نیرومند در بنای جامعه متحد جهانی بهائی گردند، تلقی می‌کردند.

در موضوع اجرای تعالیم در مورد آحاد احباء، تا آنجا که حکمت اجازه می‌داد، ملاحظه می‌کنیم که حضرت ولی امرالله نمازهای سه‌گانه را ترجمه فرمودند و بر اهمیت این ترقی روحانی آحاد احباء تأکید فرمودند. همچنین توضیحات ایشان بر تفصیلات اساسی مربوط به وجوب روزه، اهمیت تک‌همسری، رعایت ایام متبرکه بهائی و لزوم تعلیق اشتغال در چنین ایامی، وجوب احتراز از شرب مسکرات، اعتیاد به مواد مخدر و کلیه اشکال مفسد جنسی و غیره را ملاحظه می‌کنیم.

آخرین بخش بیان حضرت ولی امرالله که در بالا نقل شد، ارتباطی مستقیم با موضوع بحث ما دارد، یعنی اجرای تعالیم مبارکه در اصول و رهنمودهایی که باید حاکم بر عملکرد تشکیلات بهائی باشد. در ایام حیات عصری حضرت بهاءالله و حتی بعد از آن، در ایام قیادت حضرت عبدالبهاء، مفاهیم ضمنی جمله مذکور در کتاب مستطاب اقدس (نگاه کنید به بند ۱۸۱) در مورد نظم جهانی، که، در ترجمه حضرت ولی امرالله عبارتی ساده و روشن از کتاب اقدس است، به وضوح درک نشد. در واقع، آیه مزبور به غلط برداشت شد زیرا محققین امر مبارک آن را به عنوان اشاره‌ای به محتوای کتاب مستطاب اقدس و قالب نزول آیات آن تلقی کردند.

به یمن عنایات حضرت ولی امرالله و ترجمه ایشان از آیه مزبور به زبان انگلیسی، که در سال ۱۹۳۴ در "دور بهائی" درج گردید، احباء متوجه شدند که مفاهیم پیشین نادرست بوده است. ترجمه ایشان به این صورت است:

The World's equilibrium hath been upset through the vibrating influence of this most great, this new World Order. Mankind's ordered life hath been revolutionized through the agency of this unique, this wondrous System – the like of which mortal eyes have never witnessed (World Order of Baha'u'llah, p. 146)¹

¹ توضیح مترجم: چون جناب نخجوانی بر ترجمه حضرت ولی امرالله تأکید دارند، مضمون آن به فارسی نقل می‌گردد: "تعادل عالم در اثر تأثیرات تکان‌دهنده این نظم اعظم و بدیع جهانی دچار اختلال شده است. حیات منظم و مرتب نوع بشر در اثر این نظام بی‌نظیر و شگفت‌انگیز - که هیچ چشم فانی ابداً نظیر آن را مشاهده نکرده، به کلی متحول گردیده است."

اشارات حضرت بهاء الله به مؤسسه بیت العدل، در سطوح بین المللی، ملی و محلی عموماً به عنوان صرفاً عباراتی در تمهید مراکز لازم برای اجرای امور جامعه تلقی گردید. دیدگاه حضرت ولی امرالله متفاوت بود. هیکل مبارک این مؤسسه را، در سطح بین المللی، به عنوان قبه، در سطح ملی به عنوان ارکان و ستونهای نگهدارنده قبه، و در سطح محلی به عنوان شالوده‌هایی که این ارکان مقدّر بود بر پایه آن قرار گیرد، مشاهده می‌فرمودند. مضافاً، سلسله مراتب می‌بایستی، همانطور که به وضوح در الواح وصایای حضرت مولی‌الوری بیان شده، از طریق انتخابات توسط آحاد مؤمنین به حیث شهود آید. بعلاوه، این رشته فعالیت تشکیلاتی، همانطور که در سند مزبور نیز تصریح شده، می‌بایستی دارای همتایی از افراد انتصابی باشد که در وهله اولی به صیانت و تبلیغ امرالله بپردازند.

تأمل و تعمق در چنین نظامی، که امروزه در جامعه بهائی در زمره دانش عمومی و عادی محسوب می‌شود، در دوران قیادت حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء، بالمره در اذهان احباء وجود نداشت. آنها، در حالی که سوار بر چهارپایان یا گاری‌هایی که با اسب کشیده می‌شد در جاده‌های خاکی سفر می‌کردند، باید در تفکرات خود در مورد آتیه امر مبارک از خود پرسیده باشند که چه وقایع فوق طبیعی می‌بایستی اتفاق بیفتد تا جوامع بهائی در اقالیم متفرقه شرق، و بعدها در اروپا و آمریکای شمالی، را متحول ساخته به صورت وسائلی برای تحقق مقصد الهی برای نوع بشر در آورد.

حضرت عبدالبهاء، قبل از صعود از عالم عنصری، برای یاران توضیح داده بودند که قیادت ایشان مانند روی عروسی بود اما بعد از ایشان زمان تأسیس خانه‌ای منظم و مرتب فرا خواهد رسید.^۲ ایشان همچنین در یکی از الواح خود، به صعود هیکل مبارک اشاره فرمودند، و حضرت ولی امرالله، در "دور بهائی" به وضوح اظهار می‌دارند که قصد حضرت عبدالبهاء آماده ساختن احباء برای برپا کردن نظم اداری بوده که با الواح وصایای ایشان تأسیس گردیده بود. بیان هیکل مبارک چنین است:

لاتخافی اذا قطع هذا الغصن من ارض الناسوت إن تسقط الوراقات بل تثبت الوراقات لأن هذا الغصن ينمو بعد القطع من الأرض و يعلو حتى يظل على الآفاق و تصل اوراقها الى الأوج الأعلى و يثمر بثمرات معطرة للآفاق. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۰۶ / فقره ۲۳۴)^۲

مأخذی که در بالا به آن اشاره شده صفحه ۲۴ دور بهائی است که آیه کتاب اقدس "قد اضطرب النظم من هذا النظم الأعظم و اختلف الترتیب بهذا البديع الّدی ما شهدت عين الإبداع شبهه" نقل گردیده است.

^۲ نگاه کنید به نجم باختر، سال دوازدهم، شماره ۱۲، ص ۱۹۴

^۳ توضیح مترجم: جناب نخجوانی از کتاب دور بهائی نقل کرده‌اند؛ اما در دور بهائی (ص ۷۸) مضمون بیان حضرت عبدالبهاء آورده شده است. لهنذا، از منتخبات مکاتیب نقل گردید.

برای توضیح صبر و شکیبایی حضرت ولی امرالله در تعلیم احبّاء جهت درک و کاربرد اصول نظم اداری، نگاهی به مؤسسه ضیافت نوزده روزه بیاندازیم. در طول عصر رسولی، وظیفه توسعه مهمان‌نوازی در هر نوزده روز یک مرتبه عموماً چنین برداشت می‌شد که در مورد آحاد احبّاء کاربرد دارد، زیرا نظم اداری هنوز متولد نشده بود. بعلاوه، حضرت عبدالبهاء اهمّیت تلاوت ادعیه و آثار مبارکه در ضیافت نوزده روزه را که در منازل افراد تشکیل می‌شد، بر آن افزودند. لذا، سالها در ایران، بهائیان از غیربهائیان برای حضور در ضیافت نوزده روزه و استماع آثار مبارکه دعوت می‌کردند. ضیافت نوزده روزه، همانطور که می‌دانید، در کتاب بیان ذکر گردید، و متعاقباً در کتاب اقدس مورد تأیید و تصویب واقع شد، و در دوران حضرت عبدالبهاء مورد شرح و بسط بیشتر قرار گرفت. کلّ تاریخ این مؤسسه به ما کمک می‌کند جریاناتی را که در عالم بهائی واقع شد دنبال کنیم. همانطور که در دیباچه قرن بدیع ذکر شده، حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که یکی از وظائف ولی امرالله اجرای تعالیم مبارکه مربوط به افراد در مورد تشکیلات است. به این ترتیب، با تولّد نظم اداری، حضرت ولی امرالله، کمتر از شش ماه بعد از شروع عصر تکوین، این نکته را روشن فرمودند که این شرط مذکور در مجموعه احکام بهائی برای تشکیلات نیز واجب است. محفل محلی در هر نقطه‌ای اکنون رسماً مسئول است که ضیافت نوزده روزه را، با سه جزء تشکیل دهنده‌اش، یعنی قسمت روحانی، قسمت اداری و قسمت اجتماعی، در حوزه تحت حاکمیتش منعقد سازد.

در رابطه با تشکیل ضیافت نوزده روزه، تحوّل بسیار جالب در ایران رخ داد. ضیافت‌هایی که در زمان حضرت عبدالبهاء تشکیل می‌شد، همانطور که در بالا به آن اشارتی رفت، عموماً توسط احبّاء در بعضی روزهای هفته تشکیل می‌شد و از غیربهائیان هم دعوت می‌کردند که در آن حضور یابند. با شروع عصر تکوین، حضرت ولی امرالله هدایت فرمودند که ضیافت نوزده روزه از آن به بعد مرجحاً روز اوّل هر ماه بهائی و تحت حاکمیت و هدایت محفل روحانی محلی تشکیل شود. احبّای ایران از حضرت ولی امرالله طلب هدایت کردند که آیا غیربهائیان هنوز هم می‌توانند شرکت کنند و، در آن مراحل اولیه نظم اداری در ایران، هیکل مبارک احساس کردند که غیربهائیان می‌توانند همچنان در ضیافت حضور یابند.

بعدها، با تأسیس و توسعه نظم اداری در ایالات متّحده و کانادا، حضرت ولی امرالله سه قسمت برنامه ضیافت را توضیح دادند و توصیه فرمودند که جلساتی از این قبیل فقط برای بهائیان باید باشد.

اواسط دهه ۱۹۳۰ هدیاتی که به غرب عنایت شده بود به ایران نیز واصل شد، و به این ترتیب هدایت حضرت ولی امرالله یک مرتبه دیگر استدعا شد. در آن زمان بود که هیکل اطهر فرمودند که این راهنمایی به غرب اکنون در شرق نیز قابل اجرا است. این به وضوح به این علّت بود که ضیافت توسعه

یافته و به موقعیت‌هایی تبدیل شده بود که، در طی قسمت اداری، موضوعات داخلی امری جامعه توسط احبای محلی مورد بحث و مذاکره واقع می‌شد.

اما، در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۵۵ حضرت ولی امرالله، در مکتوبی که توسط کاتب از طرف هیکل اطهر خطاب به گروهی از بهائیان فلوریدا نوشته شد، اینگونه فرمودند، "هر یک از احبء، به عنوان حقّ مسلم روحانی‌اش، باید به تبلیغ بپردازد، و یکی از طرقی که می‌تواند این کار را به طور بسیار مؤثر انجام دهد، با دعوت کردن دوستان به خانه‌اش هر نوزده روز یک مرتبه است..." (انوار هدایت، شماره ۸۲۸) تقریباً دو سال بعد، روز ۶ مارس ۱۹۵۷، در مکتوبی که از طرف آن حضرت نوشته شد، این توضیح عنایت گردید، "احبء باید متوجه مسئولیت فردی خود باشند. هر یک از آنها باید در خانه خود، هر نوزده روز یک مرتبه، بیت تبلیغی دایر کند و نفوس جدید را دعوت نماید و در آنجا مطالبی از امر مبارک مطرح و مورد بحث و مذاکره واقع شود. اگر این امر به قصد نشان دادن محبت و میهمان‌نوازی بهائی مجری گردد، نتایج مطلوبه حاصل گردد." (انوار هدایت، شماره ۸۲۹)

این دو مکتوب حضرت ولی امرالله و پیامی را که آنها منتقل می‌کنند کاملاً می‌توان به عنوان انعکاسی از شرایط مذکور در کتاب بیان، و نیز آیه نازله در کتاب اقدس، ملاحظه کرد. در این متون، احبء به گسترش میهمان‌نوازی خود به میهمانان، حتی، آنچنان که در کتاب اقدس توضیح داده شده، "ولو بالماء" (بند ۴۰)، توصیه شده‌اند. همانطور که در مکتوب مزبور آمده، کاملاً کافی است که جلسات بیت تبلیغی هر نوزده روز یک مرتبه تشکیل شود. هر روزی که برای میزبان بهائی مناسب بود مسلماً با هدایت حضرت ولی امرالله انطباق داشت، مشروط بر آن که در طول سال، حداقل نوزده جلسه بیت تبلیغی از این قبیل منعقد می‌گشت.

بنابراین امروزه بهائیان دارای دو نوع اجتماع در هر نوزده روز هستند؛ یکی تحت نظارت و هدایت محفل روحانی محلی، که ضیافت نوزده‌روزه رسمی و تشکیلاتی است که مرجحاً روز اول هر ماه تشکیل می‌شود و دیگری، بیوت تبلیغی در منازل، برای گسترش حیطه میهمان‌نوازی و تبلیغ امرالله.

در حال حاضر ما در نقشه پنج‌ساله به خدمت مشغولیم. در این نقشه اهمیت مؤسّسات آموزشی و سه فعالیت اساسی مورد تأکید است. ما، در طول سفرهای خود به سراسر جهان، دریافتیم که بهائیان گاهی اوقات حلقه‌های مطالعه را جایگزین بیوت تبلیغی کرده‌اند، با این تصور که بیت‌العدل اعظم به عنوان نشانه‌ای دال بر شروع عهدی جدید، بیوت تبلیغی را لغو کرده‌اند. متأسفانه منویات درست درک نشده است. حلقه‌های مطالعه در وهله اولی فعالیت تشکیلاتی است در حالی که بیوت تبلیغی فعالیت و مسئولیتی فردی است، که هدف آنها توسعه حیطه میهمان‌نوازی و تبلیغ امرالله است. حلقه‌های مطالعه وظیفه تشکیل بیوت تبلیغی را نسخ نمی‌کند. احبء باید متوجه باشند که حلقه‌های مطالعه بخشی از فعالیت‌های اجتماعی

می‌شود. از ما خواسته می‌شود از حلقه‌های مطالعه حمایت کنیم و بیوت تبلیغی را در منازل خود داشته باشیم، و نیز در ضیافت نوزده روزه حضور یابیم.

لزومی به ذکر این نکته نیست که حضرت ولی امرالله نیز، مانند حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء قبل از ایشان، توجه اعضا جامعه را به اهمیت تبلیغ جلب کردند و احباء را به ابلاغ پیام عصر جدید به شریف و وضیع تشویق فرمودند. در طی عصر رسولی امر مبارک، مطالع الانوار این عصر، حواریون حضرت بهاءالله، حواریون حضرت عبدالبهاء، حضرات ایادی امرالله، و نیز مبلغین و مروّجین متشخص و برجسته امر مبارک موفقیت‌های شگرفی را در امر تبلیغ حاصل کردند. این موفقیت‌ها در اجابت هدایات صریحه ریاست امرالله، و نیز نتیجه ابتکارات فردی از سوی احبای مخمور از باده محبت الهی حاصل گردید.

از ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ که الواح نقشه‌های تبلیغی صادر شد تا ۱۹۳۷ که، تحت هدایت حضرت ولی امرالله، اولین نقشه هفت‌ساله احبای آمریکای شمالی آغاز شد، نهادهای بدوی و ابتدایی امر مبارک به طور فعال در شروع طرح‌های تبلیغی وارد عمل نشدند. آن نهادهای اولیه اداری البته احباء را به اجرای وظیفه تبلیغ امرالله متذکر می‌داشت و آنها را در حین قیام به این خدمت تشویق می‌نمود. معدودی از افراد برجسته، در شرق و غرب، مسلماً قیام کردند، سفر کردند، پیام مبارک را انتشار دادند و آن را اعلام نمودند و در پدید آمدن جوامع پر شور و اشتیاق نقشی قاطع ایفا کردند. اما مجهودات مزبور به طریقی سازمان‌یافته تحت نظارت یک هیأت مرکزی انتخابی اداری نبود. البته، ریاست امرالله بر این تعهدات وقوف داشت و

⁴ توضیح مترجم: حواریون Apostles حضرت بهاءالله عبارت بودند از (۱) جناب میرزا موسی کلیم؛ (۲) جناب بدیع؛ (۳) جناب سلطان‌الشهداء؛ (۴) جناب ملا ابوالحسن امین؛ (۵) جناب ابوالفضائل؛ (۶) جناب ورقا؛ (۷) جناب میرزا محمود فروغی؛ (۸) جناب ملا علی اکبر شهمیرزادی؛ (۹) جناب نبیل اکبر؛ (۱۰) جناب حاجی میرزا محمدتقی افغان بانی مشرق‌الاذکار عشق‌آباد؛ (۱۱) جناب ملا محمدتقی ابن ابهر؛ (۱۲) جناب نبیل اعظم (زرندی)؛ (۱۳) جناب شیخ کاظم سمندر؛ (۱۴) جناب میرزامحمدمصطفی بغدادی؛ (۱۵) جناب مشکین قلم؛ (۱۶) جناب میرزا حسن ادیب؛ (۱۷) جناب شیخ محمدعلی قاننی؛ (۱۸) جناب زین‌المقرئین؛ (۱۹) جناب ابن‌اصدق ملقب به شهید بن شهید.

⁵ توضیح مترجم: حواریون Disciples حضرت عبدالبهاء عبارت بودند از: (۱) دکتر اسلمنت؛ (۲) جناب تورنتون چیس (اول من آمن آمریکا)؛ (۳) جناب هاوارد مک‌نات؛ (۴) خانم سارا فارمر بانی گرین ایکر؛ (۵) جناب هیولیت دریفوس باری؛ (۶) خانم لیلیان کیپس؛ (۷) جناب رابرت ترنر (اولین بهائی سیاه‌پوست در آمریکا)؛ (۸) کنسول شوارتس؛ (۹) جناب راندال؛ (۱۰) خانم لوآ گتسینگیر؛ (۱۱) جناب جوزف هنان؛ (۱۲) جناب تاجر؛ (۱۳) جناب گرین‌لیف؛ (۱۴) خانم بریتینگهام؛ (۱۵) خانم روزنبرگ؛ (۱۶) خانم هلن گودال؛ (۱۷) جناب آرتور داج؛ (۱۸) جناب ویلیام هُر؛ (۱۹) دکتر آگور (مهاجر جزایر پاسیفیک)

در بسیاری از موارد این مجهودات را به مرحله اجرا در آورد و حتی هدایت فرمود. این دوران از سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۷ به عنوان مرحله‌ای توصیف شد که الواح نقشه تبلیغی "مسکوت" ماند.^۶ موقعی که محافل محلی و ملی به طور رسمی تشکیل شد، حضرت ولی امرالله در طی شانزده سال اول عصر تکوین به این محافل بدون استثناء توصیه فرمودند مسئولیتی را در میدان تبلیغ، بخصوص با سازماندهی سفرهای تبلیغی ادواری، برانگیختن فعالیت‌های مهاجرین، و ادای سهم خود در حمایت از توسعه امر مبارک، به عهده بگیرند.

همانطور که در بالا گفته شد، در سال ۱۹۳۷ بود که حضرت ولی امرالله احساس کردند زمان مقتضی فرا رسیده که محفل روحانی ملی در آمریکای شمالی اولین نقشه تبلیغی را که باید در عالم بهائی به طور رسمی اتخاذ و از طریق تشکیلاتی اجرا شود، به عهده بگیرد، به طوری که علاوه بر مسئولیت فرد برای تبلیغ، تشکیلات نیز اکنون وظیفه اتخاذ اهداف تبلیغی را به عهده می‌گرفتند و تضمین می‌کردند که نقشه‌های مزبور به نحوی منظم و مدون اجرا می‌شود.

نگاهی به آمار بهائی مربوط به توسعه بیندازیم. در طی نود و سه سال اول از زمان ولادت امر مبارک، یعنی، هفتاد و هفت سال عصر رسولی، باضافه شانزده سال اول دوران ولایت امر، مشاهده می‌کنیم که نور امر الهی در انتهای ایام حیات عنصری حضرت بهاءالله به ۱۵ کشور، در پایان دوران قیادت حضرت عبداله‌بهاء به سی و پنج کشور و تا سال ۱۹۳۷ که اولین نقشه هفت‌ساله شروع شد، به چهل و چهار کشور رسیده بود.

برای نشان دادن سرعت توسعه امرالله که بعد از شروع این مرحله جدید از مسئولیت تشکیلاتی رخ داد، متوجه می‌شویم که تعداد کشورهای مفتوح به روی امر مبارک تا انتهای اولین نقشه هفت‌ساله، از چهل و سه به هفتاد و هشت کشور افزایش یافت، که تازیدی متجاوز از هشتاد درصد در طول فقط هفت سال را نشان می‌دهد.

در آثار حضرت ولی امرالله هیچ هدایت صریحی خطاب به محافل روحانی ملی نمی‌یابیم که چگونه نقشه‌ای را تدوین کنند و به چه روشی به شیوه‌ای مرتب و منظم آن را به مرحله اجرا در آورند. اما، با مشاهده شیوه‌ای که حضرت ولی امرالله در خصوص این نقشه‌های تبلیغی با محافل روحانی ملی عمل

^۶ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به بیان حضرت ولی امرالله در توفیق ۵ ژوئن ۱۹۴۷ مربوط می‌شود که در طی آن، ضمن اشاره به دوجریان توأمان، می‌فرمایند، "جریان اول به صدور الواح مهیمه‌ای که منشور نقشه ملکوتی حضرت عبداله‌بهاء است راجع می‌شود، نقشه‌ای که اجرایش قریب بیست سال در بوته تعطیل نگاهداشته شد تا اساس نظم اداری مورد لزوم که از جانب خداوند برای اجرا آن مقرر، مرتفع شود..." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۹)

می کردند، می توان فهمید که شرایطی بنیادی وجود داشت که ایشان رعایت می کردند. مطالعه اجمالی این تحولات بعضی از ویژگی های اساسی آنها، مانند موارد زیر، را آشکار می سازد:

- ۱- نقشه می بایستی دارای اهداف و مقاصدی باشد که به طور موجز در قالب الفاظی کوتاه بیان شده باشد.
- ۲- آغاز و پایان نقشه می بایستی با ذکر ماه ها و سالها به وضوح تعیین گردد و به یاران اعلام شود.
- ۳- اهداف می بایستی به نحوی واقع بینانه، متناسب با قابلیت های جامعه، تعیین و تدوین گردد.
- ۴- کل دستگاه تشکیلاتی امر مبارک، و نیز آحاد اعضاء جامعه، می بایستی برای اجرای نقشه احساس تعهد نموده از صمیم قلب و با تمام وجود، و با منابع انسانی و مالی خود از آن حمایت کنند.
- ۵- در بعضی موارد، بخصوص وقتی که مدت زمان نقشه طولانی بود، به مراحل متمایز تقسیم می شد تا نهادهای نظم اداری و نیز مجموعه احباء بتوانند بر مقتضیات هر مرحله متمرکز گردند.
- ۶- جامعه می بایستی به طور مرتب از میزان پیشرفت در حصول اهداف توصیه شده آگاه شود.

نظم اداری در آثار خود حضرت ربّ اعلی، آنجا که در خصوص ظهور نظم جهانی حضرت بهاء الله مرقوم می فرمایند، ذکر شده است. حضرت ربّ اعلی فقط مبشر به ظهور حضرت بهاء الله نبودند، بلکه به ظهور نظم جهانی حضرت بهاء الله نیز بشارت دادند. حضرت بهاء الله در ملاقات با زائرین بر این نکته تأکید می فرمودند. حضرت باب در بیان می فرمایند، "طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله" (دور بهائی، ص ۷۹) حضرت بهاء الله در کتاب اقدس به وضوح می فرمایند که این نظم در آستانه پیدایش است، دارای اثرات متحول کننده ریشه ای در امور بشری است، نظم عالم را مختل خواهد ساخت و ویژگی های آن بی نظیرند. بعلاوه، هیکل مبارک در مورد مقام بیت العدل اعظم و سطوح پایین تر مؤسسه مزبور مرقوم فرمودند. ایشان به ایادی امرالله نیز اشاره فرمودند و معدودی از احباء را نیز به این مقام ارتقاء دادند. حضرت ولی امرالله می فرمایند که ما میانی و مقدمات نظم جهانی حضرت بهاء الله را در عصر رسولی می یابیم. مضافاً، جلسات مشورتی احباء نیز به وجود آمد. محفل روحانی به این معنی وجود نداشت، و انتخاباتی در میان نبود، اما اجتماعاتی از احباء برای مشورت در مورد مصالح امر مبارک منعقد می گشت. این اجتماعات، در زمان حضرت عبدالبهاء، نه به طور رسمی و سیستماتیک، بلکه فقط به طریقی ابتدایی، اندکی تکامل یافت. به این ترتیب، محافل روحانی محلی اکثراً هیأت های مشورت یا خانه های روحانیت نامیده می شدند.

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ ما شاهد ظهور نظم اداری بودیم. نقشه های تبلیغی از این قبیل در طی شانزده سال بین ۱۹۲۱ و ۱۹۳۷ وجود نداشت. ما دارای محافل فعال و انتخابات رسمی

بودیم. انجمن‌های شور روحانی را به نحوی صحیح با انتخاب و کلا منعقد می‌ساختیم، که وکلا در هر کشوری به انعقاد جلسه و انتخاب اعضاء محفل روحانی ملی اقدام می‌کردند. دارای لجنات فعال بودیم. صندوق‌های ملی و محلی را تأسیس کردیم. از انتشارات امری و تصویب تألیفات برخوردار شدیم. کلیه این موارد، جز نقشه‌های تبلیغی، در طول دوران پیدایش نظم اداری رخ داد.

حتی در سال ۱۹۳۷ ما به وضوح از مقتضیات نقشه تبلیغی آگاهی نداشتیم. حضرت ولی امرالله قدم به قدم، در کمال حکمت و درایت، صبر و شکیبایی، و نهایت محبت برای جامعه توضیح دادند که چگونه این کار را باید انجام داد و کمک کردند تا جامعه به آن پی ببرد. ما در نقشه اول هفت‌ساله در یک کشور دریافتیم که باید اهدافی داشت و این اهداف باید دقیق باشند، و مدت زمانی مشخص برای حصول اهداف باید تصریح شود، باید بودجه‌ای معین برای پیشبرد این نقشه‌ها وجود داشته باشد، کلیه احباء باید آگاه شوند که چه اهدافی وجود دارد و به طور متحد و هماهنگ فعالیت کنند، و این که باید لجنات خاصی برای پیشبرد نقشه تبلیغی وجود داشته باشد.

حال، امروزه این موارد برای ما امری عادی است و همه به آن وقوف داریم اما در سال ۱۹۳۷ جدید بود. سایر محافل ملی در عالم ابتدا متوجه نبودند در ایالات متحده و کانادا چه رویدادی در شرف وقوع است. موقعی که نقشه به اجرا در آمد و خبر آن انتشار یافت احباء در جاهای دیگر متوجه شدند که آمریکایی‌ها و کانادایی‌ها دارای نقشه تبلیغی هفت‌ساله هستند. اما آنها دارای نقشه‌های تبلیغی برای خود نبودند.

در نمودار شماره ۳ که ضمیمه است، ستون باریکی وجود دارد که در آن "وقفه" نوشته شده است. این اصطلاحی است که حضرت ولی امرالله برای دوران استراحت بین دو نقشه استفاده کردند و دوره‌ای برای تحکیم دستاوردها بوده است. حضرت ولی امرالله برای احبای آمریکای شمالی یک وقفه دوساله، از ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ تعیین فرمودند.

حضرت روحیه خانم در مقاله‌ای با عنوان "بیست و پنج سال ولایت امرالله" نکته بسیار مهمی را توضیح دادند. مقاله مزبور در جلد یازدهم عالم بهائی، ۱۹۵۰-۱۹۴۶، درج شده است.^۷ ایشان توضیح دادند که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، اعضاء عائله ایشان، و نیز بهائیان مسن تر و مجرب تر از شرق و غرب، به حضرت ولی امرالله، که بیست و چهارساله بودند، پیشنهاد کردند چون ایشان جوان هستند و چون حضرت

^۷ توضیح مترجم: مقاله مزبور تحت عنوان "۲۵ سال در ظل ولایت امرالله" ترجمه شده و در دو قسمت در اخبار امری شماره ۲، شهرالعظمة - شهرالنور ۱۰۴ بدیع، خردادماه ۱۳۲۶ و اخبار امری شماره ۴، شهرالکمال - شهرالاسماء ۱۰۴ بدیع، مردادماه ۱۳۲۶ درج گردیده است.

عبدالبهاء مقرر کرده‌اند که ایادی امرالله برای مساعدت به ایشان منصوب شوند و از آنجا که حضرت بهاءالله و نیز حضرت عبدالبهاء انتخاب و تشکیل بیت‌العدل اعظم را پیش‌بینی کرده‌اند، مسلماً زمان مقتضی برای ایشان فرا رسیده که قدم‌هایی را برای انتخاب اعضاء بیت‌العدل و انتصاب ایادی امرالله بردارند.

روحیه خانم نوشتند که استدلال حضرت ولی امرالله این بود که بیت‌العدل اعظم قبه است. ابتدا باید شالوده و اساس گذاشته می‌شد و تنها در آن زمان بود که می‌شد قبه را بر آن مبنا قرار داد. به این دلیل بود که هیکل مبارک بر اهمیّت محافل روحانی محلی و ملی و فعالیت آنها تأکید داشتند. و کلاً می‌بایست برای انجمن شور روحانی ملی انتخاب شوند، آمار توسط محافل روحانی محلی تهیه می‌شد تا تعداد افراد ذی‌رأی مشخص گردد زیرا و کلاً می‌بایست طبق قوه عددی هر منطقه اختصاص می‌یافت. به این ترتیب، آمار نیز اهمیّت داشت. وقتی که تعداد محافل روحانی ملی در سراسر عالم به تعداد کافی می‌رسید، در آن صورت می‌شد قبه را بر رأس قرار داد.

در سال ۱۹۴۶، حضرت ولی امرالله نقشه جدید هفت‌ساله را شروع کردند. این مقدر بود دومین نقشه هفت‌ساله آمریکای شمالی باشد که از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ به مرحله اجرا در آید. در طی دوره وقفه، بعضی از محافل روحانی ملی مشتاق بودند حرکتی به جلو داشته باشند. یکی از محافل ملی که حضرت ولی امرالله به آن مباحثات می‌کردند و کاملاً بیدار و هشیار بود، محفل بریتانیا بود. این جامعه، قبل از کلیه جوامع دیگر عالم، در عریضه‌ای حضور حضرت ولی امرالله تقاضای تعیین اهداف برای خود نمود. امروز، محافل روحانی ملی برای خود اهدافی را تعیین می‌کنند اما در آن ایام هنوز آغاز راه بود، بنابراین حضرت ولی امرالله اهدافی را برای نقشه‌ای شش‌ساله به آنها عنایت کردند.

بعد از آن که بریتانیا نقشه خود را شروع کرد، حضرت ولی امرالله شروع به ترغیب سایر محافل روحانی ملی کردند. هیکل مبارک آنها را متذکر می‌داشتند، توصیه می‌کردند، تشویق می‌کردند تا آنها نیز بخشی از فعالیت جمعی تبلیغی شوند. محافل روحانی ملی، یکی بعد از دیگری اجابت کردند. تا پایان سال ۱۹۵۳ حضرت ولی امرالله کلیه محافل روحانی ملی در سراسر عالم بهائی را در نقشه‌ای تبلیغی وارد کرده بودند؛ بعضی از آنها شش‌ساله، بعضی پنج‌ساله، دیگران سه یا دو ساله بودند. تا پایان نقشه هفت‌ساله، کل عالم بهائی در امر نقشه‌های تبلیغی وارد شده و کسب تجربه کرده بود که چگونه با کار تبلیغی سازمان‌یافته عمل کند. در طی این دوران، و نیز در ادوار قبل از آن، ما در آثار حضرت ولی امرالله مشاهده می‌کنیم که ایشان مستمراً به روزی اشاره دارند که تعاملی بین‌المللی بین بهائیان برای حصول آمادگی جهت آینده صورت خواهد گرفت. ایشان راهنمایی‌هایی می‌فرمودند که نشان می‌داد ما به چنین زمانی نزدیک می‌شویم.

چشمگیرترین فقرات از قلم حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۱ عزّ صدور یافت. در سال ۱۹۵۱ هیکل مبارک دو پیام، یکی خطاب به ایالات متّحده و کانادا، و دیگری به محفل روحانی ملی بریتانیا ارسال داشتند. در این پیام‌ها، که جمله‌بندی آنها بسیار شبیه هم است، هیکل اطهر به شورای بین‌المللی بهائی اشاره داشتند، که در سال ۱۹۵۰ تشکیل شد و مقدر بود مقدمه‌ای بر انتخاب بیت‌العدل اعظم باشد. به این ترتیب احبّاء دریافتند که هیأت اولیه و جنینی به وجود آمده که مقدر بود با طیّ مراحل مشخص به اوج برسد و نهایتاً بیت‌العدل اعظم تشکیل شود. بعد، ایشان فرمودند که ما تقریباً به طور هم‌زمان باید نقشه‌ای دوساله را شروع کنیم، که تحت مدیریت محفل روحانی ملی بریتانیا خواهد بود، و از سه محفل روحانی ملی، یعنی ایران، هندوستان و مصر، دعوت کردند که به آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها ملحق شوند، که در مجموع به پنج محفل بالغ شدند. ایشان فرمودند که سازمان و تشکیلات این پنج محفل ملی در یک قاره، یعنی آفریقا، با هم فعالیت خواهند کرد. این موضوع از نقطه نظر تکامل عمل یکپارچه جامعه بین‌المللی بهائی، برای حضرت ولی امرالله بی‌نهایت اهمّیت داشت، زیرا برای اولین بار سازمان و تشکیلات پنج محفل ملی در یک میدان تبلیغی مشخص با هم فعالیت می‌کردند. ایشان فرمودند، که این مقدمه‌ای بر زمانی است که کلیّه محافل روحانی ملی جهان در یک اقدام عمده بین‌المللی همکاری خواهند داشت. از یک طرف، حضرت ولی امرالله توجه ما را به انتخاب قریب‌الوقوع بیت‌العدل اعظم از طریق تشکیل شورای بین‌المللی بهائی جلب فرمودند. از طرف دیگر، ایشان مرحله‌ای از معاونت و معاضدت بین‌المللی را پیش‌بینی فرمودند که کلیّه محافل ملی با یکدیگر تعامل خواهند داشت. ایشان در واقع عالم بهائی را برای تولّد نقشه دهساله آماده می‌کردند، که برای اولین بار صلاهی تعامل جهانی بین کلیّه محافل ملی بود.

موقعی که امروز به عالم بهائی نگاه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که محافل روحانی ملی اکنون به داشتن اهداف تبلیغی عادت دارند. مضافاً، بسیاری از محافل روحانی محلیّ فعال در نقاط مختلف جهان هم‌اکنون نقشه‌های محلیّ خود را برای تبلیغ و تحکیم تدوین می‌کنند. این به وضوح تحوّلی بسیار مطلوب است زیرا روش و نظامی را در پیشبرد امر مبارک و ترویج مصالح آن را مطرح می‌سازد.

غیر از محافل روحانی محلیّ و ملیّ، بیت‌العدل اعظم از آحاد احبّاء خواستند از نمونه و مثالی که تشکیلات محلیّ و ملیّ برقرار کرده‌اند تبعیت نمایند. فرد نیز تشویق شد که نقشه‌هایی شخصی برای اقدام، بخصوص در پیگیری اهداف تبلیغی، تدوین نماید. بیت‌العدل اعظم در مکتوب ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹ مرقوم فرمودند:

اکنون لازم است که هر یک از بهائیان اهداف فردی تبلیغی برای خود تعیین نماید. توصیه حضرت عبداله‌هاء که هر نفر حداقل سالی یک نفر را به ظلّ امر مبارک هدایت نماید و تشویق حضرت ولی امرالله برای انعقاد بیوت تبلیغی در منازل هر یک از احبّاء در هر ماه بهائی، نمونه‌های اهداف فردی

است. بسیاری دارای قابلیت‌هایی هستند که کارهای به مراتب بیشتری انجام دهند، اما این به تنهایی

تضمین کننده فتح و ظفر نهایی و کامل نقشه خواهد بود (انوار هدایت، شماره ۸۳۲).

ما، در تدوین اهداف فردی خود، می‌توانیم از بعضی از روش‌هایی که حضرت بهاء‌الله در مساعدت به محافل ملی برای اجرای نقشه‌های تبلیغی‌شان استفاده می‌کردند، کاملاً بهره ببریم. چه منظره و چشم‌انداز روح‌بخشی خواهد بود زمانی که ما بتوانیم شاهد روزی باشیم که، تحت رهنمودهای گسترده‌ای که بیت‌العدل اعظم عنایت می‌کنند، کلیه محافل ملی، کلیه محافل روحانی محلی و کلیه عاشقان خدوم و مخلص امرالله نقشه‌هایی را تدوین و خطوط عملی را برای خود تعیین نمایند، و در کمال تضرع و ابتهال به ساحت خداوند متعال به بذل مجهودات پردازند و مستمراً در کمال ایثار و فداکاری، نقشه‌های اتخاذ شده را به ثمر برسانند و محصول چنین مجهوداتی را تقدیم خاکپای جمال مبارک نمایند.

سؤال و جواب

س - در الواح وصایای حضرت مولی‌الوری، هیکل مبارک می‌فرمایند که انتخاب ولی امر جدید باید توسط نه نفر ایادی امرالله تأیید شود. اگر انتخاب مزبور به تصویب نمی‌رسید چه اتفاقی می‌افتاد؟
ج - در الواح وصایای حضرت مولی‌الوری نکته‌ای نیست که به ما بگوید چه اتفاقی می‌افتاد. شخصی از حضرت ولی امرالله همین موضوع را سؤال کرد و جواب آن منتشر شده است. سائل از هیکل مبارک پرسید چگونه است که حضرت عبدالبهاء چنین اختیاری را به ایادی امرالله داده‌اند که با نظر ولی امر مخالفت کنند. هیکل اطهر جواب دادند غیر قابل تصور است که حضرت عبدالبهاء شرطی را در الواح وصایای خود گنجانده باشند که به اختلافی در مرجعیت منجر شود.

به عبارت دیگر، در اینجا رازی نهفته بود که احباء نتوانستند به آن پی ببرند زیرا به صورت ظاهر اختلافی در مرجعیت بود. به بیان حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله فرد منتخب خود را منصوب می‌فرمایند و بعد ایادی امرالله باید با رأی مخفی تصمیم بگیرند؛ به این معنی که هر یک از ایادی امرالله مختار بودند با نظر حضرت شوقی افندی مخالفت کنند. بنابراین شاید اکثریت آنها با نظر حضرت شوقی افندی موافق نباشند. اما حضرت ولی امرالله به ما می‌گویند که این غیر قابل قبول است. پس چه امری واقعاً اتفاق افتاد؟ چنین وضعیتی ایجاد نشد. حضرت شوقی افندی هرگز کسی را منصوب نفرمودند، هرگز از حضرات ایادی نخواستند نه نفر را از میان خود انتخاب کنند، و البته، هرگز این نه نفر ملاقاتی نداشتند و جلسه‌ای تشکیل ندادند. بنابراین کل جریان کنار گذاشته شد. لذا، وقتی حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که غیر قابل تصور است که حضرت عبدالبهاء مطلبی را ذکر نمایند که به اختلافی در مرجعیت منجر شود، احتمالاً مقصود مبارک این است که چنین وضعیتی هرگز پیش نخواهد آمد و بنابراین استنتاج می‌کنیم که حضرت عبدالبهاء واقف بودند که چنین اختلافی هرگز رخ نخواهد داد. با توجه به حقایق و آنچه که عملاً رخ داد، ممکن است معنای بیان مبارک چنین باشد.

س - سؤال من این است که اصلاً چگونه محفل ملی فرضاً استرالاسیا یا آفریقای مرکزی تشکیل می‌شد. آیا فواصل برای احباء مانع بزرگی محسوب نمی‌شد؟ آیا فداکاری بزرگی در مورد وقت پردازش نبود؟ آنها چگونه می‌توانستند مدتی چنین طولانی را از مشاغل خود دور بمانند؟

ج - وقتی حضرت ولی امرالله به مناطق گسترده جغرافیایی می‌پرداختند، دو روش برای پرداختن به این مسأله داشتند. در مواردی که دو یا کشور بخشی از منطقه محفل ملی مورد نظر بودند، و جامعه بهائی در کشوری که مقرر محفل ملی نبود از لحاظ عددی و اداری به حد کافی از رشد و ثبات می‌رسید، جامعه مزبور جدا می‌شد و محفل روحانی ملی جداگانه‌ای تشکیل می‌داد. روش دیگر مربوط به ناحیه بسیار

بزرگ بود. در چنین مواردی همان جریان طبیعتاً می‌بایستی از دو یا سه مرحله عبور کند؛ و اما در مورد جلسات محفل روحانی ملی در مناطقی چنین گسترده، هدایت حضرت ولی امرالله این بود که از طریق مکاتبه ترتیب مذاکرات مشورتی را بدهند. به عبارت دیگر، آنها باید سعی می‌کردند در طول سال یک یا دو یا حداکثر سه جلسه تشکیل دهند و مطالبی که مورد بحث واقع نمی‌شد، می‌بایستی از طریق مکاتبه حل و فصل شود. امروزه، اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، کار بسیار ساده بود زیرا تسهیلات اینترنت را در اختیار داریم. در آن ایام اینترنت نداشتیم اما تلگراف، و پست هوایی داشتیم. با استفاده از نامه امکان برقراری مشورت بین نه عضو محفل ملی در کلیه موارد وجود داشت. این امر تعداد جلساتی را که می‌بایستی تشکیل شود به حداقل می‌رساند زیرا تشکیل جلسات خیلی گران تمام می‌شد. تشکیل جلسه با حضور نه عضو از قسمت‌های مختلف منطقه، فرضاً هر دو هفته یک بار، غیر ممکن بود. لذا می‌بایستی به ندرت صورت گیرد، دو یا سه مرتبه در سال، و در عین حال بقیه کارها با مکاتبه انجام می‌شد. اما، به هر حال این کاری موقت بود، زیرا مرحله بینابینی بود.

س - آیا دعا یا لوح خاصی وجود دارد که احباء برای تشکیلات، در سطوح محلی و ملی و بیت‌العدل اعظم زیارت کنند؟

ج - هر دعایی را که مایل باشید می‌توانید زیارت کنید. به شما اطمینان می‌دهم، مسلماً جمیع هیأت‌های اداری که نام بردید به ادعیه زیادی نیاز دارند. هر دعا و مناجاتی را که می‌خواهید انتخاب کنید و به نام آنها تلاوت نمایید و برای آنها دعا کنید.

س - حضرت ولی امرالله فرمودند اعضاء انتخابی باید خود را از جو استتار رها سازند.⁸ در عین حال، محافل ملی در بعضی موارد باید محرمانه بودن مطالب را رعایت نمایند. مقصود از "جو استتار" چیست؟ چگونه می‌توانیم بین محرمانه نگه داشتن مطالب و مخفی کاری غیر ضروری تعادلی برقرار کنیم؟

ج - بین رعایت محرمانه بودن مطالب و مخفی کاری تفاوت وجود دارد. مخفی کاری زمانی است که اعضاء محفل ملی هرگز به احباء نمی‌گویند در چه مورد مذاکره و مشورت می‌کنند. این مخفی کاری است. حفظ مطالب محرمانه مطلب دیگری است. احباء ممکن است مسائلی داشته باشند که کاملاً محرمانه باشد و به محافل خود مراجعه می‌کنند، آنچه را که در قلوب خود دارند بیان می‌کنند و به آنها اعتماد می‌کنند.

⁸ توضیح مترجم: اشاره به بیان حضرت ولی امرالله در مورد وظایف اعضاء محافل روحانی است که ترجمه آن در "نظامات بهائی" صفحه ۵۲ درج شده است: "باید در جمیع احیان از روح تفوق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیزار شوند..."

اینها مطالب محرمانه است. معمولاً مطالب بسیار خصوصی و شخصی مطالب محرمانه است. اما کار محفل ملی نباید محاط به مخفی کاری باشد و آن از این لحاظ است که محافل ملی و هر هیأت اداری باید در مورد فعالیت هایش بسیار صریح و شفاف باشد.

کار محافل محلی در مورد مطالب غیرمحرمانه نباید محرمانه و پشت پرده باشد. به این علت است که در ضیافت نوزده روزه، فی‌المثل، محفل محلی باید در مورد مسائل، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، وضعیت صندوق و هر مسأله یا مشکلات کلی که دارد، صریحاً با جامعه صحبت کند. محفل ملی نیز، وقتی با وکلا در انجمن شور روحانی جلسه دارد، باید خیلی صریح باشد و وضعیت موجود در کشور را برای وکلا بیان کند. این اجتناب از مخفی کاری است. احبّاء باید بدانند چه اتفاقی می‌افتد. این با مطالب محرمانه کسانی که دارای مسائل استثنائی هستند و برای کسب مساعدت و هدایت به محافل روحانی مراجعه می‌کنند، تفاوت دارد.

س - کتابخانه بین‌المللی چه زمانی در کوه کرمل ساخته خواهد شد؟

ج - زمینی که کتابخانه بین‌المللی باید روی آن ساخته شود، توسط حضرت ولی امرالله کاملاً مشخص شده است. زمین مزبور هم اکنون یک محوطه ساخته شده است. این طرح مستلزم صرف وقت است. کتابخانه بین‌المللی مستقیماً روبروی بنای دارالآثار خواهد بود. در این ضمن، محل استقرار کتابخانه بین‌المللی در ساختمانی خواهد بود که به نام مرکز مطالعه نصوص شناخته می‌شود. کلیه کتب در آنجا تحت شرایطی است که از لحاظ محافظت از رطوبت و حرارت کنترل شده است.

س - حضرت ولی محبوب امرالله مرقوم فرمودند که ترجمه‌های ایشان از آثار مبارکه در آینده توسط محققین بهبود خواهد یافت. احبّای ایرانی مدعی هستند که حضرت ولی امرالله این نکته را از شدت خضوع و خشوع مرقوم فرموده‌اند. نظر شما در این مورد چیست؟

ج - حضرت ولی امرالله مبین بودند. صحیح است که وقتی هیکل مبارک ترجمه کتاب ایقان را انتشار دادند، مرقوم فرمودند که این تلاش دیگری است برای به انگلیسی برگرداندن آنچه که همیشه باید بیان بی‌مثیل و عدیل حضرت بهاءالله تلقی گردد. اگر، در آینده، بعضی از بهائیان مایل باشند تلاش کنند که آثار مبارکه را ترجمه نمایند، باید با تصویب بیت‌العدل اعظم باشد.

حضرت ولی امرالله فقط مترجم نبودند، ایشان مبین نیز بودند. اهمیت ترجمه‌های حضرت ولی امرالله در این است که ایشان آنچه را که مقصود حضرت بهاءالله بوده برای ما تبیین می‌فرمایند. به این علت است که اهمیت دارد ما ابداً حضرت شوقی افندی را با، فرضاً، آثار مرضیه گیل یا ادیب طاهرزاده مقایسه

نکنیم. ترجمه‌های حضرت ولی امرالله در مقوله متفاوتی قرار می‌گیرد. آنها فقط ترجمه نیستند؛ آنها تبیین هستند. بنابراین کلیه این موارد را باید ملحوظ نظر داشت و بعد هر گونه تغییراتی که باید انجام شود فقط با تصویب کامل بیت‌العدل اعظم انجام خواهد شد.

س - آیا حضرت ولی امرالله نمی‌دانستند که میسن ریمی نقض عهد خواهد کرد؟ چه حکمتی در انتصاب وی به مقام ایادی امرالله وجود داشت؟

ج - بعضی از حروف حی بودند که توسط حضرت باب منصوب شدند و به حضرت بهاءالله ایمان نیاوردند. سرنوشت هر یک از ما دست خود ما است. خداوند ما را انتخاب می‌کند، به ما فرصت می‌دهد؛ اما اگر ما به این نتیجه برسیم که نقائص یا نقاط ضعف اخلاقی، معنوی و روحانی ما به مراتب قوی‌تر از حس مسئولیت و وظیفه‌شناسی ما است، در این صورت شکست خواهیم خورد. این شکست به آن علت نیست که خدا می‌خواهد ما شکست بخوریم. خداوند همیشه می‌خواهد جمیع ما همواره موفق شویم. اما ما اساساً به علت انگیزه‌های خودخواهانه خود شکست می‌خوریم. این نفس اماره ما است که درون ما فعال است. نفس اماره ما را به سوی غرور، حسادت و انجام دادن امور به طریقی غلط که با روح امر در تضاد و تباین است، هدایت می‌کند. اینجا است که ما ناکام می‌مانیم. نقائص و شکست‌های ما در اثر خود ما است نه خدای ما.

البته، معلّم با کفایت می‌داند که فلان شاگرد مردود خواهد شد اما به کلیه شاگردان تکلیف می‌دهد و برای این که به این شاگرد کمک کند به او تکلیف مخصوص بدهد. بنابراین ممکن است این فرصتی برای میسن ریمی بوده تا متحوّل شود. حال، اگر میسن ریمی از این فرصت استفاده نکرد، اگر این حرف حیّ اینطور عمل کرد، اگر یکی از احبّای برجسته نیز که از حضرت بهاءالله عنوان و لقبی دریافت کرده قاصر ماند و شکست خورد، تقصیر از خود آنهاست. بعضی از احبّای متشخص که مخاطب الواحی از حضرت بهاءالله بودند، در زمان حضرت عبدالبهاء نقض عهد کردند. فرزند حضرت بهاءالله، یعنی محمدعلی، که تنها فرزند حضرت بهاءالله بود بلکه به عنوان جانشین حضرت عبدالبهاء منصوب شد، نقض عهد کرد. او نتوانست تا سطح کفّ نفس و انکار نفس خود را ارتقاء دهد؛ یعنی حالتی که اینقدر اهمّیت دارد تا بتوان به تقدیم خدمتی قابل قبول در ساحت حق توفیق یافت.

س - حضرت ولی امرالله غالباً بیاناتی، عناوینی، عباراتی و جملاتی از آثار مبارکه را (که با حروف خوابیده و بین علائم نقل قول مشاهده می‌شود) در توابع و مکاتیب عمده خود نقل می‌کنند. بسیاری از اوقات منبع مطالب نقل شده توسط حضرت ولی امرالله به ما داده نمی‌شود. آیا می‌توان به سهولت آنها را یافت، زیرا موقع بیان بعضی ادله و استدلال‌ها می‌تواند مفید باشد؟ آیا مجموعه‌ای از مآخذ قرن بدیع را در جایی می‌توان یافت؟

ج - وقتی حضرت ولی امرالله مرقوم می فرمودند، و حضرت عبدالبهاء نیز می نوشتند، و از آثار مبارک که نقل قول می کردند، مآخذ را ذکر نمی کردند. آنها استاد دانشگاه نبودند که پاورقی بنویسند و مآخذ را ذکر کنند. وظیفه ما است که برویم و این مآخذ را پیدا کنیم.

قرن بدیع رساله ای نبود که حضرت ولی امرالله بخواهند در دانشگاه به استاد تسلیم دارند. هیکل مبارک به عنوان ولی امر و مبین امر بهائی می نوشتند. مطالب منقول، ترجمه های خود ایشان از عبارتی، یا جمله ای است. بسیاری از محققین باید سالهای زیادی تحقیق کنند تا بالاخره بتوانند کلیه فقرات و کلماتی را که ایشان نقل کرده اند بیابند. بسیاری از محققین برای یافتن کلیه این مآخذ کار کرده اند و هنوز هم مشغول فعالیتند. روزی فرا خواهد رسید که نوعی چکیده و ملخص تهیه خواهد شد که احتمالاً منتشر شده و کلیه مآخذ را در اختیار ما خواهد گذاشت.

الواح نقشه تبلیغی. مکان و زمان صدور و اقالیم مذکور در آنها

روی هم رفته، چهارده لوح مربوط به نقشه تبلیغی ملکوتی وجود دارد که حضرت عبدالبهاء در طول دوره‌ای تقریباً یک ساله، از ۲۶ مارس ۱۹۱۶ تا ۸ مارس ۱۹۱۷ صادر فرمودند. ایادی امرالله جناب حسن بالیوزی در کتابش موسوم به *عبدالبهاء ... مرکز عهد و پیمان* فهرستی از این الواح، تاریخ‌های آنها و نقاطی را که این الواح در آنجا صادر شده (بعضی در بهجی و بقیه در حیفا) و نفوسی که مخاطب آنها هستند، به ما ارائه می‌دهد. فهرست مزبور به شرح زیر است:

- ۱- صادره در بامداد یکشنبه ۲۶ مارس ۱۹۱۶ در اطاق حضرت عبدالبهاء در بهجی و خطاب به بهائیان نه ایالت شمال شرقی ایالات متحده: مین، نیو همپشایر، رد آیلند، کانکتیکات، ورمونت، پنسیلوانیا، ماساچوست، نیوجرسی و نیویورک.
- ۲- صادره در بامداد دوشنبه ۲۷ مارس ۱۹۱۶، در باغ مجاور روضه مبارکه، و خطاب به احبای شانزده ایالت جنوبی ایالات متحده: دلاوار، مریلند، ویرجینیا، ویرجینیای غربی، کارولینای شمالی، کارولینای جنوبی، جرجیا، فلوریدا، آلاباما، میسیسیپی، تنسی، کنتاکی، لوئیزیانا، آرکانزاس، اوکلاهما و تگزاس.
- ۳- صادره در بامداد چهارشنبه ۲۹ مارس ۱۹۱۶ بیرون قصر بهجی، و خطاب به احبای دوازده ایالت مرکزی ایالات متحده: میشیگان، ویسکانسین، ایلینوی، ایندیانا، اوهایو، مینه‌سوتا، آیوآ، میزوری، داکوتای شمالی، داکوتای جنوبی، نبراسکا و کانزاس.
- ۴- صادره در بامداد شنبه اول آوریل ۱۹۱۶ در اطاق حضرت عبدالبهاء در قصر بهجی، و خطاب به احبای یازده ایالت غربی ایالات متحده: نیومکزیکو، کالرادو، آریزونا، نوادا، یوتا، کالیفرنیا، وایومینگ، مونتانا، آیداهو، آرگون و واشنگتون.
- ۵- صادره در بامداد چهارشنبه پنجم آوریل ۱۹۱۶ در حدیقه مجاور روضه مبارکه، و خطاب به احبای کانادا، نیوفاندلند، جزیره پرنس ادوارد، نووا اسکوتیا، نیو برونسویک، کبک، مانیتوبا، آلبرتا، اونتاریو، ساسکاچووان، بریتیش کلمبیا، یوکان، مکنزی، اونگاوا، کیواتین، جزایر فرانکلین و گرینلند.
- ۶- صادره در بامداد شنبه هشتم آوریل ۱۹۱۶ در باغ بیرون روضه مبارکه، و خطاب به احبای ایالات متحده و کانادا.

- ۷- صادره در بامداد سه‌شنبه یازدهم آوریل ۱۹۱۶ در اطاق حضرت عبدالبهاء در قصر بهجی؛ و خطاب به احبای ایالات متحده و کانادا
- ۸- صادره در بامداد چهارشنبه نوزدهم آوریل ۱۹۱۶ در اطاق حضرت عبدالبهاء در قصر بهجی؛ بامداد پنجشنبه ۲۰ آوریل در مسافرخانه قصر بهجی؛ بامداد شنبه ۲۲ آوریل در حدیقه مجاور روضه مبارکه و خطاب به احبای ایالات متحده و کانادا.
- ۹- صادره در بامداد جمعه دوم فوریه ۱۹۱۷ در اطاق اسمعیل آقا در بیت حضرت عبدالبهاء در حیفا و خطاب به نه ایالت شمال شرقی ایالات متحده.
- ۱۰- صادره در بامداد شنبه سوم فوریه ۱۹۱۷ در همان اطاق در حیفا و خطاب به بهائیان در شانزده ایالت جنوبی ایالات متحده.
- ۱۱- صادره در پیش از ظهر پنجشنبه هشتم فوریه ۱۹۱۷، در اطاق حضرت بهاءالله در بیت عبود در عکا، و خطاب به احبای دوازده ایالت مرکزی ایالات متحده.
- ۱۲- صادره در شامگاه پنجشنبه پانزدهم فوریه ۱۹۱۷، در اطاق حضرت بهاءالله در بیت عبود در عکا و خطاب به احبای یازده ایالت غربی ایالات متحده.
- ۱۳- صادره در بامداد چهارشنبه ۲۱ فوریه ۱۹۱۷ در اطاق حضرت بهاءالله در بیت عبود در عکا و خطاب به بهائیان کانادا.
- ۱۴- صادره در بعد از ظهر پنجشنبه هشتم مارس ۱۹۱۷ در بیت تابستانی (اطاق اسمعیل آقا) در بیت حضرت عبدالبهاء در حیفا، و خطاب به بهائیان ایالات متحده و کانادا (عبدالبهاء، مرکز عهد و پیمان، ص ۴۲۰).
- اهمیت سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ در چیست؟ این سالها در زمان جنگ اول جهانی، که حضرت عبدالبهاء در ارض اقدس مسجون بودند و نیز در زمانی بود که به پایان اولین قرن از زمان ولادت حضرت بهاءالله منجر می‌شد. هیکل مبارک در نوامبر ۱۸۱۷ متولد شدند و در اینجا می‌بینیم که حضرت عبدالبهاء، مرکز میثاق طلعت ابهی، یک سال قبل از آن صدور این الواح را برای فتح روحانی عالم انسانی شروع کردند. به عبارت دیگر، هیکل مبارک صدمین سالروز ولادت حضرت بهاءالله را با صدور این الواح جشن گرفتند.
- ما اکنون در سال ۲۰۰۵ هستیم. دوازده سال دیگر سال ۲۰۱۷ خواهد بود، یعنی دومین قرن از ولادت مظهر ظهور کلی الهی است. می‌توانیم مجسم کنیم که در عالم بهائی چه اتفاقی خواهد افتاد. آنچه را که بیت‌العدل اعظم انجام خواهند داد، بیانیه‌ای را که صادر خواهند کرد، دعوتی که از احبای عالم خواهند نمود که ولادت حضرت بهاءالله و نیز پایان اولین سده از صدور الواح نقشه تبلیغی را جشن

بگیرند، کاملاً می‌توانیم مجسم کنیم. بعد از سال ۲۰۱۷ تاریخ دیگری وجود دارد، یعنی ۲۰۱۹، و آن پایان دومین قرن از ولادت حضرت اعلی است. هیکل اطهر در اکتبر ۱۸۱۹ متولد شدند. کاملاً می‌توانیم مجسم کنیم در آن زمان چه اتفاقی خواهد افتاد. باز هم با وسعت بخشیدن به قوه تجسم خود می‌توانیم مشاهده کنیم که، درست دو سال بعد، سال ۲۰۲۱ خواهد بود، که صدمین سال صعود حضرت عبدالبهاء و زیارت محتوای الواح وصایای حضرت مولی‌الوری و شروع عصر تکوین امر مبارک است. پس دوازده سال دیگر چه چشم‌اندازی خواهیم داشت، چهارده سال دیگر، شانزده سال دیگر؛ چه سلسله تصاویری خواهد بود! تصور نمی‌کنم در آن زمان با شما باشم اما شما در این فعالیت و جشن جهانی بهائی شرکت خواهید داشت. در آن زمان شما مسلماً نه تنها در زمره شرکت کنندگان بلکه، امیدوارم، در زمره سازمان‌دهندگان و اداره‌کنندگان جامعه بهائی خواهید بود و در مقابل خود سالهای بسیار خوب و ثمربخشی را از لحاظ تقدیم خدمات خاضعانه به آستان مقدس حضرت بهاء‌الله خواهید داشت.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در مورد محتوای الواح نقشه ملکوتی که حضرت عبدالبهاء خطاب به احبای آمریکای شمالی صادر نمودند، می‌فرمایند، "آن منادی ملکوت اراده فرمود بار دیگر فارسان مضمار خدمت را در خطه امریک به الطاف و عنایات لانهای خویش مخصّص و ممتاز گرداند و در حینی که رسالت مقدّسش در عالم ترابی رو به پایین می‌رفت، امری عظیم و وظیفه‌ای خطیر و منیع به آن مشعلداران مدنیت الهیه محوّل ... فرماید" (قرن بدیع، ص ۶۲۱). هیکل اطهر فرمودند که حضرت عبدالبهاء "فضیلت روحانی به جامعه بهائی امریکا اعطاء فرموده تا کلّ بر آن تکیه کرده تفوق روحانی خویش را در سرنوشت بلندشان به کف آورند" (منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله به همراه پیام رضوان ۲۰۰۳، ص ۴۴). هیکل اطهر در پیام ۱۴ نوامبر ۱۹۳۶ خود به احبای آمریکایی، این الواح را به عنوان "کلیدی که ذات الهی به دست احبای آمریکایی سپرده تا به وسیله آن ابوابی را که به تحقّق سرنوشتی فوق‌العاده مجلّل و باشکوه منجر می‌گردد، مفتوح سازند" (ترجمه - *This Decisive Hour* صفحه ۱۴).^۹ و در پیام خود به تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۴۹ اظهار داشتند، "جامعه بهائیان امریک با صدور الواح مخصوصه صادره از کلک مرکز میثاق در بین جامعه‌های بهائی شرق و غرب ممتاز و مشارّ بالبنان گشته..." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۷)

در چکیده‌ای از اهداف و مقاصد جهاد دهساله، که در سال ۱۹۵۳ به عنوان ضمیمه تکمیلی چکیده آمار جهانی بهائی انتشار یافت، حضرت ولی امرالله ۱۲۰ نقطه‌ای را که حضرت عبدالبهاء در چهارده لوح نقشه ملکوتی خود ذکر کرده‌اند، به ترتیب حروف الفبا فهرست کردند. این فهرست به نقل از *Bahá'í Faith, STATS 53-54* به صورت زیر است:

^۹ توضیح مترجم: اصل این بیان را می‌توان در صفحه ۸ کتاب *Messages to America* مشاهده کرد.

۱	افغانستان	۳۱	دانمارک	۶۱	لیختنشتاین	۹۱	جزایر ریونیون
۲	آلاسکا	۳۲	گینه هلند	۶۲	مجمع الجزایر لو	۹۲	رومانی
۳	آندورا	۳۳	اکوادر	۶۳	جزایر لویالتی	۹۳	روسیه (آسیا)
۴	آرژانتین	۳۴	جزائر فالکلند	۶۴	لوگزامبورگ	۹۴	روسیه (اروپا)
۵	اتریش - هنگری	۳۵	جزائر فارو	۶۵	ماداگاسکار	۹۵	سنت هلن
۶	جزایر باهاما	۳۶	فیجی	۶۶	جزایر مادئیرا	۹۶	سالوادور
۷	جزایر بالئار	۳۷	فرانسه	۶۷	مالت	۹۷	جزایر ساموآ
۸	بالژیک	۳۸	گینه فرانسه	۶۸	مارکیزاس	۹۸	سان مارینو
۹	بلیز	۳۹	هندوچین فرانسه	۶۹	جزایر مارشال	۹۹	سانتودومینگو
۱۰	برمودا	۴۰	جزایر فرندلی	۷۰	موریس	۱۰۰	ساردینیا
۱۱	مجمع الجزایر بیسمارک	۴۱	گالاپاگوس	۷۱	ملائزی	۱۰۱	سربستان
۱۲	بولیوی	۴۲	آلمان	۷۲	مکزیک	۱۰۲	جزایر شتلند
۱۳	برنٹو	۴۳	جیلبرت	۷۳	میکرونزی	۱۰۳	سیام
۱۴	برزیل	۴۴	آنتیل بزرگ	۷۴	مولوکاس	۱۰۴	سیسیل
۱۵	گینه انگلیس	۴۵	یونان	۷۵	موناکو	۱۰۵	جزایر سوسایتی
۱۶	جزایر بریتانیا	۴۶	گوآتمالا	۷۶	موتہنگرو	۱۰۶	جزایر سلیمان
۱۷	بلغارستان	۴۷	ہائیتی	۷۷	کالدونیای جدید	۱۰۷	آفریقہ جنوبی
۱۸	جزایر کاناری	۴۸	ہاواہی	۷۸	گینه نو	۱۰۸	اسپانیا
۱۹	جزایر دماغہ سبز	۴۹	ہیبراید	۷۹	نیو ہیبرایدز	۱۰۹	مستعمروہ نشین استریت
۲۰	جزایر کارولین	۵۰	ہلند	۸۰	نیوزیلند	۱۱۰	سوماترا
۲۱	سلبس	۵۱	ہندوراس	۸۱	نیکاراگوآ	۱۱۱	سوئڈ
۲۲	سرام	۵۲	ایسلند	۸۲	نروژ	۱۱۲	سوئس
۲۳	سیلان	۵۳	ہندوستان	۸۳	جزایر اورکنی	۱۱۳	تاسمانی
۲۴	شیلی	۵۴	ایتالیا	۸۴	پاناما	۱۱۴	تیمور
۲۵	چین	۵۵	جامائیکا	۸۵	پاراگوئے	۱۱۵	توباگو
۲۶	کلمبیا	۵۶	ژاپن	۸۶	پرو	۱۱۶	ترینیداد
۲۷	گرس	۵۷	جاوہ	۸۷	فیلیپین	۱۱۷	اوروگوئے
۲۸	کاستاریکا	۵۸	خوآن فرناندز	۸۸	پولی نزی	۱۱۸	ونزوئلا
۲۹	کرت	۵۹	کرہ	۸۹	پرتغال	۱۱۹	جزیرہ واتلینگ
۳۰	کوبا	۶۰	آنتیل کوچک	۹۰	پورتو ریکو	۱۲۰	زنگبار

در این فهرست تعدادی از اسامی هست که که شما امروزه در جغرافیا نمی‌شناسید اما این اسامی در زمان حضرت عبدالبهاء متداول بود. فی‌المثل، شماره ۴۰ جزایر فرندلی است. نام جدید آن جزیره تونگا در اقیانوس آرام است. شماره ۶۲ مجمع‌الجزایر لو. نام امروزی آن جزایر توآمو تو است که بخشی از پولی‌نزی فرانسه است. شماره ۹۹ سانتو دومینگو است که نام فعلی آن جمهوری دومینیکن در دریای کارائیب است. نکته جالب دیگر در مورد این فهرست این است که طلعت میثاق تعدادی از کشورها را حذف کرده‌اند. مثلاً، ایالات متحده و کانادا ذکر نشده‌اند زیرا مکاتیب ایشان خطاب به آنها بود. کشورهای دیگر که ذکر نشده‌اند عبارتند از ایران، مصر، عراق، سوریه و قبرس. نکته جالب در مورد قبرس این است که در آن زمان در آنها معدودی ازلی فعال وجود داشت، که پیروان میرزا یحیی بودند و حضرت عبدالبهاء احتمالاً میل نداشتند احبای آمریکایی در آن زمان به آنجا بروند. البته، بعدها، وقتی امور تغییر کرد، حضرت ولی امرالله قبرس را در نقشه دهساله ذکر کردند.

بعلاوه، بعضی از کشورها، با این که از قبل بهائیان در آن سکونت داشتند، ذکر شده‌اند. مثلاً، حضرت عبدالبهاء قبلاً به جزایر بریتانیا سفر کرده بودند و سخنرانی‌های بسیاری برای احباء، و حتی در کلیساها، ایراد فرمودند، با این حال ما نام کشور مزبور را در فهرست فوق می‌بینیم. و اما در مورد فرانسه، همانطور که می‌دانید، اولین مرکز امری در اروپا در پاریس بود. اول من آمن، هیپولیت دریفوس، از قبل در آنجا بود و جامعه محلی در آنجا وجود داشت. آلمان نیز ذکر شده است. حضرت عبدالبهاء به آلمان سفر کردند و بهائیان چند در اشتوتگارت و نیز سایر نقاط کشور وجود داشتند. هندوستان ذکر شده، اما حضرت عبدالبهاء با احبای این کشور مکاتبه داشته و مبلغینی نیز اعزام داشته بودند. شگفت‌انگیزترین نکته این است که حضرت عبدالبهاء دو مرتبه روسیه را ذکر می‌فرمایند، روسیه آسیا و روسیه اروپا. در روسیه آسیا هیکل مبارک از قبل مشرق‌الاذکار عشق‌آباد را داشتند.

در صدور الواح نقشه ملکوتی، قصد حضرت عبدالبهاء فتح کل کره ارض بود. نیت ایشان چنین نبود که در هر کشور فقط یک نشانی بهائی وجود داشته باشد، یا یک فرد بهائی ساکن باشد، یا یک محفل روحانی محلی تشکیل شده باشد، بلکه، همانطور که حضرت ولی امرالله توضیح فرموده‌اند، هدف غائی چنان بود که کل ساختار نظم اداری، با کلیه جزئیات و تفصیلات، با کلیه وجوه سازمان آن، در هر نقطه‌ای از کره ارض فعال باشد. ما کارهای زیادی داریم که انجام دهیم. در طی عصر تکوین، ما ممکن است موفق نشویم به طور کامل به این هدف در کلیه نقاط کره ارض نائل گردیم. در این زمان، هنوز تعدادی از اقالیم هستند که هنوز به روی امر مبارک مفتوح نشده‌اند. حضرت ولی امرالله به وضوح بیان فرمودند که در اهداف جهاد کبیر دهساله خود کلیه اقالیم ارض را ننگنجانده‌اند. ایشان فقط "اقالیم عمده" را ذکر کرده‌اند.

بنابراین، تعدادی از اقالیم هست که در مقوله "اقالیم عمده" محسوب نمی‌شوند. لہذا، منظر غائی عبارت از برخورداری از کلّ ساختار نظم اداری است کہ در کلیّہ سرزمین‌ها بہ طور کامل تأسیس شدہ فَعّال باشد و محفل ملّی و کلیّہ ارگانهای آن، محافل محلی، حظائر قدس، املاک محلی امری و حتی مشرق‌الاذکار محلی داشته باشد. این منظری است کہ ما در پیش روی خود داریم. جریان مزبور در سراسر دور حضرت بہاء‌اللہ تداوم خواهد داشت.

حضرت ولی امراللہ بہ این الواح بہ عنوان "منشور ترویج امراللہ در عالم امکان" (پیام نوروز ۱۹۷۴ معہد اعلی) اشارہ کردہ اند. این الواح فناپذیر حاوی صلاّی حضرت عبدالبہاء بہ آحاد احبّاء و دعوت آنها بہ قیام است. همچنین شامل ادعیہ زیبا و روح‌بخش برای مبلغین بہائی است.

سعی کردہ ام محتوای این چہارده لوح مبارک را تحت نہ عنوان طبقہ‌بندی کنم. از بسیاری از اہمّ مطالب، معدودی را انتخاب کردہ ام کہ بہ نظر من دارای اہمّیت خاصّ هستند و در مورد بعضی از این نکات مطالبی را بیان خواہم کرد. وقتی شما این فہرست‌ها را مطالعہ می‌کنید متوجّہ می‌شوید کہ بعضی از آنها با یکدیگر ہم‌پوشی دارند. فی‌المثل، وقتی ہیکل اطہر در مورد تبلیغ مطلبی را می‌فرمایند، ممکن است بہ بعضی از صفات و سجایای روحانی کہ افراد باید متّصف بہ آن باشند نیز نکاتی را بیان می‌کنند. ایشان ممکن است، موقع توضیح نقش فرد در جامعہ، مجدداً در عباراتی متفاوت بہ این صفات اشاراتی داشته باشند.

این جواہر ہدایت الہیہ را می‌توان تحت عنوان زیر خلاصہ کرد:

الف) فوریت امر تبلیغ

ب) روش‌های مؤثر تبلیغ و نشر نفعات

ج) صفات و خصائل روحانی نفوسی کہ بہ تبلیغ می‌پردازند

د) نگرش‌های مہمّ فردی احبّاء

ہ) امر الہی در عالم

و) فرد در جامعہ

ز) امکانات بالقوہ بعضی کشورها و جمعیت‌ها

ح) حیات بہائی و قوہ تأییدات الہی

ط) دعا

اہمّ مطالب ذیل ہر یک از ہشت عنوان فوق ذکر می‌شود:

الف) فوریت امر تبلیغ

- ۱- از بهائیان خواسته می‌شود به نشر نفحات الهیه در کلیه بلاد و قراء بپردازند.
- ۲- هدایت یک نفس به امر مقدس الهی بهتر از کلیه ثروت‌های عالم است.
- ۳- حضرت عبدالبهاء مشتاقند بنفسه المبارک در جمیع اقالیمی که طلعت اطهر ذکر کرده‌اند، ولو پای پیاده در نهایت فقر و فنا، جهت ترویج تعالیم الهی، سفر نمایند.

ب) روش‌های مؤثر تبلیغ و نشر نفحات

- ۱- مؤسسات آموزشی باید برای نشر تعالیم الهی، و نیز برای تعلیم ادله و اصول امر مبارک تشکیل شود.^{۱۰}
- ۲- نفوسی که به امر تبلیغ مشغول می‌شوند باید آن را یا به ابتکار شخصی انجام دهند یا برای این مقصود برگزیده شوند.
- ۳- در مسافرت گروهی گروه‌هایی از رجال و نساء مزایایی وجود دارد.
- ۴- یادگیری زبان مردم کشور مورد نظر برای تسهیل امر تبلیغ بسیار حائز اهمیت است.
- ۵- کتب و جزواتی که به زبان‌های محلی منتشر شده باشد مورد نیاز است.
- ۶- هدف مجله ملی باید انتشار امرالله در شرق و غرب، اعلان اخبار از مهم‌ترین وقایع باشد و در نهایت نظم و ترتیب انتشار یابد.

در باب موضوع تبلیغ، حضرت عبدالبهاء به مؤسساتی جهت تعلیم اشاره دارند، بنابراین این نظریه که اکنون ما دارای مؤسسات آموزشی هستیم در واقع مبتنی بر الواح نقشه ملکوتی است، یعنی دیدگاه هیکل اطهر در خصوص مؤسساتی که به توسعه استعدادها و قابلیت‌ها برای تبلیغ و عمق بخشیدن به درک ما از تعالیم حضرت بهاءالله مساعدت نماید. در امر مبارک ما، مانند ادیان گذشته، دارای هاخام و کشیش و آخوند نیستیم. حضرت بهاءالله حرفه قسیسی و آخوندی را بالمره نسخ فرمودند. حضرات ایادی امرالله و امروزه مشاورین دارای اختیار و مرجعیت تصمیم‌گیری نیستند. آنها می‌توانند و باید ارائه طریق کنند، نظر مشورتی بدهند، توصیه و تشویق کنند. مرجعیت تصمیم‌گیری به تشکیلات انتخابی اعطاء شده است. این اختیار از نفوس انتصابی گرفته و به تشکیلات انتخابی داده شده است. این یکی از وجوه تمایز نظم اداری است که بعدها نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله خواهد شد.

¹⁰ توضیح مترجم: در لوح هشتم از دوره اول الواح مزبور، حضرت عبدالبهاء به ایجاد "مدارس تبلیغ" (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۳۲) اشاره دارند که به schools of instruction ترجمه شده که به همان معنای "مؤسسات آموزشی" است.

در غیاب حرفه قسیسی و آخوندی، ما دور هم جمع می‌شویم و آثار مبارکه را شاید همراه با شخصی راهگشا و تسهیل‌کننده که به ما کمک کند، مطالعه می‌کنیم. این فرد تسهیل‌کننده نقش آخوند و کشیش را ایفا نمی‌کند. او صرفاً اندکی بیش از ما تجربه دارد. مشورت یکی از ویژگی‌های متمایز این امر مبارک است. کاربرد امر مشورت به محافل روحانی محلی موقعی که امور اداری را به بحث و مذاکره می‌گذارند منحصر و محدود نمی‌شود. ما با مشورت به مبادله دیدگاه‌ها و ارتقاء سطح درک و برداشت خود می‌پردازیم. حلقه مطالعه شکلی از مشورت را برای ما تأمین می‌کند. با تعامل و مبادله عقاید و نظریات، توانایی یادگیری خواهیم داشت. آخوند و کشیش بر بالای منبر صعود می‌کنند و موعظه می‌نمایند که عبارت از القاء برداشت خود از متون دینی است. حضرت بهاءالله این نوع عمل را از نظام خود حذف فرمودند. اما البتّه این بدان معنی نیست که اگر نفسی مطلبی را می‌داند نتواند آن را با دیگران در میان گذارد. در جامعه‌ای محلی ما به مبادله نظریه‌ها می‌پردازیم، با هم فعالیت می‌کنیم، با هم یاد می‌گیریم و به این ترتیب است که رشد پیدا می‌کنیم.

این وجود مؤسّسات آموزشی در امر مبارک بسیار حائز اهمّیت است. بنابراین، تزئید معارف و معلومات در دو مسیر موازی حرکت می‌کند. یک راه از طریق مساعی فردی و دیگری از طریق مجهودات جمعی عبور می‌کند، یعنی با فعالیت‌های سازمان‌یافته مؤسّسات آموزشی و حلقه‌های مطالعه. اما این مسیر ما را از مسئولیت فردی برای تزئید معارف در منزل معاف نمی‌سازد، زیرا حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "اتلوا آیات الله فی کلّ صباح و مساء" (اقدس، بند ۱۴۹) و "اغتموا فی بحر بیانی" (اقدس، بند ۱۸۲)

وقتی حضرت عبدالبهاء در ایالات متّحده بودند، شخصی از ایشان سؤال کرد، "می‌خواهم از حیات بهائی برخوردار باشم. چه بکنم؟" حضرت عبدالبهاء فرمودند اول امری که مؤمن باید انجام دهد این است که تشنه روحانیت باشد. برای حصول این تشنگی، باید دعا کرد، آثار حضرت بهاءالله را زیارت نمود و درباره حیات بعد از ممات تفکر کرد.^{۱۱} شرط سوم تلویحاً بدان اشارت دارد که ما برای همیشه در این جهان نخواهیم ماند؛ مرگ هر آن در انتظار ما است؛ زندگی دیگری وجود دارد و ما به این علت در اینجا هستیم که خود را برای زندگی بعدی آماده سازیم. این آگاهی بخشی اساسی از توسعه حیات بهائی ما و

^{۱۱} توضیح مترجم: این مطلب در مجله نجم باختر سال نوزدهم، شماره ۳، ص ۶۹ درج شده است و مضمون بیان مبارک آن که، "اول امری که باید بدان مبادرت نمود کسب شوق و شور روحانیت است و بعد، زندگی کردن به موجب آن است؛ زندگی کردن؛ زندگی کردن. طریق کسب این شور و شوق آن است که درباره حیات آتی تفکر و تعمق شود. کلمات مقدّسه را مطالعه کنید؛ کتاب مقدّس را بخوانید، کتب مقدّسه را بخوانید، بالاخص آثار مبارکه حضرت بهاءالله را مطالعه کنید. دعا و تعمق؛ خیلی وقت صرف این دو نکنید. بعد به این تشنگی، به این شور و شوق عظیم بی‌خواهید برد. تنها در این صورت است که می‌توانید از حیات بهائی برخوردار شوید."

برخورداری از حیات بهائی است. تکرار می‌کنم، به این ترتیب، سه شرط اساسی شروع حیات بهائی عبارت از دعا، زیارت آثار مبارکه و تفکر در مورد حیات بعد از ممات است.^{۱۲}

وقتی آثار مبارکه را زیارت می‌کنیم، باید در مورد کلمات به تعمق و تفکر پردازیم و از خود پرسیم، "نیت یا مقصود حضرت بهاءالله چه بوده؟ حضرت بهاءالله به ما چه می‌گویند؟" ما باید سعی کنیم و در آنچه که حضرت بهاءالله می‌فرمایند تحقیق و تتبع نماییم. حضرت عبدالبهاء در یکی از مناجات‌های صادره از قلمشان به "دمدمة الألفاظ و الأصوات" (مناجات‌های طبع آلمان، چاپ دوم، ص ۱۱۹) اشاره دارند. طبق مفاهیم کلیسای کاتولیک و نیز اسلامی، صرف دمدمة الألفاظ و اصوات مهم است. فی‌المثل، مردم بیچاره آفریقا که مسلمان هستند سخت تلاش می‌کنند عربی بخوانند. آنها کلمات عربی را نمی‌فهمند اما در نظر آنها دمدمة الألفاظ و اصوات مهم است. بنابراین آنها سعی می‌کنند، مثلاً، حرف "عین" را به طور حلقی تلفظ نمایند تا تأثیر داشته باشد. این مفهوم در امر مبارک وجود ندارد. حضرت بهاءالله به ما توصیه می‌فرمایند بخوانیم، بفهمیم، تفکر کنیم، تعمق کنیم و اجازه دهیم کلمات در وجود ما جایگیر شوند و بخشی، قسمتی، از حیات ما شوند. هیکل اطهر در کتاب اقدس (بند ۳۶) می‌فرمایند، "اقرئوا الألواح لتعرفوا ما هو المقصود فی کتب‌الله العزیز الوهاب".

ج) صفات و خصائل روحانی نفوسی که به تبلیغ می‌پردازند

- ۱- مبلّغین بهائی باید منقطع، منزّه، مقدّس و مملو از محبة الله باشند.
- ۲- مبلّغین بهائی باید ربّانی و نورانی، روح مجسم، عقل مصوّر، و برانگیخته به روح جانفشانی باشند.
- ۳- دیده آنها باید متوجه به ملکوت الله باشد.
- ۴- کسانی که در سبیل خدمت سفر نمایند، باید در نهایت انقطاع باشند.
- ۵- مبلّغین باید از عالم بشریت به کلی منسلخ گردند و ملائکه آسمانی شوند.
- ۶- نیت مبلّغ باید خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همّت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد.
- ۷- نیت مبلّغ باید خالص و همّت او بلند باشد.
- ۸- نفوسی که قیام می‌کنند باید از نقائص عالم طبیعت مبرا و به نفعه حیات ابدیه زنده، با قلبی نورانی و لسانی ناطق و بیانی واضح باشند.

¹² Compilation of Compilations, vol.1, p. 204, no. 425

کمالاتی که هر یک از ما در رشد خصائل روحانی می‌توانیم به آن نائل گردیم نهایی ندارد. خانم می‌مکسول، مادر روحیه خانم، یک مرتبه گفتند که امرالله دانشگاه است. ما ثبت نام می‌کنیم، اما هرگز فارغ‌التحصیل نمی‌شویم. همیشه در حال یادگیری هستیم. در مورد خصائل روحانی هم همین نکته مصداق دارد. ما در سراسر حیات خود به رشد و توسعه صفات و خصائل روحانی خود می‌پردازیم، اما به کمال مطلق ابداً واصل نمی‌شویم، زیرا کمال مطلق فقط خصیصه و خصلت مظاهر ظهور الهی است. مظهر و مثال هر فضیلت بهائی حضرت عبدالبهاء، مثل اعلائی امر الهی، هستند. حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک دور بهائی می‌فرمایند:

هیچ ولی امر الهی نمی‌تواند ادعا نماید که مثل اعلائی تعالیم حضرت بهاءالله است و یا آن که مرآت صافیه‌ای است که انوار حضرتش را منعکس می‌سازد؛ و هر چند ولایة امرالله در ظلّ صیانت جمال ابی و عصمت فائز از حضرت اعلی و در وظیفه و حقّ تبیین تعالیم بهائی شریک و سهیم حضرت عبدالبهاء می‌باشند، ولیکن اساساً در رتبه حدودات بشریه واقفند و برای ایفای به عهد نمی‌توانند به هیچ عنوان حقوق و امتیازات و اختیاراتی را که حضرت بهاءالله به فرزند جلیلیش عنایت فرموده به خود نسبت دهند. (دور بهائی، ص ۸۸-۸۷)

دیگر هرگز مثل اعلائی در طی این دور وجود نخواهد داشت. این باب مسدود شده است. این مانع از آن خواهد شد در آتیه ایام دیوانه‌ای بگویند، "من محقق بزرگی هستم، من اینم، من آنم، پس من مثال و نمونه کاملی هستم". جمیع ما صرفاً سعی می‌کنیم بهائی باشیم و جمیع ما به تلاش خود ادامه خواهیم داد. ما به درجاتی از کمال خواهیم رسید اما هرگز به کمال مطلق نائل نخواهیم شد. امر مبارک کامل است؛ تعالیم مبارک کاملند؛ مثل اعلی کامل است؛ ما کامل نیستیم. نمی‌توانیم کامل باشیم، اما در این طریق به سوی کمال حرکت می‌کنیم؛ حرکتی تدریجی؛ قطره قطره؛ قدم به قدم. هرگز نباید توقف کنیم و دست از تلاش برداریم.

د) نگرش‌های مهم فردی احتیاء

- ۱- طلب راحت و آسایش جسمانی و تن‌پروری و آلودگی به این دنیای فانی سبب می‌شود عاقبت انسان خائب و خاسر گردد.
- ۲- انسان نباید وحوش و طیور را سرمشق خود قرار دهد و خود را فقط به مقتضیات این حیات جسمانی مشغول سازد.
- ۳- هر عزت و شکوه ظاهری عاقبت محو و زائل شود اما ملکوت‌الله باقی و عزت و حشمت ملکوتی الی‌الابد برقرار خواهد بود.
- ۴- باید تلاش کنیم روز به روز روشن‌تر شویم و در درگاه مقدس الهی مقرب‌تر شویم.
- ۵- انسان، همانطور که در دفعه اولی از رحم مادر تولد یافت، باید این دفعه از عالم طبیعت تولد یابد.

۶- بهائیان باید به ماء حیات تعمید گردند و به میزان زیادی از مائده آسمانی تناول نمایند و به جزئی طعام مادی قناعت کنند.

۷- ما باید از اموال و اشیاء مادی بکلی منقطع شویم و هر آنچه داریم در سبیل خدمت فدا نماییم.

۸- بهائیان باید چشم از راحت جسمانی ببوشند و آرزوی حیات ابدیه و ترقیات ربّانی و ترویج کلمه الله و هدایت و سعادت من علی الأرض نمایند.

۹- باید خود را از این عالم فانی تطهیر نماییم و توجه را حصر در رفاه و سعادت سایرین کنیم.

۱۰- انسان به جهت فضائل نامتناهی و علویت عالم انسانی و تقرّب درگاه الهی خلق شده است.

۱۱- اگر احباء از جام محبة الله سرمست شوند و به عوالم روح مشغول گردند، سلطنت این کره خاک در نزد آنها از ملعبه صبیان پست تر گردد.

۱۲- ما نباید نظر به قلت خویش و کثرت اقوام نماییم؛ پنج دانه گندم سبب برکت آسمانی گردد و هزار خروار زوان هیچ ثمر و اثری ندهد.

وظیفه تبلیغ امرالله امری است که ما غالباً فراموش می کنیم و از آن غفلت می کنیم. حضرت ولی امرالله هدایت فرموده اند که ما باید هر یوم به تبلیغ امرالله پردازیم. ما باید اسم مبارک حضرت بهاءالله را هر روز ذکر کنیم. این بدان معنی است که من باید سالی سیصد و شصت و پنج مرتبه امر الهی را ذکر نمایم. آیا این کار را می کنم؟ دیروز سخنی را از دوستان که از ترکیه آمده شنیدیم که من از شنیدنش از شدت شوق به هیجان آمدم. ایشان می گفت که هنگام عزیمت از ترکیه به اینجا دوستانش به او گفتند، "کجا میروی؟ وقتی به آکو تو می روی، هیچکس را نمی توانی آنجا تبلیغ کنی. همینجا بمان تا بتوانی تبلیغ کنی!" این روحیه بهائی است. ما هر روز حداقل یک مرتبه باید تبلیغ کنیم. وقتی قبلاً ذکر کردیم که باید دارای اهداف فردی شخصی باشیم، تبلیغ باید در صدر فهرست اهداف ما باشد.

هدف فردی دیگر در امر تبلیغ، بنا به بیان حضرت عبدالبهاء، باید هدایت یک نفر در هر سال به ظل امر مبارک باشد (منتخباتی از مکاتیب، ص ۲۵۶).^{۱۳} آیا من این کار را انجام می دهم؟ شما تا به حال متوجه شده اید که من چند سال دارم. اگر، حالا که دارم با شما صحبت می کنم، دچار حمله قلبی بشوم و به جهان باقی بشتابم و به زیارت حضرت عبدالبهاء نائل شوم، ایشان از من سؤال خواهند کرد، "علی، آمدی! اولین سؤال این است: هفتاد نفری که تبلیغ کردی، یعنی کسانی که در اثر تبلیغ تو بهائی شده اند، چه کسانی

¹³ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به این بیان حضرت عبدالبهاء است، "ای یاران الهی اقلّاً هر یک از دوستان باید در مدت یک سال یک نفس را تبلیغ نماید." (رساله راهنمای تبلیغ، ص ۱۸)

هستند؟ تو مدت پانزده سال در خانواده‌ای بهائی بودی، الآن هشتاد و پنج ساله هستی؛ هشتاد و پنج منهای پانزده، میشود هفتاد. آن هفتاد نفر چه کسانی هستند؟" به نظر من هر یک از ما باید اینطور فکر کند. پیشنهاد من این است که ببینید چند سال است تسجیل شده‌اید و ببینید چند نفر از بهائیان در اثر تبلیغ شما در ظلّ امر وارد شده‌اند. این مسئولیت هر یک از ما است. اهمّیت الواح نقشه ملکوتی به این علت است که آنها برای ترویج امر تبلیغ صادر شده‌اند.

ما در امور اداری کمال مهارت را داریم. ما امور اداری را دوست داریم اما به دلیلی از تبلیغ امرالله هراس داریم. این در جامعه بهائی ضعف محسوب می‌شود. ما نگرانی درباره امر تبلیغ، برای دعوت ناطقین جهت ایراد سخنرانی عمومی و اجرای طرح‌های تبلیغی در اینجا و آنجا را به محفل یا لجنات مخصوص این کار واگذار می‌کنیم. ما به اجرای سایر وظائف روحانی اکتفا می‌کنیم، اما وقتی نوبت به تبلیغ می‌رسد، از یکی از احباء شنیدم که می‌گفت، "تبلیغ را دوست ندارم. از تبلیغ می‌ترسم. خیلی چیزی نمی‌دانم. اگر شروع به تبلیغ امر مبارک بکنم و مردم بفهمند که اطلاعات زیادی ندارم، برای امر مبارک وجهه خوبی نخواهد داشت!" ما به رفتار خودمان جلوه‌ای منطقی می‌دهیم، آن را توجیه می‌کنیم و این درست نیست. ما باید به حضرت بهاءالله اعتماد کنیم، ما باید صحبت کنیم و اسم مبارک ایشان را ذکر کنیم. هیکل مبارک به ما اطمینان می‌دهند که به ما کمک خواهند کرد و الهام خواهند بخشید. حضرت ولی امرالله مرقوم فرمودند، "هر که شک دارد قیام کند" (Messages to America 17).¹⁴ اگر من ترس دارم، باید تصمیم بگیرم که خود را تغییر دهم. با تأییدات الهی حضرتش من باید خود را متحوّل سازم. باید راهی برای تبلیغ امر مبارک پیدا کنم.

تبلیغ در سطح ابتدایی خود ابداً به وقت نیاز ندارد. بله، بعضی از فعالیت‌های تبلیغی به زمان نیاز دارد. موافقم که تشکیل بیت تبلیغی در منزل مستلزم وقت است. اما ما باید به امکانات دیگری برای تبلیغ امر مبارک ناظر باشیم. فی‌المثل، وقتی عازم محلّ کار هستم با مردم ملاقات می‌کنم. همیشه در زندگی با مردم آمیزش دارم. وقتی از منزل بیرون می‌روم، در این جهان با مردم ملاقات می‌کنم. باید بینم نفوس مستعدّ کجا هستند. حضرت ولی امرالله در یکی از توابع خود می‌فرمایند، "یافتن این نفوس مستعدّه و ابلاغ امر به آنان، در کمال حکمت و درایت، وظیفه و امتیاز هر یک از آحاد احباء است" (ترجمه - *Compilation of*

¹⁴ توضیح مترجم: بیان حضرت ولی امرالله به تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ است که در دعوت به تبلیغ فرمودند، "وقت را از دست ندهید، تردید نکنید؛ کثیری از نفوس مشتاق مائده حیات مشاهده می‌شوند. میدان آماده، وعده قطعی و قویم عنایت شده، نقشه الهی به اجرا در آمده، و یوماً فیوماً از سرعت و قدرت بیشتر برخوردار می‌شود؛ قوای ارض و سماء به نحوی اسرارآمیز ممدّ اجرای آن. چنین فرصتی منحصر به فرد است. هر که شک دارد قیام کند و حقیقت این اظهارات را به رأی العین مشاهده نماید. بذل مجهودات و استقامت در این راه البتّه مظرفیت غائی و کامل را محتوم سازد." (ترجمه)

Compilation, vol.2, p. 315. هیکل مبارک همچین فرمودند ما باید هر روز دعا کنیم که، "یا بهاءالله، امروز نفس مستعدی را به سوی من فرست تا بتوانم امر الهی را به او ابلاغ کنم." این موضوع در امر تبلیغ بسیار اساسی است.

هـ- امر الهی در عالم

- ۱- در جمیع اقالیم عالم آرزوی صلح عمومی مضمّر ضمائراست. نفسی نمانده که آرزوی صلح و سلام عمومی ننماید.
- ۲- عالم ظاهر نمادی از عالم باطن شود و آئینهٔ مُلک مرآت ملکوت گردد و آمال و فضائل ملکوتی را منعکس سازد.
- ۳- جهت جامعهٔ ملکوتی اهمّ از جهات جامعهٔ مبتنی بر ملیّت، وطنیت، سیاست، وحدت افکار و مصالح فرهنگی است؛ چه که این موارد بنا به ماهیت خود از نفوذ دائمی یا تأثیر ابدی محروم و ممنوعند.

و- فرد در جامعه

- ۱- اهمّیت الفت و محبّت بین احباب
- ۲- اگر نفسی از احبّاء به دیگری برسد مانند آن باشد که تشنه‌لی به چشمهٔ آب حیات رسد.
- ۳- ثبوت بر میثاق الله
- ۴- جدال به هیچ وجه جائز نه. اگر دو نفس در مسأله‌ای از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطلند.

در باب محبّت، اتّحاد و اتّفاق در جامعه، این اصل ابدی در کلیّه ظهورات الهیه است. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک می‌فرماید بعضی از نفوس مشتاقند در جامعه اختلافاتی را مشاهده کنند.^{۱۵} ما باید از کسانی باشیم که عاشق اتّحاد و اتّفاقیم. مناجاتی از حضرت عبدالبهاء در دست است که در آن می‌فرماید،

¹⁵ توضیح مترجم: احتمالاً جناب نجوانی به یکی از دو بیان ذیل ناظرند، "احبّاء ... امواج یک بحر گردند ... جز خیر یکدیگر نبینند و جز نعت یکدیگر نشنوند و بجز مدح و ستایش یکدیگر کلمه‌ای بر لسان نرانند. بعضی بر این منهج قویم سالک ... ولی بعضی بر این مقام اعزّ اعلیٰ چنانچه باید و شاید قائم نه و این بسیار سبب احزان عبدالبهاء است." (گلزار تعالیم، ص ۲۳۱)؛ "بعضی از احبّاء در سرّ سرّ مذمّت یاران دیگر نمایند و اساس غیبت را در نهایت متانت وضع نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند. البتّه کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح نمایید." (کنجینه حدود و احکام، ص ۲۰۶)

”اجعلنی ... موقفاً علی التالیف بین احبتک“ (مناجاتهای طبع آلمان، شماره ۳۷۸). بعضی از نفوس مروّجین اختلاف در میان نفوس انسانی هستند و ابزاری را که استفاده می‌کنند غیبت و افترا است. این فقط سبب مسموم کردن اذهان و قلوب احباء است. به جای آن، ما باید ناظر به مدایح و محاسن دیگران باشیم و آنها را مورد مدح و ستایش قرار دهیم. حضرت عبدالبهاء مثال حضرت مسیح را به ما عنایت می‌کنند. حضرت مسیح ناظر به دندان‌های سفید سگ مرده بود. حضرت مسیح با حواریون به راهی می‌گذشتند و از کنار لاشهٔ سگ مرده‌ای عبور کردند. کلبهٔ حواریون از بوی تعفن و ظاهر مشمئز کنندهٔ سگ ابراز انزجار کردند. اما حضرت مسیح فرمودند، ”به دندانهای سفیدش نگاه کنید.“^{۱۶} ایشان در این لاشهٔ سگ نکتهٔ مطلوبی را یافتند. ما باید در هر نفسی جوایای دندان سفید باشیم و آن را مورد ستایش قرار دهیم. ما نباید بگوییم این فرد از احباء مستحقّ هیچگونه ستایشی از سوی من نیست. اگر من نکتهٔ مثبتی را مشاهده کنم، باید آن را مورد ستایش قرار دهم. این یکی از راه‌های ترویج وحدت و اتحاد است.

من باید فروتن باشم. نباید مغرور و متکبر باشم. باید سعی کنم حسد را از قلب خود برانم. این از مقتضیات اساسی و بنیادی است. اگر ما در جامعه متحد نباشیم، چگونه می‌توانیم به تبلیغ امرالله پردازیم؟ چرا به تبلیغ امر می‌پردازیم؟ آیا مردم را به ورود به جامعه‌ای مشتت و دچار اختلاف دعوت می‌کنیم؟ آیا به این طریق می‌خواهیم وحدت عالم انسانی را تأسیس کنیم؟ باید به اهمّیت ترویج وحدت در جامعهٔ بهائی، در هر جا که هستیم، واقف باشیم.

مسألهٔ دیگری که در این بخش به آن اشاره شده عبارت از عهد و پیمان و ثبوت بر میثاق است. عهد و پیمان امری نیست که با حضرت عبدالبهاء شروع شده و به حضرت عبدالبهاء خاتمه یافته باشد. حضرت عبدالبهاء در الواح متعدّد می‌فرمایند که قیادت آن حضرت بامداد عهد و میثاق است. دوران بیست و نه سالهٔ قیادت آن حضرت صبح میثاق بود، گویی ساعت هفت صبح بوده باشد. حال ما در ظلّ بیت‌العدل اعظم هستیم. می‌توان گفت حدود هشت و نیم یا نه صبح است. این عهد و پیمان در نظر گرفته شده که نه فقط تا پایان عصر تکوین، بلکه تا پایان عصر ذهبی ادامه داشته باشد و به دور الهی بعدی برسد. وظیفهٔ بیت‌العدل اعظم مسلماً این است که به عرفان مظهر ظهور بعدی پی ببرد و او را معرفی کند. قوهٔ فاعلهٔ عهد و میثاق در حال پیشرفت است. ما اینجا تحت عهد و پیمان حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نشسته‌ایم. مرکز و محور میثاق ما بیت‌العدل اعظم است. معهد اعلیٰ مؤسسهٔ مرکزی امر الهی در سراسر دوران باقیمانده از دور بهائی است. به آن روز زیبای شگفت‌انگیزی فکر کنید که ما در سمت‌الراس، یعنی

^{۱۶} توضیح مترجم: این داستان در الواح متعدّد ملاحظه شده است. از آن جمله مراجعه نمایید به گنجینه حدود و احکام، ص ۳۰۵؛ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۶۵ (شماره ۱۴۴)

در اوج قرار گرفته‌ایم، شمس میثاق به در اعلیٰ نقطهٔ آسمان قرار گرفته است. اما آن روز در آینده قرار دارد. ما همچنان تا پایان دور بهائی در ظلّ این میثاق خواهیم بود. محبت ما به بیت‌العدل اعظم، اشتیاق ما به درک نیات بیت‌العدل اعظم، شور و شوق ما به اجرای نقشه‌های بیت‌العدل اعظم - اینها امروزه از مقتضای ثبوت بر میثاق است.

ز - امکانات بالقوهٔ بعضی کشورها و جمعیت‌ها

آمریکا و قارهٔ آمریکا:

- ۱- اعضاء جامعهٔ بهائی آمریکای شمالی با عنوان "ای حواریون بهاءالله" خطاب شده‌اند.
- ۲- قارهٔ آمریکا میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار.
- ۳- وقتی که پیام الهی توسط احبای آمریکایی به سایر قارات عالم برسد، جامعهٔ آنها خود را جالس بر سریر سلطنت ابدیه مشاهده نماید.
- ۴- احبای آمریکایی تا به حال بسیار همّت نموده‌اند، ولی من بعد باید هزار مرتبه بر همّت بیفزایند.

کانادا: مستقبل کانادا بی‌نهایت جلیل و بسیار عظیم است، چه از حیثیت مُلک و چه از حیثیت ملکوت.

گرینلند: اگر در گرین‌لند نائرهٔ محبت الهی شعله زند، جمیع یخ‌های آن مملکت آب شود.

اسکیموها:

- ۱- تماس با اسکیموها بسیار مهم است.
 - ۲- انتشار نفعات الهی در میان اسکیموها تأثیرات عظیمه و شدید دارد.
- بومیان هندی: اهالی اصلی امریکا، یعنی هندی‌ها اگر تربیت شوند و هدایت یابند از قابلیت بر خوردارند که آفاق را روشن نمایند.

پاناما: وقتی که امر الهی در آنجا مستقر گردد، این اقلیم وسیلهٔ ارتباط و اتحاد خواهد شد.

ح - حیات بهائی و قوهٔ تأییدات الهی

- ۱- دیگران را نمی‌توان منقطع ساخت مگر آن که خود شخص از ماسوی‌الله منقطع باشد.

- ۲- نَفْس طاهرِ بهائی منقطع حتّی در صخره تأثیر نماید و می تواند سنگ را لعل بدخشان نماید و خزف را صدف کند و خاک سیاه را گلشن و گلزار نماید، کور را بینا کند، کر را شنوا نماید و مرده را زنده کند.
- ۳- چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت مملکتی شد.
- ۴- مبلّغین بهائی را جنود ملکوت تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند.
- ۵- نفتات روح القدس معجزات آشکار کند.
- ۶- با فیوضات الهیّه قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید.
- ۷- تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود است. یک جبهه هفت خوشه بر آرد و هر خوشه صد دانه بدهد.

از جمله مقتضیات حیات بهائی انقطاع و وارستگی است که detachment ترجمه شده است. گاهی اوقات از لغت severance به معنی قطع و جدایی استفاده می شود. اما لغت اوّل یک اصلاح خاصّ بهائی است. اگر در جمیع صحف و کتب دینی جستجو کنید این واژه را نخواهید یافت. در کتاب مقدّس، عهد عتیق و عهد جدید، و نیز قرآن جستجو کنید؛ شما واژه detachment را نخواهید یافت که اینگونه که ما در آثار بهائی آن را درک می کنیم، به کار رفته باشد. مفهوم انقطاع، آنگونه که در آثار بهائی به کار رفته، وجود ندارد اما با اصطلاحات متفاوتی بیان شده است. مثلاً، حضرت مسیح در مورد کفّ نفس و پاکی قلب صحبت می کنند که وجوهی مربوط به انقطاع است.

انقطاع در حیات بهائی امری اساسی است. تا آنجا که به ما مربوط می شود، فرزندان، نوادگان و اخلاف ما در سراسر دور بهائی همچنان منقطع خواهند بود اما ما هرگز صد در صد منقطع نخواهیم بود و نمی توانیم باشیم. فقط می توانیم به طور نسبی منقطع باشیم.

حضرت بهاء الله در لوحی توضیح می فرمایند که انقطاع دارای سطوح متفاوتی است. هیکل مبارک درباره نردبانی سخن می گویند که بین انسان و خدای او وجود دارد و دارای سه پله است.¹⁷ هیکل مبارک می فرمایند که پله اوّل عبارت از انقطاع از اشیاء مادی است، یعنی لذّات و وسوسه ها، یعنی پوچی ها و وابستگی های این دنیا. یعنی انجذاب مفرط به پول، روابط جنسی، قدرت، جاه طلبی و غیره.

¹⁷ توضیح مترجم: اشاره جناب نخجوانی به بیان مبارک در مائده آسمانی (ج ۸، ص ۱۲۰) است که می فرمایند، "ثمّ اعلم بأنّ نصب بیننا و بین العباد سلّم و له ثلاث درجات؛ الأولى، تذکر بالدنیا و زخرفها؛ و الثانیة، بالآخرة و ما قدر فیها؛ و الثالثة، تذکر بالأسماء و ملکوتها و من جاز عن هذه المقامات یصل الی ملک الأسماء و الصفات اقرب من حین. ایاکم یا اهل البهء لاتعطلوا أنفسکم علی هذه المواقف ثمّ مروا عنها کمر السحاب کذلک ینبغی لعبادنا المقرّین."

به عبارت دیگر، هر یک از ما در درون خود دارای نفس است. این نفس که با ما به دنیا آمده، نفس حیوانی است. ما هرگز قادر نخواهیم بود که آن را طور کامل مقهور سازیم زیرا همهٔ ما نقاط ضعف داریم. هر شخصی باید نقاط ضعف خود را بشناسد. حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه (شماره ۳۱ عربی) به ما می‌فرماید که هر روز باید به بررسی وضعیت خود بپردازیم. ایشان می‌فرمایند، "حاسب نفسک فی کلّ یوم قبل أن تُحاسب." ^{۱۸} این یعنی ارزیابی خود. ارزیابی خود دو نوع می‌تواند باشد: ارزیابی خود می‌تواند منفی باشد تا بدان درجه که فلج شویم و نتوانیم کاری انجام دهیم. یعنی بد. اما ارزیابی خود می‌تواند مثبت باشد، یعنی وقتی که به بهبود و ارتقاء خود منجر می‌شود، وقتی که شخص سعی می‌کند به کمالاتی بیشتر نائل گردد، اندکی بیشتر به معیار و میزان نزدیک شود، و این کار قدم به قدم و اندک اندک صورت می‌گیرد.

پلهٔ دوم عبارت از انقطاع از منافع و مزایای عالم بعد است. دقیقاً معنای آن چیست؟ آیا به این معنی است که در عالم بعد هیچ مکفاتی وجود ندارد؟ این غیر ممکن است زیرا هیکل مبارک می‌فرماید مکافات و مجازات وجود دارد. برداشت من از آن این است که اگر اینجا در حال تقدیم خدمتی هستم، ممکن است انتظار مکفاتی عظیم و پربار در جهان بعد را داشته باشم و تنها هدف مجهودات من دریافت پاداش و مکافات مورد انتظار باشد. این، آنطور که من آن را درک می‌کنم، در نظر جمال مبارک قابل قبول نیست. ایشان می‌خواهند که ما خالص و منقطع باشیم. نباید مهم باشد که آیا مکفاتی وجود دارد یا خیر. محبت ما باید خالص باشد، مانند محبتی باشد که والدین به فرزند خود دارند؛ بدون ادنی شائبه یا آلودگی. والدین فرزند خود را بدون هیچ توقع و انتظاری دوست دارند. هر آنچه که والدین انجام دهند برای مصالح فرزند انجام می‌دهند. این تفکر که این کودک بزرگ خواهد شد و محبتی را که اکنون می‌بیند جبران خواهد کرد، به فکر والدین بامحبت خطور نخواهد کرد زیرا انگیزهٔ آنها از محبتی ایثارگرانه و بی‌شائبه نشأت می‌گیرد. محبت دو نوع است. می‌تواند خودخواهانه یا خالصانه باشد. آنچه که حضرت بهاءالله از ما می‌خواهند محبت خالصانه و ایثارگرانه بدون هیچ انتظار یا توقعی در این عالم یا در عالم بعد است.

^{۱۸} توضیح مترجم: در سوره الملوک نیز به این نکته اشاره شده و نحوهٔ آن نیز توضیح داده شده، با این تفاوت که توصیه شده که در هر روز، بل در هر لحظه، این کار انجام شود، "ثم انصب میزان الله فی مقابلة عینک ثم اجعل نفسک فی مقام الادی کانتک تراه ثم وزن اعمالک به فی کلّ یوم بل فی کلّ حین و حاسب نفسک قبل أن تُحاسب فی یوم الادی لن یستقرّ فیه رجلٌ أحدٌ من خشية الله و تضطرب فیه افئدة الغافلین" (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۴۱)

بَلَّةٌ سوم بسیار دشوار است. به این علّت است که من بر این باورم که ما هرگز نمی‌توانیم به طور کامل به آن برسیم. و آن عبارت از انقطاع از ملکوت اسماء است. "اسماء" در اینجا اشاره‌ای تلویحی به این آرزو و میل است که نام من توسط آن حضرت ذکر شود. این نوعی وابستگی به این آرزو و خواسته است. در کلمات مکنونه (۴۳ عربی) می‌فرمایند، "یا ابن الوجود اذکرنی فی ارضی لأذکرک فی سمائی لتقرّ به عینک و تقرّ به عینی." این پاداش ظریف و دقیقی است. ایشان صرفاً نام مرا ذکر می‌کنند اما من وابسته به این هستم که نام من تصدیق شود. من باید خودم را از اسم خودم منقطع سازم. در عالم بعد هویت نفوس وجود خواهد داشت، بنابراین من هرگز هویت خود را از دست نخواهم داد. اما، ایشان نمی‌خواهند من به چیزی وابسته باشم، از جمله اسم خودم و وجود خودم. این مرحله سوم در مقیاس انقطاع است.

حضرت بهاءالله به ما فرموده‌اند که "طیروا بقوادم الإنقطاع" (مناجاة، ص ۷۴)^{۱۹} انقطاع به ما بال می‌بخشد. ما پرنده می‌شویم و پرواز می‌کنیم. بدون انقطاع ما زمینی هستیم. ما به زمین می‌چسبیم و همیشه متصل به زمین هستیم. به جای آن که پرندگانی در حال پرواز باشیم، به کرم‌های زمینی بدل می‌شویم.^{۲۰} بالهای انقطاع به ما سرور می‌بخشد. اطمینان دارم که برخی از شما در رؤیاهایی که داشته‌اید خود را در حال پرواز دیده‌اید. تجربه عالی و هیجان‌انگیزی است. نشانه‌ای است از این که ارواح ما مشتاق انقطاع هستند.

نکته مهم دیگر برای رشد روحانی ما اعتماد و اطمینان به حضرت بهاءالله است. اگر ما به حیّ قدیر اعتماد نداشته باشیم، تأییدات لاریبیه الهیه‌اش را دریافت نخواهیم کرد. اعتماد با ایمان تفاوت دارد. ایمان عبارت از معرفت یافتن به مظهر ظهور الهی است. با عشق، تلاش، مطالعه و خدمت، ایمان رشد پیدا کرده به ایقان تبدیل می‌شود. اما، اعتماد امر متفاوتی است. اعتماد این است که وقتی من حرکت می‌کنم، وقتی شروع به انجام دادن کاری برای حضرت بهاءالله می‌کنم، باید به مساعدت آن حضرت اعتماد داشته باشم، به تأییداتش اعتماد داشته باشم، اعتماد داشته باشم که او به من نزدیک است، مرا می‌بیند، مرا می‌شناسد، به

^{۱۹} توضیح مترجم: مأخذ ذکر شده نمی‌تواند صحیح باشد، چه بیان مزبور در کتاب اقدس (بند ۵۴) است. آیه‌ای که در مأخذ ذکر شده وجود دارد، تقاضای آزادی است تا بتوان به بال انقطاع پرواز کرد، "یا الهی ائی ... مسجون فاطلقتی بمشیتک و ارادتک فاطیرن بجناحی الإنقطاع الی جبروت الإختراع."

^{۲۰} توضیح مترجم: احتمالاً جناب نخجوانی ناظر به این بیان حضرت بهاءالله هستند که می‌فرمایند، "مثل شما مثل طیری است که به اجنحه منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد به گمان دانه به آب و گل ارض میل نماید و به حرص تمام خود را به آب و تراب بیالاید و بعد که اراده صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید؛ چه که اجنحه آلوده به آب و گل قادر بر سیران نبوده و نخواهد بود. در این وقت آن طایر سماء عالیه خود را ساکن ارض فانیه بیند." (لوح احمد فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۵)

من کمک خواهد کرد، مرا مدد خواهد رساند، مرا تقویت خواهد کرد، مرا الهام خواهد بخشید، مرا تعلیم خواهد داد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "اتَّقُوا اللَّهَ، يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ" (ایقان، ص ۵۳)^{۲۱}. ترس در اینجا به معنی محبت الله است. عشق الهی و ترس از خداوند در واقع یکی است. آنها دو سوی یک سکه‌اند. اگر من به خداوند محبت داشته باشم، اگر از او بترسم، در این صورت او مرا تعلیم خواهد داد. او مرا تعلیم خواهد داد و من یاد خواهم گرفت. او مرا الهام خواهد بخشید. او مرا به دانستن چیزهایی قادر خواهد ساخت که قبلاً نمی‌دانستم، و هرگز قبلاً به آنها فکر نکرده بودم. به این ترتیب است که او به کمک من می‌آید. این واقعیت است، صرفاً نظریه نیست. در عمل، در گذشته اتفاق افتاده و همیشه در سراسر این دور مقدس اتفاق خواهد افتاد.

ط - دعا و مناجات

در جای جای چهارده لوح مزبور نه دعا و مناجات برای بهائیان که به امر تبلیغ مشغولند، پراکنده است. اینها معمولاً در کتب مناجات درج شده‌اند.

به استثنای دو لوح از چهارده لوح، که خطاب به محافل و مجامع احبای الهی در ایالات متحده و کانادا است، بقیه الواح مزبور خطاب به کل "احبای الهی و اماء الرحمن" یا عناوین مشابه صادر شده است. در متن الواح، وظائف و مسئولیت‌ها یا به کل اعضای جامعه آمریکا و مناطقی درون آن سپرده شده یا مبین درخواست و تشویق آحاد احباء به کسب شرایط لازم برای تبلیغ موفقیت‌آمیز است. مسلماً آثار حضرت بهاءالله و الواح حضرت عبدالبهاء، عمده دارای لحنی مشابه هستند. هدایتی که توسط طلعات مقدسه در عصر رسولی عنایت شده بلااستثناء خطاب به آحاد احباء است که قیام کنند، خود را در بحر تعالیم الهی مستغرق سازند، پیام الهی را ابلاغ کنند و از حیاتی که عندالله مقبول باشد برخوردار گردند.

از چهارده لوح، پنج مورد در سال ۱۹۱۶ صادر و قبل از آن که ارتباط ارض اقدس به علت جنگ اول جهانی با کشور مزبور قطع شود، به ایالات متحده ارسال گردید. اما، بقیه الواح را حضرت مولی‌الوری نگه داشتند و بعد از پایان جنگ ارسال فرمودند. در کانونشن سال ۱۹۱۹ بود که برای اولین مرتبه این الواح به طور رسمی عرضه گردید. امة‌البهاء روحیه خانم در آن اجتماع حاضر بودند و آن واقعه را اینگونه توصیف می‌فرمایند:

²¹ توضیح مترجم: عبارت مزبور آیه قرآن (سوره بقره، آیه ۲۸۲) است که حضرت بهاءالله نقل قول فرموده‌اند. مضمون آن به فارسی چنین است، "بترسید از خدا تا خداوند شما را تعلیم دهد."

مراسم دلپذیری برگزار شد که آن را "پرده‌برداری از نقشهٔ ملکوتی" نامیدند. اطفال و جوانان (از جمله خود من) دو به دو نخ‌هایی را می‌کشیدند و یکی از الواح به نحوی که شایسته بود روی پس‌زمینهٔ آراستهٔ صحنه ظاهر می‌شد. (گوهر یکتا، ص ۴۸۵)^{۲۲}

نسخه‌هایی از الواح مبارکه برای یاران در شرق فرستاده شد و نهایتاً در مجموعه‌ای از مجلّات تحت عنوان "مکاتیب عبدالبهاء" در مصر به طبع رسید. چهارده لوح مزبور در مجلّد سوم از این رشته است. در طی عصر تکوین بود که حضرت ولی امرالله، به میزانی به مراتب بیشتر، توجّه احباء را به اهمیّت الواح سرنوشت‌ساز مزبور، که مفاهیم جهانی داشتند، جلب فرمودند. فی‌المثل، این الواح را "عامل اصلی در تولّد و شکوفایی نظم بدیع در شرق و غرب عالم"^{۲۳} توصیف فرموده‌اند. در متنی دیگر، ایشان مخاطبین اصلی این الواح گرانقدر را، که جامعهٔ بهائی ایالات متّحده است، "مجربان اصلی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء" می‌خوانند^{۲۴} و جامعهٔ بهائی کانادا را "هم‌پیمانان" آنها عنوان می‌کنند و جوامع آمریکای لاتین را "مساعدين" آنها لقب دادند. و اما در مورد بقیه عالم بهائی، هیکل مبارک نقشه‌های ملی آنها را "نقشه‌های ثانویه"^{۲۵} و از منضمّات نقشهٔ ملکوتی اعطا شده به جامعهٔ آمریکای شمالی خواندند. فی‌المثل، در سال ۱۹۴۹ مرقوم فرمودند، "فی الحقیقه نقشه‌هایی که ... به وسیلهٔ محافل ملی ... طرح گردیده کلّ از منضمّات مشروع عظیمی است که به تفصیل در الواح مخصوصه مذکور گردیده و جنبهٔ منطقه‌ای دارد، بر خلاف مأموریت خطیر احبای امریک، بانیان نظم بدیع حضرت بهاءالله و مشعلداران مدنیّت بهائی، که دارای جنبهٔ عمومی و بین‌المللی است" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹۱)

حضرت ولی امرالله خاطر نشان ساختند که عصر ذهبی امر مبارک دارای عهد و جهادهای مخصوص به خود خواهد بود. هیکل اطهر همچنین فرمودند که الواح مبارکهٔ نقشه ملکوتی حضرت

²² توضیح مترجم: ترجمه‌ای که در متن فارسی گوهر یکتا دیده می‌شود، بسیار مختصرتر است: "یاران الهی جشنی برپا نمودند و در این جشن چند نفر از اطفال که این کمینه هم جزو آنان بود، پرده از الواح مبارکه برگشودند."²³ توفیق ۱۵ ژوئن ۱۹۴۶ مندرج در ص ۹۶ *Messages to America*. نقل ترجمه از فصل پانزدهم گوهر یکتا (ترجمه جدید)، ص ۳۷۹.

²⁴ توضیح مترجم: این عبارت در چند توفیق مشاهده شده است: در تلگرام ۲۲ آوریل ۱۹۵۳ خطاب به کانادا، جامعهٔ مزبور را "هم‌پیمانان ارزشمند مجربان اصلی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء" خواندند (*Messages to Canada*, p.38) به صفحه ۴۱ مجموعه مزبور نیز مراجعه شود. در توفیق فوریه ۱۹۵۳ خطاب به کنفرانس بین‌القارّات آفریقا در کامپالا فرمودند، "جامعهٔ بهائی آمریکا، مجربان اصلی نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء..." در سوم مه ۱۹۵۳ خطاب به کنفرانس بین‌القارّات آمریکا همین بیان تکرار شد. به *Messages to the Bahá'í World 1950-1957* صفحات ۱۳۷ و ۱۴۴ و ۱۴۶ مراجعه شود.

²⁵ توضیح مترجم: این عبارت (supplementary plans) در پیام آوریل ۱۹۵۷ مشاهده شد که ترجمه آن در "توفیقات مبارکه، ۱۱۴-۱۰۹"، ص ۲۶۷ درج است.

عبدالبهاء با پیشرفت‌های عصر ذهبی امر مبارک نیز مرتبط است. به این ترتیب، جهادهای دوره عصر ذهبی در ظل محتوای نقشه ملکوتی قرار خواهد گرفت.

آحاد احباء، تأکیدی را که حضرت عبدالبهاء بر نقشه‌ها، اهداف و مقاصد می‌گذاشتند، متأسفانه، غالباً درست درک نمی‌کردند یا که شاید سوء تعبیر می‌نمودند. غالباً چنین فرض می‌شد که فوریت و اهمیت بنای چارچوب نظم اداری منتفی و ملغی شده و فعالیت‌های شخصی جایگزین آن گشته است. این استفاده نادرست از هدایات حضرت ولی امرالله متأسفانه حتی امروز هم، که ما مجهودات جمعی را برای حصول اهداف نقشه پنج‌ساله پی می‌گیریم، مشهود است.

در سالهای اولیه ولایت، حضرت ولی امرالله در مکتوبی به تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ فرمودند:

باید مراقب باشیم که ... مبادا ... مشغولیت ذهنی بیش از حد در مورد جزئیات امور و فعالیت‌های خود ما را از اهم وظائف و مبرم‌ترین موارد، یعنی، کنار گذاشتن دغدغه‌ها و مسائل و اشتغال به تبلیغ امرالله غافل سازد...
(ترجمه - Bahá'í Administration, p. 42)

در فوریه ۱۹۲۹ مجدداً مرقوم فرمودند، "تشکیلات بهائی را باید به منزله آلت و وسیله دانست و نباید آن را بدل و جانشین آیین بهائی شمرد ... بر ذمه وارثان این میراث عظیم است که با قلبی متوجه و آگاه مواظب باشند که مبادا تشکیلات بهائی که وسیله و آلتی بیش نیست، جایگزین امر الهی گردد..." (نظم جهانی بهائی، ص ۱۵-۱۴) راز زندگی صحیح و خدمت در ظل نظم اداری برای هر یک از آحاد احباء عبارت از برقراری تعادلی سالم بین تعهدات خود نسبت به تشکیلات و نهادهای امر مبارک و وظیفه‌اش برای یافتن راه‌هایی جهت ابتکارات فردی، به طور اخص در زمینه تبلیغ، است.

سؤال و جواب

س - برای الواح نقشه ملکوتی چه اتفاقی افتاد؟ سالها است (از نظر اجرای آنها) هیچ خبری از آنها شنیده نشده است. ما مدتی طولانی در دوره دوم بودیم. آیا آنها به نحوی در کنار و منتظر استفاده مجدد هستند؟ ویژگی‌های دوره ثانی چیست؟

ج - نمودار شماره ۲ الواح نقشه ملکوتی را نشان می‌دهد. گفته می‌شود که این الواح مدت بیست سال به حالت تعلیق حفظ شد. بعد، در سال ۱۹۳۷، اولین دوره نقشه ملکوتی شروع شد. حضرت ولی امرالله بنفسه در پیام‌های خود فرمودند که در سال ۱۹۶۳ اولین دوره این الواح خاتمه خواهد یافت. بیت‌العدل اعظم باید تصمیم بگیرند که دوره دوم الواح نقشه ملکوتی چه زمانی خاتمه خواهد یافت. این موضوع به توفیق ۴ مه ۱۹۵۳ حضرت ولی امرالله^{۲۶} مربوط می‌شود که در طی آن هیکل مبارک در مورد انتشار، نفوذ و فراگیری بیاناتی را فرموده‌اند. بیت‌العدل اعظم بلا تردید مایل هستند موقع توجه به مفاهیم ضمنی آن در مذاکرات و مشاورات خود در خصوص زمان پایان این عهد، به بیان مزبور رجوع نمایند. هر آنچه که بیت‌العدل اعظم تصمیم بگیرند همان اراده الهی است و ما قلباً و روحاً از تصمیماتشان استقبال می‌کنیم.

²⁶ توضیح مترجم: مقصود جناب نخجوانی دومین پیام حضرت ولی امرالله به کنفرانس بین‌القارات آمریکا است که در صفحات ۱۴۶-۱۵۵ *Messages to the Bahá'í World 1950-1957* مندرج است. در این پیام، هیکل اطهر جریان ظهور اراده الهی را که متشکل از ده مرحله است توصیف می‌فرمایند. مرحله اول، عبارت از غرس شجره مبارکه از زمان حضرت آدم تا زمان حضرت باب توسط کلیه انبیاء سلف (حضرت موسی، حضرت زردشت، حضرت بودا، حضرت مسیح، حضرت محمد و سایر مظاهر ظهور گذشته) بود که شجره مزبور از اوراق و ازهار برخوردار شد. در سال ۱۸۴۴ مرحله ثانی که ظهور ثمره و میوه شجر بود آغاز شد که در واقع لاشریقه و لاغریه بود و حضرت اعلی آن ثمره عالیه آن بودند. در مرحله سوم در آسیاب خصومت‌ها و عداوت‌ها، این بذر کامل و مقدس خرد شد و روغن و عصاره خود را در مدینه تبریز به منصه ظهور رساند. در مرحله چهارم روغن مزبور به ید قدرت الهی در اعماق ظلمت سیاه‌چال طهران محترق شد و مشتعل گشت. در مرحله پنجم آن شعله مشتعل، بعد از آن که ده سال به خسوف مبتلا بود، در مدینه بغداد به سراج ظهور مجهر گردید. در مرحله ششم تالو و انتشار انوار مضيئه آن در ادرنه و سپس در عکا بود. مرحله هفتم نورافشانی آن سراج و هاج از سجن اعظم عکا به ماوراء بحار به اقلیم شاسعه اروپ و امریک توسط مرکز عهد و میثاق الهی بود. مرحله هشتم اشاعه انوار آن در عهد اول و ثانی عصر تکوین در سطح نود و چهار اقلیم از اقلیم عالم بود. مرحله نهم آن با شروع جهاد کبیر دهساله، اشاعه بیش از پیش امر مبارک در صد و سی و یک اقلیم و جزیره دیگر در دو نیمکره شرقی و غربی عالم بود. مرحله دهم که با صدمین سالگرد اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد مقارن است، نفوذ نور مزبور در بقیه اقلیم و نقاط عالم از طریق نقشه‌ها و جهادها در دو عصر تکوین و ذهبی امر مبارک است که در این مرحله جلال و شکوه امر مبارک جمیع عالم را فرا خواهد گرفت.

ادوار زمانی: از ادوار تا عهود

برای آن که به طور کامل به اهمیت ظهور حضرت بهاءالله در متن تاریخ عالم انسانی پی ببریم، و مقدّرات مجلّله‌ای را که در آینده در انتظارش خواهد بود بشناسیم، احسن و اولی آن که به مطالعه دقیق و تعمّق در بیانات نازله از کلک اطهر حضرت بهاءالله و صادره از قلم دو مبین امر مبارک، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، در مورد قوای مودعه در این دور مبارک و استعدادهای بالقوه موجود در آن پردازیم؛ دور مبارکی که موعود کلّ اعصار و ادوار افتتاح و آغاز فرموده است.

از آثار حضرت بهاءالله:

تالله الحق انّ الأمر عظیم عظیم هذه کلمة کررناها فی اکثر الألواح لعلّ یتنبه بها العباد (توقعات ۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۱ / نار و نور، بخش سوم، توقیع دوم / ظهور عدل الهی، ص ۱۶۰)

قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الأعظم (دور بهائی، ص ۱۵ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۸ / اقتدارات، ص ۳۲۷)

آنچه در این ظهور امنع اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد (ظهور عدل الهی، ص ۱۶۰ / دور بهائی، ص ۱۵ / نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۷)

شکی نبوده و نیست که ایام مظاهر حق جلّ جلاله به حقّ منسوب و در مقامی به ایام الله مذکور. و لکن این یوم غیر ایام است (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۴۷ / لوح قرن احبای ایران، ص ۲۶ / دور بهائی، ص ۲۱)

از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی به امر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا (لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۶ / ظهور عدل الهی، ص ۱۶۵)

این یوم غیر ایام است. از ختمیت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود. نبوت ختم شد. حق با رایت اقتدار از مشرق امر ظاهر و مشرق. (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، طبع ثانی، ص ۲۴ / فقره ۲۵)

از آثار حضرت عبدالبهاء:

دور جمال مبارک ... امتدادش بسیار، اقلّاً پانصد هزار سال (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۷۶ / دور بهائی، ص ۱۲)

ما در دوره‌ای هستیم که بدایتش آدم است و ظهور کلیه‌اش جمال مبارک (مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۲۱)

راجع به ظهوراتی که در مستقبل ایام در امتداد کور بهائی ظاهر خواهند گردید، حضرت عبدالبهاء به این بیان صریح که فصل الخطاب است، ناطق: "أما المظاهر المقدسة التي تأتي من بعد في ظل من الغمام، من حيث الإستفاضة هم في ظل جمال القدم و من حيث الإفاضة يفعل ما يشاء" (دور بهائی، ص ۲۹)^{۲۷}

از آثار حضرت ولی امرالله:

تردیدی نیست که بعد از حضرت بهاءالله کثیری از انبیاء ظاهر خواهند شد اما جمیع آنها در ظل آن حضرت خواهند بود. اگرچه آنها ممکن است، طبق مقتضیات و حاجات عصری که در آن ظاهر می‌شوند، احکام این دور را نسخ نمایند، معذک از این ظهور اعظم قوای روحانیه خود را کسب خواهند کرد. امر حضرت بهاءالله، مسلماً، عبارت از مرحله بلوغ در سیر تکاملی عالم انسانی است. ظهور آن حضرت چنان قوای روحانیه‌ای را آزاد ساخته که سنین متمادی به احیاء عالم وجود در سیر ترقی و پیشرفت آن ادامه خواهد داد. در اعصار لاحق، بعد از حصول اتحاد کل نوع انسان، هر ترقی و پیشرفتی که حاصل شود، فقط ارتقاء نظام عالم خواهد بود. زیرا نفس نظام مزبور را حضرت بهاءالله از قبل ایجاد فرموده‌اند. وظیفه ارتقاء و اکمال مستمر و مداوم این نظام به عهده انبیاء آتیه است. آنها در مدار کور بهائی به حرکت و فعالیت خواهند پرداخت. (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۵۶۱)

حضرت بهاءالله درباره حقیقت الوهیت می‌فرماید، "لم یزل به علو تقدیس و تنزیه در مکمن ذات مقدس خود بوده و لایزال به سمو تمنیع و ترفیع در مخزن کینونت خود خواهد بود..."^{۲۸}

و نیز در کتاب ایقان می‌فرماید، "و چون ابواب عرفان ذات ازل بر وجه ممکنات مسدود شد، لهذا به اقتضای رحمت واسعه ... جواهر قدس نورانی را از عوالم روح روحانی به هیاکل عز انسانی در میان خلق ظاهر فرمود تا حکایت نمایند از آن ذات ازلیه و ساذج قدمیه ..."^{۲۹}

از جمله عقائد اساسیه اهل بهاء که باید همواره مورد توجه بوده به هیچ وجه انحراف از آن حاصل نگردد، آن است که حضرت بهاءالله با آن که اشد ظهوراً ظاهر گشته، یکی از مظاهر الهیه‌ای است که با حقیقت غیبیه ذات الوهیت به کلی متفاوت و متمایز است.

^{۲۷} توضیح مترجم: بیان حضرت عبدالبهاء در مائده آسمانی، ج ۵، ردیف م، باب هشتم مندرج است. در مفاوضات مبارک (ص ۱۲۱) نیز می‌توان بیان مشابهی را مشاهده کرد: "باری، دوره کلی عالم وجود را گوییم آن عبارت است از مدتی مدیده و قرون و اعصاری بی حد و شمار و در آن دوره مظاهر ظهور جلوه به ساحت شهود نمایند تا ظهور کلی عظیمی آفاق را مرکز اشراق نماید و ظهور او سبب بلوغ عالم گردد. دوره او امتدادش بسیار است؛ مظاهری در ظل او، بعد، مبعوث گردند و به حسب اقتضای زمان، تجدید بعضی احکام که متعلق به جسمانیات و معاملات است نمایند، ولی در ظل او هستند."

^{۲۸} توضیح مترجم: این بیان مأخوذ از لوح مبارک حمد مقدس است که در مجموعه الواح طبع مصر، صص ۳۱۵-۳۰۷ درج است. بیان مزبور در ص ۳۰۹ است.

^{۲۹} توضیح مترجم: بیان مزبور در صفحه ۷۴ ایقان مندرج است.

امر بهائی که در اعلی ذروهٔ یک دور کلی و موعود جمیع اعصار است، اصول اولیهٔ ثابت‌های را که مایهٔ حیات و اساس ادیان سالفه است تثبیت و تأیید می‌نماید (دور بهائی، ۳۳-۳۴)

حضرت ولی امرالله در اشاره به شهادت حضرت ربّ اعلی، مرقوم فرموده‌اند:

حضرت باب، ظهور مقدّسش ملتقای دو کور عظیم الهی محسوب؛ یعنی با قیام مبارک کور آدم، مطلع تاریخ مدوّن ادیان، با کور افخم اقدس بهائی که امتدادش بی‌نهایت طویل و اقلّ از پانصد هزار سال نخواهد بود، مرتبط و متصل گردید. با شهادت آن وجود مبارک، شجیع‌ترین مرحلهٔ عصر رسولی دور بهائی خاتمه پذیرفت و مصائب و بلاهای وارده به اعلی درجهٔ شدت واصل گردید. فی الحقیقه حیات آن مظهر مقدّس الهی مشحون از محن و آلام و مقرون به حوادث و وقایعی است که در سراسر قرن اوّل بهائی بنهایت قدرت و جلال درخشانده و تابان است و به یقین مبین می‌توان گفت که در تاریخ مؤسّسین شرایع مختلفهٔ عالم، حیاتی که با چنین نورانیت و عظمت مقارن و با چنین اسقام و آلام شدید مواجه باشد، مشاهده نگردیده است. (قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۱۳۸)

ظهور حضرت بهاءالله تاج قرون و اعصار و هدف اسنی و غایت قسوّای ظهورات سابقه و ادوار مندمجه در کور آدم است. با اشراق این نیر اعظم از سماء ارادهٔ مالک قدم دور جدیدی که امتدادش اقلّ از هزار سال و کوری که مدت آن از پانصد هزار سال کمتر نبوده و نخواهد بود، آغاز گردید. با حلول این عصر مجید که از لحاظ امتداد و عظمت و انبساط و نورانیت سرآمد دهور و اعصار سالفه است، دورهٔ نبوت منطوی و زمان اکمال و انجاح، یعنی انجام و عود الهیه و تحقّق بشارات کتب سماویّه افتتاح شد. (قرن بدیع، ص ۲۱۷)

افول مرکز میثاق ... اوّلین و مهیج‌ترین فصل تاریخ امر بهائی را خاتمه داد و عصر اوّل دور اعزّ جمال ابهی که عصر رسولی است، به آن منتهی شد. الواح متقنهٔ وصایای حضرت عبدالبهاء حلقهٔ اتّصالی است که عصر گذشته را با عصر کنونی که موسوم به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال است، الی‌الابد مرتبط می‌سازد و ازهار و اثمار این عصر انتصارات و فتوحات باهره‌ای است که طلیعهٔ عصر ذهبی دور جمال ابهی خواهد بود. (دور بهائی، ص ۴)

در این عصر ثانی [تکوین] که عصر حدید امر یزدانی است، مؤسّسات محلّی و ملّی و بین‌المللی شریعت حضرت بهاءالله به تدریج تشکیل و روز به روز وسعت و عظمت خواهد پذیرفت تا عصر ثالث و اخیر دور بهائی، یعنی عصر ذهبی، فرا رسد و نظم جهان‌آرای حضرت رحمان در بسیط غبرا جلوهٔ محیرالعقول نماید و ثمرهٔ نهائی امر جمال اقدس ابهی ظاهر و آشکار گردد؛ مدیّت الهیه تأسیس شود و ملکوت‌الله چنان که حضرت مسیح، له‌المجد و الثناء، وعده فرموده، در بین بریه استقرار یابد. (قرن بدیع، ص ۶۵۹)

بیست و سه سال اخیر فاصلهٔ عصر رسولی تا انقضای قرن اوّل بهائی را می‌توان مرحلهٔ اولای عصر تکوین یا عصر انتقال که شاهد طلوع و استقرار نظم اداری امرالله است، محسوب داشت. (قرن بدیع، ص ۶۶۰)

سنین اولیهٔ قرن ثانی بهائی با اختتام عهد اوّل عصر تکوین دور بهائی مقارن گشته؛ دوری که آیندگان آن را از اهمّ و اعزّ ادوار کور اعظم در تاریخ ادیان عالم خواهند شناخت.

هفتاد و هفتاد سال اول این قرن که عصر مشعش رسولی و قهرمانی آئین ما را تشکیل می‌دهد به سه عهد نه ساله و سی و نه سال و بیست و نه ساله منقسم می‌شود که به ترتیب منتسب به دور بایی و رسالت‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء است. عصر اول دور بهائی که از حیث برومندی و وفور فیوضات به مراتب از هر دوری از ادوار سابق که منتسب به مظهري از مظاهر الهیه بوده افضل و اعلا است، از آغاز تا انجام تحت تأثیر قوای خلاقه دافعه‌ای بوده است که از دو ظهور مستقل و تأسیس میثاقی بی‌نظیر و عدیل در تاریخ روحانی بشر ساری و جاری گشت.

بیست و سه سال آخر این قرن مقارن بود با عهد اول عصر ثانی که عصر حدید یا عصر تکوین دور بهائی بوده و اولین عهد از سلسله عهودی است که مقدم بر حلول عصر ذهبی دور بهائی قرار دارد؛ دوری که به شهادت صریح مؤسس آئین بهائی، امتدادش لااقل هزار سال است و حلقه اولی از ادواری است که در آن مظاهر مقدسه آینده به تسلسل ظهور خواهند کرد و کل مستمد و مستفیض از مؤسس آئین بهائی بوده و مجموعاً امتدادش لااقل پانصد هزار سال خواهد بود.

ما اکنون وارد عهد دوم از عصر دوم نخستین دور از این ادوار می‌شویم. در عهد اول، نظم اداری امرالله متولد گردید و مراحل مقدماتی بنای شالوده آن که به منزله هسته مرکزی و نمونه‌ای از نظم جهانی است، بر اساس الواح وصایای حضرت عبدالبهاء انجام یافت و مرحله اولی اجرای نقشه جهانی که از جانب آن حضرت به جامعه بهائی امریک و گذار گشته بود آغاز گشت. (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۶-۷)

در عهدی که حال وارد آن گشته‌ایم باید دو جنبه این مشروع تاریخی قوت و جنبشی عظیم حاصل کند: از طرفی شاهد اکمال و اتمام نظمی اداری باشد که با سعی و مجاهدت فراوان تأسیس گشته و از طرف دیگر شاهد بسط و توسعه مراحل متوالیه اجرای نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء در خارج از نیمکره غربی و قاره اروپا گردد. (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷)

نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء به عهود تقسیم شده است. اولین نقشه هفت‌ساله عبارت از مرحله اول از اولین عهد است؛ نقشه هفت ساله ثانی عبارت از مرحله ثانی است؛ و اما جهاد کبیر دهساله مرحله ثالث از عهد اول نقشه ملکوتی را شامل خواهد شد. عهد اول نقشه ملکوتی با اختتام جهاد کبیر دهساله خاتمه خواهد یافت. (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۶۲۷)

- از بیانات مبارکه‌ای که در بالا نقل شد می‌توانیم استنتاج‌هایی بنماییم که ذیلاً ذکر می‌شود:
- ۱- ما اکنون در سیر تکامل کور جهانی جامع و فراگیر هستیم که پانصد و شش هزار سال را در بر می‌گیرد (مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۲۱).
 - ۲- کور جامع الشمول به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، کور حضرت آدم (نگاه کنید به نمودار شماره ۱)، که با حضرت آدم شروع و با اظهار امر حضرت ربّ اعلی در سال ۱۸۴۴ خاتمه یافت، و این کور شامل دوره‌ای شش هزارساله است؛ بخش دوم عبارت از کور بهائی است، که امتداد آن اقل ۵۰۰۰ سال است.

کور بهائی با دور بهائی متفاوت است. دور بهائی هزار سال است. ما حدود ۱۶۰ سال از آن را گذرانده‌ایم. دور بهائی قسمتی از کور بهائی است. کور بهائی مدّت پانصد هزار سال در ظلّ حضرت بهاء‌الله امتداد خواهد داشت. کور حضرت آدم را دور نبوّت و کور بهائی را دور اکمال و انجاح، یعنی تحقّق نبوّات اعصار ماضیه نیز می‌خوانند. (قرن بدیع، ص ۲۱۷) همانطور که می‌دانید، حضرت محمّد، رسول‌الله، فرمود که آن حضرت "خاتم النبیین" است. این می‌تواند بدان معنی باشد که آن حضرت شهادت داد که انبیاء چه کسانی بودند و حضرتش مُهر تأیید خود را بر نبوّت گذاشت. معنای دیگری نیز وجود دارد معتبر و موثّق است و در آثار حضرت بهاء‌الله نازل شده است. این معنی عبارت از آن است که حضرت محمّد دور نبوّت را خاتمه بخشید. ما اکنون به عصر اکمال و انجاز و عود وارد شده‌ایم؛ و آن عبارت از تحقّق نبوّات ماضیه و بشارات اعصار سالفه است که عالم انسانی به مرحله بلوغ واصل خواهد شد. اکنون ما تقرّب هر چه بیشتر به مرحله‌ای را آغاز می‌کنیم که عالم انسانی مسلماً به بلوغ خود خواهد رسید و حضرت بهاء‌الله علائم بلوغ عالم انسانی را به ما عنایت کرده‌اند (نگاه کنید به کتاب اقدس، ص ۲۳۷، توضیح ۱۹۴).^{۳۰}

حضرت بهاء‌الله فرموده‌اند که طول مدّت این دور مقدّس حداقلّ هزار سال خواهد بود. ایشان حدّاکثر را برای ما روشن نمی‌کنند، فقط حدّاقلّ را مشخص کرده‌اند. احدی به بعد از آن واقف نیست. این مکنون در علم الهی است.

الف) هر کور به چندین دور تقسیم می‌شود. کور آدم که طول مدّت آن شش هزار سال بود، شامل انبیاء کلیّه ادیانی می‌شد که پیروان آنها در سراسر کره ارض سکونت دارند، یعنی ادوار هندو، کلیمی، بودایی، زردشتی، مسیحی و اسلام. مقصد از این ادوار هموار کردن راه و اعلام ظهور دور حضرت بهاء‌الله بود. جمیع آنها اجزاء تشکیل دهنده دورانی هستند که حضرت ولی امرالله دور نبوّت توصیف می‌فرمایند. کور

³⁰ توضیح مترجم: در توضیح ۱۹۴ کتاب اقدس آمده است:

علامت اول که در آثار جمال مبارک برای بلوغ عالم معین شده، ظهور صنعت مکنونه است و آن متضمّن کشف طریق کاملی است برای تبدیل عناصر و کشف این صنعت علامت پیشرفت حیرت‌انگیز علوم و صنایع در آینده ایام است. درباره علامت ثانی، حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جمال اقدس ابی در کتاب اقدس اختیار یک لسان و یک خط را برای من علی الارض امر فرموده‌اند. اجرای این حکم، طبق بیان مبارک، یکی از علائم بلوغ عالم است." (ترجمه) و نیز در مورد مراحل تحقّق بلوغ عالم این بیان مبارک حضرت بهاء‌الله سبب مزید بصیرت است: "از جمله علامت بلوغ دنیا آن است که نفسی تحمل امر سلطنت ننماید. سلطنت بماند و احدی اقبال نکند که وحده تحمل آن نماید. آن ایام ایام ظهور عقل است مابین بریه." طبق بیان حضرت ولی امرالله تحقّق بلوغ عالم با وحدت عالم انسانی و تشکیل اتحادیه جهانی و ایجاد نیروی محرکه بی‌سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است.

بهائی، که حضرت بهاء الله کور اکمال و انجام و عود توصیف فرموده‌اند، از تعداد نامعلومی از ادوار تشکیل شده است.

مدت زمان دور نبوت، یعنی ۶۰۰۰ سال، را حضرت ولی امرالله برای ما تعیین کرده‌اند. این البتّه عددی تقریبی است. به عبارت دیگر، دوره‌ای را که از حضرت آدم شروع می‌شود و تا زمان شروع کور بهائی و دور بهائی در سال ۱۸۴۴ ادامه می‌یابد، ما باید دوره‌ای شش هزارساله تلقی کنیم.

حال، جوامع کلیمی، مسیحی و مسلمان حضرت آدم را اولین مردی که خلق شد و حوا را اولین زنی که آفریده شد محسوب می‌دارند. حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات به این موضوع پرداخته‌اند. هیکل مبارک می‌فرماید این حکایت را "ابداً نفس هوشمندی قبول ننماید" (مفاوضات، ص ۹۵)^{۳۱} این نمادین است. و بعد، هیکل مبارک معنای آدم و حوا را تبیین می‌فرمایند. از آثار مبارک که کاملاً مشهود است که حضرت آدم یکی از مظاهر ظهور الهی بود و قبل از حضرت آدم نیز انبیاء کثیری را ذات الوهیت در این عالم مبعوث فرموده اما به علت گذشت زمان، اثری از تعالیم و فعالیت‌های آنها باقی نمانده است. شما این بیانی را که خلاصه آن را ذکر کردم، در منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، (ص ۸۷) می‌توانید ملاحظه کنید.^{۳۲}

بنابراین ما بدین لحاظ از حضرت آدم شروع می‌کنیم که دوره حضرتش بدایت تاریخ ثبت شده دینی است. در زمان حضرت موسی، ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، آنچه که مردم درباره حضرت آدم و تعالیمش می‌دانستند نوشته و ثبت شد. بعد، البتّه، ما سلاله سامی را نداریم، اما سلاله هند و آریایی را در شبه قاره هندوستان داریم؛ فی‌المثل، حضرت کریشنا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌زیست. بعد حضرت ابراهیم، که از سلسله انبیاء سامی است، حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌زیست، و حضرت موسی از سلسله انبیاء سامی در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد بود. حضرت زرتشت، که از سلسله آریایی است، ۹۰۰ سال قبل از میلاد در ایران بود. بعد، حضرت بودا، حدود ۵۶۰ سال قبل از میلاد در شبه قاره هندوستان بود. (کلیه این

^{۳۱} توضیح مترجم: بیان مذکور مربوط به گناهی است که آدم مرتکب شده و بنا به اعتقادات ادوار سلف این گناه در سلاله آدم موروثی شده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید که آن را "ابداً نفس هوشمندی قبول ننماید." در صفحه ۱۲۱ کتاب مفاوضات نیز مذکور، "عمران این کره ارض بسیار قدیم است، نه یکصد هزار سال، نه دویست هزار سال، نه یک میلیون نه دو میلیون سال؛ بسیار قدیم است." اما، آنچه که جناب نخجوانی بدان اشاره دارند در مائده آسمانی، ج ۲، باب ۳۵ مندرج است که می‌فرماید، "قضیه ابوالبشر، حضرت آدم، که در کتب مقدسه مذکور تأویل دارد و تفسیر خواهد. مقصد از ایجاد خلقت روحانی است و وجود رحمانی. والا اگر اندک ملاحظه شود اطفال نیز ادراک کنند که این کون نامتناهی جهان هستی، این وجود بی‌پایان، این دستگاه عظیم، این کارخانه قدرت قدیم، شش هزار ساله نیست؛ بسیار پیش از این است..."

^{۳۲} توضیح مترجم: مأخذ اصلی بیان مبارک حضرت بهاء الله در مجموعه اقتدارات، ص ۷۴ است.

سالهایی که ذکر می‌شود تقریبی است. مدت زمان دقیق منوط به تحقیقات آینده است. بعد، حضرت مسیح در سال اول میلادی بود. سؤالی مطرح است که آیا اول میلادی صحیح است یا خیر. بعضی‌ها معتقدند که باید ۴ قبل از میلاد باشد که زمان ولادت آن حضرت است. حضرت محمد رسالت خود را در سال ۶۱۲ میلادی اعلام کردند. بعد ما به سال ۱۸۴۴ میلادی می‌رسیم. از زمان حضرت آدم تا سال ۱۸۴۴ مدت شش هزار سال طول کشید. اگر ۱۸۴۴ را از ۶۰۰۰ کسر کنیم، به رقم ۴۱۵۶ می‌رسیم. بدایت دور حضرت آدم، طبق سنواتی که توسط محققین کتاب مقدس ثبت شده، ۴۰۰۴ سال قبل از میلاد مسیح است. اما، صحت و سقم این رقم نیز مورد سؤال واقع شده است. حضرت ولی امرالله بدایت دور حضرت آدم را روی رقم ۶۰۰۰ سال تثبیت فرمودند؛ بنابراین ما تلویحاً به سال ۴۱۵۶ قبل از میلاد مسیح می‌رسیم.

ب) مظاهر ظهوری که باید بعد از دور بهائی ظاهر شوند، طبق بیاناتی که ذکر شد، در ظلّ جمال مبارک هستند، اما از آنجا که حائز مقام *یفعل* مایشایی می‌باشند، دارای اختیارات موهوبه جهت تغییر حدود، احکام و مؤسسات مذکور در کتاب اقدس، بنا به مقتضیات هر یک از ادوار بعدی هستند.

ما به ظهور تدریجی و مستمرّ مشیت الهیه معتقدیم، بنابراین معقول و منطقی است که بگوییم مظاهر ظهور می‌توانند احکام حضرت بهاءالله را تغییر دهند. درست همانطور که علم تکامل می‌یابد، ظهور الهی نیز سیر تکاملی را طی می‌کند. اما به ما گفته می‌شود که این مظاهر ظهور الهی در ظلّ حضرت بهاءالله خواهند بود.^{۳۳} به این علت است که ما کور ۵۰۰۰۰۰ ساله را کور حضرت بهاءالله، یا کور بهائی می‌خوانیم. چگونه و چرا مظاهر ظهور الهی در ظلّ حضرت بهاءالله خواهند بود؟ حضرت بهاءالله در آثار مبارکه خود می‌فرماید که، "یوم‌الله هو نفسه اذاً قد ظهر بالحقّ و لن یعقبه اللیل"^{۳۴} "بهاری است که آن را خزان از پی نباشد."^{۳۵} حضرت بهاءالله در آثار مبارکه خود به واژه "یوم" دو گونه اشاره می‌فرماید. گاهی اوقات واژه "یوم" در اشاره به دور مبارک استفاده می‌شود، که حدّ اقلّ مدت زمان آن هزار سال است. این نحوه استفاده در فقره‌ای که از کتاب قرن بدیع نقل کردیم مشاهده می‌شود. در سایر مواقع، مانند آنچه که از صفحه ۲۱۵ قرن بدیع نقل شد، یعنی "یوم‌الله هو نفسه اذاً قد ظهر بالحقّ و لن یعقبه اللیل"، واژه "یوم" در اشاره

^{۳۳} توضیح مترجم: در تویق ۱۰۵ بدیع (طبع لجنه ملی نشر آثار امری، ص ۱۶) می‌فرمایند، "مظاهر آتیه نیز که پس از اشراق شمس الشّمس از مطلع اعظم ابهی در این عالم ادنی مبعوث می‌گردند، در مدت پانصد هزار سال او ازید، کلّ با وجود اختیار در تشریح و نسخ احکام و تبدیل سنن و شعائر مانند مظاهر قبلیه مقبوس از آن نورالأنوار و طائف حول آن حقیقة الحقائق و مستمدّ از آن بحرالبهور خواهند بود.."

^{۳۴} سورة الهیکل، آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۸۸ / کتاب مبین، ص ۲۴ / قرن بدیع، ص ۲۱۵

^{۳۵} قرن بدیع، ص ۲۱۵

به دوران رسالت مبارک در دوران سی و نه ساله حیات عنصری هیکل مبارک استفاده شده است. در مورد پیشین، حضرت بهاءالله عظمت دور خود را توصیف می‌فرمایند، در حالی که در مورد بعدی آن حضرت قوت و نفوذ میثاق صغیر، یعنی قیادت حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم را، به عنوان نقطه تمرکز میثاق الهی در دور حضرت بهاءالله، مورد تمجید قرار می‌دهند. در نقل مجدد فقره مورد بحث (در صفحه ۴۸۵)، حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که "حقیقت بیان" حضرت بهاءالله "عشاق جمال رحمن" را نسبت به "استمرار آن مصباح مصون از خطای هدایت که از بدایت طلوع نجم هدی بدان بشارت داده شده بود"^{۳۶} اطمینان تام بخشید.

وقتی زائرین از حضرت ولی امرالله در مورد مظاهر ظهور آینده که در بالا ذکر شد سؤال نمودند، هیکل اطهر فرمودند وظیفه بیت‌العدل اعظم است که به معرفت مظهر ظهور بعد نائل آید و حضرتش را به جامعه بهائی معرفی کند. میزان مخالفت با مظهر ظهور آتی نسبت به ظهورات سالفه در حد اقل خواهد بود. مظهر ظهور جدید با مخالفت مواجه خواهد شد، اما نه به همان میزانی که با انبیاء سلف مقابله شد. به این علت است که حضرت بهاءالله، همچنان که حضرت ولی امرالله در توقیع "دور بهائی" نقل فرموده‌اند به ما می‌فرمایند، "لا تفعلوا به ما فعلتم بنفسی" (دور بهائی، ص ۴۰)^{۳۷}. هیکل اطهر به عالم انسانی می‌فرمایند که با ظهور بعد آنچنان رفتار نمایند که با حضرت بهاءالله رفتار کردند.

(ج) و اما در مورد دور بهائی؛ این دور به سه عصر به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۱- عصر قهرمانی که با عناوین دیگری مانند عصر اولیه و عصر رسولی^{۳۸} نیز نامیده می‌شود، مشتمل بر هفتاد و هفت سال است.

^{۳۶} توضیح مترجم: این عبارت که باید در صفحه ۴۸۵ قرن بدیع (۲۴۵ گاد پاسز بای) مشاهده شود، در ترجمه ملاحظه نگردید. چون جناب نخجوانی بر آن تأکید نموده‌اند، لهذا ترجمه شد.

^{۳۷} توضیح مترجم: اصل بیان جمال ابهی در سورة الهیکل (آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۹۳ / کتاب مبین، ص ۳۰) نازل شده است.

^{۳۸} توضیح مترجم: جناب نخجوانی به سه اصطلاح اشاره کرده‌اند که هر سه در متن انگلیسی توقیع مبارک دور بهائی مشاهده گردید، اما در متن فارسی مشاهده نمی‌شود. آن سه عبارتند از Heroic Age به معنای عصر قهرمانی؛ Primitive Age به معنای عصر اولیه؛ Apostolic Age به معنای عصر رسولی. نگاه کنید به متن انگلیسی دور بهائی در مجموعه *The World Order of Baha'u'llah* صفحه ۹۷ و ۱۴۳. در حصن حصین شریعت‌الله، اصطلاح اول "عصر اول دور بهائی" (ص ۶) و "عصر رسولی" (ص ۹۰) ترجمه شده است. در قرن بدیع، این اصطلاح (ص ۷۹ انگلیسی) به "دوره اولیه این امر اعظم" (ص ۱۸۵) و همان اصطلاح (در صفحه ۴۰۶ انگلیسی) به "عصر رسولی" (ص ۸۰۸) ترجمه شده است. به این ترتیب، به

۲- عصر تکوین، که به عنوان "عصر حدید"، "عصر انتقال" (قرن بدیع، ص ۶۵۹، ۶۶۰)^{۳۹} و "عصر یأس و حرمان" (نظم جهانی بهائی، ص ۱۱۴)^{۴۰} نیز خوانده می‌شود، مدّت زمانش نامعلوم است. حضرت ولی امرالله می‌فرماید، "اصطلاح «عصر حدید» بر عصر بذل مجهودات و عصر سازندگی دلالت دارد؛ یعنی عصری نسبتاً ابتدایی در مقابل «عصر ذهبی»، یعنی عصر تحقّق وعود، عصر ثمر دادن شجرهٔ امر الهی و وصول به مقصود غائی." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۶۳۰)

۳- عصر ذهبی، که مقدر است شاهد ثمر دادن شجره امر بهائی، به بلوغ رسیدن دور بهائی باشد.^{۴۱}

د) عصر رسولی به سه عهد نه، سی و نه و بیست و نه ساله تقسیم می‌گردد که جمعاً هفتاد و هفت سال می‌شود و به ترتیب مبین دوران رسالت حضرت ربّ اعلیٰ، حضرت بهاءالله و قیادت حضرت عبدالبهاء است.

ه) حضرت ولی امرالله دو عهد اولیه را برای عصر تکوین پیش‌بینی فرمودند که عهد اول آن دوره‌ای ۲۳ ساله را تحت پوشش قرار می‌داد، و عهد دوم دوره‌ای نوزده ساله را که جمعاً ۴۲ سال می‌شد. دورهٔ ۲۳ ساله به نوبهٔ خود دارای دو بخش بود: دوره‌ای شانزده ساله که در طی آن تشکیلات محلی و ملی نظم اداری شکل گرفت و در ادامهٔ آن هفت سال اولین نقشهٔ هفت‌ساله آمریکایی‌ها واقع گردید. عهد دوم عصر تکوین مقدر بود نوزده سال طول بکشد و با صدمین سال اعلام رسالت حضرت بهاءالله در سال ۱۹۶۳ خاتمه پذیرد.

نظر می‌رسد در فارسی، فقط اصطلاح "عصر رسولی" به کار رفته باشد. در تویق ۱۰۵ نیز فقط همین اصطلاح به کار رفته است: "عصر اول، دورهٔ اولای کور مقدّس الهی، که به عصر رسولی موسوم... (ص ۲۱)

^{۳۹} توضیح مترجم: در تویق ۱۰۵ بدیع (ص ۳۲) نیز دو اصطلاح "عصر تکوین" و "عصر انتقال" آمده است.

^{۴۰} توضیح مترجم: به نظر می‌رسد تقارن عصر تکوین با "عصر یأس و حرمان" مقصود جناب نخجوانی باشد، نه عنوان دیگری برای عصر تکوین؛ چه که بیان مزبور اینگونه ترجمه شده است، "... کمی قبل از عصر کنونی، یعنی عصر تحوّل که با صعود حضرت عبدالبهاء شروع شد، سلطنتها و امپراطوری‌های بزرگ جهان سقوط نمود. امپراطوری آلمان منقرض گشت و شکستی فاحش و خفت‌بار بر قیصر وارد آمد ... امپراطوری اتریش و مجارستان بکلی مضمحل شد. این سلطنت که از بقایای امپراطوری روم مقدّس بود که خود روزگاری عظمتی داشت، انقراضش به انضمام انحلال امپراطوری آلمان هر دو بر اثر جنگی تسریع گردید که با شروعش می‌توان گفت که "عصر یأس و حرمان" در جهان دمید؛ عصری که مقدر بود درست قبل از استقرار نظم جهانی حضرت بهاءالله فرارسد."

^{۴۱} توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله می‌فرماید، "عصر ثالث و اخیر دور بهائی که به عصر ذهبی موسوم است و عصر ظهور و جلوهٔ اعلیٰ و ابهی ثمرهٔ نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی در عالم ادنی است..." (تویق ۱۰۵ بدیع، ص ۳۲)

و) پایان این عهد ثانی مقدر بود با خاتمه اولین عهد نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء مقارن گردد. همانطور که در بالا ذکر شد، طبق آنچه که در توابع حضرت ولی امرالله آمده است، این عهد در سال ۱۹۳۷ با شروع اولین نقشه هفت ساله شروع شد و جمعاً دوره‌ای بیست و شش ساله (یعنی ۱۹+۷) را تحت پوشش قرار داد.

برای آن که افکارمان را متوجه زمان حال بکنیم، احسن و اولی خواهد بود که به تحولات امر مبارک بر حسب عهد عصر تکوین تحت هدایت بیت‌العدل اعظم اشاره کنیم.

عهد سوم عصر تکوین شامل دوره‌ای بیست و سه ساله، از ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۶ می‌شد و سه نقشه تحت هدایت بیت‌العدل اعظم را در بر می‌گرفت، یعنی نقشه نه‌ساله، نقشه پنج‌ساله و نقشه هفت‌ساله.

عهد چهارم عصر تکوین پانزده سال، یعنی تا سال ۲۰۰۱، طول کشید و شاهد اجرای چهار نقشه بود، یعنی نقشه‌های شش‌ساله، سه‌ساله، چهارساله و دوازده‌ماهه.

عهد پنجم عصر تکوین در سال ۲۰۰۱ شروع شد. طول مدت آن توسط بیت‌العدل اعظم تعیین خواهد شد. اولین مورد از سلسله نقشه‌ها در طی این عهد، نقشه پنج‌ساله جاری است.^{۴۲}

در زمره نمودارهای ضمیمه، دو نمودار (شماره ۲ و ۳) است که عهد عصر رسولی و عصر تکوین و عهد مربوط به تکامل و پیشرفت الواح نقشه ملکوتی را نشان می‌دهد.

همانطور که در بالا ذکر شد، عهد سوم شامل دوره‌ای ۲۳ ساله می‌شد و شاهد تدوین و اجرای سه نقشه بود. اهداف هر سه نقشه این عهد را بیت‌العدل اعظم تعریف و تشریح فرمودند و برای اجرا به محافل روحانی ملی عنایت کردند. اما، در سال ۱۹۸۶ بیت‌العدل اعظم احساس کردند که محافل ملی در سراسر عالم از هر لحاظ به میزانی از قابلیت واصل شده و از تجربه کافی برای تعیین اهداف خود در طی مدت زمانی که مرکز جهانی تصریح کردند، برخوردار شده‌اند. اهدافی از این قبیل می‌بایست بعد از مشاوره کامل با مشاورین مسئول در منطقه تعیین و اتخاذ گردد. البته، نسخه‌ای از اهداف تدوین شده می‌بایستی به بیت‌العدل اعظم تقدیم گردد و گزارش‌های مرتب و منظم در مورد پیشرفت‌های حاصله به مرکز جهانی ارسال شود.

⁴² توضیح مترجم: این موضوع مربوط به سال ۲۰۰۵ است. نقشه پنج‌ساله دوم در رضوان ۲۰۰۶ آغاز شد.

و اما در خصوص عهد چهارم و تصمیم بیت‌العدل اعظم در خصوص آغاز عهدی جدید با نقشه پنج‌ساله، دلیل برای چنین اقدامی عبارت از این واقعیت بود که وقتی فرهنگی جدید متداول شده و حسّ جدید تعلق به امر مبارک و مشارکت در امور آن پدید آمده بود، عالم بهائی به طور اعمّ به مرحله‌ای جدید واصل شده بود. اگر این احساس در بعضی از جوامع ملّی قدیمی و مجرب وجود داشت، می‌بایست تقویت می‌شد. زمان مقتضی فرا رسیده بود که مؤسّسات آموزشی رسماً و در تمام جهان، به عنوان ویژگی دائمی فعالیت هر یک از محافل روحانی ملّی، تأسیس شود. این مؤسسه برای تأمین تسهیل‌کننده‌ها و راهنمایانی که به توسعه و ترویج فعالیت‌های حلقه‌های مطالعه پردازند، در نظر گرفته شد. جلسات دعا و مناجات و کلاس‌های اطفال می‌بایستی به صورت الگوهای تثبیت‌شده در هر جامعه در سراسر عالم به وجود آیند. این فعالیت‌های اصلی به نحوی اداره می‌شد که ابواب جامعه را به روی محبّین و متحرّیان هم‌دل و غیربهائیان، اعم از بزرگسالان و اطفال، مفتوح سازد.

لازم بود کشور به محدوده‌های جغرافیایی تقسیم شود و برای آن که این محدوده‌ها منطبق با توانایی‌های آنها درجه‌بندی شوند، بسته به این که بکر هستند یا خیر و آیا قبلاً امر مبارک به آنها راه یافته بود یا خیر، طبقه‌بندی شدند. ماهیت این ویژگی‌های جدید آنقدر اساسی بود که بیت‌العدل اعظم احساس کردند که آنها باید همراه و همگام فجر عهد جدید باشند.

ویژگی دیگر، بنا به تصویب بیت‌العدل اعظم، عبارت از فعالیت شوراهای ناحیه‌ای، اعم از انتخابی و انتصابی بود. در کشورهایی که تأسیس چنین شوراهایی توجیه می‌شد، نظارت بر امر تبلیغ، انگیزه دادن به محافل روحانی محلی و احبّای نقاط منفرد که بسیار مورد نیاز بود، و فوریت بهبود و اعتلاء نظام اداری در هر یک از مناطق ناحیه‌ای به اقدامات جاری این شوراهای ناحیه‌ای بدل شد.

تعیین نهایی کلّیه این تفصیلات، البته، در حیطه حاکمیت و مسئولیت محافل روحانی ملّی بود اما بیت‌العدل اعظم به آنها توصیه فرمودند از مشاورین دعوت کنند، دیدگاه‌های آنها را جویا شوند و در مورد وجوه گوناگون این مرحله جدید در توسعه امر مبارک به مشورت کامل با آنها روی بیاورند.

چه بسا در کشورهایی که معاضدت و همکاری بین مشاورین و محافل روحانی ملّی واقعی، صمیمانه و پایدار بود دیده شده است که امور امریه، چه در زمینه خدمات تبلیغی و چه در میدان امور اداری، در کمال سرعت و سلامت پیشرفت داشت.

البته، به عهده بیت‌العدل اعظم است که تعیین نمایند چه زمانی عهد فعلی به پایان خواهد رسید و تصمیم بگیرند چند عهد دیگر بین ما و عصر ذهبی دور حضرت بهاء‌الله فاصله است. همانطور که قبلاً گفته شد، حضرت ولی امرالله در توفیق مه ۱۹۵۳ این تصویر را عنایت کردند که حتّی عصر ذهبی دور بهائی نیز

به عهدی تقسیم خواهد شد و دارای جهادها و نقشه‌ها خواهد بود (به مجموعه پیام‌های انگلیسی به عالم بهائی
سالهای ۵۷-۱۹۵۰، ص ۱۵۵ مراجعه شود).

سؤال و جواب

س - می‌دانیم که بدایت جریان تحلیل و اضمحلال سال ۱۸۴۴ است. به نفوسی که استدلال می‌کنند که شواهد تحلیل و اضمحلال، وقایع انحطاطی در تاریخ، از قبل از ۱۸۴۴ شروع شده و لهذا دیدگاه بهائی را قبول نمی‌کنند، چگونه جواب بدهیم؟

س - آیا طبق نظریه‌ای که در مورد دو خط و دو سیر داده شده، یعنی جریان تحلیل و تألیف همیشه با هم وجود خواهند داشت؟ آیا این بدان معنی است که درمدنیت بهائی باز هم وقایع مخرب وجود خواهد داشت؟
س - در این ایام ما در مورد دو جریان تحلیل و تألیف صحبت کرده‌ایم؛ سؤال من این است، آیا این دو جریان از بدایت تاریخ بشر همیشه با هم وجود داشته‌اند؟ یا این امری است که فقط به کور بهائی تعلق دارد تا نظم جهانی حضرت بهاءالله تأسیس شود؟

ج - این سه سؤال ارتباط خیلی دقیق و نزدیکی با یکدیگر دارند. برای لغت تحلیل و فروپاشی می‌توانیم به واژه دیگری چون انحطاط یا فساد فکر کنیم. به علت فساد و تباهی است که انبیاء یا رسولان خداوند ظاهر می‌شوند. خداوند آنها را به این علت مبعوث می‌فرماید که جریان تحلیل و فروپاشی قبل از ظهور مظاهر ظهور الهی وجود دارد. وقتی مظهر ظهوری ظاهر می‌شود، ظهور او مانع از ادامه جریان تحلیل و سیر انحطاطی نمی‌شود، بلکه آن را سرعت می‌بخشد. درست مانند وقتی که خورشید طلوع می‌کند، اگر چیزی فاسد شده باشد، خورشید آن را خشک می‌کند (نگاه کنید به نمودار شماره ۵).

و اما در مورد این سؤال که آیا دو جریان تحلیل و تألیف در ظلّ مظاهر ظهور پیشین هم وجود داشته یا خیر، بله مسلماً وجود داشته. این جریانی عمومی و جهانی است. همیشه در عالم جریان تحلیل و فروپاشی وجود داشته اما این اصطلاح استفاده نمی‌شده و این مفهوم به شیوه فعلی توضیح داده نشده است، زیرا یا محدود به کشوری بوده یا در یک ناحیه به کار برده شده است. از آنجا که اکنون ما در مورد کلّ کره ارض و تمامی نوع بشر صحبت می‌کنیم، به این علت است که اینقدر مصیبت‌بار شده و افکار را به خود مشغول داشته است. اما اساساً این دو جریان همیشه در گذشته وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. مقیاس متفاوت است.

س - چرا عصر تکوین در نظم جهانی بهائی به اصطلاح "عصر یأس و حرمان" نامیده شده است؟

ج - حضرت ولی امرالله این اصطلاح "عصر یأس و حرمان" را استفاده کرده‌اند و عمده در مورد عصر تکوین مصداق دارد. اما وقتی که ما کلام مبارک در مورد "عصر یأس و حرمان" را دقیقاً مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هیکل مبارک می‌فرمایند که وضعیت یأس و حرمان حتی قبل از شروع عصر تکوین آغاز شد. با اولین جنگ جهانی، عصر یأس و حرمان آغاز شد. حضرت ولی امرالله اهمیت زیادی برای جنگ جهانی اول قائل شدند. در کتاب قرن بدیع، حضرتشان خاطر نشان می‌سازند که جنگ جهانی اول

نخستین مرحله از آشوب‌ها و طوفان‌هایی بود که حضرت بهاء‌الله پیش‌بینی فرمودند (قرن بدیع، ص ۶۲۲).^{۴۳} به خاطر داشته باشید که ایشان این مطلب را در سال ۱۹۴۴ در قرن بدیع مرقوم فرمودند، یعنی زمانی که جنگ دوم جهانی هنوز در جریان بود. جنگ جهانی دوم مرحله‌ی ثانی از انقلابات و آشفتگی نظم و ترتیب عالم بود که حضرت بهاء‌الله پیش‌بینی فرموده بودند. مفهوم "یأس و حرمان" در پی بردن عالم انسانی به این موضوع است که آنچه تصوّر می‌کرد می‌تواند به دست بیاورد، به دست نیاورده بود، زیرا در تحقّق آمال و امیدهایش و آرمانها و منویاتش برای حصول سعادت و رفاه شکست خورده بود.

س - باب به معنای "دروازه" است. چرا حضرت اعلی نقطه شروع عصر جدید هستند؟
ج - باب به معنای "دروازه" است. البتّه، این بدان معنی است که ایشان دروازه‌ای بودند برای رسیدن به حضرت بهاء‌الله. ایشان همچنین دروازه‌ای بودند برای عصری جدید. در محلّ تلاقی و کور یک مرد، یعنی حضرت باب، ایستاده است و عصری که ایشان آن را مفتوح می‌سازند نه کور بابی، بلکه کور بهائی خوانده می‌شود. ایشان بیست و پنج سال دارند. حال ما به خود دور بهائی می‌رسیم. دور بهائی با عصر رسولی، شامل نفس حضرت باب، حضرت بهاء‌الله و حضرت عبداله‌بهاء، شروع می‌شود. عصر رسولی در سال ۱۹۲۱ خاتمه می‌یابد. در اینجا تلاقی دیگری وجود دارد. در این تلاقی، یک مرد ایستاده است. حضرت ولی امرالله. ایشان بیست و چهارساله‌اند و اکنون عصر تکوین را مفتوح می‌سازند و این عصر تکوین بعد از سی و شش سال دوران قیادت ایشان ادامه خواهد یافت و به زمان‌های آتی خواهد رسید. بعد ما بیت‌العدل اعظم را داریم که ما را به عصر ذهبی و بعداً به دور جدید الهی هدایت خواهد کرد.

حضرت باب هم مظهر ظهور الهی بودند وهم مبشّر به ظهور حضرت بهاء‌الله. ما آن را به این علّت کور بهائی و نه کور بابی می‌نامیم که مظهر کلی ظهورش حضرت بهاء‌الله است و حضرت باب در ظلّ حضرت بهاء‌الله بودند. حضرت ولی امرالله می‌فرمودند که مقام و مرقد حضرت اعلی روی کوه کرمل در ظلّ روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله است و مرقوم فرمودند که سلاطین آینده که برای زیارت به ارض اقدس می‌آیند ابتدا به زیارت روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله می‌شتابند و سپس زائر مرقد حضرت باب خواهد شد زیرا مقام اعلی در ظل روضه مبارکه است.

⁴³ مترجم: مقصود این بیان حضرت ولی امرالله است، "... جنگ جهانی به پایان رسید و نخستین مرحله از طوفان و اضطراب عظیمی که حضرت بهاء‌الله در الواح منیره اخبار و انداز فرموده بود، خاتمه پذیرفت."

س - چرا در رابطه با دو مظهر ظهور الهی در این عصر، عموماً از لغت "پیامبر (نبی)" استفاده می‌کنیم در حالی که می‌دانیم به معنی واقعی کلمه در مورد آنها مصداق ندارد، زیرا حضرت محمد آخرین نفر از این سلسله بودند. ما آن را در آثار حضرت ولی امرالله نیز مشاهده می‌کنیم.

ج - من می‌توانم مسأله‌ای را که سائل در مورد واژه "پیامبر (نبی)" دارد مشاهده کنم زیرا این لغت دارای دو معنی است. یکی پیامبر (نبی) به معنای کسی است که در مورد ظهور عصر انجامز وعود نبوت می‌کند، و دیگری عبارت از نبی به معنای رسول یا مظهر ظهور الهی است. در معنای اول نبی، عصر نبوت به انتهی رسیده است. دو مظهر ظهور، در معنای دوم "نبی"، در واقع هیکل نبوی الهی هستند.

نقشه های قبل از جهاد کبیر دهساله

شانزده سال اول عصر تکوین شاهد تشکیل و تحکیم محافل روحانی، اعم از محلی یا ملی بود. در طی این دوره بود که حضرت ولی امرالله توانستند ده محفل روحانی ملی را در عالم تشکیل دهند، که شامل دو محفل در محدوده اتحاد شوروی سابق بود. ذیلاً اسامی این محافل روحانی ملی ذکر می گردد:

- استرالیا و نیوزیلند
- قفقاز
- مصر
- آلمان
- جزایر بریتانیا
- هند و برمه
- عراق
- ایران
- ترکستان
- ایالات متحده و کانادا

درست قبل از شروع جنگ جهانی دوم، و بلافاصله بعد از آن، سه محفل روحانی ملی منحل شد. آنها عبارت بودند از محافل روحانی ملی قفقاز، آلمان-اتریش، و ترکستان. به این ترتیب در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۱ تعداد محافل ملی در جهان به هفت کاهش یافت.

بعد از اتمام جنگ طولی نکشید که تجدید انتخابات محفل روحانی ملی آلمان و اتریش صورت گرفت. حدود سه سال بعد، یعنی در ۱۹۴۸، جامعه مزبور توانست اولین نقشه تبلیغی خود را که تحت حمایت احباء در سراسر کشور بود، یعنی نقشه پنجساله اش را تدوین و اجرا کند. پایان این نقشه آوریل ۱۹۵۳ بود.

فعالیت دو محفل ملی دیگر مدتی طولانی تر را کد ماند، یعنی تا سال ۱۹۹۰ که اتحاد شوروی سابق از هم پاشید. در آن موقع تشکیل تعدادی از محافل روحانی ملی جدید امکانپذیر شد. از آن جمله بود محافل روحانی ملی آذربایجان و ترکمنستان، که جایگزین محافل ملی قفقاز و ترکستان شدند.

در رضوان ۱۹۳۷ حضرت ولی امرالله احساس کردند که زمان مقتضی برای جامعه بهائی آمریکا رسیده که تحت هدایت مستقیم خود ایشان مسئولیت اجرای اولین نقشه هفت‌ساله آمریکایی را، که نقشه اولیه جمعی تبلیغی در تاریخ امر مبارک بود به عهده بگیرند. جامعه مزبور را حضرت ولی امرالله به عنوان "حارسان نقشه الهی"^{۴۴} ... که مورد غبطه یاراندند" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۸-۱۵۷) توصیف فرموده‌اند. بنا به بیان حضرت ولی امرالله، نقشه مزبور اولین عهد رشد و تحوّل نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء را مفتوح ساخت.

الف - اولین نقشه هفت‌ساله (آمریکای شمالی)

هر ناظر دقیقی به وضوح متوجه خواهد شد که حضرت ولی امرالله این قدم خطیر و مهم را بدون ادنی کبکبه و دبدبه و مراسمی برداشتند. اما، هیکل اطهر یک سال قبل از آن که نهایتاً آن را شروع کنند، صرفاً با ابراز امیدواری که جامعه بهائی ایالات متحده و کانادا، آرزوی قلبی ایشان را برآورده خواهند ساخت، ایده نقشه را مطرح فرمودند. اعضاء این دو جامعه را "اخلاف روحانی مطالع انوار عصر رسولی الهی"^{۴۵} توصیف فرمودند. کلمات ایشان در پیام تلگرافی خطاب به انجمن شور روحانی در رضوان ۱۹۳۶ دقیقاً اینگونه بود:

قرن اول دور بهائی نزدیک به انتهی است. عالم انسانی به حواشی پرمخاطره‌ترین مرحله از موجودیتش وارد می‌شود. فرصت‌های این زمان به نحوی غیرقابل‌تصور گراندقدر است. انشاءالله و اراد، هر یک از ایالات در جمهوری آمریکا و هر یک از جماهیر در قاره آمریکا قبل از اختتام این قرن انور به نور امر مبارک حضرت بهاءالله مهتدی گردد و به تأسیس بنیان بنای نظم جهانی حضرتش توفیق یابند. (ترجمه - Messages to America ص ۶)

یک سال بعد، در پیامی به انجمن شور روحانی در رضوان ۱۹۳۷، عبارت "نقشه هفت‌ساله" را به کار بردند. از آنجا که اکمال و اتمام تزیینات خارجی مشرق‌الاذکار تا پایان اولین قرن بهائی از اهمّیت بسزایی برخوردار بود، واضح بود که این هدف ثانی می‌بایست در تدوین نقشه مزبور ادغام شود. اهداف اولین نقشه هفت‌ساله عبارت بود از:

۱- اکمال نمای بیرونی معبد در ویلمت

⁴⁴ توضیح مترجم: جهت رعایت امانت عین ترجمه نقل شد. اما این توضیح لازم است که در اصل بیان مبارک در انگلیسی اصطلاح Divine Plan به کار رفته که به الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء به طور اخصّ اطلاق می‌شود.

⁴⁵ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۱، ۱۴۴ / در ظهور عدل الهی (ص ۱۵) "اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی" ترجمه شده است.

۲- تشکیل محفل روحانی در هر ایالات از ایالات متحده از جمله در آلاسکا و نه استان کانادا
۳- تأسیس مرکز بهائی در هر یک از جمهوری‌های آمریکای لاتین و منطقه کارائیب
اتمام نقشه می‌بایست با جشن‌های مئوی اظهار امر حضرت باب در سال ۱۹۴۴، که پایان اولین قرن بهائی را
رقم می‌زد، مقارن باشد.

امه‌البهاء روحیه خانم، در کتاب گوهر یکتا خلاصه‌ای از اقدامات و مراحل گوناگونی را که
حضرت ولی محبوب امرالله با استفاده از آن نقشه هفت‌ساله را هدایت فرمودند، به دست می‌دهند. ایشان از
توقعات سال ۱۹۳۹ حضرت ولی امرالله خطاب به جامعه بهائی آمریکا نقل می‌کنند:

آنان با تمام منابعی که در اختیار دارند به رشد و تقویت آن نهضت پیشرو که به خاطر آن تمامی ساختمان
نظم اداری‌شان طرح و مرتفع شده مشغول و مأوفند. (*Messages to America*، ص ۲۱)^{۴۶}

روحیه خانم بعد از نقل بیان مزبور، حکایت اولین نقشه هفت‌ساله را اینگونه بیان می‌کنند:

در حقیقت حضرت ولی امرالله بودند که این "تشکیلات نظم اداری" را "با مساعی جمیله" خود و با کمک
نفوس مشتاق و علاقمندی که آن حضرت در میان یاران آمریکای شمالی یافته بودند، مرتفع فرمودند؛ نفوسی
که افکار آن حضرت را درک کردند، دستوراتشان را اطاعت نمودند و اوامرشان را به موقع اجرا گذاشتند.
حضرت ولی امرالله به تنهایی حائز این حق الهی و دائمی بودند که مجاهدات لشکر نور حضرت بهاءالله را
علیه قوای ظلمت هدایت و رهبری نمایند. (گوهر یکتا، انگلیسی، ص ۳۸۲)^{۴۷}

اندکی بیش از دو سال بعد از آغاز این مشروع تبلیغی، اروپا وارد جنگ شد، دو سال دیگر گذشت و ایالات
متحده - و عملاً کل کره ارض - در ورطه جنگ مبتلا گردید. فعالیت‌های هفت‌ساله این نقشه با آرام و
مصائب شدیدی که دنیای جدید تا آن زمان به خود ندیده بود، صورت گرفت. مراتب مراقبت، تشویق و
هدایتی که هیکل مبارک در اجرای این اولین نقشه بزرگ از فرامین تبلیغی اعمال می‌نمودند، باورنکردنی
است. پیام‌ها سیل‌آسا از سوی آن حضرت به سوی محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده و کانادا جریان
یافت. در سال ۱۹۳۷ هیکل اطهر به آنها فرمودند که اجرای تعهدات دوگانه این نقشه "تألولو پرفروغی" به
سازمان پایانی قرن اول بهائی خواهد بخشید که "از تألولو خدمات جاودانی که توئد امر مبارک را در عصر
رسولی دور بهائی رقم می‌زند، کمتر نخواهد بود." (*Messages to America*, p.9) در سال ۱۹۳۸ هیکل
مبارک به آنان یادآور شدند که "نابسامانی رو به افزایش" نظم کهنه و فرسوده جهان، "اهمیت و فوریت" (همان
مأخذ، ص ۱۴) خاصی به خدمات آنان می‌بخشد که هر چه درباره آن گفته شود، مبالغه نخواهد بود. مشروع
امریکای لاتین "یکی از درخشان‌ترین فصول در تاریخ بین‌المللی امر"^{۴۸} محسوب می‌شد و سرنوشت نقشه‌های
آتیه به موفقیت آن منوط و وابسته بود. هیکل مبارک در پیام تلگرافی به آنان فرمودند که این نقشه "افتتاح

⁴⁶ ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از فصل پانزدهم کتاب گوهر یکتا (طبع جدید) نقل گردید.

⁴⁷ نقل ترجمه از صفحه ۳۷۸ طبع جدید گوهر یکتا (فصل ۱۵)

⁴⁸ توضیح مترجم: این قسمت برگرفته از ظهور عدل الهی است که در متن فارسی (ص ۱۲۵) به گونه‌ای متفاوت ترجمه شده
است: "یکی از مشعشع‌ترین فصول در تاریخ بین‌المللی امر الهی محسوب خواهد گردید."

رسالت جهانی است که میراث مرغوب حضرت عبدالبهاء به جامعه بهائی امریکای شمالی است و مدت مدیدی به تأخیر افتاده" (*Messages to America*, p.23) بوده است. این مشروع "صحنه افتتاحیه نخستین نقش نمایش باشکوهی بود که موضوعش چیزی جز فتح روحانی دو نیمکره شرقی و غرب نیست" (همان، ص ۲۹) ولی با تمام این تفصیلات این مشروع تازه "ابتدای یک آزمایش و قدم اول برای جهادی بزرگتر و وسیع تر" (ظهور عدل الهی، ص ۲۶)^{۴۹} شمرده می‌شد.

بعد از دو سال که نقشه جریان خود را طی می‌نمود، تزیینات خارجی معبد امریک به نحو رضایت‌بخشی پیش می‌رفت و پیام‌ها و تقاضاهای مستمر و مشتاقانه حضرت ولی امرالله ائمار خود را به بار می‌آورد. هیکل مبارک همچنین مبلغ نهصد پوند با احساس "اشتیاق مقاومت‌ناپذیر" و "افتخار" (*Messages to America*, p. 16) برای استقرار دائمی مهاجرین در نه ایالت امریکای شمالی که هنوز عملی نگشته بود تقبل فرموده بودند. آن حضرت در خاتمه این دو سال پس از کسب اطمینان از قدم‌های اولیه که در زمینه اهداف داخلی برداشته شده بود، دست از آستین برآوردند و نیروهای مبارز خود را به سوی سواحل و جزایر امریکای مرکزی هدایت نمودند و این امر طبق تلگراف مبارک "پیشرفت منظم در جهت اجرای وصایای نازله از قلم حضرت عبدالبهاء" (همان، ص ۲۰) بود. حضرت ولی امرالله با وجود مشکلات و نگرانی‌های روزافزونی که خود داشتند به یاران اعلام کردند که میل دارند شخصاً با مهاجرین موجود در امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی ارتباط داشته باشند. ارزش این نامه‌های الهام‌بخش هیکل مبارک برای مهاجرینی که به فرموده مبارک "سنگرهای غریب و دورافتاده خود را در مناطق وسیع و پراکنده در سراسر قاره امریکا محکم نگاه داشته بودند" (همان، ص ۶۵) تا چه اندازه بوده تنها برای کسانی که آنها را دریافت کرده باشند قابل سنجش و قضاوت است. ولی من تردید دارم که اگر این ارتباط شخصی هیکل مبارک با یاران در میان نبود، این نقشه یا نقشه‌های بعد از آن می‌توانست با موفقیت به انجام رسد. در حقیقت محبت صمیمانه، تشویقات دائمی و عواطف قلبی آن حضرت بود که مهاجرین را در نقاط مهاجرتی‌شان پابرجا نگاه می‌داشت و امروز هم کسانی که هنوز به یاد و به خاطر دریافت نامه‌های با امضای "برادر حقیقی شما - شوقی" در سنگرهای خود باقی مانده‌اند، کم نیستند. (متن انگلیسی گوهر یکتا، صص ۶-۳۸۵)^{۵۰}

با یک نگاه به سالهای پرشکوه و در عین حال هولناک جنگ گذشته معلوم می‌شود که موفقیت نقشه هفت‌ساله اول در حقیقت معجزه آسا بوده است. در حالی که افراد انسانی در اروپا و آسیا در معرض قتل و کشتار بودند، زمانی که مرکز جهانی امر با خطرات بی‌سابقه از چهار جهت تهدید می‌شد، وقتی که ایالات متحده امریکا و کانادا در یک مخاصمه جهانی درگیر بودند، مُشتی از بهائیان که در منابع مادی فقیر و از شخصیت ظاهره محروم، ولی از نظر ایمان غنی و در عزمشان راسخ و مستقیم بودند، با تمام نگرانی‌ها و محرومیت‌ها و هیجانات موجود توانستند نه تنها تعداد محافل روحانی را در امریکا و کانادا تضمین کنند، بلکه کار تزیینات داخل ام‌المعابدشان را که کاری فوق‌العاده پرخرج بود شانزده ماه قبل از میقات آن به انجام رسانند و همچنین اضافه بر تأسیس یک جمعیت بهائی قوی در هر یک از بیست جمهوری امریکای لاتین، به تشکیل پانزده محفل روحانی در سراسر آن منطقه موفق شدند... وقتی آفتاب قرن دوم بهائی با درخشش پیروزمندانه

⁴⁹ مترجم: در متن فارسی ظهور عدل الهی اینگونه آمده است، "بمنزله مقدمه و آزمایشی از قدرت و تابشیری از عظمت و وسعت جهاد کبیر اکبری است..."

⁵⁰ نقل ترجمه از فصل پانزدهم طبع جدید گوهر یکتا

بلند شد، هیکل مبارک به گروه مجاهدین خود فرمودند که آن حضرت و قاطبهٔ عالم بهائی چنان مرهون و مدیون آنان هستند که احدی نمی‌توانست آن را "بسجد یا توصیف کند" (Messages to America, p. 70) پس عجب نیست که آن حضرت به این حقیقت شهادت دادند که آن جامعه "لیاقت خود را در اجرای وظایف فوق انسانی که به آنان سپرده شده بود، کاملاً نشان داده بود." (صفحات ۸-۳۸۷ متن انگلیسی گوهر یکتا / نقل ترجمه از فصل ۱۵ طبع جدید ترجمه فارسی)

در پایان نقشهٔ هفت‌ساله، حضرت ولی امرالله آنقدر به دستاوردهای جامعهٔ بهائی آمریکا مباحثات می‌کردند که رؤوس توفیقات آنها را در عبارات زیر در کتاب قرن بدیع بیان فرمودند:

در پایان این قرن مقدس نه تنها امر عظیم و خطیر مشرق‌الأذکار شانزده ماه قبل از موقع مقرر انجام پذیرفت، بلکه به جای تشکیل یک نقطه در هر یک از جمهوریات مفتوحه که به منزلهٔ هستهٔ مرکزی آن محسوب می‌گردید، محافل روحانیّه در شهرهای مکزیکو و پوئبلا در مکزیک، بوئنوس آیرس در آرژانتین، گواتمالا در گواتمالا، سانتیاگو در شیلی، مونته‌ویدئو در اوروگوئه، کیتو در اکوادور، بوگوتا در کلمبیا، لیما در پرو، آسانسیون در پاراگوئه، تگوسیگالپا در هندوراس، سان‌سالوادور در ال‌سالوادور، سان‌خوزه و پنتارناس در کاستاریکا، هاوانا در کوبا و پُرت او پرنس در هائیتی تأسیس گردید. بعلاوه، بسط و انتشار امرالله که احبای بال و پر گشودهٔ امریکای لاتین نیز در آن شرکت نموده بودند به کمال اهتمام تعقیب گردید و این امر مهم در جمهوری‌های مکزیک و برزیل و آرژانتین و شیلی و پاناما و کاستاریکا تحقق پذیرفت و یاران الهی نه تنها در عواصم جمهوری‌های امریکای جنوبی بلکه در مراکزی مانند وراکروز و کانانی و تاکوبایا در مکزیک، بالبوآ و کریستوبال در پاناما، رسیف در برزیل، گویاکیل و امباتو در اکوادور و بالاخره تاموکو و ماژلان در شیلی توطن اختیار نمودند. محافل روحانیّهٔ بهائیان سان‌خوزه و مکزیکوسیتی تسجیل گردید و در شهر اخیر مرکز بهائی متضمن کتابخانه و قرائت‌خانه و سالن کنفرانس دایر شد. سمپوزیوم جوانان بهائی در هاوانا و بوئنوس آیرس و سانتیاگو در موقع خود انعقاد یافت و مرکز مخصوص جهت توزیع آثار در امریکای جنوبی در بوئنوس آیرس تأسیس گردید. (قرن بدیع، ص ۷۹۳)

در این مقطع، توضیحی لازم می‌آید و باید خاطر نشان شود که ما تاریخ پایان اولین عهد عصر تکوین و آغاز دومین عهد را نمی‌یابیم که حضرت ولی امرالله در توابع آن زمان دقیقاً تعیین کرده باشند. اما، در برههٔ کاملاً تعریف شده و واضح دوساله‌ای - یعنی بین آوریل ۱۹۴۴ تا آوریل ۱۹۴۶ - ملاحظه می‌کنیم که هیکل مبارک اجازه می‌دهند، با توجه به پذیرش جوامع ملی برای به عهده گرفتن مسئولیت نقشه‌های بعدی، تاریخ قطعی نوسان داشته باشد.

این انعطاف‌پذیری از سوی آن حضرت نشانه‌ای دالّ بر حکمت ایشان است. هیکل اطهر میل داشتند هر یک از جوامع ملی با حوصلهٔ تام و با شور و شوق تمام نقشه‌ای تبلیغی را که متناسب با شرایط خاص آن باشد، به عهده بگیرد.

ب - دومین نقشه هفت ساله (آمریکای شمالی)

عالم بهائی با علم و مباحثات به این که عهد اول عصر تکوین پایان یافته، نورش اکنون به هفتاد و هشت کشور رسیده، قدمی عمده در ساخت ام‌المعابد غرب برداشته و با آمادگی جهت توسعه هر چه بیشتر گستره تشکیلاتش و تحکیم ساختار اداری‌اش، وارد قرن دوم بهائی شد. حضرت ولی امرالله در کمال شکیبایی و بردباری و به نحوی منظم و مدون عالم بهائی را آموزش می‌دادند و برای اجرای دو هدف وسیع و عمده که برای قیادت بی‌مثیل خود مد نظر داشتند، آماده می‌فرمودند. اول، همانطور که قبلاً گفته شد، تقویت مبانی بنای نظم اداری، اعم از محلی و ملی، قادر ساختن آن به تحمل ثقل قبه بنای مزبور، یعنی بیت‌العدل اعظم، بود که مکرراً در توابع خود، اعم از انگلیسی و فارسی، به آن اشاره داشتند. دومین هدف عمده تعلیم مفهوم اقدام جمعی به تشکیلات نوزاد امر مبارک با این مقصود بود که کلیه منویات مذکور در الواح فرامین تبلیغی حضرت مولی‌الوری را قدم به قدم به مرحله اجرا در آورند.

بعد از دو سال وقفه و استراحتی که به جامعه بهائی آمریکای شمالی داده شد، هیکل اطهر از جامعه مزبور خواستند دومین نقشه هفت‌ساله‌اش را شروع کند؛ نقشه‌ای که به نحوی طراحی شده بود که در صدمین سال ولادت امر بهائی در سال ۱۹۵۳ خاتمه یابد.

در ماه آوریل سال ۱۹۴۶ حضرت ولی امرالله احساس کردند که زمان مقتضی برای شروع دومین نقشه هفت‌ساله جامعه آمریکای شمالی فرا رسیده است. بیان مبارک در پیام تلگرافی ایشان خطاب به کانونشن ۱۹۴۶ آمریکا اینچنین است:

زمان مساعد، وقایع مبرم، جنود ملاً اعلیٰ منتظر و مترصد شروع نقشه هفت‌ساله ثانی‌اند؛ نقشه‌ای که در صدمین سالگرد سنه تسع، ولادت سربسالت نبوی حضرت بهاءالله در سیاه‌چال طهران، به اعلیٰ مدارج و منتهای خود خواهد رسید.

مسئولیت دوگانه طلابه‌داران مطالع‌الانوار غرب، قهرمانان و بانیان نظم حضرت بهاءالله، مشعلداران مدنیت جهانی، مجریان فرامین حضرت مولی‌الوری را به قیام فرا می‌خواند تا به طور هم‌زمان وظائفی را که قبلاً به عهده گرفته‌اند به ثمر برسانند و اقدامات جدیدی را در ورای حدود و ثغور نیم‌کره غربی آغاز نمایند. اولین هدف نقشه جدید عبارت از تحکیم انتصارات حاصله در سراسر قارات آمریکا، شامل تزیید حظائر قدس و ابلاغ جمعی متهورانه‌تر امر مبارک به نفوس است. هدف ثانی عبارت از اکمال و اتمام تزیینات داخلی مقدس‌ترین مشرق‌الأدکار عالم بهائی است که مقارن پنجاهمین سالگرد شروع این اقدام عظیم تاریخی خواهد بود. هدف ثالث تشکیل سه محفل روحانی ملی، ارکان و اعمده بیت‌العدل اعظم در اقلیم کانادا، آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی است. هدف رابع شروع فعالیت منظم تبلیغی در قاره اروپا است، که در اثر حرب از هم گسیخته و از لحاظ روحانی به شدت محرومیت کشیده است؛ قاره‌ای که مهد مدنیت‌های مشهور عالم بوده و دو مرتبه متبرک به قدم حضرت مولی‌الوری شده است؛ قاره‌ای که حکام و امرای آن را

حضرت بهاء‌الله به طور اخصّ و به طور جمعی مخاطب قرار داده‌اند؛ مقصود از این فعالیت در قاره مزبور تشکیل محافل در شبه جزیره ایبری، کشورهای اراضی پست⁵¹، ممالک اسکاندیناوی و ایتالیا است. هیچ سعی و تلاشی برای آن جامعه، بیش از حدّ عظیم نخواهد بود؛ جامعه‌ای که حضرت بهاء‌الله رؤسای آن را در کتاب اقدس مخاطب قرار دادند؛ جامعه‌ای که اعضاء آن توسط حضرت عبداله‌بهاء موهوب به اولویت روحانی گشته حواریون آب بزرگوارش نامیده شدند؛ جامعه‌ای که کشورش اولین ملّتی بود که پیام الهی را اجابت نمود و از این ارزش و افتخار برخوردار گردید که اولین بانی سراپرده صلح اعظم گردد؛ جامعه‌ای که مجریان امور اداری آن الگوی نظم جنینی جهانی را به وجود آوردند؛ جامعه‌ای که اولین مرحله نقشه ملکوتی را اتمام و اکمال نمود؛ و جامعه‌ای که جلوسش بر سریر سلطنت ابدیه⁵² را مرکز میثاق در کمال اطمینان پیش‌بینی فرمود. (ترجمه - Messages to America, p. 87)

چون در زمان جنگ دوم جهانی دو هفته طول می کشید که نامه از ارض اقدس به محفل روحانی ملّی آمریکا برسد، هیکل مبارک به تلگراف متوسّل می شدند. در نوشتن به سبک تلگرافی، نویسنده افعال کمکی، حروف اضافه، حروف ربط و حروف تعریف را به دلایل عملی حذف می کند. وقتی حضرت ولی امرالله تلگرافی را برای جامعه بهائی آمریکا می فرستادند گاهی اوقات متن آن به دو صفحه می رسید. در آن زمان، نظامی در انتقال تلگراف بود که به ال تی (L. T.) یعنی "تلگراف با تأخیر" شهرت داشت. این تلگرافها بعد از آن که تلگراف‌های معمولی ارسال می شد، مخایره می گشت؛ به عبارت دیگر، شب‌هنگام می فرستادند، و لذا ارزان تر تمام می شد. حضرت ولی امرالله در نظر نداشتند تلگرافی را در طول روز مرقوم بفرمایند و میل داشتند متن آن صبح روز بعد در آمریکا وصول شود. لذا تلگراف‌ها را به صورت "تلگراف با تأخیر" می فرستادند که نرخ ارزان تری را ایجاب می کرد. پیام ال تی حدّ اقل می بایستی ۲۲ کلمه می داشت و هرچه بیشتر از آن بود به مراتب کمتر از تلگراف‌های معمولی محاسبه می شد.

محفل روحانی ملّی آمریکا متوجّه بودند که درک پیام‌های تلگرافی ممکن است برای یاران مشکل باشد، زیرا می بایستی کلمات حذف شده را حدس بزنند. فی‌المثل، محفل ملّی به عبارت TIME RIPE (زمان مساعد) در تلگراف حضرت ولی امرالله، کلمه IS (است) را می افزود. بنابراین متن مزبور اینگونه خوانده می شد: (The) TIME (is) RIPE. این متنی بود که چاپ و توزیع می شد. کلمات افزوده شده در هلالین قرار می گرفتند تا معلوم شود در متن اصلی وجود نداشته است.

⁵¹ توضیح مترجم: عبارت Low Countries به کشورهای هلند، بلژیک و لوگزامبورک اطلاق می شود که اراضی آنها پست تر از ممالک مجاور است.

⁵² توضیح مترجم: مقصود، بیان حضرت عبداله‌بهاء در لوح هفتم از دوره اول الواح فرامین تبلیغی است که در ص ۲۱ جلد سوم مکاتیب عبداله‌بهاء مندرج است: "احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند."

اما، محفل ملی گاهی اوقات در انتخاب، مثلاً، حروف اضافه اشتباه می‌کرد. چنین اشتباهاتی ممکن بود معنای جمله را تغییر دهد. مثلاً حضرت ولی امرالله حرف اضافه for را، که حذف شده بود، در نظر داشتند، اما محفل ملی حرف اضافه of را حدس می‌زد و در نتیجه با افزودن حرف اضافه of به جای حرف اضافه for معنای جمله تغییر می‌کرد. این مسأله‌ای بود که حضرت ولی امرالله با آن مواجه بودند. بعد از انتشار تلگرافها، حضرت ولی امرالله می‌بایستی به دقت کلماتی را که محفل ملی افزوده بود ملاحظه فرمایند و بعد در پیام کتبی یا تلگرافی به محفل ملی، اصلاحات را خاطر نشان سازند. این مشکلاتی بود که هیکل مبارک می‌بایستی حل و فصل می‌کردند. در نظر داشتن این نکات موقع خواندن تلگرافها حائز اهمیت است.⁵³

دو هفته بعد از تلگراف ۱۹۴۶، حضرت ولی امرالله تویعی در چهارده صفحه مرقوم فرمودند و در آن به توضیح تفصیلی اهداف نقشه پرداختند و از احباء خواستند که قیام به هجرت نمایند، امر مبارک را در زندگی خود در اولویت قرار دهند و صلای حضرت عبدالبهاء در الواح فرامین تبلیغی را لَبیک گویند و دعوت آن حضرت را اجابت نمایند.

حضرت امة‌البهاء روحیه خانم در گوهر یکتا خاطر نشان می‌سازند که اهداف مهاجرتی و تبلیغی در اروپا، هدف شاخص و برجسته این دومین نقشه هفت‌ساله بود و نقشه مزبور در میان احبای آمریکا غالباً به عنوان "جهاد روحانی اروپا" معروف بود (گوهر یکتا، انگلیسی، ص ۴۰۳). علاوه بر وجوه تمایزی که اروپا در تاریخ امر بهائی به خود اختصاص داده که در پیام مبارک به کانونشن که فوقاً نقل شد مندرج است، حضرت ولی امرالله در پیام بعدی به یاران آمریکا، اروپا را به عنوان "قاره‌ای ... که اسلام آن را فتح نکرد و حقاً ام‌جامعه مسیحیه و منشأ فرهنگ امریکایی و سرچشمه مدنیت غربیه است" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۵) توصیف فرمودند. حضرت ولی امرالله بر معضلاتی که مهاجرین و مبلغین در اروپا با آن مواجه می‌شدند، کاملاً واقف بودند. هیکل اطهر در یکی از توابع خود، با اشاره به زمینه ذهنی مردم اروپا به طور اعم، آنها را اینگونه توصیف فرمودند، "به شدت محافظه‌کار و در بدعت‌های قدیمه‌شان غوطه‌ور و با غلغله تعصبات مذهبی در بند و در دریای مادیات غرق و به اصول و موازینی که به دست آورده‌اند کاملاً راضی و قانعند." (گوهر یکتا، متن انگلیسی، ص ۴۰۵ / نقل ترجمه از صفحه ۴۰۴ طبع جدید، فصل پانزدهم)

حضرت امة‌البهاء حکایت نقشه هفت‌ساله دوم را ادامه می‌دهند. ایشان، با اشاره به تاریخ پیام خطاب به کانونشن ۱۹۴۶، می‌نویسند:

⁵³ توضیح مترجم: متنی که جناب نخجوانی در کتاب خود ذکر کرده‌اند، عین عبارت تلگرافی است. اما، مترجم از متن تنظیم شده توسط محفل ملی مندرج در مأخذ ذکر شده استفاده کرد.

شش هفته بعد، حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی آمریکا ابلاغ فرمودند که باید فوراً "نه مهاجر ذی‌صلاحیت" (*Messages to America*, p. 89) به هر تعداد از کشورهای اروپایی که ممکن است اعزام شوند و لوگزامبورگ و سویس هم به فهرست ممالک غرب اروپا اضافه شود. با افزودن این دو کشور به هشت کشور مذکور در فوق، اصطلاح "ده کشور اهداف" (حسن حصین شریعت‌الله، ص ۱۴۷)^{۵۴} در بین یاران معمول شد. پس از مدتی با توجه به پیشرفت قابل ملاحظه امر در شمال اروپا، کشور فنلاند هم به فهرست کشورهای اهداف قاره اروپا اضافه شد، گرچه علاوه بر انگلیس و آلمان، در فرانسه، سویس، نروژ، سوئد، دانمارک، یوگوسلاوی، چکسلواکی، بلغارستان و شاید نقاط دیگر هنوز بهائیان زندگی می‌کردند، ولی بیشتر آنان یا از نظر جغرافیایی بسیار دورافتاده بودند و یا خیلی تحت فشار و تضییقات قرار داشتند و در نتیجه بر اجرای فعالیت‌های گسترده تبلیغی توانا نبودند. با آغاز این نقشه منظم و متشکل و سازمان یافته در اروپا، یعنی قاره‌ای که "در اثر جنگ از هم گسیخته و از نظر روحانی دچار قحطی و موت گشته بود" (*Messages to America*, p. 88) جامعه بهائی امریک "در هر دو نیمکره جهان در مرحله بی سابقه و باشکوه‌تر دیگری از جهاد منظم مقدسی که برای فتح روحانی تمامی کره ارض در مستقل ایام طرح شده بود" (همان، ص ۱۰۸) وارد شده بود. (گوهر یکتا، انگلیسی، ص ۴۰۳ / نقل ترجمه از صفحه ۴۰۲ طبع جدید / فصل پانزدهم)

اروپا "قاره متلاطمی که گرفتار سیاستی متشیخ و اقتصادی مختل و از روحانیت خالی" بود (حسن حصین شریعت‌الله، ص ۵۴). اما میدانی بود که جامعه آمریکا باید "اولین مرحله مشروع تبلیغی ماوراء آتلانتیک خود" (حسن حصین شریعت‌الله، ص ۵۲)^{۵۵} را "در میان مردمی مایوس و ناکام که در نژاد و لغت و مشرب مختلف و در روحانیت در فقر شدید و از ترس گرفتار فلج و در افکار پریشان و از حیث موازین اخلاقی در نهایت درجه انحطاط و در میان خود منشعب و در انشقاق" (حسن حصین شریعت‌الله، ص ۹۸) بودند، اجرا کنند.

وقتی که این "پیشقدمان" (*Messages to America*, p. 63) نقشه هفت‌ساله دوم به اجرای رسالت خود قیام کردند، در اروپا تنها دو جامعه بهائی واقعی، یعنی انگلستان و آلمان، وجود داشت که هر دو از جوامع قدیمی بودند و در ایام قبل از جنگ محافل ملی قوی داشتند. محفل ملی انگلستان همچنان به خدمات خود ادامه داد و محفل ملی آلمان نیز که در سال ۱۹۳۷، مقارن تعطیل رسمی تمام فعالیت‌های جامعه بهائی از طرف اولیای آلمان نازی، منحل شده بود، اکنون خدمات خود را از سر گرفته و به جد تمام به جمع‌آوری احبای جنگ دیده و رنج کشیده پرداخته بود. لجنه تبلیغ اروپای محفل ملی آمریکا و مهاجرین روزافزون ده کشور اهداف اروپا با این دو محفل ملی همکاری نزدیک داشتند. پیشرفت نقشه جدید چنان سریع بود که در سال دوم آن هشت محفل روحانی جدید در آن ممالک به خدمت قائم بودند و حضرت ولی امرالله با ملاحظه ادامه سریع پیشرفت نقشه، کشور فنلاند را هم به اهداف اروپا اضافه نمودند.

حضرت ولی امرالله، با همان علاقه فراوان که اجرائات نقشه هفت‌ساله اول را هدایت کرده بودند، حال جریان نقشه هفت‌ساله دوم را دنبال می‌نمودند. هیکل مبارک در سال ۱۹۴۸ به یاران اطلاع دادند که

⁵⁴ مترجم: در متن فارسی حسن حصین شریعت‌الله عبارت "ده کشور اروپایی جزو اهداف نقشه" آورده شده است.

⁵⁵ توضیح مترجم: عبارت "اولین مرحله" در ترجمه فارسی مشاهده نشد. چون در متن انگلیسی وجود داشت، مترجم آن را افزود.

"اولویت" جامعه بهائی امریکا "تأیید شده، کاملاً ثابت گشته و از هر جهت محفوظ مانده است"^{۶۶}؛ و "تصمیم راسخ یاران امریک برای حفظ رهبری خود در میان جوامع بهائی دیگر"^{۶۷}، "حسّ تحسین و غبطه را در بین بعضی از جوامع بهائی در شرق و غرب عالم" (*Messages to America*, p. 105) برانگیخته است. هیکل مبارک یادآور شدند که فتوحات حاصله در اروپا بیشتر قابل ستایش بودند زیرا شرایط و مقتضیات موجود در آن قاره سخت تر و دشوارتر از امریکای لاتین بوده است. (صفحه ۴۰۵-۴۰۴ متن انگلیسی گوهر یکتا / نقل ترجمه از صفحه ۴۰۴ طبع جدید / فصل ۱۵)

این نقشه خطیر تبلیغی اروپا فی الحقیقه افکار اهل بهاء را در سراسر عالم، از جمله در ممالک امریکای لاتین، برانگیخت، به طوری که این جوامع تازه تاسیس تعدادی از مهاجرین خود را برای کمک در این جهاد تبلیغی جدید به قاره اروپا گسیل داشتند. ولکن، در بحبوحه این نقشه عظیم، یاران امریک که در تحت فشار شدید بودند، با بحران سختی روبرو شدند. به علت بالا رفتن قیمت‌ها، مخارج اکمال تزیینات داخلی معبد محبوب آنان، یعنی پوشش داخلی که از همان جنس پوشش خارجی، ولی کم‌کارتر بود، به طور گزافی بالا رفته بود. سپاه حضرت ولی امرالله در مشکل بزرگی گرفتار آمده بود. ولی هیکل مبارک جریان را به دقت بررسی کردند و بلافاصله تصمیم گرفتند اقدام لازم را برای رفع مشکل به عمل آورند. بسیار آموزنده است ببینیم که آن حضرت چه مشروعاتی را اساسی تلقی فرمودند و چه کارهایی را در آن زمان قابل کنار گذاشتن تشخیص دادند. هیکل مبارک به این نتیجه رسیدند که بودجه اختصاص یافته به مشروع خطیر نقشه تبلیغی اروپا، و نیز بودجه حفظ و افزایش مؤسسات پرارزش بهائی، یعنی محافل روحانی و جمعیت‌های بهائی در امریکای لاتین و امریکای شمالی نباید تقلیل یابد؛ تشکیل انجمن شور روحانی ملی و انتشار مجله بهائی نیوز نیز ضروری تشخیص داده شد. ولی بودجه خدمات دیگر مانند اعلان امر، انتشارات بهائی و مدارس تابستانه لازم بود به "میزان قابل ملاحظه‌ای تقلیل یابد یا مدت دو سال [۱۹۴۹ و ۱۹۵۰] کاملاً قطع شود" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۵). حضرت ولی امرالله مانند هر فرمانده قابلی که مبارزه را رهبری می‌کند، سه امر را حفظ نمودند. جبهه‌های مقدم مجاهده، "پایگاه اصلی" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۳۶)^{۶۸} عملیات نقشه به طوری که خود بیان فرمودند و خطوط مخابراتی خود. با وجود این در سال ۱۹۵۱ ملاحظات دیگر حضرت ولی امرالله را بر آن داشت که این دوره کاهش مخارج را نه تنها در امریکا طولانی‌تر کنند بلکه آن را به تمام عالم بهائی گسترش دهند. بنای مقدس مقام اعلی که هیکل مبارک قرارداد کارهای سنگی آن را به تازگی امضاء کرده بودند و تشکیل شورای بین‌المللی بهائی و توسعه سایر فعالیت‌های امری عمومی در ارض اقدس سبب شد که آن حضرت از همه محافل ملی و محلی و افراد بهائی بخواهند که مخارج خود را تقلیل دهند و با بذل همت و فداکاری زیاد به حمایت از مرکز جهانی امر قیام نمایند. حضرت ولی امرالله در پیامی تلگرافی فرمودند که "دوره عسرت که قبلاً مقدرات جامعه بهائی امریکا را تحت تأثیر قرار داده و به طور اجتناب‌ناپذیری طولانی شده، اکنون با توجه به احتیاجات ضروری مشروعات خطیر و باشکوه بین‌المللی به سراسر عالم بهائی تعمیم

^{۶۶} مترجم: این قسمت از حصن حصین شریعت‌الله نقل شده است. ترجمه متفاوت آن را می‌توان در صفحه ۶۳ کتاب مزبور اینگونه یافت، "اولویت جامعه بهائی امریک به این ترتیب بار دیگر تأیید و کاملاً تثبیت و محفوظ می‌گردد."

^{۶۷} مترجم: عبارت مزبور مربوط به حصن حصین شریعت‌الله است. ترجمه متفاوت در صفحه ۶۶ آن اینگونه است، "می‌خواهد در شرق و غرب پیشگامی خود را در میان همگان در میدان خدمت حفظ نماید..."

^{۶۸} مترجم: در متن فارسی حصن حصین شریعت‌الله، به صورت "اساس و پایه اصلی" ترجمه شده است.

پیدا می‌کند. " (9) *Messages to the Baha'i World 1950-57*, p. 9) باید دانست که بهائیان امریک تا سال ۱۹۵۰ نیم میلیون دلار برای تأمین مخارج تزیینات داخلی مشرق‌الاذکار خود جمع‌آوری کرده و قسمت اعظم از تعهدات سنگین خود را تأمین نموده بودند. (گوه‌ر یکتا، انگلیسی، ص ۶-۴۰۵ / فصل پانزدهم از طبع جدید فارسی)

ولکن با وجود تمام این مشکلات فتوحات آنان در سالهای اخیر نقشه هفت‌ساله دوم به طور مضاعف ادامه یافت. (همان مأخذ، ص ۴۰۷ / فصل پانزدهم طبع جدید فارسی)

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۲ در پیامی تلگرافی فرمودند که، "قبل از خاتمه نقشه هفت‌ساله دوم جامعه بهائی امریک" (22) *Messages to the Baha'i World 1950-57*, p. 22) محفل روحانی ملی بهائیان ایتالیا و سویس باید تشکیل شود. (گوه‌ر یکتا، متن انگلیسی، ص ۴۰۷)

هیكل مبارک توضیح دادند که در نظر داشتند در جهاد روحانی جهانی که قرار بود در فاصله بین جشن‌های مئوی ثانی و ثالث اعلان شود به این جوان‌ترین محفل ملی دنیای بهائی نقشه مخصوصی واگذار نمایند و این یکی از شیوه‌های ثابت هیكل مبارک در زمینه محافل ملی نوزاد بود که به هر یک از آنها در حین تولد نقشه مخصوصی عنایت فرمایند.

به آسانی می‌توان تجسم نمود که بهائیان عالم با دریافت اینچنین اخبار مسرت‌بخش و بشارت‌مهیج تا چه حد غرق سرور و هیجان بودند. آنها می‌دیدند که چگونه این فتوحات به طور معجزه‌آسا حاصل می‌شد و چطور "برادر حقیقی" و مهربان آنان با خصلت تواضع و فروتنی که داشت و روش تحسین و تشویقی که دنبال می‌کرد، تمام این معجزات را از آن آنان معرفی می‌نمود. هیچکس نمی‌توانست تصور کند که ایتالیا از هیچ شروع کند و در مدت ده سال توانسته باشد به تأسیس تعدادی محافل محلی قوی موفق شود و بتواند در کنار شریک و همکار سویسی خود بار سنگین یک محفل ملی مستقل را به عهده بگیرد. (همان مأخذ، ص ۴۰۸)

خداوند عادل و مهربان بیش از نیرو و استعدادی که به هر نفسی عطا می‌کند از او توقع و انتظار ندارد. افتخارات و مزایایی که برای افراد و ملل و مردم حاصل می‌شود، همیشه با مسئولیت همراه است. آنان به همان درجه که برای انجام دادن وظایف خود قیام می‌کنند، مورد تأیید و حمایت قرار می‌گیرند و به همان نسبت که در اجرای وظایفشان کوتاهی می‌کنند خود به خود دچار محرومیت و مجازات می‌گردند. حضرت ولی امرالله در شروع نقشه هفت‌ساله اول مرقوم فرموده بودند که "کوتاهی در استفاده از فرصت‌های طلایی موجود به معنای از دست دادن افتخاری سابقه‌ای خواهد بود که به اراده الهی به جامعه بهائی امریک عنایت گردیده است." (17) *Messages to America*, p. 17) به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء "ملکوت الهی دارای نیروی نامحدودی است؛ لشکر حیات باید دلیر باشد تا تأییدات آن ملکوت به طور مستمر به او برسد..." (همان) در اثر حرکت و جریان این اصل عظیم بود که پیروان حضرت بهاءالله که اجرای فرمان ملکوتی به آنان سپرده شده بود برای اجرای وظایفشان قیام کردند و با خدماتشان تأییدات عظیمه بیشتر از عالم بالا جلب نمودند و مسئولیت مقدس خود را به نحو شرافتمندانه‌ای ایفا نمودند و سرنوشت باشکوهشان را یک قدم نزدیکتر یافتند؛ لشکر مظفر و پیروز که تمام موانع را از پیش پا برداشته باشد، غالباً چنان از فتوحات خود غرق شادی و هیجان است که احتیاج به استراحت را احساس نمی‌کند و به عشق فتوحات به دست آمده حاضر

است همچنان به پیش تازد. روحیهٔ عالم بهائی در آستانهٔ سال ۱۹۵۳ و شروع سال مقدّس عیناً همینطور بود. (گوهر یکتا، انگلیسی، ص ۴۰۸)

حضرت ولی امرالله جشن منوی را که مانند گردونهٔ طلایی برجسته‌ای در طرح ترسیمی آن حضرت بود، به نحوی ترتیب دادند که دو امر کاملاً مختلف بر یکدیگر مؤثر واقع می‌شدند و در عین حال به صورت یک مرکز نیروی خلاقه و عظیم به هم می‌آمیختند. یکی از این دو گذشته بود، یعنی برگزاری مراسم وقایع تکان‌دهنده‌ای چون شهادت شهدا، مسجونیت حضرت بهاءالله، آگاهی اسرارآمیز آن جمال بی‌مثال بر رسالت روحانی خود در سیاه‌چال طهران، سرگونی‌های آن حضرت و تمام آنچه که این وقایع برای پیشرفت انسان در سیر و سلوکش به سوی خالق خود در بر داشت؛ و مورد دیگر در زمان حال بود، یعنی تجهیز تمام جوامع متشکّل بهائی کرهٔ ارض در نقشه‌ای وسیع که قدمی فراتر در اجرای فرمانی ملکوتی حضرت عبدالبهاء شمرده می‌شد.

حضرت ولی امرالله که به نصّ قاطع حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکهٔ وصایا "تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ" بودند، با کسب فیض و الهام از ارواح مقدّسهٔ آن دو مظهر الهی تمام توجه و وجود خود را در توسعه و ترویج امری که به ولایتش منصوب گشته بودند، متمرکز ساختند. لغت انگلیسی Guardian در زبان انگلیسی، واژهٔ نارسایی برای عبارت اصلی "ولی امرالله" است که به معنی مدافع، رهبر و فرماندهٔ کلّ امرالله است. هیکل مبارک طرح مرحلهٔ بعدی در اجرای فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء را آغاز فرمودند. (همان، ص ۴۱۰-۴۰۹)

حضرت بهاءالله مدّت چهار ماه، از اوت تا دسامبر ۱۹۵۲، در سیاه‌چال مسجون شدند. وقتی آثار حضرت بهاءالله را در مورد تجربه‌ای که در این زندان داشتند مطالعه می‌کنیم، متوجّه می‌شویم آن تجلّی روح الهی بر قلب هیکل اطهر در اواسط دوران چهارماههٔ مسجونیت ایشان صورت گرفت. حضرت ولی امرالله چنین استنباط کردند که اواسط این دوران می‌تواند ماه اکتبر باشد و لذا تصمیم گرفتند سال مقدّس را از اکتبر ۱۹۵۲ تا اکتبر ۱۹۵۳ تعیین نمایند.

قصد بر این نبود که این مدّت، دوران وقفه در فعالیت‌ها باشد. در حالی که فعالیت‌های نقشه تعقیب می‌شد، در عین حال از بهائیان جهان خواسته شد سال مقدّس را جشن بگیرند و وقایع سیاه‌چال را به یاد بیاورند.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع و توابع مبارک خطاب به عالم بهائی، اعم از فارسی و انگلیسی، توضیح دادند که اظهار امر و رسالت حضرت بهاءالله در سه مرحله رخ داد. حضرت ولی امرالله مرحلهٔ اوّل را intimation^{۵۹}، مرحلهٔ ثانی را declaration (اظهار امر)^{۶۰} و مرحلهٔ سوم را proclamation

^{۵۹} مترجم: معنای این لغت اعلام و آگاهی دادن است؛ به عبارت دیگر اعلام مأموریت به جمال ابهی از سوی ذات الوهیت. در موارد متعدّد گاد پاسز بای این لغت مشاهده شد، اما در ترجمهٔ آن واژهٔ خاصی به کار نرفته است. اما، در تویق نوروز ۱۰۱

(اعلان امر)⁶¹ نامیده‌اند (گاد پاسزبای، صفحات ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۵۲). تجلی روح اعظم در طهران، در سیاه‌چال، اواسط دوران چهارماهه مسجونیت هیکل اطهر واقع شد. اظهار امر در بغداد، در طی دوازده روز، رخ داد که در سال ۱۸۶۳ در باغ رضوان، خود را "مَن یظهره‌الله" خواندند. اعلان جهری امر در طول پنج سال در ادرنه واقع شد و تا زمان اقامت هیکل اطهر در عکا ادامه یافت.

هر پیامبری دارای تجربیاتی است که نشان دهندهٔ دمیدن فجر ظهورش است. حضرت ولی امرالله تجربه‌ای را که حضرت بهاءالله در سیاه‌چال داشتند با "خاطرهٔ پرهیجان رسالات الهیه در ادوار سابقه و ظهورات ماضیه" مقایسه می‌فرمایند که "حضرت کلیم در طور سینا ندای الهی را از شجرهٔ موقدهٔ ربّانی استماع نمود و حضرت زردشت در اثر رؤیاهای سبعة به مأموریت آسمانی و رسالت یزدانی خویش واقف گردید و حضرت مسیح هنگام خروج از نهر اردن ابواب سماء لایزالی را مفتوح و روح قدسی را به مثابهٔ حمامه‌ای نازل بر وجود مقدّسش ملاحظه نمود و حضرت رسول اکرم در جبل حرا خارج از مکهٔ معظمه از طرف جبرئیل امین به خطاب مستطاب «اقراً باسم ربک» مخاطب گردید و حضرت باب اعظم چون در عالم رؤیا رأس مطهر حضرت سیدالشهداء را آغشته به دم مشاهده نمود و از خون گلوی آن حضرت نوشید دریافت که از جانب خداوند متعال حامل فیض الهی و واسطهٔ ابلاغ پیام آسمانی است." (قرن بدیع، ص ۲۰۶)

همانطور که به وضوح در آثار مبارکه ذکر شده، مظاهر ظهور الهی از اوان طفولیت صفات و سجایای منحصر به فرد و متمایز روحانی و علؤ فکری و سمؤ عقلی از خود به منصهٔ ظهور می‌رساندند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که حضرت بهاءالله در دوران کودکی به برخورداری از "قوهٔ خارق‌العاده"، "درایت" و "فطانت"⁶² شهرت داشتند. در تاریخ آمده که حضرت اعلی در دوران طفولیت خود "آثار حکمت و دانش خارج از حدود بشری" و نیز "قوه‌ای مرموز"⁶³ از خود ظاهر و بارز ساختند. گفته می‌شود حضرت مسیح در معبد یهود، علمای دینی یهودی را از سؤالات و درک و فهم خویش متحیر می‌ساختند (انجیل لوقا، باب ۱، آیات ۴۸-۴۶).

بدیع، حضرت ولی امرالله آن را اینگونه توصیف می‌فرمایند، "روح اعظم بر قلب الطف ارق اصفای ممرّد سلطان قدم تجلی نمود" (ص ۳۷)

⁶⁰ مترجم: در صفحه ۴۹ تویق قرن آمده است، "این نهضت روحانی و اظهار امر صمدانی..."

⁶¹ مترجم: در صفحه ۵۴ تویق قرن آمده است، "اعلان امر اتم افخم جهرةً به اهل عالم و رؤسای ادیان و امم در خاور و باختر..."

⁶² مترجم: نقل از خطابه ۱۷ آوریل ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء، سفینه عرفان، دفتر هفتم، ص ۲۶ (این خطابه در مجموعه خطابات مبارکه درج نشده است).

⁶³ مترجم: این دو عبارت در تاریخ نیل، صفحات ۶۵ و ۶۴ درج شده، با این تفاوت که در متن انگلیسی "قوه‌ای مرموز" (ص ۷۵) وجود دارد، اما در متن فارسی فقط "قوه‌ئی" آورده شده است.

حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات به ما می‌فرمایند که مظاهر ظهور الهی بنفسهم در مورد قوای خود، قبل از آن که مقام و رسالت خود را برای دیگران ظاهر سازند، احتیاط می‌کردند. هیکل مبارک (در مفاوضات، ص ۱۱۷) می‌فرماید، "البته حقیقت مقدسه (مظهر ظهور) از بدایت واقف بر سر وجود است و از سن طفولیت آثار بزرگواری از آن ظاهر و واضح است. پس چگونه می‌شود که با وجود این فیوضات و کمالات استشعار نباشد؟" بعلاوه، طلعت میثاق، در تبیین بیان حضرت بهاءالله که در اشاره به شروع رسالت خود می‌فرماید که ایشان در خواب بودند و نسیم الهی بر ایشان مرور نمود، (مفاوضات، ص ۶۶) می‌فرماید، "نوم حال سکون است و بیداری حال حرکت." ایشان در توضیحی مضاعف (مفاوضات، ص ۱۱۶) می‌فرماید، "آن شخص که در خواب است چون بیدار شود باز همان شخص است ... زمان سکوت را تعبیر به خواب می‌فرماید و ظهور و هدایت را تعبیر به بیداری."

حضرت ولی امرالله تصمیم گرفتند که صدمین سالگرد واقعه بسیار مهم تجلی روح الهی بر قلب حضرت بهاءالله در سجن سیاه‌چال جشن گرفته شود. به این لحاظ، از اکتبر ۱۹۵۲، صد سال بعد از اواسط دوران مسجونیت حضرت بهاءالله در سیاه‌چال، تا اکتبر ۱۹۵۳ سال مقدس محسوب شود و در سراسر عالم مراسم و جشن‌ها برگزار گردد و کنفرانس‌های بین‌القارات منعقد شود که در طی آنها اهداف نقشه‌ای جدید اعلام گردد.

حضرت ولی امرالله در موقع اعلام اهداف دومین نقشه هفت‌ساله در آوریل ۱۹۴۶، از جامعه بهائی آمریکای شمالی خواستند که خود را برای سومین نقشه هفت‌ساله هم آماده نماید. بین دومین و سومین نقشه هفت‌ساله، یک وقفه سه‌ساله واقع می‌شد تا سومین نقشه در سال ۱۹۶۳ به پایان برسد. این برنامه از پیش طراحی شده اینگونه اعلام گردید:

شروع نقشه به مراتب مهم‌تر هفت‌ساله ثالث، که بعد از یک وقفه کوتاه سه‌ساله آغاز خواهد شد، منوط به توفیق حاصله در نقشه هفت‌ساله ثانی است. نقشه هفت‌ساله ثالث، وقتی در اثر تأسیس بنای نظم اداری در بقیه ممالک مستقل و اقالیم عمده تحت‌الحمايه در سراسر کره ارض اکمال و اتمام یافت، باید با مراسم و جشن‌های منعقد در سراسر عالم که سنه منوی جلوس علنی و رسمی حضرت بهاءالله بر اریکه رسالت عظمی و مظهریت کبری به اعلی مدارج خود واصل و به نحو شایسته‌ای مورد تکریم قرار گیرد؛ سنه مرتبط با نبوت حضرت دانیال نبی و مظفریت جهانی امر بهائی و مشخص‌کننده اختتام عهد اولیه اجرای نقشه ملکوتی که جریانات اسرارآمیز و مقاومت‌ناپذیرش باید، در طول نسل‌های متوالی در هر دو عصر تکوین و ذهبی امر حضرت بهاءالله، همچنان به سطوع تشعشعات دائم‌التزاید ادامه دهد. (ترجمه - Messages to America ص ۸)

چهار سال و نیم بعد حضرت ولی امرالله اعلام فرمودند که یک نقشه جهانی دهساله جایگزین وقفه سه ساله و سومین نقشه هفت‌ساله خواهد شد. این مرتبه هدف نقشه فقط جامعه آمریکا نبود؛ بلکه کل عالم بهائی بود: جهاد دهساله بسیار مهم و بی‌سابقه. همه به هیجان آمده مشتاق بودند ببینند در خزانه این نقشه چه گذاشته شده و حضرت ولی امرالله چه امری را مطمح نظر قرار داده‌اند.

ج - نقشه‌های جانبی و فرعی

سیاست حضرت ولی امرالله چنین بود که جوامع بهائی را به رقابت با یکدیگر وادار کنند. آن را می‌توان به مسابقه‌ای روحانی تشبیه کرد. شما در خط خود می‌دوید و در خط کناری شخص دیگری است که او نیز می‌دود. بنابراین در اینجا مسابقه‌ای جریان دارد. نگاهی به دوستان که دارد می‌دود می‌اندازید و بعد با او به رقابت برمی‌خیزید، و او شما را برمی‌انگیزد. به این ترتیب بود که حضرت ولی امرالله توجه را به اهداف جلب می‌کردند و احباء را تشویق می‌کردند. فی‌المثل، من از آفریقا برای زیارت به ارض اقدس رفتم. امور امری در منطقه اقیانوس آرام در ترقی و تقدّم بود. بنابراین هیکل مبارک فرمودند، "ما در جزایر پاسیفیک بهائیان زیادی داریم. مثلاً به جزایر جیلبرت و ایس نگاه کنید؛ خیلی بهائی دارند. پاسیفیک در حال پیشرفت است. وقتی مراجعت می‌کنید، باید از احبای آفریقایی سؤال کنید که آیا حاضرند ببینند جزیره‌نشینان پاسیفیک از آنها سبقت می‌گیرند." این روشی سالم برای برانگیختن و ایجاد انگیزه در احباء بود.

به این علت است که نمونه و سرمشق بودن در زندگی شخصی از اهمیت برخوردار است. ما مجبور نیستیم در مورد خودمان به تبلیغ پردازیم اما باید حیات بهائی داشته باشیم. اگر ما از حیات بهائی برخوردار باشیم، مردمان دیگر ما را می‌بینند و میل پیدا می‌کنند ما باشند.

یک مرتبه حضرت عبدالبهاء فرمودند، "اگر خوابید بیدار شوید؛ اگر بیدارید و آرمیده‌اید، بنشینید؛ اگر نشسته‌اید، برخیزید؛ اگر ایستاده‌اید راه بروید؛ اگر راه می‌روید، بدوید!"⁶⁴ این فرایندی است که خداوند میل دارد ما آن را دنبال کنیم. او نمی‌فرماید: اگر خوابی، بدو! تدریجاً، قدم به قدم، ما خود را تغییر می‌دهیم.

حضرت ولی امرالله در یکی از توابع می‌فرمایند، "امر الهی حائز قدرت روحانی برای خلق جدید ما است ... باید سعی کنیم تغییر یابیم، بگذاریم قدرت الهی به خلق جدید ما مساعدت نماید و از ما بهائیان حقیقی، چه از لحاظ اعمال و چه عقاید، به معرض شهود آورد. اما گاهی اوقات این جریان بطنی است، گاهی ابداً واقع نمی‌شود زیرا فرد به اندازه کافی سعی و کوشش نمی‌نماید." (ترجمه - *Unfolding Destiny*، صفحات ۴۴۲ و ۴۴۰)

فرد باید از این قدرت استفاده کند و راه استفاده از آن توسّل به ادعیه است. همچنین فرد باید تصمیم بگیرد منطبق با منویات بیت‌العدل اعظم قیام و حرکت کند، زیرا آن معهد اعلی نوری است که فرد باید دنبال کند، چه که الیوم مؤسسه اصلی و مرکزی میثاق است. این کار باید در حالی صورت گیرد که فرد از حرکات و سکانات غیرمرضیه دیگران وارسته و منقطع است. فرد باید در کمال ایثار قیام کند و در

⁶⁴ توضیح مترجم: مأخذی برای این بیان ذکر نشده است.

کمال از خود گذشتهگی مهر بورزد. در این صورت است که عمل او دارای تأثیر خواهد بود. حضرت بهاءالله در لوح سلطان ایران می‌فرماید:

انّ الدّین حولک یحبونک لأنفسهم و الغلام یحبک لنفسک و ماأراد الاّ أن یقرّبک الی مقرّ الفضل و یقلّبک الی یمین العدل و کان ربّک علی ما أقول شهیداً. (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۵۰)

به عبارت دیگر، کسانی که اطراف تو را گرفته‌اند، برای منافع خودشان نسبت به تو محبت نشان می‌دهند، اما من هیچ چیز از تو نمی‌خواهم و به خاطر خودت به تو محبت دارم و مهر می‌ورزم. این محبت خالص است و اینگونه باید به امر خدمت کرد، با محبت محض و خالص، بدون هیچ آلودگی. چنین محبتی جاذب تأییدات الهیه است، و بدون آن ما کار زیادی نمی‌توانیم انجام دهیم چون تنها خواهیم بود. با تأییدات الهیه، برکات و عنایات حاصل خواهد شد، و ما می‌توانیم هدایت خداوند را مشاهده کنیم و در ایمان خویش قوی‌تر گردیم و از لحاظ روحانی رشد کنیم. این توضیحی بر مقصود حضرت ولی امرالله از این بیان است که می‌فرماید، "امر الهی حائز قدرت روحانی برای خلق جدید ما است."

تأییدات الهیه ما را متحوّل می‌سازد، تغییر می‌دهد و تقویت می‌کند. اگر محجوب و کمرو هستیم، شجیع و دلیر می‌شویم؛ اگر دچار شکّ و تردیدیم، مشحون از یقین تامّ می‌گردیم؛ اگر احساس نارسایی و بی‌کفایتی می‌کنیم، باز هم باید خود را در مسیر اراده الهی قرار دهیم و اگر انگیزه‌های ما عاری از هر شائبه‌ای باشد، او از ما استفاده خواهد کرد. ما، هر قدر بی‌کفایت باشیم، به ابزاری در دست خداوند تبدیل خواهیم شد. غالباً می‌گویم که وقتی به خود می‌نگرم، مشاهده می‌کنم که مثل چاقو هستم. نگاهی به چاقوی خود می‌اندازم. متوجّه می‌شوم که تیغه من کهنه و زنگ‌زده است. به دسته چاقو نگاه می‌کنم، می‌بینم کثیف است. می‌دانم که بی‌کفایتیم، بی‌ارزشم و نقائص بسیار دارم اما با همه این احوال خود را در اختیار ذات الهی می‌گذارم. باور کنید، جمال مبارک آغوش باز می‌کند و احساس می‌کنم که کسی مرا در دست می‌گیرد، از من استفاده می‌کند، هر چند که زنگ‌زده هستم. ابداً خود را دارای ارزش نمی‌دانم اما خود را تقدیم ساحت حضرتش می‌کنم. ما باید اعتماد داشته باشیم که حضرتش ناظر بر ما است و ما را مساعدت می‌کند.

و اما در مورد نقشه‌های فرعی، همانطور که قبلاً گفته شد، اولین محفل ملی که در سال ۱۹۴۴ قدم پیش گذاشت محفل بریتانیا بود. دو سال بعد، در سال ۱۹۴۶، ایالات متّحده و کانادا دومین نقشه هفت‌ساله خود را شروع کردند و در همان زمان حضرت ولی امرالله موفّق شدند ایران را تشویق کنند نقشه تبلیغی ۴۵ ماهه خود را داشته باشد که در سال ۱۹۴۶ آن را به اجرا گذاشت. همان سال، هندوستان، پاکستان و برمه نیز تشویق شدند نقشه‌هایی برای خود داشته باشند. سال بعد، در ۱۹۴۷، هیکل مبارک توانستند دو محفل

ملی دیگر، یعنی استرالیا و نیوزیلند، و محفل عراق را به این گروه ملحق سازند. بعد، در سال ۱۹۴۸، موفق شدند مصر و آلمان/اتریش را برانگیزند.

متأسفانه، جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۸ آلمان را از الحاق به گروه باز داشت؛ با تشویق حضرت ولی محبوب امرالله، آلمان و اتریش به صورت یک جامعه به تدوین و اجرای نقشه تبلیغی خود مبادرت کردند. در آن زمان، مجموعاً هشت محفل روحانی ملی وجود داشت.

حضرت ولی امرالله در طول همان هفت سال، خردمندانۀاً با تشویق و ترغیب، به طور مستقیم و غیر مستقیم، هر یک از محافل ملی را که در نقاط مختلف عالم فعالیت داشتند، هدایت می فرمودند که از همان سرمشق جامعه آمریکا پیروی کنند به طوری که هر یک از محافل روحانی ملی، در حوزه حاکمیت خود اهدافی را در زمینه تبلیغ و تحکیم برای خود تعیین نمود.

موقعی که تلاش برای وصول به این اهداف در جریان بود، حضرت ولی امرالله هر حرکتی را که در هر کشوری صورت می گرفت، از طریق گزارش های واصله تحت نظارت داشتند. هیکل اطهر با تواقع و تلگرافها، مستمراً آنها را تشویق می کردند که کارشان را بهتر انجام دهند، کتابهای بیشتری ترجمه کنند و محافل محلی بیشتری تشکیل دهند؛ هیکل مبارک این محافل روحانی ملی را مشمول محبت و تشویق بی کران خود می ساختند. وقتی که آنها از هدایات هیکل اطهر پیروی می نمودند و وقتی که کارشان را درست انجام می دادند، در کمال محبت، بلندنظری و گشاده دستی مورد تحسین و تقدیر قرار می دادند. تواقع هیکل اطهر مشحون از محبت، تشویق و امتنان از دستاوردهای آنها بود. این جوامع واقعاً احساس می کردند که در زمره قهرمانان روحانی کره ارض هستند. بنابراین کسب شهادت بیشتر می نمودند و ترقی و تقدّم بیشتر حاصل می نمودند.

در طی نقشه هفت ساله تحولات جدیدی حاصل شد: خواسته شد که محافل ملی جدید از مجموعه کلی قبلی به وجود آمده مستقل شوند. به عبارت دیگر، محفل ملی جدید خود را از محفل مادر جدا و مجزاً کند. برای توضیح و تشریح این اقدام، باید به دو جامعه ایالات متحده و کانادا نگاه کرد. آنها دومین نقشه هفت ساله را در سال ۱۹۴۷ با هم شروع کردند. اما، یک سال بعد حضرت ولی امرالله احساس کردند که کانادا آماده بود مستقل شود، لذا از جامعه مزبور خواستند از ایالات متحده جدا شده محفل ملی خود را در سال ۱۹۴۸ تشکیل دهد. به محض تولّد این محفل جدید، هیکل مبارک پیامی جدید با نقشه ای جدید برای بقیه نقشه هفت ساله برای آن عنایت کردند. و آن نقشه شش ساله تکمیلی (subsidiary) محفل روحانی ملی کانادا بود.

بعد، در سال ۱۹۵۰، حضرت ولی امرالله تصمیم گرفتند که آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی، چون هر کدام از این نواحی از بیست کشور تشکیل می‌شد، دو محفل ملی تشکیل دهند. در نتیجه، آمریکای جنوبی دارای محفل روحانی منطقه‌ای شامل کلیه کشورهای گوناگون جنوبی نیمکره غربی، و آمریکای مرکزی، شامل منطقه کارائیب، دارای محفل منطقه‌ای دیگری شد. حضرت ولی امرالله دومین نقشه هفت‌ساله را با یک محفل روحانی ملی در منطقه، برای آمریکای شمالی شروع کردند، و در انتهای نقشه هفت‌ساله در سال ۱۹۵۳ چهار محفل ملی وجود داشت: ایالات متحده آمریکا، کانادا، آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی. از آنجا که هیکل اطهر می‌خواستند دوازده، به اصطلاح خودشان، "قائدين"⁶⁵ جهاد دهساله داشته باشند، به یک محفل ملی دیگر نیاز داشتند.⁶⁶ حضرت ولی امرالله ایتالیا و سوئیس را در هم ادغام فرمودند و محفل ایتالیا-سوئیس تشکیل شد. این محفل در همان روزی پای به جهان نهاد که جشن رضوان ۱۹۵۳ آغاز گردید. به این ترتیب هیکل مبارک از این محفل ملی به عنوان یکی از "قائدين" جهاد دهساله خود استقبال فرمودند. اینها نمونه‌هایی از شیوه اقدامات حضرت ولی امرالله است؛ ایشان فوق همه چیز قرار داشتند.

هر یک از هفت محفل روحانی ملی به ترتیب حروف الفبا فهرست شدند و فقراتی از پیام‌های حضرت ولی امرالله و نیز داده‌های مربوط به اتخاذ این هفت نقشه ملی در ذیل آنها آورده شد. بعد، همان نوع تفصیلات در مورد نقشه‌های فرعی سه محفل روحانی ملی که از محفل روحانی ملی آمریکای شمالی جدا شده بودند، عنایت گردید.

⁶⁵ توضیح مترجم: در انگلیسی لفظ "ژنرال" به کار رفته است. اما، چون در تویق نوروز ۱۱۰ حضرت ولی امرالله لفظ "قواد" (جمع قائد) را به کار برده‌اند، لهذا اینگونه ترجمه شد و از این پس نیز "قائدين" ذکر خواهد شد.

⁶⁶ مترجم: این اصطلاح در تویق ۴ مه ۱۹۵۳ به کار رفته است: "تودیدی نباید داشت که هدف اصلی و صریح این جهاد روحانی جز فتح قلعه‌های قلوب نفوس انسانی نیست. صحنه این عملیات کل کره ارض، طول مدت آن مدت ده سال تمام، ابتدای آن مقارن مراسم منوی تجلی وحی الهی بر قلب حضرت بهاءالله، انتهای آن مقارن مراسم منوی اعلان رسالت جمال اقدس ابهی، مؤسسات مساعد اجرای آن تشکیلات نوزاد اداری نظم موهوبه الهیه مستمراً در حال تعالی و تکامل، منشأ قوه محرکه اش نفوذ قدرت بخش منبعث از ظهوری که حضرت رب اعلی به آن بشارت داد و حضرت بهاءالله اعلام فرمود، فرمانده کل آن خالق نقشه ملکوتی و فرامین تبلیغی، علمدارانش حضرات یادی امرالله منصوبه در هر قاره‌ای از قارات عالم، قائدینش دوازده محفل روحانی ملی مجریان و متصدیان این طرح اعظم، طلایه‌دارانش مجریان عمده نقشه اصلی مرکز میثاق امر حضرت منمنم، جنودش کلیه احباء و یاران و یاوران و حامیان دوازده محفل روحانی ملی ... (ترجمه - Messages to

(the Baha'i World 1950-1957, p.152)

در پایان این قسمت مجموعه‌ای با عنوان "ضمیمه، بخش یک" گنجانده شده که اهداف نقشه‌های هم‌زمان و تکمیلی ملی عالم بهائی فهرست شده است. بخش دوم ضمیمه شامل اهداف سه نقشه فرعی است.

د - تفصیل نقشه‌های فرعی و جانبی

(۱) استرالیا و نیوزیلند

نقشه شش ساله ۱۹۵۳-۱۹۴۷

حضرت ولی امرالله از محفل ملی خواستند نقشه‌ای تبلیغی را تدوین نماید و آن را به نحوی منظم و مدوّن اجرا کند. در مارس ۱۹۴۷ مرقوم فرمودند:

شروع نقشه‌ای که به دقت تدوین شده، از حمایت عمومی برخوردار گشته، و برای ترویج مؤثر مصالح امریه طراحي شده، و طی سنینی مشخص به اهدافی معین و قطعی نائل گردد، به نظر می‌رسد در این مقطع از زمان، فوق‌العاده مطلوب و مناسب خواهد بود، و، همچون مغناطیسی، به میزانی بی سابقه و نظیر، تأییدات و عنایات حضرت بهاءالله را به طرف اعضاء هر دو جامعه، فرداً و جمعاً، جذب خواهد کرد.

حال که بنیان اساسی نظم اداری بهائی در کمال قوام و استحکام و قطعیت تام در آن بلاد شاسعه و اقلیم بعیده گذاشته شده، و دواير و مراکز اداری ملی نظم مزبور تأسیس گشته، با تکاثر و تزاید تشکیلات اداری و تشکیل هسته‌ای ضروری، که، با توسعه و تحکیم آنها، به عنوان وسائل و وسائط مقدره الهیه و بسیار مؤثر برای انتشار امرالله و ابلاغ آن به جمیع نفوس مورد استفاده قرار گیرد، و به این واسطه مجهودات منظم برای اتّسع نطق این نظم مبذول گردد.

کاملاً واقفم که تعداد نفوس شما بسیار قلیل، وسائل و امکانات شما بسیار محدود، مسافت حدّ فاصل مراکز از قبل تأسیس شده بسیار بعید است. لکن، یقین تام و ایمان تمام دارم که شروع نقشه‌ای برای رفع نقائصی که نظم نوزاد اداری اکنون بدان مبتلا است، و عزم جزم برای اجرای وظائف مندرج در آن، و همچنین مساعی مستمر برای فداکاری‌های ضروری جهت اکمال و اتمام آن، قوایی را با چنان عظمتی به حرکت خواهد آورد، و از برکات هر دو جامعه با چنان قدرتی برخوردار خواهد شد، که موجبات تحیر خود آحاد احباء را فراهم خواهد آورد، و امر مبارک را به عصری از توسعه بی سابقه و مثیل و تحولاتی حیرت‌انگیز و ثمربخش وارد خواهد ساخت. (ترجمه - *Messages to the Antipods*، ص ۲۴۶ / *Letters from the Guardian to Australia and New Zealand*، صفحه ۶۷)

در اجابت این صلا، محفل روحانی ملی اولین نقشه تبلیغی خود را در رضوان ۱۹۴۷ اختیار نمود. اهداف نقشه عبارت از تأسیس دو محفل روحانی در استرالیا و نوزده جمعیت در استرالیا بود. در نتیجه این نقشه پنج محفل جدید تأسیس شد، و تعداد کل محافل در استرالیا و نیوزیلند را به هفده رساند. بیست و

یک جمعیت ورای اهداف نقشه تأسیس گردید که تعداد کل جمعیت‌ها را به چهل رساند (عالم بهائی، ج ۱۲، ص ۶۷).

در طی این نقشه، محفل روحانی ملی کلاً بیست و چهار پیام از حضرت ولی امرالله دریافت کرد که توجه آنها را به اهمیت تاریخی اولین نقشه آنها جهت ترویج امرالله در استرالیا و نیوزیلند جلب می‌نمود. حضرت ولی امرالله واقف بودند که تعداد بهائیان فعال در استرالیا و نیوزیلند بسیار محدود بود اما می‌توانستند استعداد و پذیرش اوطان آنها را دریابند و مستمراً آنها را تشویق می‌فرمودند که امید خود را از دست ندهند، متحداً و متفقاً با جدیت و پشتکار اقدام نمایند و اطمینان داشته باشند که تأییدات ملاً اعلی به امداد آنها خواهد آمد و آنها را به فتح و ظفر نهایی رهنمون خواهد شد.

۲) جزایر بریتانیا

نقشه شش ساله، ۱۹۵۰-۱۹۴۴

از انجمن شور روحانی در آوریل ۱۹۴۴، وکلای انجمن در تلگرافی که به حضور حضرت ولی امرالله تقدیم نمودند، اظهار داشتند که انجمن مشتاق است هیکل مبارک اهدافی را برای نقشه شش ساله جهت جامعه بهائی بریتانیا، هم‌زمان با صدمین سالگرد شهادت حضرت ربّ اعلی، تعیین فرمایند. تلگراف حضرت ولی امرالله به آنها اینگونه بود:

از تصمیم خودانگیخته آن انجمن کمال مسرت حاصل. توصیه می‌شود نوزده محفل روحانی تشکیل شود، محافل در سراسر انگلستان، ویلز، اسکاتلند، ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند منتشر باشند. برای حصول فتح و ظفر نمایان دعا خواهم کرد. (Unfolding Destiny 169)

در طی این دوره، حضرت ولی امرالله ۱۰۸ پیام، اعم از تلگرافی یا با پست معمولی، برای محفل روحانی ملی بریتانیا، و معدودی از لجنات مهم ملی عنایت فرمودند. به چندین پیام، پی‌نویس‌های طولانی به خط مبارک مرقوم فرمودند. اکثر پیام‌ها مستقیماً به مسائلی مربوط به نقشه می‌پرداخت. در این پیامها، هیکل اطهر تشکیلات امریه را هدایت می‌فرمودند، مساعی آنها را مورد تشویق قرار می‌دادند، به آنها توصیه می‌کردند بر وظائف ناتمام تمرکز کنند، آنها را در مجهوداتشان راهنمایی می‌فرمودند و در مورد سرنوشت باشکوهشان، در صورتی که مسئولیت‌هایی را که در پیش روی دارند با موفقیت انجام دهند، به آنها اطمینان می‌دادند.

نقشه دوساله، ۱۹۵۳-۱۹۵۱

حضرت ولی امرالله، در همان پیام ضمن تبریک به جامعه بریتانیا به علت دستاوردهایشان در نقشه شش ساله، یک سال استراحت عنایت کردند، که بعد از آن نقشه‌ای دو ساله را اجرا نمایند، که بعداً به عنوان جهاد روحانی آفریقا African Campaign به آن اشاره شد.

در طول این نقشه، که در آوریل ۱۹۵۳ به پایان رسید، حضرت ولی امرالله هفتاد و پنج پیام برای این محفل روحانی ملی و/یا لجنات ملی آن ارسال فرمودند. پیامها برخی به صورت تلگراف و بعضی به صورت مکتوب عادی بود. در مکاتیب عادی، پیام‌های طولانی وجود داشت که وقتی در مجموعه‌ای از توابع آن حضرت توسط محفل روحانی ملی بریتانیا انتشار یافت، چندین صفحه را به خود اختصاص می‌داد. با دقت و نظارت دقیق فعالیت جاری در آفریقا را تعقیب می‌فرمودند. هیکل اطهر تأسیس شورای بین‌المللی بهائی و به طور هم‌زمان شروع جهاد روحانی آفریقا را، که مستلزم معاضدت چندین محفل روحانی ملی در میدان مهاجرت و خدمت واحد بود، به عنوان دو مورد از شواهد محکم دال بر تولد و شکوفایی نظم جهانی جنینی الهی حضرت بهاءالله مطمع نظر داشتند (*Unfolding Destiny*، صفحه ۲۵۷-۲۵۶)

۳) مصر و سودان

نقشه پنج ساله، ۱۹۵۳-۱۹۴۸

حضرت ولی امرالله محفل روحانی ملی مصر و سودان را نیز، مانند سایر محافل روحانی ملی عالم بهائی، مورد تشویق قرار دادند که، علیرغم ناتوانی‌هایی که به آن مبتلا بودند، بهتر است نقشه‌ای تبلیغی برای خود اختیار کنند. باید توجه داشت که مصر در عالم اسلامی و نیز عالم عربی دارای نقشی پیشرو و برجسته داشت. اجرای مجموعه قوانین مذهبی اسلامی موسوم به شریعه برای اولیاء حکومت مدنی الزام‌آور تلقی می‌شد.

در پایان نقشه تعداد محافل روحانی محلی به نه محفل بالغ شد، شش ولایت بکر مفتوح گشت، قطعه زمینی برای مدرسه دائمی تابستانه ابتیاع گردید، سه مرکز جدید در سودان تأسیس گشت، نقطه جدیدی در اریتره فتح شد، دو مرکز امری در لیبی تأسیس شد، یک مهاجر در الجزیره استقرار یافت و محفل روحانی محلی در تونس تشکیل شد.

حضرت ولی امرالله از این موفقیت‌ها بسیار مسرور شدند و از آنها دعوت کردند به عنوان یکی از قاندين به جهاد دهساله ملحق گردند.

۴) آلمان و اتریش

نقشه پنج ساله، ۱۹۵۳-۱۹۴۸

جوامع بهائی در این دو کشور، در طی جنگ جهانی دوم، در معرض تضيقات قرار گرفته و تشکیلات آنها ممنوع شده بود. اما، موقعی که یاران در انتهای جنگ آزادی خود را دیگر بار به دست آوردند، توانستند، با هدایت حضرت ولی امرالله، جوامع محلی را به وضعیت اول برگردانند و محفل روحانی ملی خود را دوباره تشکیل دهند. روز یازدهم مه ۱۹۴۸، حضرت ولی امرالله به آنها مرقوم فرمودند:

در این لحظه مناسب و مقتضی در تکامل امر مبارک در آن خطه ... برای جامعه دیرین و ممتازی چون جامعه شما، که از لطمانی چنین ظالمانه نجات یافته، و مقام و موقفی که مغبوط سایرین است در قلب اروپا حائز گشته، و از مواهب و عنایات حضرت عبدالبهاء به میزانی عظیم نصیب برده، شایسته چنان است که نقشه خود را، که مرجحاً پنج ساله باشد، تدوین نمایند به نحوی که در سال ۱۹۵۳، در صدمین سالگرد شروع رسالت حضرت بهاءالله در سیاه چال طهران، خاتمه یابد.

و اما در مورد اهداف نقشه، در هر دو کشور آلمان و اطریش، عقیده من آن است که محفل شما باید به دقت تمام آنها را مد نظر قرار دهد، و بعد از مذاکرات سنجیده به یاران اعلام گردد و، با هر وسیله‌ای که آن محفل در قدرت دارد، از وصول به اهدافی که خود تعیین می‌کنید، اطمینان حاصل نمایید. (ترجمه - *Lights of Divine Guidance*، جلد اول، ص ۱۳۸)

حضرت ولی امرالله در طی چهل و یک توقع و پیامی که برای آلمان و اطریش ارسال فرمودند، مکرراً احباء در این دو کشور، بخصوص جامعه بهائی آلمان را، به امیدها و منویات عظیم حضرت عبدالبهاء برای بهائیان آن کشور که مرکز نورانیت در سراسر اروپا شود، متذکر می‌داشتند. همچنین قابلیت استثنایی آنها برای تحقیق و تتبع، علم و دانش آنها در حقایق اساسی امر مبارک و سرنوشتی را که در آتیه ایام در اروپای شرقی و تا اقالیم شرق دور در انتظار آنها بود، برای آنها برمی‌شمردند.

(۵) هندوستان، پاکستان و برمه

نقشه چهار و نیم ساله، ژانویه ۱۹۴۶ الی ژوئیه ۱۹۵۰

در دسامبر ۱۹۴۵ حضرت ولی امرالله احساس کردند که محفل روحانی ملی هندوستان، پاکستان و برمه باید سرمشقی برای محافل ملی شرق جهت اتخاذ نقشه‌ای برای تبلیغ و امر تحکیم در منطقه تحت حاکمیت خود ایجاد کنند. پیام زیر از طرف آن حضرت به محفل ملی مرقوم شد:

احبای هندوستان به نحوی دائم‌التزاید در موقفی قرار می‌گیرند که برای تعهد مسؤلیت‌های سنگین از آنها دعوت می‌شود؛ تعداد آنها افزون‌تر می‌شود، در مراکز جدید بسیاری پراکنده شده‌اند، برنامه عظیم انتشاراتی را به عهده گرفته‌اند، تعداد تشکیلاتشان را تزاید بخشیده‌اند، و تدریجاً برای سایر هندیان به عنوان پیروان دیانتی جدید و عظیم و باشکوه شناخته می‌شوند. با توجه به این موقف، حضرت ولی امرالله بر این عقیده‌اند که آن محفل باید مستمراً احباء را تشویق و تحریض نماید که بر وظایف خود واقف‌تر گردند، و نسبت به تفاوت عقایدی که آنقدر قوی باشد که به مجادلات منتهی گردد و به این ترتیب امر مبارک را در انتظار

غیربهایان تحقیر و تخفیف نماید، بسیار محتاط و دقیق باشند. عامه مردم آنها را ملاحظه می کنند، و بنابراین آنها باید در جمیع احوال باید به نحوی رفتار و سلوک نمایند که متناسب با انتساب به اسم مجلل حضرت بهاءالله باشد (ترجمه - *Messages to the Indian Subcontinent* صفحه ۲۶۴ / *Dawn of a New Day* ص ۱۱۴)

هیكل مبارک به خط خود در ذیل آن مرقوم فرمودند:

تشکیل مجدد محافل منحلّه، توسعه اعانات به مستمندان، ترویج امر تبلیغ، انتشار کتب و مطبوعات امری، ساخت حظیره القدس، تأسیس مجدد مدارس و لجنات بسیار مبرم و ضروری است و باید به نحو اکمل، به طور منظم و در اسرع اوقات، مجری گردد. مشتاقانه مترصد استماع خبر پیشرفت فعالیت های شما در این میدان مهم هستیم؛ میدانی که سعادت آتی جامعه برمه مبتنی بر آن است، و مقدرات احبای هندی پیوندی دقیق با آن یافته است (همان دو مأخذ).

در تعقیب این توصیه کلی، محفل روحانی ملی اولین نقشه چهار و نیم ساله خود را تدوین نمود. حضرت ولی امرالله آنچه را که "تصمیم خودانگیخته" برای شروع رسمی این نقشه نامیدند، مورد تحسین و تقدیر قرار داده ابراز مسرت فرمودند (همان دو مأخذ، اول، ص ۲۶۶ / ثانی، ص ۲۱۶). موقعی که اجرای نقشه شروع شد، محفل ملی اهداف اضافی بر آن افزود.

نقشه نوزده ماهه، سپتامبر ۱۹۵۱ الی آوریل ۱۹۵۳

یک سال بعد از اختتام اولین نقشه، محفل روحانی ملی تصمیم گرفت دومین نقشه را از سپتامبر ۱۹۵۱ شروع کند و در آوریل ۱۹۵۳ خاتمه دهد.

حضرت ولی امرالله در ۳۰ اوت تلگرافی جواب داده از این "نقشه مهم و فوق العاده ممدوح و ارزشمند نوزده ماهه" ابراز مسرت فرمودند (*Messages to the Indian Subcontinent*، ص ۳۲۴ / *Dawn of a New Day*، ص ۲۲۲). هیكل مبارک در این تلگراف، اهداف انتخاب شده را "از صمیم قلب تصویب" فرمودند و توصیه کردند که محفل ملی نقشه مزبور را تا رضوان ۱۹۵۳ به پایان برساند.

در طی این شش سال، که شاهد اجرای دو نقشه اجباء در شبه قاره هندوستان بود، حضرت ولی امرالله جمعا هشتاد پیام به صورت مکتوب یا تلگراف عنایت کردند و در مورد پیشرفت های حاصله، اولویت هایی که باید مدنظر قرار می گرفت و مقتضیات و نیازها از لحاظ منابع مالی و انسانی نظر خود را ابراز داشتند. اگرچه جامعه بهائی در ممالک مزبور از لحاظ وسائل مادی و تعداد بهائیان فعال در مناطق خود در محدودیت بودند، اما تمام تلاش خود را به کار بردند تا با برآوردن انتظارات هیكل اطهر موجبات رضایت آن مولای خون را فراهم آورند.

۶) عراق

نقشه سه‌ساله، ۱۹۵۰-۱۹۴۷

جامعه بهائی عراق، مانند سایر جوامع در ایران و در مصر، تحت تضيیقات ظالمانه و اقدامات محدود کننده‌ای ناشی از تحجر، نفرت و تعصبات عامه مردم بود که توسط روحانیون با روحیه خصمانه خود و نیز نظام حکومتی ظنین، بدگمان و بزدل تحریک می‌گردید. علیرغم این محدودیت‌ها و هماهنگی با بقیه عالم بهائی، نقشه سه‌ساله‌ای تدوین شد. تا پایان نقشه ساختمان تالار ملی بهائی، که بخشی از حظیره القدس بود، اکمال و اتمام یافت. این تالار وسیع می‌توانست پانصد نفر نشسته را در خود جای دهد. صندوق ملی به اندازه کافی تقویت شد و، علاوه بر افزایش تعداد محافل محلی و تحکیم امر مبارک در جنوب، چندین اثر امری به زبان عربی ترجمه شد و تعداد جزوات در معرفی امر انتشار یافت.

۷) ایران

نقشه چهل و پنج ماهه، اکتبر ۱۹۴۶ الی ژوئیه ۱۹۵۰

تقریباً بلافاصله بعد از آن که جامعه امریکا دومین نقشه هفت‌ساله‌اش را شروع کرد، حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایران مرقوم فرمودند که بسیار مطلوب خواهد بود که جامعه مهد امرالله نقشه‌ای را که از لحاظ خصوصیات کلی مشابه نقشه جامعه بهائی امریکای شمالی اما منطبق با مقتضیات و شرایط داخلی کشور مزبور باشد اتخاذ و اختیار نمایند و مقتضیات تحکیم و فتح اقالیم در مجاورت ایران، اهمیتی را که هیکل اطهر در پیام‌های پیشین بدان اشاره کرده بودند، مد نظر قرار دهند. این توصیه و هدایت مولای محبوب محفل ملی ایران را بدان جهت سوق داد که نوع اهداف تعیین و اجرا شده توسط جامعه بهائی امریکا در نقشه هفت‌ساله اول و اهداف و مقاصدی را که در نقشه هفت‌ساله دوم به آن محول شده بود، مورد مطالعه قرار دهد.

در ابتدای نقشه، روز ۲۱ فوریه ۱۹۴۷، حضرت ولی امرالله تلگراف زیر را خطاب به محفل روحانی

ملی ایران ارسال داشتند:

از نقشه جلیلی که امانه محفل ملی جامعه عزیز و محبوب موطن حضرت بهاءالله طرح کرده‌اند مسرور و مشغوف. این نقشه وسیع فی الحقیقه شایسته جامعه‌ای است که از حیث قدمت و جمعیت و مفاخر تاریخی در سراسر عالم بهائی رتبه اول را حائز است. دوستان و دشمنان داخل و خارج و قاطبه مؤمنین در شمال و جنوب

و شرق و غرب با کمال دقت مراقبند که چگونه پیروان امر حضرت بهاء‌الله در ایران بزرگترین امری را که تا کنون عهده‌دار شده‌اند انجام خواهند داد.

هیائل قدسیه مؤسسین این آئین نازنین و حروفات حی و ایادی امرالله و اولیاء و اصفیاء و شهداء طراً از ملکوت ابهی با کمال اشتیاق ناظر اعمال امناء برگزیده این میراث مرغوب‌اند که به نسل کنونی که در مهد امرالله قائم به خدمتند سپرده شده است ... ظهور و بروز قوای روحانیه برای استخلاص امر الهی و تسریع در حصول رسمیت آن در ایران در رتبه اولی منوط به موفقیت در انجام این نقشه در میقات معین است. (نقل ترجمه تلگراف مبارک از صفحه ۲۷ مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲)

در مدت‌زمان اجرای نقشه، حضرت ولی امرالله در تشویق اقداماتی که محفل ملی ایران با قاطعیت و جدیت انجام می‌داد، مضایقه نفرمودند. هیکل اطهر مجهودات مهاجرین را که برای استقرار در جبهه داخلی و نیز اقلیمی که در نقشه پیش‌بینی شده بود، مورد تقدیر و تحسین قرار دادند و مستمراً نیاز به رعایت احتیاط و حکمت در مساعی مبذوله جهت اکمال و اتمام موفقیت‌آمیز نقشه و وصول به اهداف آن را متذکر می‌داشتند.

علیرغم طرز تلقی بازدارنده جمعیت محلی، که، متأسفانه، به طور مداوم توسط روحانیون محلی و نیز زعمای طبقه مذهبی و علمای طهران تحریک می‌شدند، موانع بی‌شمار و حرکت‌های معکوس بسیار تجربه شد. تعدادی از خانواده‌ها مجبور به ترک نقاط مهاجرتی و رجوع به اوطان اصلی خود شدند تا از شدیدتر و گسترده‌تر شدن بحران‌ها احتراز نمایند. متأسفانه، اولیاء حکومت مدنی از حمایت از اجباء خودداری کردند و، در بعضی موارد، حتی به تبانی با روحانیون متحجر مبادرت کردند.^{۶۷}

نقشه چهارساله اماءالرحمن، ۱۹۵۰-۱۹۴۶

هم‌زمان با شروع نقشه چهل و پنج ماهه، لزوم آزادی و رهایی بانوان بهائی در ایران از قیود سنتی عدم تعلیم و تربیت مورد توجه مبرم محفل ملی قرار گرفت. کنفرانس‌های زنان برای بحث و مذاکره در مورد این مسأله تشکیل گردید. در نتیجه این مشاورات نقشه چهارساله توسط محفل ملی اختیار شد.

معلوم و ثابت شد که نقشه چهارساله اماءالرحمن ایران از موفقیت بارزی برخوردار بوده است. جمیع اهداف پیش‌بینی شده در نقشه به طور منظم و مؤثر اجرا گردید. نسوان و دختران بهائی در ایران توانایی خود برای خدمت به امر مبارک در جایگاه و شرایط مساوی با رجال را به معرض شهود گذاشتند. میزان باسوادی در میان آنها شدیداً تراید یافت و عملاً توفیقی بی‌نظیر در رابطه با شرایط محیط اجتماعی کشور بود. نشریه ادواری که در نقشه پیش‌بینی شده بود معلوم شد از ارزشی فوق‌العاده در اعتلاء سطح

^{۶۷} مترجم: برای ملاحظه پیام‌های حضرت ولی امرالله در مورد نقشه چهل و پنج ماهه به مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲ و نیز توقیعات مبارکه ۱۹۴۸-۱۹۲۲ مراجعه شود.

زندگی در میان دختران و زنان بهائی داشت - دستاوردی که در مقام مقایسه با نارسایی‌ها و نقائص جمعیت مسلمان، بخصوص در مناطق روستایی، از اهمیّت و ارزش والایی برخوردار بود.⁶⁸

ه - تفصیل نقشه‌های تکمیلی

در طیّ هفت سال مورد بحث، چهار محفل ملیّ جدید تشکیل شد، که محفل چهارم محفل روحانی ملیّ ایتالیا - سویس بود. به استثنای این محفل ملیّ، که در همان سال شروع جهاد روحانی دهساله تشکیل شد، حضرت ولی امرالله به هر یک از سه محفل ملیّ دیگر نقشه‌ای عنایت فرمودند که تا آوریل ۱۹۵۳ خاتمه می‌یافت. این محافل ملیّ به ترتیب تاریخ تشکیل عبارتند از:

(۱) کانادا

حضرت ولی امرالله به این نتیجه رسیدند که در آوریل ۱۹۴۸ جامعه بهائی کانادا باید از جامعه موجود در ایالات متّحده جدا شود و بتواند محفل روحانی ملیّ مستقلّ خود را انتخاب کند. هیکل مبارک در پیامی خطاب با انجمن شور روحانی در رضوان ۱۹۴۸ مرقوم فرمودند:

حمد و ثنا ساحت حضرت بهاءالله را برای این واقعه تاریخی یعنی به بلوغ رسیدن جامعه محبوب بهائیان کانادا، انعقاد اولین انجمن شور روحانی ملیّ در مدینه مونترال و انتخابات آتی محفل روحانی ملیّ کانادا که رکن تاسع بیت العدل اعظم است؛ قلوب از این واقعه طافح از سرور و حبور است. با تحسین و امتنان و مسرت عمیق اعلام می‌کنم که تأثیر حیرت‌انگیز اجرای مرحله اول نقشه ملکوتی حضرت عبداله‌البهاء شمالی‌ترین جامعه پیروان امر الهی در قاره آمریکا را قادر ساخت مرحله رضاعت و طفولیت را پشت سر گذارند و به اتخاذ موقفی توفیق یابند که به صورت موجودیتی مستقل در جامعه جهانی بهائی فعالیت نمایند. (ترجمه - *Messages to Canada*، ص ۷)

هیکل اطهر در این پیام به محفل ملیّ توصیه فرموده‌اند نقشه پنج‌ساله را شروع کنند.

⁶⁸ مترجم: حضرت ولی امرالله در مورد این نقشه چهارساله فرمودند، "اقدامات آن محفل مقدّس راجع به ترویج مصالح امءالرحمن در آن سامان علی‌الخصوص تهیه نقشه چهارساله و انعقاد انجمن شور روحانی امءالرحمن شایان تقدیر و تمجید و دلیل قاطع بر علوّ همّت و سموّ نیت و حُسن تدبیر و جدیّت و متانت اعضای محترمه آن هیئت مجلّه است. این مشروع خطیر بی‌نهایت مفید و از لوازم ضروریّه جامعه در این ایام محسوب و مقدّمه اعلان مساوات تامّه رجال و نساء و اشتراک امءالرحمن در عضویت محافل محلیّه و محفل مقدّس ملیّ در آن سامان من دون قید و شرط در آن اقلیم است. امید چنان است که پس از اتمام و انجام این نقشه و رفع موانع حالیه این مقصد و مرام تحقّق پذیرد و مساوات حقوق طرفین در جمیع شئون، چه روحانی و چه اداری، ثابت و مدلل گردد و نساء آن اقلیم، امء موقنات، فخر رجال گردند و مانند خواهران روحانی در اقلیم غریبه به فتوحات عظیمه، در داخل و خارج ایران، در میدان تبلیغ موفق گردند و در اخلاق و رفتار و عفت و عصمت و شجاعت و شهامت ممتاز از دیگران گردند و علت انتباه جمهور نساء در آن اقلیم شوند..." (توقیعات مبارکه، ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۳)

کمتر از هفت ماه بعد، در چهارم نوامبر، هیکل مبارک به محفل ملی توصیه فرمودند از تشریفات اداری احتراز نمایند و انعطاف‌پذیری نظم اداری را حفظ کنند. در مکتوبی که کاتب هیکل مبارک از طرف ایشان مرقوم داشته، چنین خاطر نشان شده است:

البته باید به اساس و مبانی که در نظم اداری بهائی گذاشته شده متمسک بود، اما محافل تمایلی دارند که مستمراً در جهت تعیین خط مشی و مقررات تفصیلی متحدالأمال برای یاران صادر نمایند و به نظر هیکل اطهر چنین کاری امور امریه را دچار وقفه می‌سازد و کاملاً نابهنگام و عجولانه است. حتی المقدور باید هر قضیه‌ای را که مطرح می‌شود مورد بررسی قرار داد و موقعی که رخ می‌دهد حل و فصل نمود نه آن که مقرراتی وضع کرد که کلیه قضایای احتمالی مشابه را شامل شود. تشبث به این کار موجب حفظ انعطاف‌پذیری نظم اداری می‌شود و از توسعه تشریفات اداری و توقّف امور امریه ممانعت می‌کند. شما همچنین باید در نظر داشته باشید که اکنون محفل ملی کاملاً مستقلاً هستید، و باید اداره امور امری در محدوده حاکمیت خود را به عنوان مسأله جداگانه خود مد نظر قرار دهید. دیگر نیازی نیست یکایک مقرراتی را که محفل روحانی ملی آمریکا وضع کرده تبعیت نمایید، همانطور که محافل ملی بریتانیا یا استرالیا و نیوزیلند از آن تبعیت نمی‌نمایند. وحدت عمل در مبانی و اساس ضروری است، اما نه در هر یک از جزئیات. برعکس، کثرت و تنوع، حلّ اوضاع محلی به طریق صحیح، حائز اهمیت است. (همان مأخذ، ص ۸)

در طی این دوران پنج‌ساله حضرت ولی امرالله چهل و پنج مکتوب و یا تلگراف برای این محفل ملی و لجنات ملی و مؤسّسات آن ارسال فرمودند. اکثر این مکاتبات به اهداف نقشه، هدایات هیکل مبارک در مورد اولویت‌هایی که باید رعایت شوند، تحسین پیشرفت‌های حاصله و دادن اطمینان در مورد سرنوشت عظیم جامعه که حضرت عبدالبهاء تلویحاً بیان فرمودند،^{۶۹} مربوط می‌شد.

۲) امریکای مرکزی و جنوبی

اقالیمی که حضرت ولی امرالله برای هر یک از این دو محفل ملی منطقه‌ای تعیین فرمودند عبارتند از:

امریکای مرکزی: مکزیک، کاستاریکا، السالوادور، گوآتمالا، هُندوراس، نیکاراگوآ، پاناما، آنتیل بزرگ، هائیتی، کوبا، جمهوری دومینیکن.

^{۶۹} توضیح مترجم: احتمالاً اشاره جناب نخجوانی به بیان حضرت ولی امرالله است که می‌فرمایند، "حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح چنین شهادت می‌دهند، «در اقالیم نیز تفاوتی نه. ولی اقالیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل، مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد» (این بیان در مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۴ مندرج است) - "و نیز در همان لوح می‌فرمایند، «دوباره نگاشته می‌شود که مستقبل کانادا بسیار عظیم است، چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت ... همچنین سحاب ملکوتی تخم هدایتی که در آنجا کشته شده آبیاری کند.» (همان مأخذ، ص ۵۵) (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶-۱۵)

امریکای جنوبی: آرژانتین، شیلی، اوروگوئه، پاراگوئه، بولیوی، برزیل، پرو، کلمبیا، اکوادور، ونزوئلا. (نگاه کنید به *Messages to the Baha'i World*، صفحه ۸۲)

هر دو محفل ملی در سال ۱۹۵۱ تأسیس شدند. حضرت ولی امرالله در پیام مشترکی خطاب به دو محفل روحانی ملی جدید که قرار بود تأسیس شوند، از آنها خواستند انتصارات حاصله را حفظ کنند، تعداد بیشتری محافل روحانی را تسجیل نمایند، کتاب و انتشارات بهائی به زبانهای اسپانیولی و پرتغالی را پربار سازند، سرخپوستان را به ظلّ امر مبارک هدایت کنند و افراد و جامعه را از حیات روحانی سرشار سازند. فهرستی از اهداف مزبور در ضمیمه آمده است.

در اجابت توصیه‌های حضرت ولی امرالله، محفل ملی امریکای جنوبی توانست نقشه‌ای دوساله، از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳، را مبتنی بر اهدافی که حضرت ولی امرالله تعیین فرموده بودند، تدوین کند. محفل ملی امریکای مرکزی، به علت شرایط موجود در جامعه، توانست فقط نقشه‌ای یکساله را در تبعیت از هدایات حضرت ولی امرالله تدوین نماید. اهداف نقشه در پیروی از توصیه‌های کلی عنایت شده توسط حضرت ولی محبوب امرالله اتخاذ گردید.

۳) ایتالیا - سویس

موقعی که در ابتدای جهاد روحانی دهساله، محفل ملی ایتالیا - سویس به وجود آمد، پیام حضرت ولی امرالله به این محفل ملی، به تاریخ رضوان ۱۹۵۳، حاوی رؤوس ده هدفی بود که محفل می‌بایستی تعقیب می‌کرد. خلاصه‌ای از اهداف مزبور در ضمیمه آمده است.

و - اظهارات تشویق‌آمیز حضرت ولی امرالله در پایان نقشه‌ها

در پایان هر یک از این نقشه‌ها، حضرت ولی امرالله مساعی مبذوله برای حصول اهداف تعیین شده را مورد تحسین و تقدیر قرار می‌دادند. اگر دستاوردها بیش از گستره اهدافی بود که در ابتدا تدوین شده بود، تحسین مساعی یاران توسط هیکل مبارک وفیر و مسرورکننده و هیجان‌انگیز بود. فی‌المثل، نقشه شش‌ساله جامعه بهائی بریتانیا، که از تمایزی در حدّ اعلی برخوردار شده بود، اینچنین مورد تحسین و تقدیر قرار گرفت، "مسرت خاطر آنچنان است که مجدداً احساس وجد و شغف، مسرت و امتنان خود را برای مظفریت فوق‌العاده‌ای که چنین نقطه عطف عظیمی را در تاریخ امری بریتانیا رقم می‌زند، ابراز دارم" (ترجمه - *Unfolding Destiny*، ص ۲۵۰)، اما موفقیت نقشه دوساله با این بیان آن حضرت مورد تقدیر واقع شد که انتصارات

حاصله "از اعظم آمال و امیدهای" ایشان "تجاوز نمود" (همان، ص ۲۹۷). هیکل اطهر به آلمان و اتریش اطمینان دادند که دستاوردهای آنها "فصلی با اهمیت بسیار زیاد در وقایع سالانه امر مبارک در هر دو مملکت آلمان و اتریش" را رقم زد "و نسل‌های آینده این توفیقات را نقطه عطفی با اهمیتی تاریخی در تکامل امر مبارک در قاره اروپا تلقی خواهند کرد" (*Lights of Divine Guidance*، ج ۱، ص ۱۹۹). موفقیت نقشه‌های محفل ملی هندوستان، پاکستان و برمه سبب شد هیکل اطهر به منطقه شامل سه کشور مزبور به عنوان "دومین حصن حصین تشکیلات امریه در قاره آسیا بعد از مهد امرالله" اشاره فرمایند (*Dawn of a New Day*، ص ۲۱۲ / *Messages to the Indian Subcontinent*، ص ۳۳۷). هیکل اطهر جدّ و جهد آنها را به عنوان "خدمات مهمه برجسته" مورد تحسین قرار دادند و آنها را تشویق فرمودند "به نحوی مقاومت ناپذیر پیش بروند ... به مراتب عمیق‌تری از دلاوری، شهامت و ایثار دست یابند" (ترجمه - همان مآخذ، اول، ص ۱۴۲ و ثانی صفحه ۳۱۴)

ز - ضمیمه، بخش یک
اهداف نقشه‌های ملی هم‌زمان

(۱) استرالیا و نیوزیلند

نقشه شش ساله، ۱۹۴۷-۱۹۵۳

- ۱- تأسیس دو محفل روحانی جدید در استرالیا
- ۲- تأسیس نوزده جمعیت در استرالیا

(۲) جزایر بریتانیا

نقشه شش ساله، ۱۹۴۴-۱۹۵۰

- ۱- افزایش تعداد محافل روحانی محلی به نوزده
- ۲- دو برابر کردن تعداد اعضاء جامعه
- ۳- استقرار مهاجرین در ویلز، اسکاتلند، ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند

نقشه دوساله، ۱۹۵۱-۱۹۵۳

- ۱- تقویت نوزده محفل روحانی که قبلاً در جزایر بریتانیا تأسیس شده بودند
- ۲- تشکیل هسته‌هایی در سه خطه تحت‌الحمایه سلطنت بریتانیا در افریقای شرقی یا غربی
- ۳- ترجمه، طبع و انتشار کتب و مطبوعات امری به سه زبان دیگر افریقایی

(۳) مصر و سودان

نقشه پنج ساله، ۱۹۵۳-۱۹۴۸

- ۱- افزایش تعداد محافل روحانی محلی به نه محفل
- ۲- افزایش تعداد نقاطی که بهائیان سکونت دارند به سی و سه نقطه
- ۳- اعزام مهاجر به تونس، الجزیره و لیبی
- ۴- تهیه ملک برای مدرسه بهائی
- ۵- انتشار مجله امری
- ۶- تحکیم جامعه در اتیوپی

۴) آلمان و اتریش

نقشه پنج ساله، ۱۹۵۳-۱۹۴۸

- ۱- دو برابر کردن تعداد محافل روحانی محلی از ۱۴ به ۲۸ محفل، افزایش تعداد اعضاء هر جامعه
- ۲- افزایش تعداد نقاطی که بهائیان در آن سکونت دارند در آلمان و اتریش
- ۳- عمیق کردن درک و برداشت یاران از نحوه عملکرد نظم اداری
- ۴- تشویق به مطالعه عمیق تر تعالیم
- ۵- ساخت حظیره القدس در فرانکفورت
- ۶- پربار کردن کتب و انتشارات امری با دو نشر تا مارس ۱۹۴۹، ۱۵ نشر تا مارس ۱۹۵۰، شش نشر تا مارس ۱۹۵۱ و نه مورد تا ۱۹۵۲

۵) هندوستان، پاکستان و برمه

نقشه چهار و نیم ساله، ژانویه ۱۹۴۶ الی ژوئیه ۱۹۵۰

- ۱- افزایش تعداد محافل محلی از بیست و یک به شصت و سه محفل
- ۲- عطف توجه مخصوص به مناطقی که تفرقه های شدید فرهنگی و سیاسی دارد با شروع نقشه، محفل ملی اهداف اضافی زیر را به اهداف پیشین افزود:
- ۳- انتشار کتاب دکتر اسلمنت به هجده زبان جدید
- ۴- تهیه حظیره القدس در دهلی نو
- ۵- رساندن پیام امر مبارک به سریلانکا، اندونزی و تایلند

نقشه نوزده ماهه، سپتامبر ۱۹۵۱ الی آوریل ۱۹۵۳

- ۱- تقدیم دو میلیون و پانصد هزار روپیه به صندوق مقام اعلی
- ۲- پربار کردن کتب و انتشارات امری به زبانهای محلی
- ۳- اعزام مهاجر به مالزی، سنگاپور، نیال، ویتنام، زنگبار و ماداگاسکار
- ۴- افزایش تعداد محافل روحانی محلی در هندوستان، پاکستان و سریلانکا
- ۵- تقویت موقف مدرسه امری عصر جدید در پنچگینی

۶) عراق

نقشه سه ساله، ۱۹۵۰-۱۹۴۷

- ۱- افزایش تعداد مراکز امری
- ۲- اتمام ساختمان حظیرةالقدس ملی
- ۳- افزایش تبرعات برای تقویت صندوق ملی
- ۴- تأسیس ده محفل محلی جدید
- ۵- تشویق جوامع بهائی در جنوب کشور

۷) ایران

نقشه چهل و پنج ماهه، اکتبر ۱۹۵۰-۱۹۴۶

- ۱- تحکیم کلیه جوامع بهائی محلی
- ۲- تأسیس مجدد شصت و دو محفل منحل
- ۳- تشکیل بیست و دو جمعیت جدید
- ۴- تأسیس سیزده مرکز جدید
- ۵- تأسیس محافل محلی در کابل (افغانستان)، مکه (عربستان) و بحرین (منطقه خلیج)
- ۶- تشکیل چهار جمعیت جدید در شبه جزیره عربستان
- ۷- اعزام مهاجر به هندوستان و عراق

نقشه چهارساله اماءالرحمن، ۱۹۵۰-۱۹۴۶

- ۱- انعقاد کلاسهای سوادآموزی برای دختران و زنان بزرگسال
- ۲- انعقاد انجمنهای شور روحانی منطقه ای نیمساله برای نسوان بهائی
- ۳- انعقاد انجمن شور روحانی ملی سالانه با مشارکت نمایندگان لجنات منطقه ای

۴- انتشار نشریه ادواری در باب تاریخ امر و تاریخ عمومی، علم، ادبیات، بهداشت، سلامت، خانه‌داری و مراقبت از اطفال

ح - ضمیمه، بخش دو
اهداف نقشه‌های تکمیلی ملی
(۱) کانادا

نقشه پنج‌ساله، ۱۹۵۳-۱۹۶۱

- ۱- تسجیل محفل روحانی ملی
- ۲- تأسیس اوقاف ملی
- ۳- افزایش تعداد محافل روحانی محلی به سی محفل
- ۴- افزایش تعداد نقاطی که بهائیان ساکنند به صد نقطه
- ۵- تشکیل جمعیت در نیوفاندلند
- ۶- تشکیل جمعیت در گرینلند
- ۷- تسجیل اسکیموها و سرخپوستان بومی

(۲) امریکای جنوبی و امریکای مرکزی

- ۱- تحکیم محافل روحانی محلی
- ۲- تکثیر تعداد جمعیت‌ها
- ۳- توسعه جریان تسجیل بهائی
- ۴- ترجمه و انتشار کتب و مطبوعات امری به زبانهای اسپانیولی و پرتغالی
- ۵- توسعه صندوق‌های امری
- ۶- سازماندهی امر تبلیغ در میان سرخپوستان
- ۷- انجام دادن اقداماتی برای اعلام امرالله
- ۸- عمیق کردن حیات روحانی آحاد احباء و افزایش درک و برداشت آنها نسبت به اصول امریه
- ۹- تحکیم وحدت در میان کلیه جوامع محلی

افتتاح جهاد کبیر روحانی دهساله

تمیز دادن و متمایز کردن تحولات حاصله در ظلّ جهاد کبیر روحانی دهساله حضرت ولی امرالله با فعالیت‌های جاری در عالم بهائی قبل از تولّد جهاد مزبور چندان دشوار نیست. توقیع حضرت ولی امرالله به وضوح نشان می‌دهد که نقشه دهساله مقلّد بود اوج جریاناتی باشد که از زمان شروع عصر تکوین وجود داشت و مقصود از آن این که سگّوی پرتابی باشد برای حصول انتصارات مجلّل غیرقابل تصوّر در سراسر عهود و مراحلی که در پیش بود.

الف) شیوه شروع نقشه دهساله آنگونه که حضرت ولی امرالله در نظر داشتند

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۴۸ در پیامی به جامعه بهائی امریکا به تاریخ ۸ نوامبر، به وظائف آینده‌ای اشاره می‌کنند که قبل از انتهای عهد اول در اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، که ایشان آن را ۱۹۶۳ پیش‌بینی می‌فرمودند، به جامعه مزبور احاله خواهد شد. ما باید این بیانات را که در سال دوم نقشه ثانی هفت‌ساله امریکا مرقوم شده به خاطر داشته باشیم. "نوع این وظائف و زمان اجرای خدماتی که بایستی قبل از پایان چنین دوره مشعشع و مجلّل ... تحقق یابد، صرفاً منوط و معلق به نتیجه مساعی و مجهودات مجدّانه‌ای است که اکنون مشترکاً ... صورت می‌گیرد (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۰).

بیش از دو سال بعد، در ۲۵ فوریه ۱۹۵۱، هیکل مبارک در اشاره به بی‌مثیلی جهاد روحانی افریقا، که نظام اداری پنج محفل روحانی ملّی را به هم پیوند می‌داد، خطاب به محفل روحانی ملّی بریتانیا مرقوم فرمودند، "شروع تعهداتی که دامنه و حدود کلیّه محافل روحانی ملّی فعال در سراسر عالم بهائی را در ادوار آتی عصر تکوین امرالله در بر گیرد باید مبتنی بر حصول موفقیت در این نقشه باشد، که در ابعاد بی‌سابقه، و در خصیصه و وسعت امکانات بالقوه روحانی‌اش بی‌نظیر است." (ترجمه - *Unfolding Destiny*، ص ۲۶۱)

از این دو بیانی که نقل شد ما با اطمینان تامّ می‌توانیم این استنتاج را داشته باشیم که "وظائف آینده" که در سال ۱۹۴۸ به آن اشاره شد، و "تعهدات" جهانی که سه سال بعد در فقره دوم ذکر شده است، نشانه‌ها و اشاره‌هایی از سوی هیکل اطهر در خصوص طلوع شمس جهاد روحانی دهساله بر بالای افق جامعه اسم اعظم است.

اقدام دیگری که از سوی حضرت ولی امرالله صورت گرفت، تلگرافی به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۵۱ بود که هیکل مبارک در آن اعلام فرمودند که جشن‌های سنه مقدّس با دعوت به تشکیل چهار کنفرانس بین‌القارّات رقم خواهد خورد. "دوره تکامل اداری امرالله ... که مدتها انتظار آن می‌رفت و آن عبارت از

استقرار روابط اداری در بین قاره‌های مختلفه است⁷⁰ در این کنفرانس‌ها وارد مرحله بدیعی می‌گشت. (توقعات مبارکه، ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۳۵) این کنفرانس‌ها به ترتیب در کامپالا، اوگاندا برای افریقا؛ ویلمت، ایالات متحده برای قارات امریکا؛ استکهلم، برای اروپا و دهلی نو برای آسیا و استرالاسیا تشکیل شد. اولین مرتبه‌ای که حضرت ولی امرالله برای احبای عالم برملا ساختند که نقشه دهساله‌ای در کار است، در پیام رضوان ۱۹۵۲ خطاب به جامعه بهائی امریکای شمالی بود. هیکل اطهر در این پیام بشارت دادند که اهداف نقشه در چهار کنفرانس بین‌القارات در نظر گرفته شده اعلام خواهد گردید.

حضرت ولی امرالله در توقیعی به زبان انگلیسی خطاب به کل عالم بهائی، نه تنها بر ماهیت فوق‌العاده مهم نقشه که قصد داشتند به عالم بهائی اعلام کنند تأکید فرمودند، بلکه پرده از ویژگی‌های برجسته و اصلی برداشتند و از جمیع بهائیان در هر نقطه از کره ارض که سکونت داشتند به نحوی سوزناک و مؤثر تقاضا کردند ادای سهم خویش در مظفر و منصور ساختن این نقشه آتی را وظیفه قطعی و الزام‌آور خود بدانند. این توقیع در نه صفحه به طبع رسید. من فقط قسمت آخر آن را، که درخواست مشتاقانه مزبور مطرح شده است، برای شما نقل می‌کنم.

از سپاهیان غیور و محبوب و مؤید حضرت بهاءالله که در میادین مختلفه به خدمت مشغولند در هر موقف و مقامی قائم باشند و تحت هر وضعیت و شرایطی انجام وظیفه نمایند ... از تمام این مبارزین و سپاهیان دلیر با نهایت الحاح و اشتیاق رجا دارم که در این جهاد روحانی و مبارزه ملکوتی صلاهی رب‌الجنود را اجابت نموده و چنانکه شایسته مبارزین شجاع و دلیر این میدان است خود را برای آن روز که یوم‌الایام است مهیا نموده و با هلهله شادی جنود منصوره با ملاتکه غیبی ملکوت ابهی هم‌آهنگ گشته در این جشن و فیروزی نهائی شرکت نمایند...

یاران و دوستان را به دماء مطهری که در سیل امر الهی ریخته شده و به نفوس مقدسه باسلان و مبارزان بی‌شماری که جام فدا نوشیده‌اند و به جانبازی و شهادت کبرای مبشر اعظم الهی و به مصائب و بلاهایی که شارع مقدس این امر نازنین به کمال تسلیم و رضا برای حفظ و صیانت امر اعزّ اعلاش در عالم امکان و نجات عالم بشریت به وسیله استقرار نظم بدیع جهان آرایش قبول فرموده، قسم می‌دهم که هر قدر حصول فتح و فیروزی نهائی بعید و هر اندازه وظایف یاران دشوار و مسئولیت آنان جسیم و خطیر و ساعات و دقائق پراقتلابی که بشر هراسان و مضطرب در حال حاضر طی می‌نماید مظلّم و تاریک و شدائد و ابتلائات نفوسی که جهت نجات و استخلاص عالم قیام نموده‌اند عظیم و سیل سهام دشمنان حاضر و اعداء آینده که بر اثر بروز اسرار مکنونه و مشیت غیبیه الهیه در داخل و خارج قیام خواهند نمود شدید و رنج و امتحان جدایی موقت یاران از قلب و مرکز آئین حضرت یزدان به واسطه حوادث و سوانحی که پیش‌بینی آن میسر نیست ناگوار باشد، چون این ساعت مبارک یعنی حلول جهاد کبیر اکبر فرا رسد با عزمی راسخ و تصمیمی قاطع قیام نمایند و تا مراحل باقیه را نیموده و یک یک اهداف نقشه‌ها را که بعداً اعلام خواهد گردید به موقع اجرا نگذارند از پاننشینند و آسایش و راحت آرزو نمایند. (نقل ترجمه از صفحه ۵۴ و ۵۸-۵۷ جزوه انتشار امرالله، تألیف هوشنگ محمودی)⁷⁰

⁷⁰ مترجم: ترجمه فارسی پیام مزبور در جزوه انتشار امرالله، طبع ۱۳۱ بدیع، مؤسسه ملی مطبوعات امری، صفحات ۵۸-۴۱ درج است.

اندکی بیش از دو ماه بعد از ارسال این پیام، یعنی در ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲، دیگر بار به زبان انگلیسی بهائیان را در جمیع اقالیم مخاطب قرار داده ابعاد بی سابقه جهانی نقشه بزرگی را که در پیش بود بیان کردند و از آنها، فرداً و جمعاً، خواستند خود را به اجرای آن متعهد سازند.

احساسات و عواطف عمیق آن روزهای سال ۱۹۵۲ را، که این پیام‌ها دریافت شد، به خاطر دارم. آنها تأثیری هیجان‌آور و بهت‌انگیز بر اذهان و قلوب یاران گذاشتند. تردیدی نیست، معدودی از ما حتی فکر کردیم که نقشه‌ای که حضرت ولی امرالله در نظر داشتند اعلام کنند شاید بخشی از وصیت‌نامه هیکل اطهر بود، زیرا در پیام مزبور هیکل اطهر به "رنج و امتحان جدایی موقت یاران از قلب و مرکز آئین حضرت یزدان" اشاره می‌فرمایند. در سال ۱۹۵۲، موقعی که سنه مقدس شروع شد، حضرت ولی امرالله پیام جهانی دیگری به زبان انگلیسی برای کل عالم بهائی ارسال فرمودند. در این پیام بود که هیکل اطهر با وضوح بیشتر، اما به اختصار، اهدافی را که در طول مدت ده سال می‌بایستی حاصل می‌شد، بیان فرمودند. پیام مزبور یک بار دیگر با تقاضایی جانسوز و دردناک خاتمه می‌یافت که از اجباء می‌خواست از نقشه‌ای که قرار بود به زودی اعلام شود، به طور کامل حمایت نمایند.^{۷۱}

موقعی که این آماده‌سازی جریان داشت و در طی سالهای درست قبل از آن، حضرت ولی امرالله به طور هم‌زمان توجه خود را به لزوم توسعه تشکیلات در مرکز جهانی و اتساع مبنای فعالیت آنها معطوف داشتند. اولین تصمیم ایشان شروع ساختمان روبنای مقام حضرت اعلی در قلب کوه کرمل بود. به محض شروع طرح مزبور، هیکل اطهر شورای بین‌المللی بهائی را به وجود آوردند و آن را به عنوان مقدمه و مبشر بیت‌العدل اعظم معرفی کردند. بعد از آن طولی نکشید که انتصاب اولین گروه حضرات ایادی امرالله عملی گردید که چهار نفر از آنها برای اقامت در ارض اقدس تعیین شدند، و مدت کوتاهی بعد، دومین گروه منصوب شدند و تعداد این حراس برجسته امر مبارک به نوزده رسید. مدتی بعد هیکل اطهر مؤسسه هیأت‌های معاونت را خلق کردند و هر قاره را از یک هیأت برخوردار ساختند. با دستگیری و کمک شورای بین‌المللی بهائی و مذاکره با دولت جدیدالتاسیس اسرائیل، هیکل اطهر شروع به ابتیاع اماکن تاریخی مورد نیاز امری نمودند. همچنین به تجهیز ابنیه مرتبط با تبعید حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، ابتیاع اراضی حول مقام حضرت باب در حیفا و زمین‌های مجاور روضه مبارکه حضرت بهاءالله در بهجی

⁷¹ مترجم: اشاره به این قسمت از تلگراف مبارک است که می‌فرمایند، "سپاهیان حیات که در آستانه این سال مبارک قرار گرفته‌اند، با حلول این سال مقدس سزاوار است با یکدیگر همصد گشته یک‌دل و یک‌جان هم‌عهد و پیمان گردند که طی ده سال خطیر آینده‌آنی از پیشرفت و مجاهده منصرف نشوند تا هر یک در تاسیس بنیان متین نظم اداری جهان‌آرای الهی سهم خود را ایفا نمایند." (توقیعات مبارکه، ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۳)

مبادرت فرمودند. همچنین ترتیباتی برای طرحی که می‌بایستی در آینده برای مشرق‌الاذکار جبل کرمل اجرا شود، مهیا فرمودند.

ب) ماهیت و ابعاد هدایاتی که حضرت ولی امرالله تقریباً تا اواسط جهاد روحانی دهساله عنایت فرمودند اوایل سال ۱۹۵۳ بود که حضرت ولی امرالله این تکلیف را شخصاً به مرحله اجرا در آوردند که اهداف و مقاصدی را که یاران در سراسر عالم انتظار می‌رفت مترصد شنیدن آن بودند، در سطح بین‌المللی، قاره‌ای و ملی اعلام فرمایند. در سطح بین‌المللی، حضرت ولی امرالله در پیامی خطاب به کنفرانس بین‌القارات نیمکره غربی این اهداف و مقاصد را مطرح ساختند. به طور هم‌زمان سند ۲۷ صفحه‌ای فراگیری را منتشر ساختند که تحت بیست و چهار عنوان، اهداف و مقاصد جهاد روحانی دهساله‌ای را برای عالم بهائی فهرست می‌نمود، که در صفحات تاریخ مشعشع امر مبارک بی سابقه و نظیر بود. هیکل مبارک ترتیبی دادند که این سند در ایالات متحده و بریتانیا به عنوان جزوه مرجع جهت بهائیان و عامه ناس انتشار یابد.

در سطح قاره‌ای، ایشان در پیام خود خطاب به هر یک از چهار کنفرانس، اهداف عمده‌ای را که به هر قاره مربوط می‌شد، ذکر فرمودند.

در سطح ملی، دوازده پیام خطاب به هر یک از "قائدینی" که تازه مشخص شده بودند مرقوم فرمودند و سهم آنها از اهداف عمده را اعلام کردند. در این پیامها اهداف تکمیلی متناسب با هر ناحیه ملی یا منطقه‌ای را افزودند. در بخش بعدی، این موضوع با تفصیل بیشتر مورد بحث واقع خواهد شد.

در این پیام‌ها، بلافاصله قبل از شروع جهاد روحانی و تا انتهای حیات عنصری، که مقارن چهار و نیم سال اول جهاد بود، هیکل مبارک این تلاش جمعی عالم بهائی را با این اصطلاحات توصیف فرمودند:^{۷۲}

جهاد کبیر جهانی (توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۲۷۵) (MBW, p. 118) *A world-embracing Crusade*

جهاد مهیمن جهانی (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۷۴) (CF, p132) *A world-encompassing Crusade*

جهاد جهانی (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۲) (CF, p. 154) *A world-girdling Crusade*

⁷² توضیح مترجم: جناب نخجوانی مآخذ این اصطلاحات را ذکر نکرده‌اند. مترجم سعی نمود مآخذ را بیابد و در صورتی که ترجمه‌ای از آن در کتب منتشره در مهد امرالله موجود باشد، عیناً ذکر نماید. چنانچه مآخذ انگلیسی متعدّد باشد، به یک مورد، مرجحاً موردی که ترجمه فارسی آن در دسترس باشد، اکتفا خواهد شد. هر دو مآخذ در هلالین بعد از نقل اصطلاح مزبور ذکر خواهد شد. مخفف مآخذ انگلیسی به این صورت است:

Messages to Baha'i World = MBW

Citadel of Faith = CF

Ministry of Custodians = MC

جهد تاریخی جهانی و روحانی (MBW, p.146) An epochal, global, spiritual, decade-long Crusade

دهساله (نقل ترجمه از صفحه ۴۱۳ طبع جدید گوهر یکتا / فصل پانزدهم)

این جهد مهم و صعب (ترجمه) (MBW, p. 153) This momentous and challenging Crusade

جهدی که به نحوی مقاومت ناپذیر آشکار می شود (ترجمه) (MBW, p. 170) This irresistibly unfolding Crusade

جهد (حصن حصین شریعت الله، ص ۱۵۷) ^{۷۳} This pre-eminent Crusade (CF, p. 119)

جهد کبیر و جلیل (حصن حصین شریعت الله، ص ۱۷۲) (CF, p. 131) This incomparably glorious Crusade

جهد مهیمن جهانی (حصن حصین شریعت الله، ص ۱۷۴) (CF, p. 132) This unspeakably potent Crusade

جهد جهانی منظم (حصن حصین شریعت الله، ص ۲۰۷) (CF, p. 157) This systematic World Crusade

این جهد عظیم اعجاب انگیز (ترجمه) (MBW, p. 98) This prodigious Crusade

این جهد عظیم موهوب به قوه محرکه الهیه (ترجمه) (MBW, p. 66) This gigantic, divinely propelled Crusade

این جهد مهیج (قرن انوار، ص ۶۵) (MBW, p. 41) This soul-stirring Crusade

این جهد جهانی که عظمت و نتایج مکنونه اش به مراتب مافوق کلیه مشروعات (CF, p. 116) This World Crusade which in its magnitude and potentialities transcends any previous collective Baha'i enterprise

دسته جمعی بهائی است که تا کنون به آن مبادرت گشته ^{۷۴} (حصن حصین شریعت الله، ص ۱۵۳) ^{۷۵}

جدا از عناوین و القاب روح بخشی که هیکل اطهر به این جهد اعطا فرمودند، همچنان به ارسال پیام های الهام بخش به زبان انگلیسی و فارسی ادامه دادند، و احبای الهی را در کلیه نقاط نسبت به خصائص بی نظیر، عظیم، مجلل و فوق العاده باشکوه این جهد متذکر داشتند. پاراگراف زیر تصویری از شور و اشتیاقی را به ما می دهد که حضرت ولی امرالله به قلوب و ارواح یاران الهام فرمودند و سطح انتظارات آنها را بالا بردند. پاراگراف مزبور از پیام مورخ چهارم مه ۱۹۵۳ آن حضرت است:

هدف اصلی و صریح این جهد روحانی جز فتح قلعه های قلوب نفوس انسانی نیست. صحنه این عملیات کل کره ارض، طول مدت آن مدت ده سال تمام، ابتدای آن مقارن مراسم منوی تجلی وحی الهی بر قلب حضرت بهاءالله، انتهای آن مقارن مراسم منوی اعلان رسالت جمال اقدس ابهی، مؤسسات مساعد اجرای آن تشکیلات نوزاد اداری نظم موهوبه الهیه مستمراً در حال تعالی و تکامل، منشأ قوه محرکه اش نفوذ قویه منبعث

⁷³ مترجم: در واقع باید جهد افضل و اعلی ترجمه می شد، اما به آنچه ذکر شد اکتفا شده است.

⁷⁴ مترجم: بعضی از عناوینی که حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز ۱۱۰ به کار برده اند جهت متمم مطلب ذکر می شود. شماره داخل هلالین مربوط به شماره صفحه توفیقات مبارکه، ۱۱۴-۱۰۹ است. جهد عظیم و جسیم (۸۷)، چه مقدار عظیم و خطیر است این جهد جهانی روحانی (۱۰۵)، جهد کبیر اکبر (۸۱)، جهد جهانی روحانی (۸۲)، جهد خطیر (۸۷)، جهد خطیر جهانی روحانی (۱۰۹)

⁷⁵ توضیح مترجم: آنچه که در حصن حصین شریعت الله (انگلیسی و فارسی) آمده عیناً منطبق با عبارتی نیست که جناب نخجوانی ذکر کرده اند؛ اما عمده همان است:

This colossal task, which in its magnitude and potentialities transcends any previous collective enterprise launched in the course of American Baha'i history...

این کار جسیم که عظمت و نتایج مکنونه اش به مراتب مافوق کلیه مشروعات جمعی است که در تاریخ بهائی امریکا به آن مبادرت گشته...

از ظهوری که حضرت ربّ اعلیٰ به آن بشارت داد و حضرت بهاءالله اعلام فرمود، سالار اعظمش خالق نقشه ملکوتی و فرامین تبلیغی، علمدارانش حضرات ایادی امرالله منصوبه در هر قاره‌ای از قارات عالم، قانندیش دوازده محفل روحانی ملّی مجریان و متصدیان این طرح اعظم، طلایه‌دارانش مجریان عمده نقشه اصلی مرکز میثاق امر حضرت منمنم، و هم‌پیمانان و مساعدین آنها؛ جنودش کلیه آحاد احباء و یاران و یاوران و حامیان دوازده محفل روحانی ملّی که به ایفای سهم خود در این برنامه جهانی، شامل جبهه‌های امریکا، اروپا، آسیا و استرالیا، مشغول و مألوفند. منشور راهنمای حرکت آن، الواح جاودانی است که از قلم نفس مرکز میثاق امر بهائی عزّ صدور یافته است. درعی که به جنود مهاجمش اعطاء گشته عبارت از بشارت الهیه در پیام حضرت احدیت در این یوم عظیم، اصول زیربنای نظم اعلام شده توسط رسول و فرستاده‌اش در این عصر کریم، و احکام و حدود حاکم بر این دور قویم است. فریاد میدان نبرد که بر لسان فارسان و باسلانش، اعم از رجال و نساء، جاری است صلاّی یا بهاءالابهی و یا علی الاعلیٰ است. (ترجمه - *Messages to the Baha'i World*، ص ۱۵۳-۱۵۲)^{۷۶}

حضرت ولی امرالله موقع اجرای تعهدات در مرکز جهانی یا هدایت طرح‌ها تحت حمایت و لوای محافل روحانی ملّی، نظم و ترتیب را رعایت می‌فرمودند. لهذا، نباید تعجب کنیم که در اجرای جهاد دهساله یک روش را اتخاذ نفرمودند. فی‌المثل، ایشان پنج سال اول جهاد را به سه مرحله تقسیم کردند؛ مرحله اول یک سال و دو مرحله دیگر هر یک دو ساله بودند. هیکل مبارک توجه احباء را بر زمینه‌ها و مقتضیات هر یک از این سه مرحله معطوف داشتند.

مرحله اول راه، که از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ بود، حتّی‌المقدور فتح ۱۳۱ اقلیم بکر رقم می‌زد. برای تشویق یاران به قیام، هیکل مبارک روز ۲۸ مه ۱۹۵۳ [هفتادم نوروز آن سال]، در مراسم سالگرد صعود حضرت بهاءالله، اعلام فرمودند که در نظر دارند "لوحه افتخار" ذهبی را مفتوح سازند که حاوی اسامی مهاجرینی

⁷⁶ مترجم: شاید بی‌مناسبت نباشد که کلام مولای محبوب به زبان فارسی نیز که دارای مضمونی مشابه است، از توفیق منبع نوروز ۱۱۰ بدیع، زیب این اوراق گردد:

"یا احباء البهاء و مظاهر قدرته بین خلقه انعقاد این انجمن‌های روحانی اربعه چنانچه از قبل ذکر شد تمهیدات اولیه جهت افتتاح جهاد کبیر اکبر است که به منظور اجرای وصایای مرکز عهدالله و تنفیذ فرمان تبلیغی مبین آیات‌الله مستظّلین در ظلّ شریعت‌الله کلّ کثله واحده در اواخر عقد اول و عقد ثانی دومین قرن کور مقدّس قیام بر آن خواهند نمود. آغاز این جهاد جهانی روحانی مقارن با جشن صدمین سال دعوت خفیّ جمال قدم در سجن اکبر مظلم و پایش توأم با عید منوی دعوت جهری آن محبوب عالم و موعود امم در رضوان اعظم؛ امتدادش ده سال است و نطقش اقطار و اشطار در سراسر جهان؛ مصدر و منبع اصلی و محرک حقیقی‌اش اراده غالبه نافذه جمال قدم و فیوضات لاریبه مبشر اسم اعظم که از عالم بالا بر جند هدی ناظر و حامی و ملهم و مؤید گروه مجاهدین و مجاهدات در میادین جهانند؛ سالار اعظمش غصن اعظم بهاء که از ملکوت ابهی دلیل و هادی و ناصر جنود مجنده پیمان است؛ فوآدش امنای محافل مرکزی در قارات خمسه که مروّجان دین‌اللهند و حامیان و ناصران شریعت‌الله؛ اسباب و وسائل فعاله که کافل و ضامن موفقیت مشترکین در این جهاد خطیر است مؤسّسات متینة نظم بدیع الهی که مدت سی سال است یاران الهی و اماءالرحمن بر وفق احکام شارع قدیر و وصایای غصن بی‌نظیرش به ایجاد و انتظام و استحکام آن پرداخته مقدّماتش نقشه‌های متعدده که در این سنین اخیره در ممالک مختلفه محافل روحانی مرکزی در جامعه بهائی هر یک مستقلاً به طرح و تنفیذ آن موفق و نائل گشته و در نتیجه لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک در این جهاد عظیم و جسیم اکتساب نموده..." (توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۸۸-۸۶)

خواهد بود که قیام خواهند کرد و، به بیان مبارک، "اقالیم غیرمفتوحهٔ تمامی کرهٔ ارض را تسخیر نمایند" (ترجمه - *Messages to the Baha'i World*، ص ۴۹). به این فاتحین روحانی عنوان "فارسان امر حضرت بهاءالله"^{۷۷} اعطاء می‌شد. در مدّت این مرحلهٔ اوّل، هفت هشتم اقالیم مذکور در نقشهٔ حضرت ولی امرالله فتح شد. در طیّ مرحلهٔ دوم، اراضی جهت چهل و سه حظیرهٔ القدس ملّی و ده مشرق‌الاذکار در سراسر جهان خریداری شد. در مدّت مرحله سوم، شانزده محفل روحانی ملّی جدید تشکیل شد؛ سه محفل در ۱۹۵۶ در افریقا و سیزده محفل در سال بعد در چهار قارهٔ دیگر. بعلاوه، در طیّ این مرحلهٔ سوم اراضی کلّیه حظائر قدس ملّی، غیر از سه مورد، و کلّیه مشارق اذکار جز یک مورد و کلّیه اوقاف مورد نظر جز دو مورد در اختیار جامعه قرار گرفت و تعداد نقاطی که بهائیان در آن سکونت دارند به عدد تحسین برانگیز ۴۵۰۰ رسید. مرحلهٔ چهارم نقشه می‌بایستی از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ باشد و بر اکمال و اتمام بقیه اهداف حیاتی که حضرت ولی امرالله در نقشه تعیین کرده بودند، متمرکز بود.

⁷⁷ توضیح مترجم: عبارت *Knights of Baha'u'llah* ترجمه‌های متفاوت دارد. در قرن انوار (ص ۶۶) آمده است، "فاتحین یا باسلان امر حضرت بهاءالله." در حصن حصین شریعت‌الله (ص ۱۵۴)، "فارسان حضرت بهاءالله" آورده شده است. در ترجمه پیام رضوان ۱۹۹۰ (۱۴۷ بدیع) عبارت "فارسان امر حضرت بهاءالله" ذکر شده است.

سؤال و جواب

س - چرا حضرت ولی امرالله در توفیق آوریل ۱۹۴۶ در حین اعلام دومین نقشه هفت‌ساله، اظهار می‌دارند که بعد از اجرای نقشه سه سال فراغت وجود خواهد داشت و سپس نقشه هفت‌ساله سوم شروع خواهد شد؟ چرا بعداً جهاد روحانی دهساله را جایگزین آن ساختند؟

ج - احدی نمی‌تواند ذهن و اندیشه حضرت ولی امرالله را بخواند. این تنها مرتبه‌ای نیست که ایشان یاران را متحیر ساختند. محفل ملی بریتانیا در سال ۱۹۴۴ نقشه شش‌ساله‌اش را شروع کرد و شش سال بعد در سال ۱۹۵۰ به پایان رساند. آنها تصور می‌کردند چون حضرت ولی امرالله از کار آنها راضی هستند، حالا می‌توانند دوران فراغتی داشته باشند. اما، در عوض آن، حضرت ولی امرالله فقط یک سال وقفه را در مورد آنها تصویب کردند تا بعد از آن یک نقشه دو ساله را در افریقا اجرا کنند. هیکل اطهر همین کار را با هندوستان کردند. حال، چرا حضرت ولی امرالله این کار را با جامعه بهائی امریکا انجام دادند؟ شاید ابتدا ایشان در مورد نقشه هفت‌ساله به آنها نوشتند زیرا آنها به ایده نقشه هفت‌ساله عادت داشتند، اما چون کل عالم بهائی در این زمان می‌بایستی به جهاد روحانی جهانی دهساله‌ای مشغول شود، برای آنها انساب و اولی آن بود که نه تنها به این نقشه ملحق شوند بلکه بخش عمده‌ای از اهداف به آنها اختصاص یابد.

س - بیت‌العدل اعظم در پیامی به تاریخ ۹ مارس ۱۹۶۵ فرمودند، "از آن تاریخ [رضوان ۱۹۶۳] به بعد برای جلوگیری از این که خطری متوجه امر شود، استمرار هدایت ملکوتی ضرورت داشت.^{۷۸} آیا این بدان معنی است که اگر در سال ۱۹۶۳ امر مبارک در خطر نبود، هیچ هدایت ملکوتی ضرورتی نداشت؟

ج - مطمئناً خیر. مقصود بیت‌العدل اعظم این است که اگر ما از طریق مؤسسه بیت‌العدل اعظم به عنوان ریاست امرالله، به عنوان طراح نقشه‌های آینده، و به عنوان نقطه تمرکز عهد و میثاق از هدایت ملکوتی برخوردار نمی‌شدیم، در این صورت بدیهی است امر مبارک در معرض مخاطره قرار می‌گرفت.

⁷⁸ نقل ترجمه از صفحه ۱۶۱ مجموعه دستخط‌ها

جهاد کبیر روحانی دهساله شروع می شود

الف) بیست و هفت هدف نقشه دهساله

حضرت ولی امرالله در پیام ۸ اکتبر ۱۹۵۲ (توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۵-۳) خطاب به عالم بهائی اعلام فرمودند که جهاد روحانی آینده دارای چهار هدف عمده است: اول توسعه مؤسسات مرکز جهانی آئین بهائی در ارض اقدس؛ دوم، با اتخاذ تصمیمات متقنه، تحکیم جبهه‌های داخلی مقرهای اداری برای اجرای نقشه؛ سوم، تحکیم کلیه اقلیمی که به روی امر الهی مفتوح شده؛ چهارم، فتح اقالیم عمده بکر در جهان.

و اما اهداف دقیق و مشخص؛ شامل بیست و هفت هدف می‌شد. ده مورد از این اهداف را حضرت ولی امرالله به عنوان هدف‌هایی کنار گذاشته بودند که می‌بایستی در مرکز جهانی امر مبارک حاصل می‌شد. این اهداف به املاک و موقوفات در بهجی و حیفا، تأسیس شعب محافل ملی در اسرائیل، بسط دایره وظایف مؤسسه ایادی امرالله و شورای بین‌المللی بهائی، تقویت پیوندها با سازمان ملل متحد، تدوین و تنظیم احکام کتاب مستطاب اقدس، و انعقاد کنگره جهانی در پایان جهاد روحانی. هفده هدف دقیق باقیمانده را حضرت ولی امرالله بین دوازده محفل روحانی ملی شرکت کننده تقسیم فرمودند.

حضرت ولی امرالله جهان را به سه طبقه تقسیم کردند. طبقه اول از نه جبهه داخلی تشکیل می‌شد. مواردی که از دوازده قانده مستثنی شدند عبارت بودند از جبهه‌های داخلی امریکای مرکزی، امریکای جنوبی و سویس - ایتالیا. هیکل مبارک اینها را "مقرهای اداری" برای اجرای جهاد روحانی دهساله خواندند. طبقه دوم را هیکل اطهر "مراکز تحکیم" نامیدند. اینها اقلیمی بودند که بهائیان از قبل در آنجا سکونت داشتند اما نیاز به مساعدت مخصوص داشتند. طبقه سوم از "اقالیم بکر" تشکیل شده بود. بر حسب موارد استفاده فعلی در عالم بهائی، این طبقات عبارت از A، B/C و D می‌شدند.

تفاوت چندانی با گذشته وجود ندارد. ما به جای کشورها، محدوده‌های جغرافیایی را داریم، و به جای سه طبقه، دارای چهار طبقه هستیم. همچنین، محفل ملی باید محدوده اقلیمی‌اش را جهان خود تلقی کند، در حالی که معاضدت‌های بین‌المحافل همچنان توسط مرکز جهانی تعیین می‌شود.

کشورهایی از وضعیت مطلوب برخوردارند که دارای تعداد هرچه بیشتری از محدوده‌های جغرافیایی A باشند زیرا امید چنان است که حتی المقدور از تعداد بیشتری محافل ملی برخوردار باشیم که

اکثریت محدوده‌های جغرافیایی آنها از مقوله A باشند. در این صورت بهائیان می‌توانند واقعاً در بحر اعظم غوطه‌ور شوند، که عبارت از روحانیت بخشیدن به توده‌های مردم و جذب آنها به امر الهی است. بنابراین، هفده هدف معین و دقیق باقیمانده را هیکل اطهر بین دوازده محفل ملی موجود به نحوی تقسیم فرمودند که فعالیت‌های مهاجرتی و تبلیغی را منوط به معاضدت شش محفل روحانی ملی در افریقا، شش محفل در منطقه مشترک آسیا و استرالاسیا، و چهار محفل در اروپا و نیم‌کره غربی نمایند. این بدان معنی بود که هفت محفل ملی هر یک در دو قاره، چهار محفل هر یک در یک قاره و محفل روحانی ملی ایالات متحده و جامعه‌اش در کلیه قارات به معاضدت و همکاری مشغول می‌شدند، زیرا آنها را به عنوان مجریان اصلی فرامین تبلیغی حضرت مولی‌الوری منصوب فرمودند.

اگر یکی از محافل روحانی ملی نمی‌توانست مهاجرتی به کشوری بکر و غیرمفتوحه اعزام نماید، هر کسی، از هر نقطه‌ای از عالم، تشویق می‌شد که هدف مزبور را تحقق بخشد. و هنگامی که حضرت ولی امرالله مشاهده می‌کردند در گوشه‌ای از دنیا جامعه‌ای قوی وجود دارد، به سراغ آنها می‌رفتند و آنها را تشویق می‌کردند که به اقالیم بکر مجاور هجرت کنند.

بیست و هفت هدف

(۱) اتخاذ تمهیدات اولیه برای ساختمان روضه مبارکه حضرت بهاءالله در ارض اقدس

آنچه که امروزه می‌توان مشاهده کرد میراث مرغوبی از مساعی حضرت ولی امرالله در تنسیق و تجمیل روضه مبارکه حضرت بهاءالله برای احباء است. وقتی که ابتدا این هدف اعلام شد، بسیاری از احباء تصور کردند که این بدان معنی است که حضرت ولی امرالله در نظر داشتند نقشه‌هایی برای بنای ساختمان روضه مبارکه تدوین فرمایند.

اما مقصود مبارک چنین نبود. ایشان برای حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، برای اعضاء شورای بین‌المللی بهائی و زائرین توضیح دادند که آنچه در نظر داشتند تطهیر اراضی حول آن مقام مقدس، معروف به حرم اقدس، از لوث وجود بقایای ناقضین است. این ناقضین از زمان صعود حضرت عبدالبهاء که بیش از سه دهه قبل واقع شده بود، همچنان در املاک مزبور سکونت داشتند. از آنجا که حضرت ولی امرالله تازه زمین مجاور مقام مبارک حضرت بهاءالله را در اختیار گرفته بودند، هدف ایشان ایجاد حدیقه‌ای جمیل و بی‌مثیل در ربع دایره روبروی مدخل روضه مبارکه مزین به گیاهان، گلها، درختان، تزیینات زیبا و خیابانها و همچنین تجهیز آن نقطه به برق بود تا شبانگاه در دریایی از نور غرق شود. همانطور که می‌دانید این اهداف در کمال جلال تحقق یافت.

۲) مضاعف ساختن تعداد ممالکی که در ظلّ امرالله وارد گشته‌اند شامل فتح:

۴۱ کشور در آسیا

۳۳ کشور در افریقا

۳۰ کشور در اروپا

۲۷ کشور در قاره آمریکا

(جمع: ۱۳۱ کشور)

تعداد کشورهایایی که در آوریل ۱۹۵۳ مفتوح شده بود، ۱۲۸ کشور بود. این عدد تا پایان نقشه به ۲۵۹ کشور بالغ شد. همانطور که همه شما می‌دانید، آخرین نقطه غیرمفتوحه جزایر ساخالین بود و وقتی که فتح شد، بیت‌العدل اعظم توانستند "لوحه افتخار" فارسان امر حضرت بهاءالله را تکمیل کنند، و در مراسم صدمین سال صعود حضرت بهاءالله، لوحه مزبور توسط امة البهاء روحیه خانم، در مدخل روضه مبارکه، در همان نقطه‌ای که حضرت ولی امرالله تعیین فرموده بودند، قرار گرفت.

۳) افزایش عدّه السنه‌ای که آثار امری به آن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر:

۴۰ زبان در آسیا

۳۱ زبان در افریقا

۱۰ زبان در اروپا

۱۰ زبان در آمریکا

(جمعاً ۹۱ زبان)

تا پایان نقشه دستاوردهای حاصله در این زمینه از فعالیت از هدف مورد نظر تجاوز کرد، و به این ترتیب تعداد زبانها، به جای دو برابر، سه چندان شد.

۴) مضاعف کردن تعداد مشارق اذکار با شروع بنای

۱ مشرق‌الاذکار در آسیا

۱ مشرق‌الاذکار در اروپا

محلّ معبدی که قرار بود در آسیا ساخته شود، مهد امرالله بود. در ایام حیات عنصری حضرت ولی امرالله معلوم و واضح بود که این هدف در طیّ نقشه مزبور قابل حصول نیست. شرایط حاکم بر این طوری بود که آنها به اجبّاء اجازه نمی دادند در طهران مشرق‌الأذکار بسازند. بنابراین هیکل مبارک دو معبد جایگزین آن ساختند؛ یکی در کامپالا، عاصمه اوگاندا، و دیگری در سیدنی واقع در استرالیا. ساختمان این دو معبد اکمال و اتمام یافت و قبل از پایان جهاد روحانی مزبور به روی عامه ناس مفتوح شد. و اما در مورد معبد مربوط به قاره اروپا؛ این معبد مقرر شد در فرانکفورت، در آلمان ساخته شود. ساختمان آن در نیمه دوم جهاد روحانی دهساله آغاز شد و مدّت کوتاهی بعد از سال ۱۹۶۳ به اتمام رسید.

۵) خریداری اراضی جهت مشرق‌الأذکار آئینه در جبل کرمل

محلّ این اراضی توسط حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۵ تعیین، و با تبرّعات کریمانه ایادی امرالله خانم املیا کالینز، این مکان تاریخی خریداری شد. این مکان به قدوم مبارک جمال قدم متبرک شده و محلّ نزول لوح کرمل است.

۶) ساختمان اولین مؤسسه از توابع و ملحقات مشرق‌الأذکار ویلمت در امریکا

حضرت ولی امرالله هدایت فرمودند که اولین مؤسسه از منضمّات مشرق‌الأذکار مزبور باید خانه سالمندان باشد. ملکی در مجاورت معبد ابتیاع شد و خانه‌ای برای سالمندان بنا گردید و قبل از پایان جهاد روحانی فعالیت خود را شروع کرد.

۷) تعیین محلّ و ابتیاع اراضی برای یازده مشرق‌الأذکار آئینه:

۳ محلّ در قاره امریکا

۳ محلّ در افریقا

۲ محلّ در آسیا

۲ محلّ در اروپا

۱ محلّ در قاره استرالیا

(جمع: ۱۱ محلّ)

تا پایان نقشه تعداد کلّ اراضی ابتیاع شده برای معابد به چهل و شش رسید و به قدر کفایت این هدف را تأمین نمود.

۸) اتساع دایره اقدامات و خدمات ایادی امرالله

این نکته بسیار مهمی است. اعداء امرالله بر این مبنا که ایادی امرالله قرار نبوده دارای مرجعیت و اختیارات اداری باشند، به ما حمله کرده‌اند. آنها استدلال کرده‌اند که بعد از صعود حضرت ولی امرالله ایادی امرالله مرجعیت را به عهده گرفته و اسماً و فعلاً نه نقش ریاست امرالله را اتخاذ نمودند. از آنجا که بیت‌العدل اعظم وجود نداشت و حضرت ولی امرالله صعود فرموده بودند، ایادی امرالله، قرار نبود از مرجعیت و اختیارات اداری برخوردار شوند، زمام امور اداری امر مبارک را در دست گرفتند. حضرت ولی امرالله در آخرین پیام عمده خود به عالم بهائی، عنوان "حارسان اعظم جامعه جهانی جنینی امر حضرت بهاءالله" (*Messages to the Baha'i World*, ص ۱۲۷) ^{۷۹} را به آنها عنایت کردند. وقتی حضرت ولی امرالله اصطلاح "جامعه جهانی جنینی" یا "نظم جهانی جنینی" را استفاده می‌فرمایند، مقصودشان نظم اداری است. به این ترتیب، در اینجا مقصود هیکل مبارک از "حارسان اعظم جامعه جهانی جنینی امر حضرت بهاءالله" اشاره به نقش آنها در نظم اداری است.

حارسان عبارت از نفوسی هستند که در مقامی موقت، مسئول ایفای وظیفه‌ای هستند. فرهنگ لغت آکسفورد تعریف زیر را به عنوان اولین معنی جهت واژه steward بیان می‌کند: "شخصی که اداره ملک شخص دیگری به او سپرده می‌شود". فرهنگ لغت وبستر در تعریف واژه مزبور می‌گوید، "کسی که فعلاً نه اموری را هدایت می‌کند یا کسی که برای نظارت و سرپرستی منصوب می‌گردد". به این ترتیب، آنها می‌بایستی مدیران موقت ملک خداوند (یعنی امر الهی) باشند تا بتوانند بعداً مسئولیت را به هیأتی صاحب اختیار و مرجعیت واگذار نمایند. حضرت ولی امرالله در همان پیامی که عنوان "حارسان اعظم" ذکر شده، به آنها به عنوان نفوس "عهده‌دار مسئولیت مقدس صیانت امرالله" و "صاحب‌منصبان عالی‌رتبه نظم سریع التکامل اداری جهانی" (همان مأخذ، صص ۱۲۸-۱۲۷) ^{۸۰} اشاره فرمودند.

⁷⁹ مترجم: مأخذ بیان مزبور، توفیق منبع اکتبر ۱۹۵۷، ذکر شده که در صفحه ۲۸۹ مجموعه توقیعات ۱۱۴-۱۰۹ به صورت "خادم برگزیده حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است" و در ترجمه پیام ۹ مارس ۱۹۶۵ معهد اعلی به محفل روحانی ملی هلند، "حارسان سلطنت جهانی جنینی امر حضرت بهاءالله" ترجمه شده است. لہذا، ترجمه فوق از صفحه ۶۸ ترجمه فارسی قرن انوار نقل گردید و کلمه "جهانی" به آن افزوده شد.

⁸⁰ نقل ترجمه از صفحه ۲۹۰ مجموعه توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹

در پیام دیگری به تاریخ ژوئن ۱۹۵۷، که چند ماه قبل از پیام مذکور در فوق عزّ صدور یافت، حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که ایادی امرالله و محافل روحانی ملیّی مقدّر است که با یکدیگر کار و مشورت نمایند. هیکل اطهر مرقوم فرمودند:

مؤسسه ایادی امرالله که تأسیسی الهی و به موجب الواح وصایای مرکز عهد و پیمان رحمانی دو وظیفهٔ خطیر و مهمّ صیانت و تبلیغ امر حضرت بهاءالله را عهده‌دار می‌باشد، اکنون در سبیل انجام وظائف مقدّسهٔ خویش وارد مرحلهٔ جدیدی گردیده و علاوه بر مسئولیت قطعی و مسلمی که اخیراً نسبت به معاضدت و مساعدت محافل روحانیّهٔ عالم بهائی در اجرای سریع جهاد جهانی روحانی به آن مؤسسه محوّل شده، از این به بعد وظیفهٔ اوّلیّهٔ حفظ و صیانت جامعهٔ بهائی عالم را نیز با همکاری نزدیک و مستمرّ همان محافل ملیّهٔ عهده‌دار خواهد بود...

از عموم ایادی امرالله و محافل ملیّه در هر یک از قارات خمسّهٔ عالم رجا داریم که از این تاریخ تماس مستقیم بین خویش برقرار و در هر موقع که ممکن شود و از هر فرصت که به دست آید استفاده نموده به مبادلهٔ راپرت‌های واصله از طرف هیأت‌های معاونت و لجنه‌های ملیّه پردازند و با مراقبت و هشجاری تامّ وظائف مقدّسهٔ حتمیّهٔ خویش را به کمال همّت و فداکاری انجام دهند. صیانت امر عزیز الهی و حفظ صحّت روحانی جامعه و قدرت ایمان و ایقان افراد و انجام صحیح وظائف مؤسّسات امریه که به کمال متانت تأسیس یافته و حصول نتیجه و ثمر نهائی مجهودات و مشروعات جهانی و وصول امرالله به ذروهٔ اعتلا و ترقّی که در الواح الهی مقدّر و مقرر گشته کلّ به نحو مستقیم موکول و منوط به آن است که مسؤولیت‌های سنگینی که حال به عهدهٔ اعضای این دو مؤسسه که، با بیت‌العدل اعظم^{۸۱}، بعد از مؤسسهٔ ولایت امرالله، اعلی و اشرف مقامات روحانیه را در سلسله مراتب اداری نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله حائز می‌باشد، به نحو احسن انجام گردد. (Messages to the Baha'i World، ص ۱۲۳-۱۲۲)^{۸۲}

نحوهٔ بیان در این پیام ژوئن ۱۹۵۷ آنچنان مؤکّد و پرشور است که نفوسی که پیام را در آن زمان زیارت کردند احساس نمودند که گویی حضرت ولی امرالله با جمیع ما وداع می‌کنند، زیرا زمانی فرا رسیده بود که دو مؤسسهٔ مزبور با یکدیگر فعالیت کنند، زیرا سرنوشت غایی امر مبارک اکنون در دست آنها بود. در ابتدای جهاد روحانی دهساله تعداد این "صاحب‌منصبان عالی‌رتبهٔ" جامعهٔ بهائی نوزده نفر بود. تا سال ۱۹۵۷، یعنی زمان صعود حضرت ولی امرالله، تعداد آنها را هیکل اطهر به بیست و هفت رساندند.

۹) تأسیس محکمهٔ بهائی در ارض اقدس که مقدمهٔ انتخاب و تشکیل بیت‌العدل اعظم خواهد بود همانطور که حضرت ولی امرالله در توقیع منیع ظهور عدل الهی و متعاقباً در سایر پیامها توضیح دادند، مبارک هفت مرحله برای تکامل امر مبارک در نقاط مختلف عالم پیش‌بینی فرمودند. مرحلهٔ چهارم عبارت

^{۸۱} مترجم: در متن ترجمهٔ مورد استفاده عبارت "بیت‌العدل اعظم" افتاده است اما در متن انگلیسی وجود دارد.

^{۸۲} نقل ترجمه از صفحه ۱۰۴-۱۰۲ ارکان نظم بدیع، تألیف غلامعلی دهقان، طبع ۱۵۱ بدیع، کانادا

از استقلال امر مبارک بود که اولیاء حکومت در هر کشور باید به عنوان "مساوات پیروان امر جمال اقدس ابهی با تابعان ادیان سائره" (ظهور عدل الهی، ص ۳۲) مورد تأیید و تصدیق قرار دهند. در توجیه "تولد مدنیت جهانی" نیز هیکل مبارک توضیح دادند که، "در بعضی از ممالک شرقی که در آن جامعه‌های دینی آنها احوال شخصیتهای اعضا خویش را به صورت شرعی اجرا می‌کنند، به محافل روحانیه نیز این وظیفه محول گردد که رسماً به عنوان یک محکمه بهائی به کار پردازند و در مسائلی از قبیل ازدواج و طلاق و ارث بر طبق کتاب اقدس بین بهائیان حوزه خویش داوری نمایند و مقامات کشوری نیز ضامن اجرائش باشند." (نظم جهانی بهائی، ص ۱۶۰)

در اسرائیل سنت محاکم مذهبی، که در سراسر دوران حکومت عثمانی و قیمومیت انگلستان وجود داشت، توسط حکومت بعد از حصول استقلال در سال ۱۹۴۸ ملغی نشد. با توجه به این زمینه بود که حضرت ولی امرالله هدف تأسیس محکمه بهائی در ارض اقدس را تعیین فرمودند. اما، ایشان به ایادی امرالله در ارض اقدس توضیح دادند که این محکمه قرار نیست محکمه استیناف برای عالم بهائی، یا محکمه‌ای بین‌المللی باشد که در مورد محافل ملی نوعی اختیارات قضائی اعمال کند. بلکه مقصود از آن این بود که محکمه‌ای باشد که اولیاء حکومت کشور مزبور به آن اختیار دهند و وظائفی در زمینه احوال شخصیتهای را به عهده گیرد؛ وظائفی که به طور عادی قانوناً به عهده محاکم مذهبی سایر ادیان در کشور مزبور گذاشته می‌شود.

حضرات ایادی امرالله از جلسه نوامبر ۱۹۵۹ خود به عالم بهائی اعلام کردند از آنجا که میزان اختیارات قضائی محاکم مذهبی در ارض اقدس محدود می‌شود (و این در اثر گرایش‌های قوی غیرمذهبی متداول در منطقه بود) (*Ministry of the Custodians*، ص ۱۶۹)، احتمال تحقق این هدف وجود نداشت. شورای بین‌المللی بهائی به مساعی خود برای تعیین امکانپذیری اجرای این هدف ادامه داد اما قاطعانه نتیجه‌گیری کرد که، تحت شرایط موجود، محکمه دینی بهائی در ارض اقدس، اگر تأسیس شود، در مقایسه با محاکم دینی سایر جوامع مذهبی موجود در کشور مزبور از محدودیت‌های به مراتب بیشتری، چه از لحاظ ابعاد و چه از لحاظ اختیارات، برخوردار خواهد شد. اتخاذ این موقف، در مقام مقایسه با حقوق و امتیازاتی که سایر ادیان از آن برخوردار بودند، و خود آنها هم به نوبه خود در معرض کاهش مداوم و منظم اختیارات خود بودند، در خور شأن و مقام امر مبارک نبود.

۱۰) تنظیم و تدوین حدود و احکام منصوبه کتاب مقدس اقدس، ام‌الکتاب آئین بهائی

اجرای این هدف به مرکز جهانی محول شده بود. حضرت ولی امرالله بنفسه شالوده بنای این تدوین را نهادند و بخش عمده‌ای از تلخیص مورد نظر را آماده فرمودند. امة‌البهاء، بعد از انتخابات بیت‌العدل اعظم، در جریان انتقال اسناد حاصل از مطالعات حضرت ولی امرالله، یادداشت‌های مفصل هیکل مبارک به فارسی

و انگلیسی را که به خطّ ایشان بود، به معهد اعلیٰ تسلیم نمودند. بیت‌العدل اعظم گروه ضربتی را برای تکمیل بخش ناتمام سند مزبور تعیین کردند و، همانطور که می‌دانید، در رضوان ۱۹۷۳ مطلب مزبور به شکل کتاب انتشار یافت.

(۱۱) تأسیس شش محکمهٔ ملی بهائی در اعظم مُدُن ممالک اسلامیّه شرق:

طهران

قاهره

بغداد

دهلی نو

کراچی

کابل

توضیحی که در بالا در مورد محاکم مذهبی در ارض اقدس داده شد در مورد این هدف نیز مصداق دارد. یک عامل دیگر هم وجود داشت و هنوز هم وجود دارد و آن عدم تمایل اولیاء حکومت کشورهای مورد نظر در اعطاء چنین امتیازی به بهائیان بود. چون کلّ عالم بهائی نسبت به اهداف تعیین شده توسط حضرت ولی امرالله در جهاد مزبور متعهد است، البتّه امید می‌رود که احبّاء در این کشورها، تحت هدایت بیت‌العدل اعظم، در صورتی که اوضاع و شرایط اجازه دهد، اقداماتی را در تحقّق این اهداف انجام دهند.

(۱۲) اتّساع دائرهٔ موقوفات بین‌المللی بهائی در ارض اقدس، در مرج عکّا و دامنهٔ جبل کرم

مساحت زمینی که در ابتدای نقشهٔ دهساله به روضهٔ مبارکه و مقام اعلیٰ اختصاص یافت بالغ بر ۳۴۵٫۰۰۰ متر مربع بود. در پایان نقشهٔ کلّ مساحت به ۴۸۷٫۰۰۰ متر مربع بالغ شد. ابتیاع املاک مورد نیاز بعد از اتمام جهاد روحانی دهساله ادامه یافت و در حال حاضر مساحت اراضی در تملّک امر متجاوز از نیم میلیون متر مربع است.

(۱۳) بنای محفظهٔ آثار بین‌المللی در جوار مقام اعلیٰ

همانطور که همه می‌دانید، بنای دارالآثار بین‌المللی در ماه مارس ۱۹۵۵، در ایّام حیات عنصری حضرت ولی امرالله، شروع شد. در زمان صعود هیکل مبارک بنای مزبور در دست ساختمان بود و با مساعی حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس، بنای مزبور در ایّام فترت خاتمه یافت. الواح مبارکه، اشیاء متبرّکه و سایر

مصنوعات به بنای جدید و بعداً، با تسهیلات فنی بیشتر، در منضمات جدید الاحداث، انتقال و استقرار یافت. بنای دارالآثار مقدر بود اولین مورد از ابنیه اداری باشد که حول قوس ساخته می شد.

۱۴) بنای مرقد منوره حرم نقطه اولی در مدینه شیراز

همانطور که همه واقفید، شرایط نامساعد در ایران این امکان را فراهم نمود که این هدف مهم جهاد روحانی دهساله تحقق یابد. جمیع ما می توانیم اطمینان داشته باشیم که بیت العدل اعظم این مسئولیت را متوجه خود می دانند و، به محض آن که شرایط مساعد برقرار شود، اقدام مقتضی برای اطمینان از اجرای این هدف متعالی به عمل خواهد آمد.

۱۵) تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و اسم اعظم و مخدرة کبری ام نقطه اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال آنان به گلستان جاوید بهائیان در جوار بیت اعظم در مدینه الله

پنج ماه قبل از صعود حضرت ولی امرالله امکان انتقال رمس والد حضرت بهاءالله، جناب میرزا بزرگ، به گلستان جاوید در بغداد فراهم آمد. خبر تحقق این هدف را حضرت ولی امرالله در آن زمان به اطلاع عالم بهائی رساندند. این موفقیت در ارتباط با رمس مادر و ابن خال حضرت باب حاصل نشد. اما، احباء باید اطمینان داشته باشند، که در آینده احباء در عراق، تحت هدایت بیت العدل اعظم، این هدف را تأمین خواهند کرد.

۱۶) تملک باغ رضوان در بغداد، مکان سیاه چال در طهران، محل شهادت حضرت باب در تبریز، و محل سجن آن حضرت در چهریق

سیاه چال طهران، و نیز قلعه چهریق، در زمان حیات عنصری حضرت ولی امرالله خریداری شد. اما، بعد از انقلاب اخیر در ایران این املاک، همراه با سایر اموال جامعه بهائی در کشور مزبور، توسط اولیاء امور مصادره شد. خریداری باغ رضوان در بغداد و محل شهادت حضرت باب در تبریز در گذشته امکانپذیر نبود. متأسفانه، وضعیت فعلی در دو کشور مزبور چندان متفاوت نیست. ما باید اطمینان داشته باشیم که این منویات حضرت ولی محبوب امرالله محققاً در آینده، به محض این که اوضاع و شرایط اجازه دهد، تحقق خواهند یافت.

۱۷) تزیید عده محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر

این هدف خیلی مورد عنایت و رجای حضرت ولی امرالله بود زیرا مکرراً اظهار داشته بودند که محافل ملی ارکان و اعمده‌ای هستند که قبه را که بیت‌العدل اعظم باشد نگه خواهند داشت. هرچه تعداد آنها بیشتر باشد، واحد نهایی که اکلیل جلیل بنای نظم اداری است از امنیت بیشتر برخوردار خواهد بود. در پایان نقشه دهساله پنجاه و شش محفل روحانی ملی تأسیس شده بود که از هدف تعیین شده عبور کرد.

۱۸) تزئین تعداد حظائر قدس ملی به هفت برابر با تأسیس آنها در پایتخت‌های ممالک مستقلة و بلاد اصلیه کشورهای مهم تحت‌الحمايه كره ارض:

۲۱ مورد در امریکا

۱۵ مورد در اروپا

۹ مورد در آسیا

۳ مورد در افریقا

۱ مورد در نیوزیلند

تا انتهای نقشه، چهل و نه بنای جدید تهیه شده بود که به عنوان حظیره‌القدس ملی استفاده می‌شد.

۱۹) تدوین قانون اساسی و نظامنامه ملی بهائی و تأسیس موقوفات ملی در هر یک از عواصم و مدن ممالک مستقلة و اقالیم تابعه

و

۲۰) تزئین عدد محافل مرکزی روحانی که تا به حال رسماً تسجیل گشته به بیش از پنج برابر چهل و هفت محفل ملی از موقوفات ملی برخوردار شدند و در سی و چهار محفل از آنها، قانون اساسی ملی بهائی رسماً تسجیل گردید.

۲۱) تأسیس شش مؤسسه مطبوعات ملی بهائی

تا انتهای نقشه، هفت مؤسسه مطبوعات در سراسر جهان تأسیس شده و مشغول فعالیت بودند.

۲۲) اشتراک اماءالرحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملی و محلی

این هدف با شور و شعف در ایران شدیداً مورد استقبال قرار گرفت. نه کشور دیگر اسلامی در شرق یا قبل از ایران به نائل شدند یا در حال حاضر عیناً آن کار را دنبال می‌کنند. اینها عبارت بودند از عراق، مصر، سودان، تونس، لیبی، شبه جزیره عربستان، اردن، لبنان و ترکیه.

۲۳) تأسیس شعبه‌های محافل روحانی ملی در اسرائیل:

۲ محفل در اروپا

۲ محفل در آسیا

۱ محفل در امریکا

۱ محفل در افریقا

۱ محفل در استرالیا - مجموعاً هفت شعبه در اسرائیل

تا انتهای نقشه، نه شعبه در اسرائیل تأسیس شده بود.

۲۴) تأسیس مطبوعه ملی بهائی در طهران

درست مانند قضیه سایر اهداف مربوط به ایران، این مطبوعه ملی، آنطور که حضرت ولی امرالله در نظر داشتند، امکان تأسیس نیافت. اما، تسهیلاتی در ایران توسط محفل روحانی ملی فراهم آمد تا تعداد انتشارات بهائی مضاعف گردد و به این وسیله نیازهای جامعه تأمین گردد. تردیدی نیست که در آینده این امید و خواسته مولای محبوبمان کاملاً تحقق خواهد یافت.

۲۵) تحکیم روابط بین جامعه بین‌المللی بهائی و سازمان ملل متحد

باید به خاطر داشته باشیم که جامعه بین‌المللی بهائی در سال ۱۹۴۷ به عنوان یک سازمان غیردولتی تحت توجه برنامه توسعه سازمان ملل متحد^{۸۳} تسجیل شد. در طی جهاد روحانی دهساله، جامعه بین‌المللی بهائی موفق به ایجاد پیوندهایی با یونیسف^{۸۴}، یونیسفم^{۸۵}، سازمان بهداشت جهانی^{۸۶}، و WFP برقرار کند. جامعه بین‌المللی بهائی، با روح این اهداف، بعد از جهاد روحانی دهساله به عنوان سازمانی غیردولتی با موقف مشورتی در جلسات شورای اقتصادی و اجتماعی پذیرفته شد. در سال ۱۹۷۰ و در ۱۹۷۶ جایگاه مشابهی در

⁸³ United National Development Programme

⁸⁴ United Nations Children's Fund صندوق کودکان سازمان ملل متحد

⁸⁵ United Nations Voluntary Fund for Women صندوق داوطلبانه سازمان ملل برای زنان

⁸⁶ World Health Organization

یونیسف به آن اعطاء شد. باید اطمینان داشته باشیم که، در ایام و سالهای آینده، این پیوندها بیش از پیش تقویت خواهد شد.

۲۶) در صورت امکان انضمام یازده جمهوری که از اجزاء اتحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپا که مرتبط و تحت نفوذ آن هیأت است به دائرة نظم اداری امر الهی در اثر وضعیت حاکم بر اتحاد شوروی، در سراسر دوره نقشه دهساله امکان اعزام مهاجر به این سیزده کشور نبود. اما، سه سال بعد از شروع نقشه، حضرت ولی امرالله خیرهایی دریافت داشتند که در چهار کشور از جماهیر مزبور، یعنی تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان، بهائیان سکونت داشتند که بقایای جوامع اولیه ای بودند که در زمان حکومت سابق روسیه در آنجا وجود داشتند. نه اقلیم باقیمانده به محض فروپاشی اتحاد شوروی فتح شد و امکان سفر بهائیان و بخصوص مهاجرین جهت استقرار در این اقلیم فراهم آمد. همانطور که قبلاً ذکر شد، آخرین اقلیم مفتوح نشده اتحاد شوروی، جزایر ساخالین بود و فتح آن درست قبل از سال ۱۹۹۲ رخ داد و لوحه افتخار تکمیل گردید.

۲۷) انعقاد کنگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است به مناسبت جشن افخم اعزاز اعظم که مقارن با صدمین سال دعوت جهری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی رمم بر سریر سلطنت الهیه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی برپا خواهد گشت به سهولت می شد مشاهده کرد که این آخرین هدف جهاد روحانی دهساله، به علت شرایط بازدارنده ای که جامعه بهائی عراق تحت آن اوضاع مشغول فعالیت بود، نه در بغداد بلکه در نقطه دیگری می بایستی تحقق می یافت. موقعی که حضرت ولی امرالله در لندن صعود فرمودند، حضرات ایادی امرالله به این نتیجه رسیدند که پایتخت جزایر بریتانیا مناسب ترین محل برای اولین کنگره جهانی بهائی است. همانطور که همه می دانید، تقریباً هفت هزار نفر از احباء در رضوان ۱۹۶۳ در این کنگره در آلبرت هال حضور یافتند و توانستند از مرقده حضرت ولی امرالله بازدید نمایند. نفوسی که در کنگره حضور داشتند می توانند به خاطر بیاورند که تجربه ای بسیار تکان دهنده و مؤثر بود. حضرات ایادی امرالله، اعضاء بیت العدل اعظم که تازه در حیفا انتخاب شده بودند، حضور داشتند. در مراسمی خاص آنها به کنگره معرفی شدند. می توان مجسم کرد که چه تعداد چشم در حالی که اشک می ریختند ناظر مؤسسه ای بودند که تشکیل آن در کتاب مستطاب اقدس مقدّر و مقرر شده و تأسیس آن زمینه اصلی کار حضرت ولی امرالله در تمام طول ولایت هیکل اطهر بود.

ابداً نباید تردید داشته باشیم که در آینده ایام، در تأمین خواست و آرزوی حضرت ولی امرالله، اجتماع عمده‌ای از یاران محققاً در بغداد تشکیل خواهد شد.

ب) نمونه‌هایی از اهداف تکمیلی

در جمع‌بندی اهداف عمده جهاد روحانی مزبور، که در سطح بین‌المللی اعلام گردید، حضرت ولی امرالله بعضی اهداف را که جنبه تکمیلی داشت و مناسب اوضاع و شرایط خاص هر یک از دوازده مقرّ عملیات بود، ذکر فرمودند. فی‌المثل، در زمره اهداف ثانویه برای ایالات متّحده، اهداف زیر را مشاهده می‌کنیم: اکمال محوطه‌سازی اراضی مشرق‌الاذکار در ویلمت، و افزایش تعداد محافل روحانی محلی به سیصد، جذب و جلب قبایل عمده سرخپوستان به ظلّ امر مبارک، تأسیس مدارس تابستانه در هر یک از ممالک اسکاندیناوی و بنلوکس و نیز کشورهای شبه جزیره ایبری، اعلام امر مبارک از طریق مطبوعات و رادیو و تشکیل لجنه تبلیغ آسیایی. هیکل اطهر در پیام خود به جامعه بهائی امریکا، آن را "عَلَمَداران سپاه مظفر ربّ الجنود" نامیدند که چنان که شایسته مقام آنان است "در تنفیذ جهادی که مقصد اصلی اش اشاعه نور ظهور الهی در سراسر بیسط غیراست ... سهم مهمّ عظیمی" بر عهده آنها گذاشته شده است. (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۴۴)

نمونه‌های دیگر از چنین اهداف ثانویه را می‌توان در پیام‌های حضرت ولی امرالله خطاب به استرالیا و نیوزیلند، جزایر بریتانیا، کانادا، آلمان و اتریش، پاکستان و برمه، و محفل ملّی ایتالیا - سویس مشاهده کرد:

استرالیا و نیوزیلند:

مضاعف ساختن تعداد محافل روحانی محلی، تسجیل نوزده محفل از آنها و تأسیس لجنه تبلیغ آسیایی

کانادا:

مضاعف ساختن تعداد محافل روحانی محلی، افزایش تعداد محافل روحانی تسجیل شده به نوزده و تأسیس لجنات تبلیغ امریکا و آسیا

هندوستان، پاکستان و برمه:

مضاعف ساختن تعداد محافل روحانی و نقاط در هندوستان، پاکستان و برمه؛ دو برابر کردن تعداد محافل روحانی تسجیل شده در هندوستان، پاکستان و برمه؛ توسعه مدرسه پنجگینی و تشکیل لجنه تبلیغ آسیا

جزایر بریتانیا:

مضاعف ساختن تعداد محافل روحانی و نقاط در جزایر بریتانیا، تسجیل نوزده محفل در انگلستان، اسکاتلند، ویلز و ایرلند و تشکیل لجنات تبلیغ اروپا و آسیا

آلمان و اتریش

مضاعف ساختن تعداد محافل روحانی و نقاط در آلمان؛ دو برابر کردن تعداد محافل روحانی محلی و نقاط در اتریش؛ تسجیل نوزده محفل روحانی محلی در آلمان و اتریش، و تشکیل لجنه تبلیغ اروپا

ایتالیا - سوئیس

چهار برابر کردن تعداد محافل روحانی محلی، سه برابر کردن تعداد نقاط در ایتالیا و سوئیس، تسجیل محافل روحانی در شهرهای برجسته هر کدام از این دو کشور، تأسیس اولین مدرسه تابستانه مشترک، متعاقباً مستقل و مجزا، و تشکیل لجنه تبلیغ اروپا

ج) نقشه‌های تکمیلی ملی و اهداف ثانویه افزوده به اهداف جهاد روحانی

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۶ دریافتند که زمان مقتضی رسیده که سه محفل روحانی ملی ناحیه‌ای به تعداد اولیه افزوده شود. به جای دوازده، اکنون پانزده محفل روحانی ملی وجود داشت. هر سه محفل جدید در افریقا بودند. در سال ۱۹۵۳ فقط یک محفل ملی در افریقا وجود داشت، یعنی محفل ملی مصر و سودان؛ حضرت ولی امرالله حوزه حاکمیت آن را توسعه داده آن را محفل روحانی ملی منطقه‌ای شمال شرق افریقا نام نهادند، که اکنون علاوه بر مصر و سودان، شامل لیبی، حبشه، اریتره و سومالی می‌شود. بعد، هیکل اطهر بقیه افریقا را به سه ناحیه بزرگ تقسیم کردند؛ در جنوب، محفل ملی ناحیه‌ای برای جنوب و غرب افریقا، که شامل پانزده کشور و جزیره می‌شد. بعد محفل ملی منطقه‌ای برای افریقای شرقی و مرکزی را تشکیل دادند که شامل نه اقلیم می‌شد. بقیه قاره، از کامرون در طول ساحل تا تونس و هر چه که بین این دو بود، که شامل بیست و پنج کشور می‌شد، محفل روحانی ملی ناحیه‌ای افریقای شمال غربی را تشکیل می‌داد.

حضرت ولی امرالله این محافل روحانی ملی ناحیه‌ای را به عنوان محافل روحانی ملی "موقت ناحیه‌ای"⁸⁷ توصیف فرمودند. به عبارت دیگر، آنها مراحل موقت و بینابین بودند. مرحله نهائی زمانی می‌بود که هر کشور دارای محفل ملی مستقل خود باشد.

یک سال بعد، در ۱۹۵۷، با نگاهی به بقیه عالم، حضرت ولی امرالله سیزده محفل روحانی ملی جدید تأسیس فرمودند. این سیزده محفل روحانی ملی بعلاوه سه محفلی که قبلاً ذکر شد، به شانزده محفل ملی افزوده شدند اما در این جریان دو محفل ناحیه‌ای امریکای مرکزی و جنوبی منحل شدند. به این ترتیب مجموعه کل در رضوان ۱۹۵۷ به بیست و شش محفل ملی رسید.

حضرت ولی امرالله نشستند و پیام مخصوصی خطاب به عملاً کلیه این محافل روحانی ملی مرقوم فرمودند، گویی با آنها وداع می‌کردند. خواندن این پیام‌های حضرت ولی امرالله به محافل روحانی ملی واقعاً قلب را متأثر و متألم می‌سازد. هیکل اطهر هیچ اشارتی نفرمودند که این پیام‌ها آخرین توابع ایشان خواهند بود، اما موقع خواندن آنها هر کسی می‌توانست ملاحظه کند که هیکل مبارک آمال و منویات خود برای آینده را ابراز می‌کردند و راه‌هایی را که، بعضاً ناهموار و سنگلاخی بود، و آنها می‌بایست بپیمایند به طور کلی ترسیم می‌فرمودند.

برای هر یک از محافل ملی جدید نقشه‌ای فرعی عنایت کردند. برای محافلی که در ۱۹۵۶ تأسیس شدند نقشه‌های هفت‌ساله و به سیزده محفل دیگر که در سال بعد تأسیس شدند نقشه‌های شش‌ساله عنایت کردند که جمیع آنها در ظلّ جهاد روحانی دهساله بود.

موقعی که جهاد روحانی شروع شد و محتوای آن آشکار می‌گردید، نیازها و معضلات جدید رخ می‌گشود. حضرت ولی امرالله بدون ادنی قید و منعی از محافل ملی مربوطه خواستند اهداف ثانویه اضافه برای خود تعیین کنند. فی‌المثل، در مورد ایالات متحده، هیکل اطهر از یاران در آن کشور خواستند که در شهرهای بزرگ در سواحل اطلس و پاسیفیک اجتماع نکنند و دست به "هجرت عمومی و واقعی" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۸) از شهرهایی مانند نیویورک و لوس‌آنجلس بزنند و کاملاً اطمینان داشته باشند که تعداد پانزده نفر از احبای بزرگسال که در هر یک از این شهرها بمانند، کاملاً کافی خواهد بود. در مورد کانادا، محفل ملی را هدایت کردند که لجنات تبلیغ اقلیت‌ها را، با کمیسیون‌های تخصصی در تبلیغ

⁸⁷ مترجم: تنها مأخذی که مشاهده شد در Ministry of the Custodians، ص ۳۵۳ بود که اشاره شده حضرت ولی امرالله این محافل را interim regional institutions می‌خواندند. در پیام آوریل ۱۹۵۵ نیز اشاره فرموده‌اند، "در پیش‌بینی شروع مرحله سوم نقشه دهساله اعلام می‌کنم که در رضوان ۱۹۵۷ علاوه بر سه محفل روحانی ملی ناحیه‌ای که در سال ۱۹۵۶ در قاره آفریقا تشکیل خواهد شد، سیزده محفل روحانی ملی نیز تأسیس خواهد گشت که بعضی ناحیه‌ای، بعضی مستقل، بعضی موقت و بعضی دائم خواهند بود." (ترجمه - Messages to the Baha'i World، ص ۸۱)

کانادایی‌های فرانسوی‌تبار، اسکیموها و سرخپوستان، تشکیل دهند (*Messages to Canada*، ص ۶۴). و در مورد هندوستان، پاکستان و برمه، محفل ملی را هدایت فرمودند که کسب اراضی جهت قبرستان را مد نظر قرار دهند (نگاه کنید به صفحه ۴۱۵ *Messages to the Indian Subcontinent*).

حضرت ولی امرالله نسبت به کلیه دستاوردهای تکمیلی، اعم از آن که بنفسه تصریح فرموده باشند یا توسط تشکیلات به ابتکار خودشان حاصل شده باشد، عمیقاً علاقمند بودند. در نقشه جهان که توسط حضرت ولی امرالله برای پیشرفت جهاد روحانی جهانی در پنج سال اول تهیه شده، فهرست‌های ایشان از دستاوردها اقلیم بکر اضافی که مفتوح شده، اماکن متبرکه‌ای که ابتیاع شده، مدارس تربیتی که تأسیس شده، اراضی قبرستان‌ها و مدارس تابستانه که خریداری شده، محافل محلی جدیدی که تسجیل شده، و موقوفات محلی و حظائر قدس محلی را که تأسیس شده شامل می‌شود.

د) جهاد روحانی دهساله - پایان پرشکوه قیادت حضرت ولی امرالله

همانطور که قبلاً ذکر شد، حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع یکی از وظائف خود در عصر تکوین امر مبارک را منظم و مدون ساختن تعالیم مبارکه تعیین کرده‌اند (نگاه کنید به قرن بدیع، ص ۳۴). هیکل مبارک در هر کاری که در مرکز جهانی انجام می‌دادند منظم، منضبط و مرتب بودند و همین نظم و انضباط را انتظار داشتند نفوسی که تحت هدایت ایشان خدمت می‌کردند، اعم از افراد یا تشکیلات، نیز رعایت نمایند. قبلاً دیده‌ایم که چگونه در اجرای نقشه دهساله هیکل اطهر مرحله‌بندی را به عنوان روشی جهت اجرای منظم ارائه فرمودند.

جهاد روحانی جهانی حضرت ولی امرالله با نقشه‌های هفت‌ساله اول و دوم جامعه امریکای شمالی تفاوت داشت زیرا ابعاد و گستره آن جهانی بود، ده مورد از اهدافی که تعیین فرموده بودند در زمره مسئولیت‌های مرکز جهانی محسوب می‌شد، حضرات ایادی امرالله منصوب شده بودند و از طرف هیکل اطهر با دوازده محفل ملی به مشاوره می‌پرداختند و به عنوان نمایندگان آن حضرت در کنفرانس‌های بین‌القارّات و قاره‌ای حضور می‌یافتند و، بالاخره، ماهیت اهداف به نحوی بود که معاضدت نزدیک و دقیق در میان محافل روحانی ملی را ایجاد می‌نمود و وسائلی را فراهم می‌آورد تا بهائیان از نقاط مختلف عالم با یکدیگر ملاقات کنند و با هم آشنا شوند و در طرح‌های مشترک جمعی همکاری نمایند.

ناظر دقیق به سهولت متوجه می‌شود که این اقدامات برای آماده ساختن عالم بهائی جهت انتخابات بیت‌العدل اعظم در پایان نقشه در نظر گرفته شده بود. البته، این دقیقاً واقعه‌ای بود که رخ داد. حضرت ولی امرالله در آثار مبارکه خود، اعم از فارسی و انگلیسی، نشانه‌هایی ارائه کرده بودند که تا انتهای جهاد

روحانی مزبور زمان مقتضی فرا می‌رسید که واحد نهائی، یعنی قبه، بر روی ارکان و اعمده نظم اداری گذاشته شود. فی‌المثل، حضرت ولی امرالله به وضوح و مکرراً در تواقیع خود اظهار داشتند که عهد ثانی عصر تکوین با جشن‌های مؤوی اظهار امر علی حضرت بهاءالله در سال ۱۹۶۳ خاتمه خواهد یافت. در پنجم ژوئن ۱۹۴۷ - یعنی همان سالی که نقشه هفت‌ساله دوم امریکا شروع شد - هیکل اطهر در توقیعی خطاب به احبای امریکای شمالی، به وضوح اظهار داشتند که عهد ثانی شاهد "اکمال و اتمام یک نظم اداری که با سعی و مجاهدت فراوان تأسیس گشته" (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) خواهد بود. چند بند پایین‌تر در همان پیام مبارک هیکل اطهر بیت‌العدل اعظم را "اعلی‌معهد بنیان نظم اداری حضرت بهاءالله" دانستند (همان، ص ۱۸). بعلاوه، سال ۱۹۶۳ را حضرت ولی امرالله به عنوان سال تعیین شده که مقدر است شاهد انتشار عمومی و مظفریت جهانی امر حضرت بهاءالله باشد مشخص کردند - نتیجه‌ای که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرمودند و دانیال نبی در اشاره با سال ۱۳۳۵ مذکور در فصل آخر کتابش، نبوت کرده بود.

بعلاوه، در پایان اولین سال جهاد روحانی دهساله، در توقیعی عمومی به زبان فارسی، خطاب به یاران شرق، هیکل مبارک از احبای خواستند قیام به خدمت امرالله نمایند و متفرق شده در اقالیم و ممالکی که نیاز به مهاجر داشتند سکونت اختیار کنند، تا نقاط منفرد به جمعیت‌ها، جمعیت‌ها به محافل محلی تبدیل شوند؛ این محافل به محافل ملی منجر گردند و این محافل ملی با ظهور بیت‌العدل اعظم برکت یابند.^{۸۸} تمثیلی که در این پیام به کار می‌برند جریان تحول نقطه به کتاب است. به این ترتیب احبایی که به تنهایی در محلی ساکنند به نقطه، جمعیت‌ها به حروف، محافل محلی به کلمات، محافل ملی به جملات و بیت‌العدل اعظم به "کتاب مبین"، "قبه" و "تاج" نظم اداری امر الهی تشبیه می‌شوند. این توقیع منبع به وضوح ظهور بیت‌العدل اعظم را تا پایان جهاد روحانی جهانی پیش‌بینی می‌فرماید.

^{۸۸} توضیح مترجم: احتمالاً اشاره جناب نخجوانی به توقیع منبع ۱۱۰ بدیع است که در طی آن می‌فرمایند، "... با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ در اتساع دایره امرالله و انتشار نجات‌الله و استحکام اساس شریعه‌الله لیلاً و نهاراً همّت بگمارند؛ نعره‌زنان و یا بهاء‌الابهی گویان به سوی اقالیم غیرمفتوحه و مراکز جدیدالتأسیس بشتابند و به تأسیس مراکز منفرد که به منزله نقاط متوکلاً علی‌الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرد را با سرعت مایمکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً به جماعات که به منزله حروفاتند مبدل نمایند و جماعات را متعاقباً به محافل محلی که به مثابه کلمات نامتاند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیه محلیه در ممالک مختلفه متماداً همّت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمن‌های شور روحانی متدرجاً به کمال متانت فراهم گردد و محافل ملی روحانی که به منزله آیات بیناتند تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان قبه بنیان الهی که بیت عدل اعظم و به مثابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسسات نظم بدیع الهی به این تاج مفخرت عظمی متوج گردد و در دامنه کرم الهی جبل‌الرب در مقرّ معین استقرار یابد." (توقیعات ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۹۴-۱۹۳)

ه) پیام‌های حضرت ولی امرالله به محافل روحانی ملی در طی شش ماه اخیر حیات عنصری چندین سال قبل از واقعهٔ صعود مبارک، اقدام معمول حضرت ولی امرالله شده بود که برای انجمن‌های شور روحانی ملی در سراسر عالم پیامی جهانی ارسال فرمایند. در این پیام‌ها هیکل اطهر تصویری اجمالی از دستاوردهای عمده در مرکز جهانی و جوامع ملی در سراسر سال ارائه می‌فرمودند، شرایط عالم را که مرتباً رو به وخامت می‌رفت تحلیل می‌کردند و این اوضاع را به اندازات و نبوات نازله از قلم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء ربط می‌دادند، و توجهٔ احباء را به نیازهای امر مبارک و معضلات جاری آن جلب می‌کردند. در چهار پیام آخر که برای انجمن‌های شور ارسال داشتند به طور اخص به جهاد روحانی، پیشرفت آن و وظائف فوری آن که مستلزم توجه مبرم بود اشاره فرمودند. آخرین پیام جهانی مبارک خطاب به انجمن‌های شور که در آوریل ۱۹۵۷ شرف صدور یافت هجده صفحه بود. این پیام خاص با دو بند به پایان رسید که فوق‌العاده تکان‌دهنده و سوزناک و مشحون از عواطف و احساسات دردناک بود. هیکل اطهر مرقوم فرمودند:

ازعموم برادران و خواهران روحانی خویش در جمیع اقطار عالم، از صغیر و کبیر و از فقیر و غنی و مؤمن قدیم و جدید، رجا دارم که در این موقع خطیر ... مزیداً لما سبق در اجرای اصول و مبادی سامیه امر مبارکی که در ظل آن مستظلاً و در تحقق فوری اهداف جهاد کبیر اکبری که بدان مبادرت نموده‌اند، اعم از آن که عملاً در آن شرکت داشته یا نداشته باشند، به انجذاب و انقطاعی بی‌مثیل قیام نمایند؛ انجذاب و انقطاعی که تعهدات شدید و مقدّس و قیام عاشقانهٔ مطالع انوار را در آغاز عصر رسولی که ... برای انجام وظائف عمومیّه امریه در اجتماع بدشت مجتمع شده بودند به خاطر آورد. (توقیعات ۱۱۴-۱۰۹، ص ۲۷۹-۲۷۸) در بند آخر توقیع مزبور چنین آمده است:

امید است این جهاد عظیم روحانی که وارثین ممتاز و جانشینان کنونی دلاوران عصر اولای این امر نازنین به مبارکی و میمنت به اجرای آن قیام نموده‌اند، حال که سریعاً به جانب نیمه راه رهسپار یعنی نیمی از آن رو به انقضاء است چنان نتیجه و اثری به بار آرد که موجب حیرت مجریان این جهاد اعظم و تحیر و تعجب جهانیان گردد و از فیوضات عالم بالا و تأییدات ملاً اعلی چنان قدرت و قوت آسمانی کسب نماید که با توفیق کامل و فتح و پیروزی نمایان اختتام یابد. (همان، ص ۲۷۹)

از پیام‌هایی که حضرت ولی امرالله از ژوئن تا اکتبر ۱۹۵۷ ارسال داشتند، واضح بود که ایشان قصد داشتند عطیه‌های گرانبهایی را برای آیندگان به یادگار بگذارند:

- ۱- پیامی به تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۵۷ خطاب به حضرات ایادی امرالله و محافل روحانی ملی در سراسر عالم. در بخش مربوط به حضرات ایادی امرالله متن این پیام به طور کامل آمده است.^{۸۹}
- ۲- در پیامی به تاریخ اکتبر ۱۹۵۷ نیاز به پنج کنفرانس بین‌القارات را اعلام فرمودند که به ترتیب در کامپالا، اوگاندا برای افریقا، در سیدنی، استرالیا، برای منطقه استرالیا و نیوزیلند، در شیکاگو،

^{۸۹} مترجم: ترجمه متن مزبور در صفحات ۱۰۴-۱۰۲ طبع ثانی ارکان نظم بدیع آمده است.

ایالات متّحده امریکا برای نیمکره غربی، در فرانکفورت، آلمان برای اروپا، و در جاکارتا، اندونزی برای آسیا، به ترتیب در ماههای ژانویه، مارس، مه، ژوئیه و سپتامبر ۱۹۵۸ تشکیل شود تا نقطه نیمه راه جهاد روحانی جهانی را رقم زند.

۳- در همان پیامی که در بالا ذکر شد، هیکل اطهر آخرین گروه از هشت ایادی امرالله دیگر را منصوب فرمودند، که از چهار قاره عالم انتخاب شده و قبل از اقبال به امر مبارک در سلک مسیحیان، مسلمانان، یهودیان و بت پرستان سالک بودند. دقیقاً همین پیام بود که به حضرات ایادی اختیار داد هیأت معاونت دیگری را منصوب نمایند و به این ترتیب وظیفه هیأت اول را، با وظیفه صریح نظارت و مراقبت از امنیت امر مبارک و صیانت آن تکمیل کنند. و بالاخره، در همین پیام بود که هیکل مبارک، همانطور که قبلاً ذکر شد، با اشاره به حضرات ایادی امرالله به عنوان "حارسان اعظم جامعه جهانی جنینی امر حضرت بهاءالله" (*Messages to the Baha'i World*، ص ۱۲۷)، آنها را مورد تحسین و تقدیر بیشتر قرار دادند.

۴- علاوه بر موارد فوق، همانطور که قبلاً اظهار داشتم، هیکل اطهر عملاً برای کلیه بیست و شش محفل روحانی ملی که در آن زمان فعالیت داشتند پیامی خاص ارسال داشتند که در طی آن بر آنچه که وجوه حیاتی و وظائف ناتمام فعالیت آنها تلقی می کردند تأکید فرموده از آنها تقاضا نمودند در مجهودات خود از پای نشینند و استراحت پیشه نکنند تا امور عظیم جهاد روحانی به نحوی مناسب و شایسته اکمال و اتمام پذیرد. برای مورّخین بهائی آینده بسیار جالب و جاذب خواهد بود که این آخرین توابع را مورد تحلیل قرار دهند تا جواهر گرانهای الهامات الهیه را که این پیامهای جاودانی و فناپذیر به آن مزین گشته و بسیاری از آنها به قلم نفس هیکل اطهر به عنوان پی‌نویس به مکاتیبی افزوده‌اند که کاتب از قبل آن حضرت مرقوم داشته، شناسایی نمایند. حضرت ولی امرالله در این پیام‌ها هر یک از جوامع ملی را به علت انتصارات حاصله مورد مدح و ستایش قرار داده، بیانات خود را بر آنچه که احساس می کردند برای پیشرفت بلاوقفه و بدون مانع امر الهی در کشور یا منطقه مورد خطاب، حیاتی، مبرم و ضروری بود متمرکز می ساختند.

برای این مطالعه ما، از پیام‌هایی که در دسترس من بود، نکات مهمی را گلچین کرده‌ام که می‌تواند برای جامعه اسم اعظم که در این زمان برای اختتام موفقیت آمیز نقشه پنج‌ساله تلاش می‌کند، کاربرد عمومی داشته باشد.

وظائف و تکالیفی که اجرای آن توسط محفل ملی واجب است

- ۱- تلقی فعالیت محفل ملی به عنوان ضرفان قلبی سالم در جامعه، که تشویق، قوا و محبت روحانی را به کلیه اعضاء و اجزاء می‌رساند.^{۹۰}
- ۲- محفل ملی باید خود را به عنوان والدی مهربار مشاهده کند نه قاضی و داوری خشن و خشک.^{۹۱}
- ۳- جایگزین کردن بردباری و شکیبایی محبت‌آمیز به جای اقدامات خشن و خشک در هنگام سلوک و رفتار با جامعه به طور اعم. اما، وقتی که سلوک هر یک از احباء به نحو فاحشی مضر به مصالح امریه و باعث هتک حرمت و حیثیت امر مبارک است، هیچگونه مصالحه‌ای صورت نگیرد.^{۹۲}
- ۴- اجتناب از افزودن قوانین و مقررات به خط‌مشی‌ها، زیرا مساهله در امور اداری به مراتب بهتر از سخت‌گیری در امور اداری است.^{۹۳}
- ۵- مضاعف ساختن تعداد محافل محلی، جمعیت‌ها و نقاط منفرد که بهائیان سکونت دارند، و نیز تعداد محافل روحانی مسجل.^{۹۴}
- ۶- افزودن بر تعداد نمایندگان اقلیت‌هایی که به امر مبارک اقبال کرده‌اند.^{۹۵}
- ۷- ملحوظ داشتن مدارس تابستانه به عنوان محلی جهت کسب معرفت بیشتر نسبت به امر مبارک و وسیله‌ای برای مصاحبت و مجالست امری بیشتر.^{۹۶}
- ۸- اهمیت دادن به خبرنگار ملی.^{۹۷}
- ۹- فعلاً حفظ سیاست مطالعه انتشارات بهائی قبل از انتشار جهت تصویب.^{۹۸}
- ۱۰- توسعه اساس شناسایی رسمی موقف امر مبارک در مطالبی مانند احترام به تقدس ایام متبرکه بهائیه و صدور گواهی ازدواج بهائی.^{۹۹}

^{۹۰} مترجم: این تعبیر را می‌توان در صفحه ۳۵ *High Endeavours – Messages to Alaska* ملاحظه کرد.

^{۹۱} مترجم: در همان مأخذ ملاحظه شود.

^{۹۲} مترجم: این بیان را می‌توان در صفحه ۲۹۷ جلد اول *The Light of Divine Guidance* یافت.

^{۹۳} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۳۵ *High Endeavours – Messages to Alaska*

^{۹۴} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۸۰ *Japan Will Turn Ablaze*

^{۹۵} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۴۲۴ *Messages to the Indian Subcontinent*

^{۹۶} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۳۶ *High Endeavours – Messages to Alaska*

^{۹۷} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۱۹ *Letters from the Guardian to Australia and New Zealand*

^{۹۸} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۱۲۰ جلد دوم *The Light of Divine Guidance*

^{۹۹} مترجم: نگاه کنید به صفحه ۴۸ *Messages to Canada* و نیز صفحه ۷۱ *Arouhani – Letters to New Zealand*

نکته‌ای که مستلزم توضیحاتی است، ردیف شماره ۴ است، یعنی خودداری از افزودن قوانین و مقررات به خط‌مشی‌ها، زیرا که مسأله در امور اداری به مراتب بهتر از سخت‌گیری در امور اداری است (انوار هدایت، شماره ۱۳۶). این نکته بسیار مهمی است. در طی این هفته من در این مورد با شما صحبت می‌کردم که احبّاء چقدر عاشق نظم اداری هستند چون نظم اداری زیبا است. صادقانه بگویم، هیچ‌چون و چرایی در این مورد وجود ندارد اما به نظر می‌رسد ما به شرح و بسط آن می‌پردازیم و سعی می‌کنیم آن را بزرگتر و پیچیده‌تر سازیم. وقتی محافل روحانی ملی شروع به صدور دستورها و قرارها و دستورالعمل‌های جدید کردند، حضرت ولی امرالله خشنود نشدند. هیکل مبارک توصیه می‌کردند که امر مبارک را ساده نگه دارید و بار اضافه بر شانه‌های بهائیان نگذارید و به طور معتدل و با میانه‌روی امور را اداره کنید. این نکته‌ای است که عموماً باید مدّ نظر داشته باشیم.

وظایفی که جامعه باید انجام دهد

- ۱- درک اهمّیت وحدت و محبّت در میان احبّاء^{۱۰۰}
- ۲- افزایش مداوم تعداد حامیان ثابت قدم امر مبارک^{۱۰۱}
- ۳- توجّه به این نکته که راهی که در پیش است ناهموار، سنگلاخی و پُر پیچ و خم و مشحون از امتحانات و افتتانات فراوان است.^{۱۰۲}
- ۴- استقبال از مخالفت‌هایی که مقدر است سبب شهرت روزافزون امر مبارک شود.^{۱۰۳}
- ۵- کسب برداشت و درک عمیق‌تر از مبدأ، اهمّیت، عملکردها و موقف فعلی و دستاوردهای نظم اداری امر الهی و نیز میثاق بهائی که نظم مزبور بر پایه آن استوار است.^{۱۰۴}
- ۶- درک لزوم حمایت از صندوق ملی^{۱۰۵}
- ۷- وقوف بر این که حداکثر نفوذ روحانی تشکیلات ملی امر مبارک منوط به میزان ایثار و فداکاری کسانی است که به صندوق تبرّع می‌دهند.^{۱۰۶}

¹⁰⁰ مترجم: نگاه کنید به *The Light of Divine Guidance* ج ۱، ص ۲۴۴ و ج ۲، ص ۵۶

¹⁰¹ مترجم: نگاه کنید به صفحه ۸۵ *Japan Will Turn Ablaze*

¹⁰² مترجم: نگاه کنید به حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۵

¹⁰³ مترجم: نگاه کنید به ص ۳۰۱ جلد اول *The Light of Divine Guidance*

¹⁰⁴ مترجم: نگاه کنید به ص ۳۸۵ *The Unfolding Destiny of British Baha'i Community*

¹⁰⁵ مترجم: نگاه کنید به صفحه ۱۷ *Messages to the Indian Subcontinent*

وظائف آحاد احبّاء

- ۱- شرکت در تبرّعات امری و در تبلیغ امر مبارک - وظائفی که بر کلیه احبّاء واجب است.
- ۲- درک اهمّیت فرد مؤمن به عنوان واحد اساسی برای تجدید حیات، اتّساع و تقویت جبهه داخلی^{۱۰۷}
- ۳- خدمت به عنوان مبلغ سیار در سفرهای تبلیغی به مراکز مختلفه در جبهه داخلی^{۱۰۸}
- ۴- عمیق کردن درک و برداشت از امر مبارک و نیز محبّت نسبت به آن
- ۵- بذل مساعی مجدّانه، دقیق و مستمر در موقع تبلیغ امر مبارک
- ۶- اجتناب از بی‌قیدی، جُبْن و رضایت از خود در ایفای مسئولیت‌های روحانی^{۱۰۹}
- ۷- بذل مساعی هر روزه و با روشی منظم، در ارتقاء به مدارج اعلای انقطاع و فداکاری^{۱۱۰}

و - اهمّیت نقشه دهساله آنچنان که حضرت ولی امرالله در جریان تکامل امر مبارک و عالم انسانی به آن نگاه می‌کردند

وقتی حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۳ جهاد روحانی دهساله را شروع کردند، در پیامی به تاریخ ۴ مه همان سال، هیکل اطهر مراحل چند را در ایقاز روحانی و تکامل نوع بشر مطرح فرمودند. این تکامل را هیکل اطهر در ده مرحله توصیف فرمودند (به نمودار شماره ۴ مراجعه نمایید).

دوره‌ای که از دمیدن فجر کور آدم شروع می‌شود تا رسالت حضرت رسول اکرم مرحله اوّل این جریان جلیل تجلّی مشیت الهیه را تشکیل می‌دهد. طبق این پیام مبارک، در عهد حضرت آدم، شجره ظهور الهی در ارض مشیت الهی غرس گشته و در ادوار متتابعه کور آدم به "دم شهدای لاتعدّ و لاتحصی" سقایه گشته است. هیکل اطهر در این پیام خاطرنشان فرمودند که مرحله‌های دوم و سوم عبارت از حصول ثمره کامل شجره مزبور، یعنی حضرت ربّ اعلی، و نیز معصوریّت این ثمر جنیّ رطب لطیف در آسیاب محن و بلایا است که شش سال بعد در تبریز دهن آن ظاهر گردید. طبق این پیام مبارک، سه مرحله بعد دورانی از قیادت و رسالت حضرت بهاءالله از طریق "اشتعال این دهن لطیف است که به ید قدرت الهیه" در سیاه‌چال طهران افروخته شد، و سپس اشراق آن "لمعه نور" ظهور الهی در مدینه‌الله است که متعاقباً با "اشتعال مصباح

¹⁰⁶ مترجم: نگاه کنید به ص ۳۰۴ جلد اوّل *The Light of Divine Guidance*

¹⁰⁷ مترجم: نگاه کنید به صفحه ۲۰۳ حصن حصین شریعت‌الله

¹⁰⁸ مترجم: نگاه کنید به صفحه ۲۶۴ جلد اوّل *The Light of Divine Guidance*

¹⁰⁹ مترجم: نگاه کنید به حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۶

¹¹⁰ مترجم: نگاه کنید به حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۳

الهی در ادرنه در بلور آخری است که به اشدّ اشراق از آن مدینه و سپس از سجن عکا سیزده اقلیم از اقلیم آسیا و افریقا را روشن و منور گردانید. "مرحله هفتم عبارت از "سطوع آن نور الهی" به بیست اقلیم دیگر در قارات امریکا، اروپا و استرالیا است. مرحله هشتم "انتشار آن نور الهی" در طیّ سی و دو سال اول عصر تکوین امر مبارک به نود و چهار اقلیم دیگر از اقلیم کره ارض بود.^{۱۱۱} به این ترتیب، هشت مرحله از شروع کور آدم تا سال ۱۹۵۳، یعنی شروع جهاد روحانی دهساله، را شامل می‌شد. کلّ این مدّت بالغ بر ۶۱۰۹ سال (۶۰۰۰+۲۳+۹) می‌شود. حضرت ولی امرالله که به این ترتیب ما را به سال ۱۹۵۳ رسانده بودند، توضیح دادند که در این انتشار نور الهی که به نحوی غیر قابل تصوّر چشمگیر بود، مرحله نهم اکنون شروع می‌شد. همانطور که دیدیم، در طیّ این جهاد روحانی، که قویاً از نیرو و قوای عظیمی برخوردار بود، نور ظهور الهی مقدّر بود به ۱۳۱ اقلیم غیرمفتوحه وارد شود - شاهکاری عظیم که از لحاظ عظمت و نیز تأثیری که برای سرنوشت در حال انحطاط بشریت به ستوه آمده داشت، بی‌مثیل و بدیل بود.

شروع مرحله دهم این جریان اسرارآمیز و تاریخی در سال ۱۹۶۳، یعنی پایان جهاد کبیر روحانی دهساله و انتخاب بیت‌العدل اعظم بود. اگر محاسبه حضرت ولی امرالله را پی بگیریم، بشریت اکنون ۶۱۱۹ سال را پشت سر گذاشته بود. مرحله دهم و آخر این جریان، طبق پیام حضرت ولی امرالله، در عبارات زیر توسط هیکل مبارک توصیف شده است:

مرحله دهم که مرحله نهائی این سیر عظیم است سرایت و نفوذ آن نور الهی در طیّ جهادهای عدیده و در عهد متوالیه دو عصر تکوین و ذهبی امرالله به جمیع اقلیم باقیه کره ارض است که باید به وسیله استقرار کامل نظم اداری حضرت بهاءالله در کلبه اقلیم شرق و غرب تحقّق پذیرد و آن مرحله‌ای است که انوار آئین مظفر و منصور الهی به کمال قدرت و عظمت بر جهانیان تابیده و کره ارض را احاطه خواهد نمود. (صفحه ۱۵۵ *Messages to the Baha'i World* - نقل ترجمه از صفحه ۳۵ کتاب "انتشار امرالله")

وقتی بیان فوق را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، چهار نکته مهم از آن حاصل می‌شود:

- ۱- واضح است که مقصود آن است که مرحله دهم، که در سال ۱۹۶۳ شروع شد، تمامی گستره قرنهای منتهی به انتهای دور حضرت بهاءالله را در بر گیرد.
- ۲- ما باید عهد متوالی و جهادها و نقشه‌های متعدده‌ای را پیش روی خود تا پایان دور حضرت بهاءالله، در سراسر سالهای باقیمانده از عصر تکوین و تمام دوران عصر ذهبی امر مبارک، انتظار داشته باشیم. تردیدی نیست که این نقشه‌ها تحت هدایت بیت‌العدل اعظم تدوین و اجرا خواهد شد.

^{۱۱۱} مترجم: مأخذ این بیان مبارک *Messages to the Baha'i World*، ص ۱۵۴ است. ترجمه آن از صفحات ۳۴-۳۲ کتاب "انتشار امرالله" اثر هوشنگ محمودی نقل گردید.

۳- حضرت ولی امرالله تصدیق می‌فرمایند که جهاد روحانی دهساله، به تمام معنی کلمه، به موضوع انتشار آن نور الهی در کلیه نقاط کره ارض نپرداخت. هدف از جهاد روحانی مزبور فتح کلیه اقالیم مستقل و، به اصطلاح حضرت ولی امرالله، اقالیم عمده تحت‌الحمایه (به عبارت دیگر، نه تمام اقالیم غیرمستقل) عالم بود. این دستاورد اخیر را هیکل مبارک به مرحله دهم موقوف فرمودند، یعنی زمانی که نقشه‌های آتی، به بیان هیکل اطهر، به "جميع اقالیم باقیه کره ارض" خواهد پرداخت.

۴- انتشار عالم گیر نور ظهور الهی با اجرای جهاد روحانی دهساله، از هر لحاظ حاصل گردید. بعد از این انتشار دو مرحله دیگر را که حضرت ولی امرالله پیش‌بینی فرموده‌اند، "نفوذ" نور و حرارت ظهور الهی در اعماق کره ارض و مرحله بعد انتشار آن حرارت در سراسر لایه‌های عمیق‌تر آن خواهد بود. این تحوّل را هیکل اطهر به عنوان "محیط شدن" آن نور و حرارت بر کل کره ارض توصیف فرموده‌اند. البته، ما نباید فراموش کنیم که این فقط یک استعاره است که حضرت ولی امرالله برای توصیف گستره و میزانی که قوه محرکه ظهور حضرت بهاءالله ابتدا در قلوب و نفوس انسانها رسوخ خواهد کرد، و جریانی از انتشار گرمای حیات‌بخش ظهور الهی در لایه‌های عمیق و بافت‌های منجمد و مرده هیکل جامعه بشری منتشر در تعقیب آن واقع خواهد شد استفاده فرموده‌اند.

در حالی که سه واژه "انتشار"، "نفوذ" و "احاطه کردن" از لحاظ لغوی در جمله حضرت ولی امرالله مبهم نیست، اما آنچه که در این برهه از زمان برای ما مشخص نیست مقصود از نفوذ و احاطه، به معنای کامل کلمه، از لحاظ اهداف، مقاصد، نقشه‌ها و عهود آینده است. تردیدی نیست که وقتی میقات مقتضی فرا رسد بیت‌العدل اعظم، که هیأت موهوبه الهیه و مسئول مرحله دهم است، هدایات لازمه را به عالم بهائی عنایت خواهد فرمود.

آیا ما نمی‌توانیم، با استفاده از استعاره حضرت ولی امرالله در این جمله، جسارت این فرضیه را به خود بدهیم که، همانطور که هیکل اطهر فرمودند، مفهوم نفوذ عبارت از "استقرار کامل نظم اداری حضرت بهاءالله در کلیه اقالیم شرق و غرب" خواهد بود؟ این مرحله طبیعتاً قرینه و مکمل خود را در امر تبلیغ خواهد یافت. بنابراین، آیا ما نمی‌توانیم اعلام نظر کنیم که این تحوّل در نظر گرفته شده همان مرحله‌ای خواهد بود که ما اکنون، با عبور از آستانه "دخول افواج مقبلین" به سوی آن رهسپاریم؟

مرحله نهائی، یعنی زمانی که نور و گرمای ظهور الهی، ظاهراً و باطناً، قابلیت و استعداد خداداده خود برای روحانی کردن و وحدت بخشیدن به امم ارض را ظاهر و باهر ساخته، به خوبی می‌تواند با مرحله

"اقبال دسته‌جمعی" که از مدتها قبل انتظارش می‌رفته مرتبط شود؛ مرحله‌ای که بنا به توصیف حضرت ولی امرالله تحوّل مقارن و هم‌زمان با وقایعی خواهد بود که "ناگهان مقدّرات امر را دیگرگون کرده نظم عالم را مضطرب ساخته و بنیة عددی و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاءالله را هزار برابر خواهد کرد" (حسن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۴). این نقطه اوج و کمال که فوق‌العاده مجلّل و باشکوه است تلاقی نقشة صغیر الهی با نقشة کبیر حضرتش خواهد بود. این مرحله را حضرت ولی امرالله در عبارات زیر، که پیام ۴ مه ۱۹۵۳ را با آن خاتمه بخشیده‌اند، چنین توصیف فرموده‌اند:

این مرحله نهائی که اکیلیل جلیل تکامل نقشة‌ای است که ذات الوهیت بنفسه برای عالم انسانی در نظر گرفته، به نوبه خود، ثابت خواهد کرد که دال بر ولادت مدنیته جهانی خواهد بود که از لحاظ وسعت، خصلت و قوت، در تاریخ نوع بشر بی‌سابقه و نظیر است - مدنیته که نسلهای آینده، هم‌صدا، به عنوان ثمره جنیه عصر ذهبی دور حضرت بهاءالله مورد تحسین و تمجید قرار خواهند داد؛ مدنیته که حاصل پر بار آن در ادوار آتیه‌ای که مقدّر است در طی کور پانصد هزارساله بهائی متوالیاً به ظهور برسند، برداشت خواهد شد (ترجمه - صفحه ۱۵۵ *Messages to the Baha'i World*).

نکته حائز اهمیت در این بیان آن است که وقتی سه مرحله "انتشار"، "نفوذ" و "احاطه کردن" پشت سر گذاشته شود، مرحله پیش‌بینی شده اقبال دسته‌جمعی، و نیز "روحانی کردن" این نفوس مقبله حاصل شود، علائم ولادت مدنیته "بی‌مثیل" بهائی ظاهر خواهد شد؛ ثمره‌ای که عصر ذهبی امر مبارک نهایتاً به وجود خواهد آورد و، در طی ادوار آتیه، عالم انسانی را قادر خواهد ساخت "حاصل پر بار" آن را که مدتهای مدید از ازل الازل انتظار می‌رفته، شاهد و ناظر باشند.

سؤال و جواب

س - آیا ممکن است توضیحی قطعی درباره هدف تأسیس شعب محافل در اسرائیل، که در زمره هدف ۲۳ مطرح شده، عنایت کنید؟

ج - میل حضرت ولی امرالله بر این قرار گرفت که به عنوان اجر و پاداش خدمات برجسته محافل روحانی ملی، بعضی از اماکن و املاک در ارض اقدس (و احتمالاً در آینده موقوفات بین‌المللی در سایر ممالک که در زمره اماکن متبرکه محسوبند) رسماً نزد حکومت‌های مربوطه به نام این محافل ملی ثبت شود. برای شروع این جریان در زمان قیمومیت انگلیس، هیکل اطهر شعب معدودی از محافل ملی را در فلسطین ثبت فرمودند. این واحدهای حقوقی نزد حکومت به عنوان جوامعی با مجموعه بسیار ساده‌ای از نظام‌نامه‌های داخلی ثبت شدند که امضاء دو تن از مسئولین، مانند رئیس و منشی جامعه مزبور را لازم داشتند. حضرت ولی امرالله نظامنامه ساده‌ای را تنظیم کردند و ایشان و کاتب انگلیسی هیکل اطهر در آن زمان به ترتیب به عنوان رئیس و منشی جامعه آن را امضاء کردند. وقتی دولت اسرائیل شکل گرفت این عمل ادامه یافت اما چون نام کشور تغییر یافته بود، یعنی اسرائیل شده بود، در قانون جدید، عنوان "فلسطین" تغییر یافت و اکنون به نام "جوامع دوستانه" خوانده می‌شوند.

این اقدام موقفی را به اماکن متبرکه ما می‌دهد و آنها را متعلق به کل جامعه بهائی، که در سراسر کره ارض پراکنده است، می‌شناسد. بعلاوه، این قدمی است که می‌تواند اقدامی مضاعف باشد که برای صیانت اماکن متبرکه بهائی برداشته شده است. این اماکن به این ترتیب نه تنها به طور نظری، بلکه با سیاست‌های صحیح حقوقی، به نحوی صحیح متعلق به شعب محافل روحانی ملی سراسر جهان می‌شود.

س - لطفاً اطلاعات بیشتر در مورد محاکم دینی بهائی از لحاظ فعالیت و و اختیارات قانونی و قضایی آینده بیان کنید. آیا آنها از محافل روحانی محلی و ملی جدا خواهند بود یا وظائف خود را همراه با محافل مزبور انجام خواهند داد؟

ج - ایده تأسیس محاکم دینی این است که محفل بنفسه، اعم از محلی یا ملی، محکمه‌ای دینی در سطح محلی یا ملی خواهد شد. مؤسسه مطبوعات امری جنبه‌ای از کار محفل روحانی ملی را انجام خواهد داد اما خود را به عنوان نهاد انتشاراتی امری به ثبت می‌رساند، زیرا فعالیتی جداگانه است. همینطور، محفل روحانی ملی و محلی به ثبت می‌رسند و شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند یا، در صورت لزوم، خود را به ثبت می‌رسانند تا اولیاء حکومت مدنی به عنوان محاکم دینی آنها را به رسمیت بشناسد. این الزاماً بدان معنی نیست که این محافل واقعاً و عملاً به قضایای طلاق می‌پردازند، به اختلافات بین افراد و غیره رسیده می‌کنند. البته، اگر جامعه کوچک باشد آنها این کار را انجام می‌دهند اما نه زمانی که جامعه بزرگ شد.

قبلاً در زمان حضرت ولی امرالله، در ایران، به علت تعداد زیاد احباء در آن کشور و بخصوص در شهر تهران، محفل روحانی محلی طهران مجبور بود دارای لجنات تخصصی باشد و این لجنات کم و بیش مانند محاکم عمل می‌کردند. محفل دو یا سه تن از حقوقدانان برجسته بهائی یا احبائی که در امور حقوقی مجرب بودند انتخاب می‌کرد، و این احباء به عنوان لجنه، مثلاً، امور حقوقی امری شماره ۱ و شماره ۲ و غیره عمل می‌کردند. وقتی قضایا به محفل محلی طهران تقدیم می‌شد، آنها به طور خودکار به یکی از این لجنات حقوقی تخصصی تسلیم می‌شد تا از طرف محفل روحانی محلی به موضوع رسیدگی کنند. تمهیدات مربوط به توسل به استیناف نیز فراهم می‌شد.

وقتی می‌گوییم محفل روحانی محلی محکمه خواهد شد این الزاماً بدان معنی نیست که محفل مجبور خواهد بود در مورد هر قضیه‌ای به قضاوت پردازد. محفل می‌تواند، در صورت تمایل و در صورت نیاز، این مسئولیت را به لجنات یا بعضی نهادهای فرعی واگذار کند.

س - شورای بین‌المللی بهائی دقیقاً چه بود؟ وظائفش چه بود؟ چرا به عنوان مقدمه و پیش‌درآمد بیت‌العدل اعظم عمل نکرد، عالم بهائی را بعد از صعود حضرت ولی امرالله تا پایان جهاد روحانی دهساله هدایت نکرد؟ بعد از سال ۱۹۶۳ چه اتفاقی برایش افتاد؟

ج - وظائف شورای بین‌المللی بهائی، آنطور که توسط حضرت ولی محبوب امرالله تعیین شده بود، اول از همه مساعدت به حضرت ولی امرالله در اتمام و اکمال مقام اعلی و شروع به بنای ساختمان دارالآثار بود. وظیفه دیگرش تقویت پیوندها و روابط با حکومت کشور، ایجاد پل‌های ارتباطی و تقویت پیوندها با دولت جدیدالتاسیس بود. وظیفه سوم که به شورا محول شد مطالعه احکامی بود که بر احوال شخصیه اثر می‌گذاشت؛ فی‌المثل، همانطور که بحث کردیم، در قضایای ازدواج و طلاق؛ تا معلوم شود تا چه حد امکان داشت امتیازات بیشتری، حقوق بیشتری از حکومت این سرزمین برای جامعه بهائی گرفته شود. قبلاً حقوق اجرای تشریفات رسمی ازدواج بهائی را حضرت ولی امرالله بنفسه، قبل از انتصاب شورا، کسب کرده بودند. برای اجرای این وظیفه، شورا می‌بایست به بررسی و کشف امکانات تأسیس محکمه دینی بهائی در ارض اقدس پردازد. همانطور که به شما گفتم، نتیجه این مطالعه آن بود که برخورداری از محکمه‌ای که هم‌سطح محاکم دینی سایر ادیان باشد امکانپذیر نبود و آن محاکم نیز به نوبه خود از لحاظ اجرای امور خود روز به روز محدودتر می‌شدند. لذا، این نتیجه حاصل شد که اجرای آن در آن زمان امکانپذیر نبود.

بخش دیگر سؤال این است که چرا شورای بین‌المللی بهائی عالم بهائی را در طی دوران فترت هدایت نکرد. این بدان علت بود که حضرت ولی امرالله در آخرین پیام عمومی خود به عالم بهائی به

حضرات ایادی امرالله به طور اخصّ به عنوان حارسان اعظم امرالله اشاره فرموده بودند. ایشان این عنوان را به شورای بین‌المللی بهائی یا اعضاء آن عنایت نکردند؛ بنابراین، منطقی آن بود که احبّای عالم به ایادی امرالله توجه نمایند.

س - اگر بیت العدل اعظم ظهور مظهر ظهور جدید الهی را اعلام کند، طبق این اصل که پیروان دیانت سابق باید دارای قلوب صافیه باشند، عالم انسانی چگونه عکس العمل نشان خواهد داد؟ آیا این اصلی نیست که همیشه باید نفوس صادقّه مؤمنه را از نفوس ضالّه متمایز سازد؟

ج - احدی نمی‌داند که این موضوع چگونه رخ خواهد داد، چه زمانی و تحت چه شرایطی واقع خواهد شد. چون حضرت بهاءالله به خوف و بیم خود اشاره می‌فرمایند،^{۱۱۲} این بدان معنی است که محققاً مخالفت وجود خواهد داشت. این بدان علت است که حضرت بهاءالله در ایقان می‌فرمایند که کلیّه مظاهر ظهور به مخالفت مواجه می‌شوند.^{۱۱۳} حضرت ولی امرالله به زائرین می‌فرمودند که میزان مخالفت به مراتب کمتر از قبل خواهد بود. مخالفت وجود خواهد داشت اما نه به همان میزان و نه به همان شدت. لوحی از قلم حضرت بهاءالله نازل شده که توضیح می‌فرمایند که تجسّم شرایطی که مظاهر ظهور بعدی ظاهر خواهد شد چقدر دشوار است. طلعت ابهی می‌فرمایند که حجّت در اثبات حقانیت ادّعی مظهر ظهور بعدی خداوند، بر خلاف همیشه، آیات و کلمات مُنزله نخواهد بود، بلکه امر دیگری خواهد بود.^{۱۱۴} برای ما ابناء بشر

¹¹² توضیح مترجم: حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "لم یکن حزنی من نفسی بل علی الّذی یأتی من بعدی فی ظلّ الأمر بسلطان لائح مبین" (نقل در دور بهائی، ص ۴۰)؛ و نیز می‌فرمایند، "قل یا قوم دعوا کلّ ما عندکم عند کلّ ظهور و خذوا ما نأمرکم به و هذا امرالله علیکم و أنّه هو خیر الأمرین فو جمالی لم یکن مقصودی فی تلك الکلمات نفسی بل الّذی یأتی من بعدی و کان الله علی ذلک شهید و علیم. لاتفعلوا به ما فعلتم بنفسی" (آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۲۹۳ / کتاب مبین ص ۳۰ / جمله آخر را حضرت ولی امرالله در دور بهائی صفحه ۴۰ در اشاره به ظهور بعد نقل فرموده‌اند). و می‌فرمایند، "فوالله انّی ما أخاف لنفسی بل لمن یأتی من بعدی بسلطان عزّ مکینا. فوالله فمن اعترض علیّ فسوف يعترض علیه". (آثار قلم اعلی، ج ۵، ص ۱۷۲) و می‌فرمایند، "قل یا قوم انّی لن أخاف من نفسی بل علی الّذی یأتی من بعدی فی يوم الّذی توقد فیہ النّار و تستضیء فیہ الأنوار" (آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۴۴)

¹¹³ مترجم: اشاره به بیان مبارک در صفحه ۴-۳ کتاب ایقان است که می‌فرمایند، "ناظر به ایام قبل شوید که چه قدر مردم از اعلی و ادانی که همیشه منتظر ظهورات احدیه در هیاکل قدسیّه بوده‌اند به قسمی که در جمیع اوقات و اوان مترصد و منتظر بودند و دعاها و تضرّع‌ها می‌نمودند که شاید نسیم رحمت الهیه به وزیدن آید و جمال موعود از سرادق غیب به عرصه ظهور قدم گذارد و چون ابواب عنایت مفتوح می‌گردید و غمام مکرمت مرتفع و شمس غیب از افق قدرت ظاهر می‌شد، جمیع تکذیب می‌نمودند و از لقای او که عین لقاءالله است احتراز می‌جستند... و احدی از مظاهر قدسیه و مطالع احدیه ظاهر نشد مگر آن که به اعتراض و انکار و احتجاج ناس مبتلا گشت"

¹¹⁴ مترجم: اشاره به بیان جمال ابهی است که می‌فرمایند، "چون ظهور قبلم حجّت این ظهور اقدس امنع ابهی را آیات قرار فرمود لذا از سماء مشیت آیات نازل فرمودیم و حجّت قرار دادیم برای کلّ من فی السموات و الأرض و تا این ظهور آیات

امکان ندارد که با عقول محدود خود تجسم نمایم که حجّت ظهور بعد چه خواهد بود و چگونه این ظهور واقع خواهد شد.

س - آیا به نظر شما امروزه تشکیلات می‌توانند برای تشویق یاران به قیام و مساعدت به امر مبارک از مفهوم "رقابت کردن" استفاده کنند؟

ج - البته، کاملاً. ما به اندازه کافی این کار را نمی‌کنیم. به نظر من حضرت ولی امرالله دقیقاً به همین علت برای خبرنگارهای ملی اهمیت قائل شدند تا محفل ملی بتواند احباء هر کشور را از انتصاراتی که سایرین توفیق کسب آن را می‌یابند آگاه سازد. این بخشی از این جریان رقابت است. بنابراین هرچه که این کار بیشتر انجام شود بهتر است.

س - چون من همکاری دارم که هیچ درک و برداشتی از خداوند ندارند، صحبتیم را با چه موضوعی شروع کنم - مقصودم این است که درک و فهم ما از خدا چیست؟ لطفاً، غیر از مواردی که در کتاب مفاوضات و انوار هدایت مشاهده می‌شود، مأخذی درباره مفهوم خداوند بدهید (سابقه همکاری من "فتی" است نه "اجتماعی").

ج - به نظر من بسیار حائز اهمیت است که بهائیان بتوانند وجود خداوند را اثبات نمایند. وقتی جوانی از حضرت ولی امرالله سؤال کرد جوان چه موضوعی را باید مطالعه کند، اول امری را که هیکل اطهر بدان اشاره فرمودند اطلاع از نحوه اثبات وجود خداوند بود. ثانی، نحوه اثبات بقای روح بود. سوم، نحوه اثبات نیاز به مظهر ظهور الهی و احتیاج به دین. چهارم معنای توالی ظهورات الهیه چیست.

کتاب مفاوضات مملو از ادله و براهین در این موضوع است. اما، کتاب دیگری هم وجود دارد که من قویاً به شما توصیه می‌کنم. این کتاب دارای حجج و براهینی است که تلخیص و طبقه‌بندی است. ایادی امرالله جناب جان فرابی آن را نوشته‌اند و عنوان آن *All Things Made New* است. کتاب بسیار جالبی است و یک بخش را به طور کامل به این موضوع اختصاص داده است.¹¹⁵

وحده حجّت بر کل بوده، چه که در کل کتب قبل این حکم را نازل فرمودیم ... و لکن از بعد امر به یدالله بوده تا چه را حجّت از برای مظاهر بعد قرار فرماید. فسوف يُنزلُ حکمَهُ فی الألواح و انا علی کلّ شیءٍ حاکمین ... چه که در این ظهور حق جلّ ذکره اراده فرمود که اکثری از مقبلین مخلصین به آیات تکلم نمایند لذا حجّت ظهور بعد را به امر دیگر مقدر خواهیم فرمود لئلاّ یتکبر کلّ من یأتی بالکلمات علی الله المقتدر العزیز القدیر ... (مائده آسمانی، ج ۴، ردیف ح، باب ۲)

¹¹⁵ مترجم: این کتاب توسط دکتر باهر فرقانی تحت عنوان "خلق بدیع و صنع جدید" به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

کتابشناسی

‘Abdu’l-Baha

- Selections from the Writings of ‘Abdu’l-Baha*. Compiled by the Research Department of the Universal House of Justice. Haifa: Baha’i World Centre, 1997.
- Some Answered Questions*. Collected and translated by Laura Clifford Barney. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1987.
- Baha’i Prayers*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, ed. 2002.
- The Baha’i World: An International Record*, vol. X, 1944-46; vol. XI, 1946-50; vol. XII, 1950-54. Wilmette: Baha’i Publishing Trust.

Baha’u’llah

- Gleanings from the Writings of Baha’u’llah*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1988.
- The Hidden Words of Baha’u’llah*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1985
- Kitab-i-Aqdas*. Haifa: Baha’i World Centre, 1992.
- Kitab-i-Iqan, The Book of Certitude*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 2nd ed. 1974
- Prayers and Meditations by Baha’u’llah*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1979.
- The Summons of the Lord of Hosts*. Baha’i World Centre, Haifa, 2002.

Balyuzi, Hasan M.

- ‘Abdu’l-Baha: The Centre of the Covenant*. Oxford: George Ronald, 1971

Compilation of Compilations: Prepared by the Universal House of Justice, 1963-1990. [Mona Vale, N.S.W.]: Baha’i Publications Australia, 1991.

Lights of Guidance: A Baha’i Reference File. Compiled by Helen Bassett Hornby. New Delhi: Baha’i Publishing Trust, 1994

The Ministry of Custodians, 1957-1963: An Account of the Stewardship of the Hands of the Cause. Haifa: Baha’i World Centre, 1992

Nabil-i-‘Azam

- The Dawn-Breakers: Nabil’s Narrative of the Early Days of the Baha’i Revelation*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1932

Shoghi Effendi

- The Advent of Divine Justice*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1990
- Baha’i Administration*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1998
- The Baha’i Faith, 1844-1952: Information Statistical and Comparative*; including supplement: *Ten Year International Baha’i Teaching and Consolidation Plan 1953-1963*
- Citadel of Faith*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1997
- God Passes By*. Wilmette: Baha’i Publishing Trust, 1974
- The Light of Divine Guidance*, vol. I, Hogheim-Langenhain: Baha’i Verlag GmbH, 1982.

Messages to America: Selected Letters and Cablegrams Addressed to the Baha'is of North America 1932-1946. Wilmette: Baha'i Publishing Committee, 1947

Messages to the Antipodes. Maryborough, Victoria, Australia: Australian Print Group, 1997

Messages to the Baha'i World 1950-1957. Wilmette: Baha'i Publishing Trust, 1971

Messages to Canada. Thornhill, Ontario: Baha'i Canada Publications, 1999

Messages to the Indian Subcontinent, New Delhi: Baha'i Publishing Trust, 1995

This Decisive Hour. Wilmette: Baha'i Publishing Trust, 2002

Unfolding Destiny of the British Baha'i Community. London: Baha'i Publishing Trust, 1981

The World Order of Baha'u'llah. Wilmette: Baha'i Publishing Trust, 1991

Rabbani, Ruhyyih

The Priceless Pearl. Welwyn Garden City: Broadwater Press, 1969

Star of the West, vol. XII, issue 12, 16 October 1921, p. 194

The Universal House of Justice

Messages from the Universal House of Justice, 1963-1986, Wilmette: Baha'i Publishing Trust, 1996